



الگوها و نحوه فعالیت سازمانهای مدیریت جمعی

کپی رایت و حقوق مرتبط

این طرح مطالعاتی به سفارش اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران و با نظارت معاونت بررسیهای اقتصادی اتاق انجام شده است.

مجری طرح: شیما پورمحمدی

خرداد ۱۴۰۰

فهرست مطالب

بخش اول - بررسی وضعیت مدیریت جمعی کپی رایت و حقوق مرتبط در دنیا و کشور ایران	۱
مقدمه	۱
الف) پیشینه تاریخی	۳
ب) مفهوم مدیریت جمعی	۹
ج) ضرورت مدیریت جمعی حق مؤلف و حقوق مرتبط	۱۱
د) ماهیت روابط حقوقی در سازمان‌های مدیریت جمعی	۱۶
هـ) انواع مجوزها در سازمان مدیریت جمعی	۲۰
و) ساختار و سازوکار اجرایی سازمان‌های مدیریت جمعی	۲۲
۱) نقش اداره کپی رایت	۲۳
۲) فرم سازمانی	۲۴
۳) محدوده عملکرد	۲۶
۴) ارکان سازمان مدیریت جمعی	۲۷
۵) امور مالی در سازمان‌های مدیریت جمعی	۳۳
ز) رابطه سازمان‌های مدیریت جمعی با یکدیگر	۴۲
ح) انواع سازمان‌های مدیریت جمعی در دنیا	۴۴
ط) نظارت بر سازمان‌های مدیریت جمعی	۵۴
ی) سازمان‌های مدیریت جمعی در ایران	۵۹
نتیجه و جمع‌بندی	۶۳
بخش دوم - نمونه‌های سازمان‌های مدیریت جمعی و الگوهای عملکردی آنها	۶۵
مقدمه	۶۵
فصل اول) مدیریت جمعی حقوق در آثار موسیقایی	۶۸
الف) سهم بازار و اقتصاد	۶۸
ب) مدیریت حقوق در آثار موسیقایی	۷۱
ج) دینفغان	۷۳

- د) انواع سازمان‌های مدیریت جمعی در زمینه آثار موسیقایی ۷۵
- ۱) سازمان حق اجرای آثار موسیقایی ۷۵
- ۲) سازمان مدیریت جمعی اجرای عمومی ۷۸
- ۳) سازمان مدیریت جمعی برای تولیدکنندگان آثار صوتی (فونوگرام) ۷۹
- ۴) سازمان مدیریت جمعی تکثیر مکانیکی ۸۰
- ۵) سازمان مدیریت جمعی مشترک بین اجراکنندگان و تولیدکنندگان فونوگرام ۸۱
- ۶) سازمان مدیریت جمعی چندمنظوره ۸۲
- ه) نمونه موفق سازمان مدیریت جمعی در زمینه موسیقی ۸۴
- فصل دوم) مدیریت جمعی حقوق در آثار نمایشی ۸۸
- الف) سهم بازار و اقتصاد ۹۱
- ب) مدیریت حقوق در آثار نمایشی ۹۲
- ج) ذینفعان در آثار نمایشی ۹۳
- د) انواع سازمان‌های مدیریت جمعی در زمینه آثار نمایشی ۹۵
- ۱) سازمان نویسندگان نمایشی و سمعی و بصری ۹۶
- ۲) سازمان نویسندگان نمایشی، ادبی و تجسمی ۹۷
- ۳) آثار نمایشی، ادبی، سمعی و بصری و آثار هنری تجسمی با هم ۹۷
- ۴) سازمان‌های چندمنظوره: ۹۸
- ه) نمونه موفق سازمان مدیریت جمعی در زمینه آثار نمایشی ۹۸
- فصل سوم) مدیریت جمعی حقوق در چاپ و نشر ۱۰۰
- الف) سهم بازار و اقتصاد ۱۰۱
- ب) مدیریت حقوق در چاپ و نشر ۱۰۲
- ج) ذینفعان حقوق در چاپ و نشر ۱۰۳
- د) انواع سازمان‌های مدیریت جمعی مربوط به آثار مبتنی بر متن و تصویر ۱۰۵
- ۱) مجوز داوطلبانه جمعی ۱۰۶
- ۲) صدور مجوز جمعی با حمایت قانون‌گذاری ۱۰۸
- ۳- مدیریت جمعی غیر داوطلبانه ۱۱۱

ه)	نمونه موفق سازمان‌های مدیریت جمعی در زمینه آثار مبتنی بر متن و تصویر	۱۱۴
	فصل چهارم) مدیریت جمعی حقوق در آثار صوتی تصویری	۱۱۶
الف)	سهم بازار و اقتصاد	۱۱۷
ب)	مدیریت حقوق در آثار صوتی تصویری	۱۱۹
ج)	دینفعان در آثار صوتی تصویری	۱۲۲
۱)	مؤلفان آثار صوتی تصویری	۱۲۲
۲)	اجراکنندگان	۱۲۳
۳)	تولیدکنندگان	۱۲۵
د)	انواع سازمان‌های مدیریت جمعی در زمینه آثار صوتی تصویری	۱۲۶
۱)	سازمان مؤلفان آثار صوتی تصویری	۱۲۶
۲)	سازمان‌های اجراکنندگان صوتی تصویری	۱۲۹
۳)	سازمان‌های تولیدکنندگان صوتی تصویری	۱۳۱
ه)	نمونه‌های موفق سازمان‌های مدیریت جمعی در زمینه آثار صوتی تصویری	۱۳۳
	فصل پنجم) مدیریت جمعی حقوق برای هنرهای تجسمی و عکاسی	۱۳۶
الف)	سهم بازار و اقتصاد	۱۳۸
ب)	مدیریت حقوق برای هنرهای تجسمی و عکاسی	۱۳۹
ج)	دینفعان	۱۴۲
د)	انواع سازمان‌های مدیریت جمعی در زمینه هنرهای تجسمی و عکاسی	۱۴۳
۱)	سازمان‌های مدیریت جمعی تخصصی	۱۴۴
۲)	سازمان مدیریت جمعی چندمنظوره	۱۴۶
۳)	همکاری با سازمان‌های حقوق تکثیر در رابطه با حق تکثیر	۱۴۷
ه)	نمونه‌های موفق سازمان مدیریت جمعی هنرهای تجسمی و عکاسی	۱۴۸
	فصل ششم) ساختار و سازوکار نمونه‌های موفق جهانی	۱۵۱
	بخش سوم - بومی‌سازی و ارائه راهکارهای عملیاتی برای ایجاد سازمان مدیریت جمعی در ایران	۱۷۱
	فصل اول) مجموعه رویه‌ها، قوانین و مقررات مناسب در خصوص سازمان‌های مدیریت جمعی	۱۷۱
	مقدمه	۱۷۲

- ۱) ارائه اطلاعات در مورد سازمان مدیریت جمعی و عملکرد آن ۱۷۴
- ۱-۱) نقش سازمان مدیریت جمعی و عملکردهای اصلی آن ۱۷۴
- ۱-۲) اطلاع‌رسانی به عموم ۱۸۲
- ۲) عضویت (اطلاعات، الحاق و انصراف) ۱۹۲
- ۲-۱) قبل از عضویت در سازمان مدیریت جمعی ۱۹۲
- ۲-۲) پذیرش اعضا ۱۹۷
- ۲-۳) عدم تبعیض بین صاحبان حق ۲۰۰
- ۲-۴) محدوده مدیریت حقوق (اختیارات/ عضویت) ۲۰۴
- ۲-۵) پایان دادن به ماموریت / عضویت ۲۰۸
- ۳) حقوق اعضا برای برخورد عادلانه؛ موقعیت آنها در سازمان مدیریت جمعی ۲۱۰
- ۳-۱) حقوق اعضا برای برخورد عادلانه ۲۱۰
- ۳-۲) حقوق اعضا در نهادهای نمایندگی ۲۱۲
- ۴) موضوعات خاص مربوط به روابط سازمان مدیریت جمعی و عضو ۲۱۷
- ۴-۱) ارائه اطلاعات مالی و اداری به اعضا ۲۱۷
- ۴-۲) اطلاع‌رسانی درباره تغییرات در اساسنامه سازمان مدیریت جمعی و سایر قوانین مربوطه ۲۲۴
- ۴-۳) اطلاعات تماس سازمان مدیریت جمعی ۲۲۵
- ۵) رابطه بین سازمان‌های مدیریت جمعی ۲۲۶
- ۶) رابطه بین سازمان مدیریت جمعی و کاربر ۲۳۲
- ۶-۱) اطلاعات سازمان مدیریت جمعی به کاربران ۲۳۲
- ۶-۲) اصول حاکم بر صدور مجوز برای کاربران ۲۳۷
- ۶-۳) قوانین تعیین تعرفه‌ها ۲۴۰
- ۷) حکمرانی ۲۴۸
- ۷-۱) مجمع عمومی ۲۴۸
- ۷-۲) نظارت داخلی ۲۵۲
- ۷-۳) پرهیز از تعارض منافع ۲۵۸
- ۸) اداره مالی، توزیع درآمد و کسورات ۲۶۳

۲۶۳	۸-۱) تقسیم حساب‌ها
۲۶۵	۸-۲) گزارش سالانه
۲۶۹	۸-۳) سیاست‌های توزیع
۲۷۶	۸-۴) کسر درآمد (امور اجتماعی، فرهنگی، آموزشی و...)
۲۸۱	۹) پردازش داده‌های اعضا و کاربران
۲۸۴	۱۰) توسعه مهارت و آگاهی کارکنان
۲۸۵	۱۱) رسیدگی به شکایات و حل اختلاف
۲۸۹	۱۲) نظارت بر سازمان‌های مدیریت جمعی
۲۹۸	فصل دوم) پیش‌نویس قانون مدیریت جمعی حق مؤلف و حقوق مرتبط
۲۹۹	۱) تعاریف
۳۰۲	۲) وظایف و عملکرد سازمان مدیریت جمعی
۳۰۳	۳) ارائه اطلاعات در مورد سازمان مدیریت جمعی
۳۰۶	۴) عضویت در سازمان مدیریت جمعی
۳۰۹	۵) اطلاع‌رسانی درباره مسائل مالی
۳۱۰	۶) رابطه سازمان‌های مدیریت جمعی با یکدیگر
۳۱۱	۷) رابطه سازمان مدیریت جمعی با کاربران
۳۱۴	۸) ارکان سازمان مدیریت جمعی
۳۲۰	۹) اداره مالی، توزیع درآمد و کسورات
۳۲۴	۱۰) پردازش اطلاعات مربوط به اعضا و کاربران
۳۲۵	۱۱) توسعه مهارت و آگاهی کارکنان
۳۲۶	۱۲) رسیدگی به شکایات و حل و فصل اختلافات
	فصل سوم) بررسی امکان تأسیس سازمان مدیریت جمعی در ایران با استفاده از سازوکارهای فعلی موجود در
۳۲۷	کشور
۳۲۷	حوزه قضایی
۳۲۸	ساختار سازمان مدیریت جمعی
۳۳۰	استفاده از انجمن‌ها و نهادهای موجود فرهنگی

- ۳۳۴..... علت عدم تحقق این موضوع
- ۳۳۷..... جمع‌بندی و نتیجه‌گیری
- ۳۴۱..... ضمیمه ۱) نرم‌افزارهایی برای مدیریت جمعی کپی‌رایت و حقوق مرتبط
- ۳۳۳..... ضمیمه ۲) سازمان‌های مدیریت جمعی در انگلستان
- ۳۴۱..... ضمیمه ۳) ماده واحده پیشنهادی

فصل اول - بررسی وضعیت مدیریت جمعی کپی رایت و حقوق مرتبط در دنیا و

کشور ایران

مقدمه

مدیریت و اجرای صحیح حق مؤلف و حقوق مرتبط تأثیر بسزایی در رشد و موفقیت صنایع فرهنگی و هنری کشورها دارد. رشد روزافزون فناوری‌های نوین ارتباطی موجب تسهیل استفاده‌های مجاز و غیرمجاز از آثار ادبی و هنری گردیده است و صاحبان آثار، دیگر به تنهایی قادر به کنترل استفاده‌های مجاز یا غیرمجاز از آثارشان نیستند.

مدیریت جمعی، حق مؤلف و حقوق مرتبط نظامی است که به موجب آن پدیدآورندگان و صاحبان آثار به یک سازمان مدیریت جمعی اجازه اداره و اجرای حقوقشان از جمله نظارت بر استفاده از آثار، مذاکره با استفاده کنندگان، اعطای مجوز استفاده و جمع‌آوری و تقسیم درآمد را می‌دهند. سازمان مدیریت جمعی به عنوان واسطه‌ای میان صاحبان آثار و مصرف‌کنندگان عمل کرده، از یک طرف موجب اجرای مؤثر حقوق صاحبان آثار شده و از طرف دیگر امکان دسترسی آسان و منصفانه استفاده‌کنندگان به آثار را فراهم می‌کند.

نتایج بررسی‌ها در کشورهای مختلف، اهمیت صنایع مرتبط با کپی‌رایت را در عملکرد اقتصادی تأیید می‌کند. صنایع کپی‌رایت در چرخه اقتصادی حضور فعال دارند و در بسیاری از کشورها، نقش مهمی نسبت به برخی از

صنایع سنتی دارند. عملکرد صنایع خلاق توسط دولت‌ها (آزادی اقتصادی)، سیستم حقوقی (حقوق مالکیت فکری) و محیط کسب و کار (رقابت، نوآوری) تقویت می‌شود.

بر اساس سند بررسی اجمالی مطالعات وایپو در زمینه مشارکت اقتصادی در صنایع کپی‌رایت که حاصل مطالعات انجام شده در ۳۰ کشور است^۱، سهم اقتصادی صنایع فرهنگی در ثروت اقتصادی یک کشور قابل توجه است. نظرسنجی‌های انجام شده در کشورهای متعدد نشان می‌دهد که ارزش صنایع فرهنگی به طور متوسط ۵/۴٪ از تولید ناخالص داخلی (GDP) است به طور خلاصه:

"کپی‌رایت + خلاقیت = شغل و رشد اقتصادی".

امروزه یکی از مشخصه‌های وجود نظام حقوق مالکیت ادبی هنری مدرن در دنیا وجود سازمان‌های مدیریت جمعی جهت حمایت از حقوق صاحبان حق، اجرای حقوق و جلوگیری از نقض آنها می‌باشد. در حال حاضر کشورهای در حال توسعه با فشارهای بین‌المللی جهت حمایت از حق مؤلف روبرو هستند. وجود سیستم مدیریت جمعی حق مؤلف و حقوق مرتبط در یک کشور ثابت می‌کند که آن کشور به طور مؤثری مدافع حق مؤلف و حقوق مرتبط است.

متأسفانه با آنکه از تأسیس اولین سازمان‌های مدیریت جمعی در دنیا سال‌ها می‌گذرد و این نوع مدیریت حقوق مدتهاست که جایگاه خود را به خوبی در قوانین حق مؤلف بسیاری از کشورها باز کرده است، همچنان در کشور ما مغفول مانده است.

با توجه به تقاضای عضویت کشور در سازمان جهانی تجارت، لازم است شرایط داخلی خود را در رابطه با صنایع فرهنگی بهبود بخشیده و ارتقا دهیم تا قابلیت رقابت با آثار خارجی را داشته باشیم. ورود نظام مدیریت جمعی در حقوق ایران می‌تواند تا حدود زیادی وجهه بین‌المللی کشور را در رابطه با حمایت از حقوق مالکیت ادبی

^۱ WIPO Studies on the Economic Contribution of the Copyright Industries. 2014

هنری بالا ببرد. به علاوه موجب ارتقای سطح حمایت از حق مؤلف و حقوق مرتبط و حرفه‌ای شدن تجارت در این زمینه‌ها گردد و بدینوسیله موقعیت صاحبان حقوق همچون نویسندگان، هنرمندان، آهنگسازان، خوانندگان و... را بهبود بخشد، چراکه این افراد اغلب از وضعیت معامله و چانه‌زنی پایینی در مقابل استفاده‌کنندگان آثار که معمولاً سازمان‌ها و مراکز بزرگ دولتی و غیردولتی برخوردارند. سازمان مدیریت جمعی به نمایندگی از اعضای خود به مذاکره می‌پردازد و مانع از استفاده‌های غیرمنصفانه و نقض حقوق این افراد در داخل و خارج کشور می‌شود.

با توجه به آنچه گفته شد لزوم انجام پژوهشی منسجم جهت ایجاد زمینه لازم برای تأسیس سازمان‌های مدیریت جمعی احساس می‌شود. در این طرح مطالعاتی با بررسی نمونه‌های موفق دنیا در این زمینه و همچنین تجربیات مجری طرح طی سال‌ها فعالیت در این حوزه سعی بر آن است تا زمینه‌های لازم جهت تأسیس این سازمان‌ها، شناسایی و نسخه‌ای برای ایران تجویز گردد.

لازم به ذکر است در این طرح مطالعاتی، حق مؤلف و کپی‌رایت در معنای یکسانی به کار رفته‌اند. منظور از حقوق مرتبط، حقوق اجراکنندگان (هنرمندان مجری)، تولیدکنندگان فونوگرام و سازمان‌های پخش رادیو تلویزیونی است.

الف) پیشینه تاریخی

نخستین سازمان‌های مدیریت جمعی حق مؤلف و حقوق مرتبط در فرانسه به وجود آمدند. فرانسه همواره مهد هنر و موسیقی، مخصوصاً هنرهای نمایشی همچون تئاتر، اپرا، باله و کنسرت‌های بزرگ موسیقی بوده است. زمزمه مدیریت جمعی حقوق به قرن هجدهم برمی‌گردد. زمانی که مالکان سالن‌های تئاتر و موسیقی با سوء استفاده از موقعیت مالی و اجتماعی خود، حقوق هنرمندان و صاحبان آثار را نادیده گرفته و آثار متعلق به آنان را بدون اجازه آنها و بدون پرداخت هیچ حق تالیفی به اجرا درآورده و سود سرشاری نصیب خود می‌کردند.

ایده مدیریت جمعی حقوق را به پیرآگوستین بومارشه^۲ نسبت می‌دهند. او یک نمایشنامه‌نویس مبتکر فرانسوی بود که از نقض حقوق آثارش توسط مالکان تئاتر رنج می‌برد، لذا در سال ۱۷۷۷ نظامنامه عمومی‌نمایش را در پاریس تدوین کرد. هدف وی اقدام حقوقی علیه مالکان تئاترها بود که آثار نویسندگان را بدون اجازه آنها اجرا کرده و سود کلانی به دست می‌آوردند بدون اینکه به نویسنده اثر، حقوقی بپردازند یا حداقل حقوق معنوی وی را رعایت کنند. ملاقات ۲۲ نفر از نویسندگان معروف درباره موضوعات مالی این نظامنامه، موجب بحث روی مدیریت جمعی حقوق و پایه‌ریزی سازمان‌های مدیریت جمعی به معنای امروزی گردید^۳. این ملاقات موجب تشکیل یک هیأت (دفتر قانون‌گذاری نمایش)^۴ شد که بعدها انجمن مؤلفان و مصنفان آثار نمایشی (ساسد)^۵ را تشکیل داد که هنوز هم کار می‌کند. در ابتدای امر هدف به دست آوردن حداقل حمایت برای حقوق مادی بود اما پس از مدتی حمایت از حقوق معنوی نیز به میان آمد. در سال ۱۸۳۸ انجمن ادبا و نویسندگان^۶ توسط نویسندگان سرشناس و مشهور آن زمان چون ویکتور هوگو^۷، الکساندر دوما^۸ و بالزاک^۹ تأسیس شد که اداره این انجمن به وسیله عایدات حاصل از چاپ آثار ادبی تأمین می‌گردید.

نخستین انجمن مؤلفان، مصنفان و ناشران موسیقی (ساسم)^{۱۰} بود که در نتیجه مستقیم تصمیم دادگاه به وجود آمد، وقتی که دو آهنگساز به اسم پاول هنریون^{۱۱} و ویکتور پریزوت^{۱۲} و یک شاعر به اسم ارنست بورگت^{۱۳} هم با

^۲ Pierre-Augustine Caron de Beaumarchais

^۳ Gunner, P. (2002). The composers Right, Schenck Linda, Bokporlaget, Atlantis, Stockholm.70, 105.

^۴ Bureau de legislation dramatique

^۵ SACD: society of authors and composers dramatic

^۶ La Societe des Gens de letters (SGDL)

^۷ Victor Hugo

^۸ Alexandre Dumas

^۹ Balzac

^{۱۰} SASEM: society of authors, composers and music publishers

^{۱۱} Paul Henrion

^{۱۲} Victor Parizot

^{۱۳} Ernest Bourget

مشکل بومارشه در اجرای آثار خود مواجه شدند. آثار آنها در کافه‌ای به نام سفیران (لزامباداسور)^{۱۴} در خیابان شانزه لیزه پاریس اجرا می‌شد و در ازای آن از مشتریان پول بیشتری دریافت می‌شد که بین اجراکنندگان و صاحب کافه تقسیم می‌گردید، بدون آنکه حتی نامی از آهنگسازان و شاعر برده شود.

مالک کافه در مقابل اعتراض بورگت معتقد بود که اجرای آثار وی برای همگان آزاد است. بورگت در سال ۱۷۳۰ همزمان با انقلاب فرانسه به اقامه دعوا پرداخت و ادعا کرد پدیدآورندگان آثار باید حق کنترل اجرای آثار خود را داشته باشند. او در آن زمان نتوانست در دعوا، حکمی به نفع خود به دست آورد. پس از تغییر فضای اجتماعی سیاسی فرانسه و همزمان با انتخاب آلفون دولامارتین^{۱۵} و ویکتور هوگو، دو نفر از برجسته‌ترین شعرا و بزرگان ادبیات فرانسه و جهان به عنوان نمایندگان مجلس ملی جدید، که هر دو عمیقاً به آزادی، حقوق مدنی و تشویق خلاقیت و انگیزه هنرمندان معتقد بودند، بورگت مجدداً اقامه دعوا کرد و سرانجام در سال ۱۹۳۴ برنده این پرونده شد. از آن به بعد این سه نفر با هم متحد شدند تا بتوانند بهتر بر اجرای آثار خود نظارت کنند. این پرونده موجب شد حقوق مؤلفان دچار تغییرات اساسی شود.^{۱۶}

قبل از تشکیل سازمان‌های مدیریت جمعی مؤلفان برای اجرای آثارشان توسط دیگران، به صورت شخصی مجوز می‌دادند اما از اواسط قرن نوزدهم این کار غیرعملی شده بود، چراکه برای یک مؤلف دانستن این که کی و کجا یکی از آثارش اجرا شده است، غیرممکن شده بود. بروز مشکلاتی از این دست برای هنرمندان فرانسوی، موجب شد در سال ۱۹۵۰ یک گروه موسیقی ۱۹ نفره از آهنگسازان و خوانندگان نخستین سازمان مدیریت جمعی به نام ساسم را تأسیس کنند. ساسم نخستین سازمان مؤلفان، مصنفان و ناشران موسیقی بود که به منظور دفاع از

^{۱۴} Les Ambassadeurs

^{۱۵} Alphonse de Lamartine

^{۱۶} Ficsor, Mihaly, collective management of copyright and related rights. WIPO publication. 2002, p.18,19.

حقوق عمومی همه آهنگسازان و ترانه‌سرایان، با یا بدون فعالیت مشترک با ناشرانشان و در رابطه با مالکان مکان‌های عمومی که آثار ادبی و موسیقایی آنها را اجرا می‌کنند، تشکیل شد.^{۱۷}

در اواسط قرن بیستم، جوامع مشابهی که اغلب به آنها جوامع حقوق اجراکنندگان گفته می‌شد، در بسیاری از کشورهای اروپایی و برخی کشورهای دیگر اطراف دنیا شکل گرفتند.

به طور کلی پیشرفت سازمان‌های مدیریت جمعی طی چهار مرحله صورت گرفت:^{۱۸}

مرحله نخست از دهه ۱۷۰۰ از اتحاد هنرمندان و نویسندگان و آهنگسازان در فرانسه آغاز گردید، چراکه دیگر برای آنها غیرممکن و غیرعملی بود که بر اجرای آثارشان کنترل کنند. نخستین سازمان مدیریت جمعی تحت عنوان ساسد به منظور حمایت از حقوق مؤلفان تأسیس شد و پس از آن طی قرن ۱۹ و ۲۰ بسیاری از کشورهای توسعه یافته صنعتی دارای سازمان‌های مدیریت جمعی در رابطه با حقوق مؤلفان بودند که از جمله آنها پی‌اس‌ا^{۱۹} در انگلستان، جما^{۲۰} در آلمان و سیائ^{۲۱} در ایتالیا بود.

مرحله دوم ارتباط بین سازمان‌های مدیریت جمعی کشورها و ایجاد موافقت‌نامه‌های دوجانبه بین آنها بود. در سال ۱۹۲۶ نمایندگان از ۱۸ سازمان مدیریت جمعی با یکدیگر جمع شده و یک چتر سازمانی تحت نام سیزاک یعنی کنفدراسیون بین‌المللی انجمن‌های مؤلفان و آهنگسازان تشکیل دادند که در حال حاضر نقش بزرگی در مدیریت بین‌المللی و جمعی حقوق ناشران و مؤلفان بازی می‌کند.^{۲۲}

برخی از کشورهایی که از طریق سازمان‌های مدیریت جمعی خود در شکل‌گیری سیزاک از سال ۱۹۲۶ تا ۱۹۵۰ شرکت داشتند عبارتند از:

^{۱۷} Gunner, P. ibid. p.105.

^{۱۸} Sterling, JAL. (1998). World Copyright Law. London, Sweet & Maxwell. 407.

^{۱۹} PRS: The Performing Right Society limited

^{۲۰} GEMA: Musical Performing and Mechanical

^{۲۱} SIAE: Italian society of authors and publishers

^{۲۲} Stopps, D. (2008). How to Make Life from Music. Wipo publication. 59. 61.63.

فرانسه (SACD, SGDL, SACE)، آلمان (GEMA)، مجارستان (ARTISJUS)، لهستان (ZAIKS)، جمهوری چک (OSA)، فنلاند (TEOSTO)، انگلستان (PRS)، بلژیک (Sabam)، نروژ (TONO)، ایتالیا (SIAE)، اسپانیا (SGAE)، هلند (BUMA - STEMRA)، سوئیس (SUISA)، پرتغال (SPA)، یونان (AEPI)، اروگوئه (AGADU)، اتریش (AKM)، آرژانتین (SADAIC)، سوئد (STIM)، اسرائیل (ACUM)، ایسلند (STEF)،

برخی از سازمان‌های تشکیل دهنده سیزاک تغییر کرده یا دیگر عضو سیزاک نیستند.^{۲۳}

این سازمان با وجود قوانین حرفه‌ای و نظارت مستمر بر اعضای خود، موجب تقویت حمایت از آهنگسازان، ناشران و سایر سازمان‌های مدیریت جمعی عضو خود شده است، لذا گرچه عضویت در سیزاک برای سازمان‌های مدیریت جمعی الزامی نیست اما برای سازمان‌های مدیریت جمعی سرتاسر دنیا، عضویت در سیزاک یک امتیاز محسوب می‌شود چرا موجب تقویت وجهه آنها در سطح بین‌المللی شده، در شرایط بهتری می‌توانند با سایر سازمان‌های مدیریت جمعی، قرارداد نمایندگی متقابل منعقد کنند.^{۲۴} (در گزارش دوم بیشتر به سیزاک T قواعد و روابط آن می‌پردازیم).

مرحله سوم، پیشرفت سازمان‌های مدیریت جمعی برای اداره حقوق اشخاصی غیر از مؤلفان بود. تا آن زمان فعالیت سازمان‌های مدیریت جمعی بیشتر در رابطه با حقوق مؤلفان بود، ولی از این زمان یعنی دهه ۱۳۹۰ یکسری سازمان‌های مدیریت جمعی برای حمایت از ذینفعان حقوق مرتبط یعنی تولیدکنندگان آثار صوتی و اجراکنندگان به وجود آمد که به آنها انجمن‌های وصول‌کننده نیز گفته می‌شود. این انجمن‌ها به حمایت از حقوق پدیدآورندگان آثار سینمایی، صوتی و تصویری مستقل از مؤلفان می‌پردازند.

^{۲۳} Steve McClure. "CISAC Revamps: Rights Body Streamlines Exec Structure." Billboard. October 30, 2004. 61

^{۲۴} Educational Material on Collective Management of Copyright and Related Rights. Module 2: Management of copyright and related rights in the field of music. Tarja Koskinen-Olsson. Nicholas Lowe. August 30, 2012. WIPO. p.46

مرحله چهارم با پیشرفت و توسعه وسایل و ابزارهای فنی جدید و استفاده‌های جدید از آثار به دلیل توسعه وسایل تکنولوژیکی آغاز شد. در این مرحله بیشتر کشورها قوانینی را به تصویب رساندند که بر این وسایل و ابزار مالیات تعلق گیرد و این مالیات‌ها به صاحبان آثار و اجراکنندگان تعلق گیرد. سازمان بین‌المللی حق تکثیر، ایفرو^{۲۵}، سازمانی است که این مالیات‌ها را بین اعضای خود تقسیم می‌کند. (توضیحات مفصل درخصوص ایفرو در گزارش دوم ارائه می‌شود).

تاریخ مختصر سازمان‌های مدیریت جمعی به صورت زیر است^{۲۶}:

۱۷۱۰- نخستین قانون کپی‌رایت در دنیا، قانون ملکه آن^{۲۷} در انگلستان تصویب شد.

۱۸۴۷- ارنست بورگت پرونده کپی‌رایت رستوران آمباسادور در فرانسه را برنده شد.

۱۸۵۱- ساسم^{۲۸} در فرانسه به عنوان نخستین سازمان مدیریت جمعی مؤلفان در جهان شکل گرفت.

۱۸۸۶- کنوانسیون برن^{۲۹}، نخستین معاهده بین‌المللی کپی‌رایت برای حمایت از کپی‌رایت در آثار مؤلفان به تصویب رسید.

۱۹۲۶- سیزاک^{۳۰} به عنوان سازمان چتر بین‌المللی برای سازمان‌های حق اجرای مؤلفان^{۳۱} شکل گرفت.

۱۹۲۹- بیم^{۳۲} به عنوان سازمان چتر بین‌المللی برای سازمان‌های حق مکانیکی مؤلفان^{۳۳} شکل گرفت.

^{۲۵} IFRRO: International Federation of Reproduction Right Organization

^{۲۶} Stopps, D. (2014). How to Make Life from Music. Wipo publication.

^{۲۷} The Statute of Anne, also known as the Copyright Act 1710

^{۲۸} SASEM: society of authors, composers and music publishers

^{۲۹} Berne Convention for the Protection of Literary and Artistic Works

^{۳۰} CISAC: International Confederation of Societies of Authors and Composers

^{۳۱} حق اجرا: شامل اجراهای عمومی، حق پخش رادیویی، حق ارائه به عموم با سایر ابزارها

^{۳۲} Bureau International de l'Edition Mécanique (BIEM)

^{۳۳} حق مکانیکی: تولید انبوه نسخه‌های مشابه متن با استفاده از ابزارهای تکنولوژیکی (به عنوان مثال چاپ، لیتوگرافی، عکس و..)

۱۹۶۱- کنوانسیون رم^{۳۴}، نخستین معاهده بین‌المللی برای اجراکنندگان، تولیدکنندگان فونوگرام و پخش کنندگان رادیو تلویزیونی به تصویب رسید.

۱۹۷۰- سازمان جهانی مالکیت فکری (وایپو)^{۳۵} شکل گرفت.

۱۹۹۰- سازمان مدیریت جمعی مؤلفان اروپایی (جساک)^{۳۶} شکل گرفت.

۲۰۰۱- اسکاپر^{۳۷} به عنوان سازمان چتر بین‌المللی برای سازمان‌های مدیریت جمعی حقوق مرتبط اجراکنندگان شکل گرفت.

نکته قابل توجه در این تاریخچه مختصر، قدمت تشکیل سازمان‌های مدیریت جمعی است که قبل از تصویب معاهدات مهمی همچون کنوانسیون برن و رم و قبل از شکل‌گیری سازمان جهانی مالکیت فکری (وایپو) است.

ب) مفهوم مدیریت جمعی

عملاً موارد زیادی وجود دارد که مدیریت شخصی حقوق غیر ممکن است. برای حل مشکلات و چالش‌های فراوری صاحبان آثار ادبی و هنری و مصرف‌کنندگان لازم است مجموعه‌هایی مانند یک واسطه وارد عمل شوند. مدیریت جمعی، نظامی است که بر اساس آن مالکان حقوق به یک سازمان مدیریت جمعی اجازه می‌دهند حقوقشان را اداره نمایند، یعنی بر استفاده از آثارشان نظارت کنند، با استفاده‌کنندگان احتمالی مذاکره کنند، به آنها تحت شرایط مناسب مجوز دهند و پول دریافت کنند و در نهایت مبالغ وصول شده را در میان اعضا تقسیم کنند.

^{۳۴} Rome Convention for the Protection of Performers, Producers of Phonograms and Broadcasting Organizations

^{۳۵} WIPO

^{۳۶} GESAC

^{۳۷} SCAPR

سازمان جهانی مالکیت فکری در تعریف مدیریت جمعی آورده است^{۳۸}: مدیریت جمعی عبارت از اجرای حق مؤلف و حقوق مرتبط توسط سازمان‌هایی است که به نفع و از طرف مالکان حقوق عمل می‌کنند، اما اگر بخواهیم تعریف کاملتری از سازمان مدیریت جمعی ارائه دهیم باید گفت سازمانی است که دارای تشکیلات خاص برای وصول و توزیع حق‌الامتیازهایی است که مصرف‌کنندگان در قبال استفاده از آثار اعضایش می‌پردازند. هدف سازمان ارتقای منافع مادی و معنوی اعضایش می‌باشد و حداقل یکی از موارد اعطای مجوز، وصول و توزیع حق‌الامتیاز را به صورت جمعی انجام می‌دهد^{۳۹}.

مدیریت جمعی حقوق یک ابزار ضروری برای اجرای مؤثر حقوق است. معمولاً صاحبان حق مؤلف یا حقوق مرتبط از موقعیت معامله، مذاکره و چانه‌زنی پایینی برخوردارند و فاقد قدرت نظارت و کنترل بر کل جامعه‌اند. وجود سازمان‌های مدیریت جمعی به عنوان نماینده‌ای قدرتمند که از جانب آنها به اجرای حقوقشان بپردازد، آثار آنها را با قیمت مناسب مورد دادوستد قرار دهد و منافع حاصله را جمع‌آوری کند و تقسیم نماید، در تضمین حقوق مزبور بسیار مؤثر خواهد بود. امروزه در بسیاری از کشورهای دنیا این امر به سازمان‌های مذکور محول شده که به نمایندگی از صاحبان حق به اجرای حقوق آنان می‌پردازند و به نظر می‌رسد که این بهترین راه اجرا و کنترل حقوق این افراد باشد.^{۴۰}

در برخی از تعاریف ارائه شده به تفصیل به اهداف و عملکردهای سازمان‌های مدیریت جمعی اشاره شده که با توجه به تنوع چنین سازمان‌هایی و تغییر کارکردها و اهداف آنها در هر مدل سازمانی، بهتر است به این امور در تعاریف اشاره نگردد.

در قانون ۱۹۸۸ انگلیس از عنوان "نهاد اعطای مجوز" برای این‌گونه از سازمان‌ها استفاده شده و این طور تعریف شده است: نهاد اعطای مجوز به معنای انجمن یا سایر سازمان‌هایی است که به عنوان هدف اصلی یا یکی از

^{۳۸} WIPO. (2020). Collective Management of Copyright and Related Right

^{۳۹} میرزایی، م-ع. شیروی، ع-ح. (۱۹۹۶ ش.). مدیریت جمعی حق مؤلف و حقوق مرتبط. فصلنامه تخصصی فقه و حقوق شماره سیزدهم، صص ۷۶-۱۵۳

^{۴۰} WIPO. (2020). Collective Management of Copyright and Related Right

اهداف اصلی سازمان، وظیفه مذاکره یا اعطای مجوز کپی‌رایت را خواه به عنوان دارنده یا مالک احتمالی حق یا به عنوان نماینده وی برعهده دارند و موضوع چنین قراردادهایی دربرگیرنده آثار بیش از یک صاحب اثر است و مجوز بهره‌برداری از کپی‌رایت در جهت انجام یا ارائه اجازه انجام هر یک از اعمالی است که توسط مقررات محدود و انحصاری گردیده است.^{۴۱}

در رابطه با این موضوع، از عبارات مختلفی همچون انجمن‌های جمع‌آوری، سازمان نماینده حقوق، سازمان‌های مدیریت جمعی، نهاد اعطای مجوز یا انجمن اعطای مجوز و... استفاده می‌گردد. اداره جمعی نیز واژه عامی است که اقسام مختلف مدیریت حقوق از جمله سازمان‌های سنتی، مراکز تسویه حقوق، ائتلاف‌ها، کانون‌های واحد ارائه خدمات، نهادهای جمعی دولتی و سازمان‌های خصوصی جمعی را دربرمی‌گیرد اما از آنجا که واژه اداره بیشتر تداعی‌کننده مسئولیت‌های دولتی است و ماهیت کاربردی و فعال سازمان‌های مدیریت جمعی را به نحو مطلوبی نشان نمی‌دهد، واژه مدیریت جمعی ارجحیت دارد.

در دستورالعمل اتحادیه اروپا سازمان‌های مدیریت جمعی اینگونه تعریف شده‌اند: انجمن جمعی هر سازمانی است که حق مؤلف یا حقوق مرتبط را مدیریت یا اداره می‌نماید که این مسأله می‌تواند تنها هدف یا یکی از اهداف اصلی آن باشد.^{۴۲}

ج) ضرورت مدیریت جمعی حق مؤلف و حقوق مرتبط

صاحبان حق مؤلف (کپی‌رایت) یا حقوق مرتبط دارای حقوق انحصاری متعددی هستند که شامل حقوق مادی (اقتصادی) و معنوی (اخلاقی) است. به طور کلی، حقوق مادی شامل حق تکثیر، حق عرضه به عموم، حق اقتباس و حق ترجمه و حقوق معنوی شامل حق حرمت اثر و حق حرمت نام می‌شود. اولین انتخاب صاحبان

^{۴۱} Copyright, Designs and Patents Act 1988.VII.Secs.116(2)(3)

^{۴۲} EC/93/83.chapter1.Definitions-Article1, No4

حقوق این است که از حقوق خود به صورت فردی و جداگانه، به عنوان مثال، با انعقاد موافقت‌نامه‌های صدور مجوز با ناشران و تولیدکنندگان استفاده کنند. در عصر حاضر و با توجه به پیشرفت‌های حاصله در زمینه ارتباطات جمعی در بسیاری از موارد اجرای حقوق به صورت فردی امکان‌پذیر نیست.

استفاده غیرمجاز از آثار تحت حمایت کپی‌رایت به صورت روزافزون و به طرق مختلف مانند سرقت ادبی سازمان یافته برای منافع تجاری و همچنین سایر اشکال تکثیر و انتشار بدون رضایت صاحبان حقوق و بدون پاداش به آنها، امکان اجرای شخصی حقوق را دشوار کرده است. سرقت ادبی سازمان یافته معمولاً به صورت بازتولید کل اثر، سی‌دی، دی‌وی‌دی یا کتاب‌هایی برای فروش در بازار در رقابت با آثار اصلی است. نسخه‌های سرقت ادبی از آثار دارای کپی‌رایت برای صنایع خلاق بسیار مضر است و پایه آنها را بسیار تضعیف می‌کند. به غیر از کپی کردن کل آثار، انواع دیگری از تخلفات مانند تکثیر در حجم بالا (رپروگرافی) از آثار برای اهداف داخلی یک مجموعه مانند مؤسسات آموزشی و دانشگاه‌ها نیز وجود دارد.

علاوه بر این، صاحب اثر امکان مذاکره با تعداد زیاد مصرف‌کنندگان را ندارد و معمولاً در مقابل مصرف‌کنندگان بزرگی مثل سازمان‌های پخش رادیو - تلویزیونی، ایستگاه‌های رادیویی، سالن‌های نمایش و فروشگاه‌ها از موقعیت معاملاتی و چانه زنی پایینی برخوردار است و در بسیاری مواقع امکان کنترل استفاده‌های بدون مجوز از آثارش را ندارد.

از طرفی مصرف‌کنندگان آثار همچون سازمان‌های رادیویی و تلویزیونی نیز در مقابل با مشکل مشابهی در رابطه با مذاکره با تک‌تک صاحبان حق، انعقاد قرارداد و پرداخت حقوق مواجه هستند و در موارد زیادی توانایی برقراری ارتباط با صاحب اثر و کسب مجوز از او تحت شرایط عادلانه و منصفانه را ندارند. ضمن اینکه در بسیاری موارد کسب مجوزهای متعدد، کاری دشوار و غیرممکن خواهد بود و مجوزهای کلی برای استفاده از فهرستی از آثار یا صدور مجوز از یک مکان واحد برای آثار متعدد لازم است.

با گسترش تعداد مصرف‌کنندگان و تعداد آثار، امکان مذاکره به صورت انفرادی، مستلزم صرف وقت و هزینه زیادی می‌باشد. در نتیجه در بیشتر موارد عدم کنترل آثار منجر به سوءاستفاده از حقوق آنان و عدم دستیابی به منافع ناشی از آثار می‌شود. به همین دلیل است که گفته می‌شود در بیشتر موارد صاحب اثر نمی‌تواند منافع کامل اثر خود را تحصیل کند، مگر آنکه آن را به متخصصان بهره‌برداری و صاحبان صنایع عرضه کند.^{۴۳}

اجرای مؤثر حقوق مالکیت فکری در بسیاری از موارد نیازمند دخالت نهاد یا سازمانی واسطه بین صاحب اثر و مصرف‌کنندگان است. سازمان‌های مدیریت جمعی واسطه مناسبی بین صاحبان آثار و مصرف‌کنندگان شناخته شده‌اند و تجربیات کشورها نشان داده است که نقش بسیار حیاتی و مؤثری در حمایت از هر دو طرف رابطه و اجرای حقوق دارند. اجرا و مدیریت حقوق هر دو برای تأمین سلامت بازار صنایع خلاق لازم است. اقدامات اجرایی سریع و مؤثر و فعالیت‌های صدور مجوز مکمل یکدیگر هستند. از طریق سیستم مدیریت جمعی، صاحبان حقوق از سازوکارهای مؤثر صدور مجوز و حمایت‌های قانونی بیشتری برخوردار می‌شوند. و یک راه حل عملی و مؤثر برای صاحبان حقوق، کاربران و جامعه به طور کلی است.

باتوجه به آنچه گفته شد، برخی از اهداف سازمان‌های مدیریت جمعی عبارتند از:

۱. فعالیت به عنوان نماینده صاحبان آثار به منظور حمایت از حقوق و منافع قانونی آنها
۲. تسهیل دسترسی به آثار برای مصرف‌کنندگان
۳. سازمان‌دهی پروسه جمع‌آوری حق امتیازها
۴. کاهش هزینه‌های قراردادی و هزینه‌های مذاکره با صاحبان حق و مصرف‌کنندگان آثار
۵. در نظر گرفتن روش‌های عادلانه، کم هزینه و کارآمد جهت حل و فصل اختلافات
۶. مدیریت اطلاعاتی حقوق و شناسایی صاحبان آثار
۷. مدیریت حقوق متعدد صاحبان حق

^{۴۳} پژمان محمدی، قراردادهای حقوقی مولف، نشر دادگستر، چاپ اول، زمستان ۸۶، ص ۵۹

با توجه به اهداف فوق، مهمترین وظایف سازمان‌های مدیریت جمعی به طور مختصر عبارتند از:

۱. فراهم کردن پایگاه اطلاعاتی و فهرست‌های جامع از آثار ادبی و هنری و صاحبان حقوق
۲. انعقاد قرارداد عضویت با صاحبان حق
۳. اعطای مجوزهای مختلف به مصرف‌کنندگان آثار
۴. جمع‌آوری حق امتیازها
۵. توزیع درآمدهای حاصله بین صاحبان آثار
۶. حل و فصل اختلافات

علاوه بر موارد فوق که به صورت کلی بیان شده و جزو حداقل وظایف سازمان است، وظایف هر سازمان بر اساس وسعت و ساختار سازمان، تنوع حقوق تحت مدیریت و اساسنامه هر سازمان، گسترده‌تر می‌شود که در بخش‌های بعد به تفصیل بیان می‌گردد. به طور مثال برخی سازمان‌ها در کنار فعالیت‌ها و وظایف اصلی خود، بخشی از درآمدهای خود را صرف فعالیت‌های علمی و فرهنگی مانند ترویج علم و فرهنگ و زبان کشور، چاپ کتاب، بازسازی موزه‌ها و اماکن تاریخی، تولید فیلم‌های آموزشی، کمک به صاحبان آثار و تأمین هزینه‌های بازنشستگی و ازکارافتادگی، هزینه درمان، برگزاری مسابقات علمی و فرهنگی و اعطای جوایز و سایر موارد می‌کنند.

سازمان‌های مدیریت جمعی پس از اتمام مدت حمایت از حقوق انحصاری اثر که اصطلاحاً به آن ورود اثر به حوزه دانش عمومی^{۴۴} تعبیر می‌شود، نیز می‌توانند در حمایت از اثر نقش مهمی داشته باشند، چرا که از آن پس استفاده از اثر برای همگان آزاد و رایگان می‌باشد اما لازم است حقوق معنوی اثر مانند حق تمامیت اثر و حق بر نام پدیدآورنده و عنوان اثر از هر نوع نقض و تعرضی مصون بماند، لذا برخی پیشنهاد می‌کنند با توجه به تخصص سازمان‌های مدیریت جمعی و ابزارهایی که این سازمان‌ها در دسترس دارند و همچنین با توجه به اینکه می‌توانند

^{۴۴} public domain

نقش مؤثری در ترویج فرهنگ و ارتقاء دانش داشته باشند، پس از پایان مدت حمایت نیز بهره‌برداری از آثار تحت کنترل این سازمان‌ها قرار می‌گیرد.^{۴۵}

مخالفان سیستم مدیریت جمعی حق مؤلف و حقوق مرتبط معتقدند نظام مدیریت جمعی، قابلیت اداره انفرادی حقوق را از بین می‌برد و خصیصه فردگرایی سیستم کپی‌رایت را سلب می‌کند، موجب تغییر ویژگی‌های مالکیت می‌شود و دارنده حق مبدل به شخصی وابسته می‌شود. در پاسخ باید توجه داشت سازمان تنها به عنوان واسطه‌ای در راستای احقاق منافع دارنده حق فعالیت می‌کند و مبالغ دریافتی توسط اعضا به عنوان حق امتیاز استفاده از اثرشان است، لذا دارنده حق را تبدیل به فردی وابسته نخواهد کرد.

از دیگر ایراداتی که به سازمان‌های مدیریت جمعی وارد می‌شود، سوءاستفاده از موقعیت برتر و برهم زدن فضای رقابتی و نظم موجود در بازار است. برخی معتقدند سازمان‌های مذکور با کنار گذاشتن سیستم کپی‌رایت، تعیین حق امتیاز، شیوه‌های انعقاد قرارداد و شرایط آن و ایجاد انحصار، عوامل مؤثر در بازار را نادیده می‌انگارند و این موضوع به طور خاص در اعطای مجوز فراگیر به سازمان‌های پخش رادیو تلویزیونی بیشتر به چشم می‌آید چراکه دو طرف قرارداد بدون توجه به بازار و شرایط آن به تعیین حق امتیاز می‌پردازند.

اما در پاسخ می‌توان گفت وجود نظام کپی‌رایت و فعالیت سازمان‌های مدیریت جمعی خللی در جریان بازار و حقوق رقابت ایجاد نمی‌کند. هر نظام و هر سازمان فعال در بازار خواه دولتی خواه خصوصی ملزم به هماهنگی با جریان بازار است. استفاده‌کنندگان از آثار، شرایط و چگونگی استفاده و میزان حق امتیاز پرداختی بسته به شرایط زمانی و مکانی امری متغیر است. سازمان مدیریت جمعی نمی‌تواند بدون توجه به عوامل مؤثر در بازار در فضای رقابتی فعالیت کند.^{۴۶}

^{۴۵} پژمان محمدی، همان کتاب، ص ۱۹۶

^{۴۶} Liebowitz, S.T. Alternative copyright systems: the problems with a compulsory license. P.12,13,14.

د) ماهیت روابط حقوقی در سازمان‌های مدیریت جمعی

زمانی که بحث تشکیل سازمان‌های مدیریت جمعی برای نخستین بار در یک کشور مطرح می‌شود، یکی از موضوعات قابل توجه، ماهیت حقوقی رابطه این سازمان‌ها با اعضایشان و نحوه تحصیل حقوق مادی آفرینش‌های فکری از صاحبان آنهاست.

تعیین شیوه‌های تحصیل حق توسط سازمان‌های مدیریت جمعی، تأثیر قابل توجهی در برقراری ارتباط میان صاحبان حق و سازمان مدیریت جمعی داشته و محدوده فعالیت آنها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. برای انتقال حق از صاحبان حقوق مادی به سازمان مدیریت جمعی رویکردهای متفاوتی در کشورهای مختلف دیده می‌شود.^{۴۷}

به طور مثال کشور چین تابع نظام "واگذاری کامل حقوق مادی"^{۴۸} است. در این مدل فعالیت سازمان مدیریت جمعی منوط به در اختیار گرفتن حقوق مادی بوده و بدون کسب اجازه ایشان صرفاً در حوزه مجوزهای بهره‌برداری قانونی مجاز به فعالیت هستند، لذا دارنده حق باید حقوق خود را به سازمان منتقل کند تا سازمان مذکور بتواند همانند دارنده حق اقدام به بهره‌برداری مادی از آن نماید. عضویت و واگذاری حقوق توسط صاحبان حق به سازمان‌های مدیریت جمعی در این کشور کاملاً اختیاری بوده و دارنده حق می‌تواند صرفاً در محدوده حقوقی که استیفا و بهره‌برداری از آنها برای او امکان‌پذیر نبوده و یا دشوار است، از سازمان مدیریت جمعی کمک بگیرد و شخصاً در محدوده سایر حقوق اقدام به فعالیت نماید. (ماده ۲ قانون حق مؤلف چین و مواد ۲ و ۱۳ آیین‌نامه اجرای جمعی همان قانون).

^{۴۷} Rechardt, L. Misonne, B. (2008). Collective Management of Authors' Rights and Related Rights in EU and PRC – Benefits and Challenges in the Digital Era / Gravius, DJ. (2010). Collective Management of Copyright and Neighboring Rights in Canada: An International Perspective. Report Prepared for Department of Canadian Heritage.

^{۴۸} Full Assignment of Right

"اعطای مجوز بهره‌برداری غیرانحصاری"^{۴۹} رویکرد دیگری است که در ایالات متحده آمریکا مورد توجه قرار گرفته است. آمریکا در چارچوب مقررات حقوق رقابت، صرفاً اعطای مجوزهای بهره‌برداری غیرانحصاری را پذیرفته است. چنین رویکردی از یک طرف منجر به ایجاد بازار رقابتی میان سازمان‌های مدیریت جمعی شده که این امر به نفع صاحبان حقوق مادی خواهد بود و از طرف دیگر باعث می‌شود مصرف‌کنندگان بتوانند طبق شرایط و با مبالغ مورد نظرشان مجوز بهره‌برداری بگیرند.

یک رویکرد غالب در این زمینه، "اعطای نمایندگی"^{۵۰} است که طبق آن سازمان مدیریت جمعی در نقش نماینده دارنده حق ظاهر شده و وظیفه مذاکره با مصرف‌کنندگان در حدود شرایطی که دارنده حق برای وی تعریف کرده است را بر عهده دارد. نقش دیگر سازمان در رویکرد مذکور مربوط به فرآیندهای اجرایی بعد از انعقاد قرارداد با مصرف‌کننده یعنی رصد و پیگیری حقوق اعطا شده می‌باشد. در رابطه اعضا با سازمان، مالکیت حقوق به سازمان منتقل نمی‌شود، رابطه مالکانه بین صاحب اثر و اثر او حفظ می‌شود و تنها مدیریت حقوق به صورت امانی به سازمان واگذار می‌شود. به همین دلیل حقوق واگذار شده، جزء دارایی‌های سازمان شناخته نمی‌شود، بلکه سازمان تنها این حقوق را نزد خود حفظ می‌کند تا به اعضای خود برگرداند.^{۵۱}

"نظام چندگانه تحصیل حق"^{۵۲} که به عنوان مثال آلمان نیز یکی از پیروان آن است، سازمان‌های مدیریت جمعی صرفاً وظیفه دارند حقوق صاحبان حق را بر اساس شرایط منصفانه مدیریت کنند، مشروط بر اینکه درخواستی از طرف ایشان به آنها ارائه شده باشد (ماده ۱۱ قانون حق مؤلف آلمان). همچنین سازمان‌های مدیریت جمعی موظفند به کلیه درخواست‌های مصرف‌کنندگان به منظور کسب اجازه از دارنده حق نیز پاسخ داده و از طرف ایشان با صاحبان حقوق مادی که عضو آن سازمان مدیریت جمعی نیستند، وارد مذاکره شوند. به عبارت دیگر در سایر رویکردها ایجاد سازمان مدیریت جمعی در راستای اعمال حقوق صاحبان حق و به نفع آنها پیش‌بینی شده

^{۴۹} Non-Exclusive License

^{۵۰} Authorization to Act as Agents

^{۵۱} Dulian, Pollaud Fredric, le Droit D'Auteur, Paris, Ed Economica, 2005

^{۵۲} A Sui Generis System

است، اما در این نظام خاص سازمان‌های مدیریت جمعی می‌توانند از طرف مصرف‌کنندگان نیز اختیاراتی را کسب کرده و امور ایشان را نیز تسهیل نمایند.

رویکرد حاکی از "مجوز بهره‌برداری قانونی"^{۵۳}، یکی دیگر از شیوه‌های تحصیل حق است که طبق آن سازمان مدیریت جمعی، صلاحیت اداره حقوق را طبق مجوزهای بهره‌برداری اختیاری یا اجباری برعهده دارد. بر طبق این رویکرد، سازمان‌های مدیریت جمعی با توجه به موضوع فعالیتشان موظف به پیگیری پرداخت‌های غیر قراردادی مصرف‌کنندگان آثار به نفع صاحبان حقوق مادی نیز بوده و در این زمینه نیازی به اعطای مجوز از طرف صاحبان حق ندارند.

کلیه شیوه‌های کسب حق توسط سازمان‌های مدیریت جمعی را می‌توان به طور کلی و بر اساس تعاریف ارائه شده ذیل سه مدل خلاصه کرد^{۵۴}:

۱- مجوز ضمنی (رویکرد جبران خسارت)^{۵۵}؛

۲- اماره (فرض) قانونی^{۵۶}؛

۳- مجوز اجباری^{۵۷}.

در مدل اول که در کشورهای نظیر انگلستان مورد بهره‌برداری قرار گرفته است، کسب اجازه اولیه از صاحبان حقوق مادی برای سازمان مدیریت جمعی اجباری شناخته شده است، اما محدوده فعالیت سازمان صرفاً محصور به مجوزهای بهره‌برداری اختیاری نبوده و پس از کسب اجازه اولیه در حوزه مجوزهای اختیاری، سازمان مدیریت جمعی می‌تواند در محدوده مجوزهای بهره‌برداری اجباری (قانونی) نیز فعالیت نماید. ویژگی دیگر این

^{۵۳} Legal Non-Voluntary License

^{۵۴} Grivas, ibid.

^{۵۵} implied licensing (indemnity approach)

^{۵۶} Legal presumption

^{۵۷} Mandatory Licensing

دیدگاه در این است که در دعوی نقض حق صرفاً سازمان مدیریت جمعی صالح به پیگیری بوده و صاحبان حق در حدود اختیاراتی که به سازمان مدیریت جمعی اعطا کرده‌اند، قادر به طرح دعوی نیستند. پس از اثبات نقض حق نیز، مصرف‌کننده صرفاً محکوم به پرداخت غرامت شده و مسئولیت کیفری مصرف‌کنندگان در حدود اختیارات سازمان مدیریت جمعی از بین می‌رود. پس شاخصه این رویکرد را می‌توان در منافع مصرف‌کنندگان با توجه به سلب مسئولیت کیفری آنها دانست.

در مدل دوم، اجازه اولیه دارنده حقوق مادی در قوانین کشورها فرض شده است (بند ب ماده ۱۱ قانون حق مؤلف آلمان) و در موارد نقض حق، سازمان مدیریت جمعی به صورت خودکار قائم مقام دارنده حق شناخته شده و عهده‌دار مدیریت حقوق وی می‌شود. البته دارنده حق می‌تواند از این نوع حمایت صراحتاً چشم‌پوشی کند و یکی از فرصت‌هایی که در محاکم برای ناقضان حق پیش‌بینی شده است، امکان اثبات عدم اعطای حق و یا چشم‌پوشی دارنده حق از این امتیاز قانونی است. ویژگی این رویکرد را می‌توان در حمایت مؤثر از حقوق مادی آفرینش‌های فکری دانست، اما از معایب آن باید به محدود کردن گزینه‌های پیش روی دارنده حق مبنی بر اعطا و یا عدم اعطای حق اولیه یا ثانویه به سازمان مدیریت جمعی اشاره کرد.

در خصوص مدل سوم، صدور مجوز اجباری، هم در حوزه مالکیت ادبی هنری و حقوق مرتبط و هم در حوزه مالکیت صنعتی امکان‌پذیر است. با توجه به مقررات کنوانسیون‌های بین‌المللی صدور مجوزهای یاد شده به طور کلی به دو جهت صورت می‌گیرد: اول به هنگام سوءاستفاده دارنده حق از حقوقی که به او تعلق گرفته است. دوم در مواقعی که منافع عمومی از قبیل حفظ بهداشت عمومی، دفاع ملی، اعمال ضد رقابتی، استفاده دولتی و غیره اقتضا می‌کند. در این موارد سازمان مدیریت جمعی می‌تواند در مورد آثاری که قبلاً به هیچ روشی از دارنده حق کسب اجازه نکرده‌اند، برای حقوق اعضا اقدام کرده و مدیریت آنها را متقبل شود.

البته برخی نیز اساساً طریقه کسب اختیار سازمان‌های مدیریت جمعی از صاحبان حق را به دو صورت می‌دانند:^{۵۸}

۱- واگذاری حقوق^{۵۹} به این معنی که سازمان صاحب قانونی حق می‌شود و دارنده حقوق نمی‌تواند همان حقوق را به یک انجمن، شخص یا شرکت دیگر اعطا کند.

۲- اداره حق که طبق آن حق با دارنده حق باقی است و فقط مدیریت آن به سازمان منتقل می‌شود.

در بعضی موارد معمول است که حقوق مستقیماً از صاحبان حقوق فردی بدست نمی‌آید، بلکه از طریق انجمن‌های آنها کسب می‌شود. در این صورت، اطمینان از اینکه اعضای انجمن بطور صحیح از جانب اعضای خود صلاحیت دارد، مهم است.

ه) انواع مجوزها در سازمان مدیریت جمعی

در یک سازمان مدیریت جمعی سه گروه با هم در ارتباط هستند: صاحبان حق مؤلف و حقوق مرتبط، سازمان مدیریت جمعی و استفاده‌کنندگان از آثار.

نویسندگان، آهنگسازان، خوانندگان، موسیقیدانان، اجراکنندگان، ناشران، عکاسان و به طور کلی صاحبان حق مؤلف یا حقوق مرتبط اعضای سازمان‌های مدیریت جمعی هستند و عضویت در این سازمان‌ها بسته به نوع فعالیتشان، برای صاحبان این حقوق به جز سازمان‌های پخش رادیوتلوویزیونی آزاد است. سازمان‌های پخش رادیوتلوویزیونی اگرچه از ذینفعان حقوق مرتبط هستند و در رابطه با آثار خود از حقوقی برخوردارند، اما در اصل جزء استفاده‌کنندگان آثار قرار می‌گیرند.^{۶۰}

^{۵۸} Educational Material on Collective Management of Copyright and Related Rights Module 1: General aspects of collective management Tarja Koskinen-Olsson.Nicholas Lowe. 2012.Wipo publication.

^{۵۹} Assignment

^{۶۰} WIPO. (2015). Collective Management of Copyright and Related Right.

همانطور که اشاره شد، سازمان مدیریت جمعی بسته به نظام حقوقی و رویکرد قانون‌گذاری هر کشور و همچنین اساسنامه سازمان، وظایفی همچون اعطای مجوز، جمع‌آوری حق‌الامتياز و اقامه دعوا از طرف دارنده حق برعهده دارد.

یکی از کارکردهای اصلی و مهم سازمان‌های مدیریت جمعی اعطای مجوز بهره‌برداری (لیسانس) نسبت به انواع حقوق انحصاری مادی دارنده حق مانند حق اجرا، حق تکثیر، حق پخش و... به مصرف‌کنندگان و مشتریان است که یا از طرف سازمان انجام می‌شود و یا مقدمات آن توسط سازمان (مرکز واحد ارائه خدمات) فراهم می‌شود. اعطای مجوز یا لیسانس به صور مختلفی و به موجب عقد قرارداد صورت می‌گیرد. مجوز بهره‌برداری یا لیسانس عبارت از این است که دارنده حق مالکیت فکری به دیگری اجازه دهد در مدت مشخص و در قلمرو معین، تمام یا برخی از حقوق خود را در خصوص موضوع حق، اعمال نماید.^{۶۱}

در قراردادهای لیسانس شروط مختلف نسبت به زمان بهره‌برداری، چگونگی بهره‌برداری و ویژگی‌های آن، قلمرو جغرافیایی و... پیش‌بینی می‌شود. اعطای لیسانس توسط سازمان‌های مدیریت جمعی به اشکال مختلفی مانند اختیاری، اجباری، فراگیر^{۶۲} و تسری یافته^{۶۳} انجام می‌شود.

در لیسانس اختیاری، اعطای مجوز با رضایت دارنده حق صورت می‌گیرد. لیسانس اجباری در موارد خاصی توسط قانون پیش‌بینی می‌شود و خارج از اراده دارنده حق است.

مجوزهای جامع یا فراگیر یکی از مهمترین مزایای سیستم‌های مدیریت جمعی کاملاً توسعه یافته است و به مصرف‌کننده بدون نیاز به مذاکرات بعدی امکان استفاده از تمام فهرست آثار جهانی را می‌دهد. صدور چنین مجوزهایی در مواردی امکانپذیر است که سیستم موافقت‌نامه‌های چندجانبه کاملاً پیشرفته و توسعه یافته باشد. عملاً هرگز یک فهرست کامل آثار جهانی وجود ندارد، چراکه در برخی کشورهای جهان، اصلاً سازمان‌های

^{۶۱} صابری، روح‌ا...، قراردادهای لیسانس، انتشارات شهر دانش، چاپ اول، ۱۳۷۸، ص ۵۶

^{۶۲} blanket licensing

^{۶۳} Extended collective license

جمعی مناسبی برای انعقاد موافقت‌نامه‌های چندجانبه وجود ندارد و یا برخی مؤلفان آثار خود را برای مدیریت به یک سیستم جمعی نسپردند.^{۶۴} معمولاً این نوع مجوز در زمینه آثار موسیقایی مورد استفاده قرار می‌گیرد، چون هزینه‌های نظارت موردی بر اثر بالا بوده و صدور مجوز برای هر اثر به تنهایی دشوار و غیرممکن است، لذا مجوز فراگیر داده می‌شود تا امکان مدیریت و نظارت بهتر باشد.

در مجوز تسری یافته، اصل بر آن است که صاحبان حق در اعطای مجوز نسبت به آثار خود آزادی انتخاب دارند و اگر موضوع قرارداد به اشخاص غیرعضو تسری یابد، دارنده حق بین پذیرش این شرایط و دریافت مابه‌ازاء منصفانه و یا اعراض از آن و منع سازمان آزاد خواهد بود.^{۶۵}

نوع دیگر مجوزها، مجوز تبادلی^{۶۶} است که فقط برای استفاده‌های مشخصی و به صورت محدود صادر می‌شوند. در این نوع مجوزها مصرف‌کننده تنها اجازه استفاده از بعضی از آثار سازمان را دارد یا می‌تواند از تمام آثار سازمان برای یک استفاده خاص بهره‌برد.^{۶۷}

و) ساختار و سازوکار اجرایی سازمان‌های مدیریت جمعی

عموماً سازمان مدیریت جمعی به شخصیت حقوقی اطلاق می‌شود که در راستای منافع پدیدآورنده و صاحبان حقوق مادی آثار شکل گرفته و به جهت تأمین چنین منفعی از ایشان مبالغی دریافت می‌نماید. فعالیت در این حوزه توسط قانون‌گذار و در نصوص قانونی کشورهای مختلف تجویز شده است. برخی کشورها در زمان تهیه این مقررات قالب‌های مشخصی را برای ایجاد این سازمان‌ها پیش‌بینی کرده، اما برخی دیگر به این موضوع ورود پیدا نکرده‌اند.

^{۶۴}Gervais, Daniel j. Electronic Rights Management and Digital Identifier systems, WIPO Document ACMC, 1, 1. 1998.p.6-7. (available at: www.wipo.int)

^{۶۵} محمدی، رافونه، نظام حقوقی حاکم بر مدیریت جمعی مالکیت فکری، ص ۷۶

^{۶۶} transactional licensing

^{۶۷} Gervais, Daniel j. Electronic Rights Management and Digital Identifier systems, WIPO Document ACMC, 1, 1. 1998.p.6-7. (available at: www.wipo.int)

اغلب سازمان‌های مدیریت جمعی به عنوان سازمان‌های خصوصی و غیرانتفاعی فعالیت می‌کنند. بدین معنا که معمولاً سودآور نیستند و حق الزحمه‌ای که بعد از صدور مجوز، جمع‌آوری می‌کنند پول سازمان نیست بلکه پولی است که برای صاحبان حقوق در آنجا نگهداری می‌شود. اگرچه این سازمان‌ها به طور عمده در بخش خصوصی مستقر هستند، اما دولت نقش مهمی در حمایت از آنها ایفا می‌کند. این سازمان‌ها در بعضی از کشورها به صورت نیمه دولتی بوده و در برخی موارد، بخشی جدایی ناپذیر از اداره کپی‌رایت ملی هستند. ایجاد سازمان مدیریت جمعی در یک کشور در حال توسعه بدون حمایت فعال دولت دشوار خواهد بود.

(۱) نقش اداره کپی‌رایت

ارگان دولتی مسئول کپی‌رایت "اداره کپی‌رایت" نامیده می‌شود که در بعضی از کشورها، مسئول کلیه امور حقوق مالکیت فکری است. نقش اداره کپی‌رایت چند وجهی است، زیرا درگیر سیاست‌گذاری، تدوین و اجرای قانون مناسب و مدیریت حقوق کپی‌رایت است. علاوه بر این اغلب آموزش و فعالیت‌های آگاهی بخشی در حوزه کپی‌رایت را نیز برعهده دارد.

نقش اداره کپی‌رایت در سیاست‌گذاری و قانون‌گذاری توصیه‌ای است. از زمانی که قانون تصویب می‌شود، این اداره اجرای آن را برعهده دارد. برخی از دفاتر کپی‌رایت مستقیماً در اجرای قانون مشارکت دارند. در این زمینه همکاری نزدیک با مقامات پلیس و گمرک یک ضرورت است.

در بسیاری از کشورها در مراحل اولیه شکل‌گیری سازمان مدیریت جمعی، اداره کپی‌رایت دارای نقش محوری در تسهیل مدیریت جمعی دارد و ایجاد یک سیستم مدیریت جمعی با عملکرد مناسب بدون کمک اداره کپی‌رایت تقریباً غیرممکن است.

در بسیاری از کشورها، اداره کپی‌رایت مجوز سازمان جمعی صادر می‌کند و می‌تواند از قدرت نظارت خود نیز استفاده کند. بسته به قانون‌گذاری کشور، انواع روش‌های حل و فصل اختلاف مانند میانجی‌گری و داوری نیز ممکن است در وظایف دفتر گنجانده شود.

به طور مثال در کنیا، طبق قانون کپی‌رایت^{۶۸} هیأت کپی‌رایت کنیا^{۶۹} به طور فعال در تمام جنبه‌های کپی‌رایت و حقوق مرتبط نظیر قانون‌گذاری، اجرای حقوق، آگاهی بخشی و آموزش مشارکت دارد و علاوه بر این تصویب و نظارت بر فعالیت سازمان‌های مدیریت جمعی بر عهده این هیأت است.

۲) فرم سازمانی

ثبت شخصیت حقوقی به قانون‌گذاری کشورها مربوط می‌شود. شکل سازمانی مدیریت جمعی از مهمترین مواردی است که باید در ابتدا توسط قانون‌گذاری حل شود. در این رابطه نقش دولت بسته به قانون‌گذاری در کشورهای مختلف متفاوت است. مقررات مربوط به کنترل و نظارت دولت ممکن است در قانون کپی‌رایت یا در قوانین جداگانه حاکم بر فعالیت‌های سازمان‌های جمعی گنجانده شود. معمول‌ترین شرط این است که سازمان مدیریت جمعی باید از مقام صلاحیت‌دار مربوطه، مانند وزارت فرهنگ یا اداره کپی‌رایت مجوز داشته باشد.

به طور کلی سازمان مدیریت جمعی ممکن است به یکی از اشکال زیر تشکیل شود:

• انجمن^{۷۰}

• شرکت با مسئولیت محدود^{۷۱}

• بنیاد^{۷۲}

^{۶۸} Section 49 of the Copyright Act of 2001

^{۶۹} Kenya Copyright Board (KECOBO), www.copyright.go.ke.

^{۷۰} association

^{۷۱} a limited liability companies

^{۷۲} foundation

۰ مشارکت^{۷۳}

در زمان تأسیس سازمان مدیریت جمعی باید مواردی در نظر گرفته شود مانند:

- انتفاعی یا غیرانتفاعی بودن (بیشتر سازمان‌های مدیریت جمعی غیرانتفاعی هستند).
- نحوه تأمین هزینه‌های اداری (معمولاً هزینه‌ها از درآمد جمع شده قبل از تخصیص و توزیع بین صاحبان حقوق کسر می‌شود) ؛
- هزینه عضویت، در صورت وجود.

برای مثال سازمان‌های مدیریت جمعی در ایتالیا نظیر اتحادیه پدیدآورندگان و ناشران ایتالیایی به عنوان یک مقام عمومی شناخته شده و یا در چین ماهیت سازمان مدیریت جمعی باید یک شخصیت غیرتجاری یا به تعبیر دیگر غیرانتفاعی باشد. برخلاف چنین رویکردی در کشور کانادا ماهیت این سازمان‌ها مشخص نشده و انواع مختلفی از سازمان‌های مدیریت جمعی در این کشور به چشم می‌خورد.^{۷۴} امروزه به رغم اینکه بیشتر سازمان‌های مدیریت جمعی به صورت غیرتجاری و غیرانتفاعی فعالیت می‌کنند، اما مواردی نیز وجود دارد که برای مقاصد تجاری شکل گرفته‌اند.

در ژاپن، "قانون مدیریت تجارت در زمینه کپی رایت و حقوق مرتبط^{۷۵} « یک سیستم ثبت نام برای کسانی که در مدیریت تجارت کپی رایت فعالیت می‌کنند با هدف اطمینان از عملکرد عادلانه چنین مشاغلی و تسهیل بهره‌برداری از آثار معرفی کرده است.

^{۷۳} partnership

^{۷۴} Gervais.ibid.

^{۷۵} Law on Management Business of Copyright and Neighboring Rights” has been in effect since October 1, 2001

۳) محدوده عملکرد

هنگام تعیین دامنه فعالیت سازمان، توجه به نظرات صاحبان حقوق، نیازهای مصرف‌کنندگان، پاسخ به بازار واقعی و ارائه راه‌های مناسب به کاربران و همچنین الزامات محیط دیجیتال بسیار مهم است.

بر اساس محدوده عملکرد، ساختار سازمان‌های مدیریت جمعی متفاوت است که از جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. برای دسته خاصی از صاحبان حقوق، مانند کارهای موسیقی (تک آهنگ)
 ۲. برای دسته خاصی از صاحبان حقوق مرتبط، مانند مجریان یا تولیدکنندگان گرامافون
 ۳. مشترک برای حقوق مرتبط، مانند اجراکنندگان و تولیدکنندگان آوا
 ۴. به صورت سازمان چتر^{۷۶} یعنی ائتلاف انجمن‌ها و سازمان‌های مدیریت جمعی برای چندین گروه از صاحبان حقوق برای یک حق خاص مانند حق تکثیر در حجم بالا (رپروگرافی)
 ۵. چند منظوره برای تحت پوشش قرار دادن صاحبان حقوق در چندین بخش خلاق
 ۶. شرکت منطقه‌ای که گروهی از کشورها را پوشش می‌دهد.
- در بسیاری از کشورها، طبق قانون فقط یک سازمان می‌تواند گروه صاحبان حقوق مشابه یا طبقه مشابه حقوق را مدیریت کند. در این صورت، سازمان مذکور باید به طور خاص الزامات محلی و منطقه‌ای "قانون رقابت" را رعایت کند البته، الزام به در نظر گرفتن قانون رقابت یک پیش‌نیاز کلی مدیریت جمعی حقوق است. در کشورهای دیگر، ممکن است برای حقوق مشابه و یا گروهی از صاحبان حق بیش از یک سازمان وجود داشته باشد. (در خصوص اثرات وجود یک یا چند سازمان در بخش‌های بعد توضیح بیشتری داده می‌شود).

^{۷۶} "umbrella" CMO

۴) ارکان سازمان مدیریت جمعی

در بررسی ساختار یک سازمان مدیریت جمعی به طور معمول باید به مسائل مربوط به مقامات سازمان، اعضا، ادارات اصلی و ادارات فرعی پرداخت.

الف) مقامات

سازمان مدیریت جمعی حداقل باید دارای چهار رکن (مجمع عمومی، هیأت مدیره، رئیس و واحد نظارتی) باشد. سازمان مدیریت جمعی نظیر هر شخص حقوقی دیگری ناگزیر از داشتن مجامع متشکل از اعضا به جهت تعیین تکلیف برخی از موضوعات می‌باشد. این موضوعات می‌توانند جزء موارد عادی و روزانه قلمداد شوند و یا اینکه اعضا برای تعیین تکلیف برخی موارد خاص، گرد هم آیند. از جمله مواردی که تعیین آنها در اساسنامه سازمان الزامی به نظر می‌رسد، انواع مجامع مانند مجمع عمومی عادی سالانه، مجمع عمومی فوق‌العاده، صلاحیت آنها، هیأت مدیره، دبیرخانه، مواعد دعوت و تشکیل مجامع، حد نصاب‌ها و میزان حق رأی اعضا می‌باشد.

مجمع عمومی وظایف متعددی بر عهده دارد که از جمله وظایف اصلی آن عبارتند از: انتخاب اعضای هیأت مدیره، انتخاب اعضای واحد نظارتی، تصویب و اصلاح اساسنامه، تصویب یا رد گزارش سالانه، طراحی نحوه مدیریت حقوق تحت پوشش، تعیین درصدی که باید بابت مدیریت حقوق کسر کرده و به حمایت‌های اجتماعی یا توسعه فرهنگی جامعه اختصاص داده شود و انحلال و فسخ سازمان.

مجمع عمومی می‌تواند در مورد توزیع درآمد نیز تصمیم بگیرد اما تجربیات نشان داده است این کار باعث بحث و جدل و سهم‌خواهی در مجمع می‌شود و بهتر است به هیأت مدیره واگذار گردد. معمولاً در مجمع عمومی تنها اعضای حق رأی دارند که واقعاً به مدیریت جمعی سازمان علاقمند هستند، به این صورت که بعد از یک دوره انتظار که مقدار دریافتی حاصل از اثر مؤلف به درصد خاصی که توسط اساسنامه یا هیأت مدیره تعیین شده، برسد، از حق رأی در مجمع عمومی برخوردار می‌شود. سایر اعضا نیز بدون حق رأی، حق حضور در مجمع عمومی

دارند. برخی سازمان‌های مدیریت جمعی، سیستم رأی‌گیری وزنی^{۷۷} دارند، یعنی هر عضو یک رأی دارد. اگر اعضای هیأت‌مدیره بیشترین قدرت رأی را در مجمع عمومی داشته باشند، این سیستم می‌تواند منجر به الیگارش^{۷۸} شود، یعنی موجب شود گروهی محدود که اعضای هیأت‌مدیره هستند، سازمان را به سود و در جهت منافع خود مدیریت کنند و منافع و اهداف کلی همه اعضا را در نظر نگیرند.

هیأت‌مدیره شامل اعضای منتخب مجمع عمومی است و در واقع دولت یا حکومت یک سازمان جمعی محسوب می‌شود زیرا مهمترین ارگان اجرایی سازمان بوده، مسئول مدیریت عمومی، تصمیمات استراتژیک و سیاست‌گذاری است.

رئیس هیأت‌مدیره منتخب مجمع عمومی یا هیأت‌مدیره است. در برخی سازمان‌ها، رئیس بر مبنای چرخشی انتخاب می‌شود. استخدام رئیس یا مدیر ارشد اجرایی یک مرحله مهم است که بر تجارت روزمره و موفقیت سازمان تأثیر می‌گذارد. در حالی که هیچ معیار رسمی کیفی برای چنین پستی وجود ندارد اما درک و تجربه در زمینه امور حقوقی و اقتصادی و علاقه به کارهای خلاق و / یا صنایع فرهنگی سرمایه‌های ارزشمندی برای یک مدیر ارشد در چنین سازمان‌هایی محسوب می‌شوند. علاوه بر این، ارتباطات سیاسی خوب و / یا تجربه در زمینه لابی‌گری با بخش‌های مختلف کشور، دارایی‌های اضافی یک مدیر موفق است.

از آنجا که یک سازمان جمعی باید عمیقاً زندگی و حیات فرهنگ، سیاست و اقتصاد کشور را متحول کند، لازم است ارتباط خوبی با وزارتخانه‌های مختلف دولتی، سازمان‌های پخش، رسانه‌ها و افکار عمومی داشته باشد، لذا هیأت‌مدیره‌ای که شامل افراد برجسته و مشاهیر موسیقی، ادبیات و سیاست باشد، می‌تواند سهم مهمی در رسیدن به این اهداف داشته باشد. نخستین، معروفترین و مهمترین سازمان‌های جمعی توسط چنین افرادی در

^{۷۷} Weighted Voting System

^{۷۸} اصطلاح الیگارش^{۷۸} مآخوذ از ریشه یونانی الیگوس oligos به معنای محدود و اندک می‌باشد. الیگارش^{۷۸} در معنای اصطلاحی خود به معنای سیطره و سیادت سیاسی و اقتصادی گروه بسیار کوچک و محدودی از ثروتمندان و استثمارگران یک طبقه یا صنف یا یک رتبه اجتماعی بر آن گروه یا طبقه یا صنف می‌باشد.

دنیا تأسیس شده‌اند، به طور مثال همانطور که قبلاً اشاره شد، ساسد^{۷۹} توسط کارول ویکتوم بومارشه در فرانسه تأسیس شد که اولین سازمان مدیریت جمعی برای حقوق اجرای آثار نمایشی بود. بومارشه از برجستگان موسیقی در عصر خود محسوب می‌شود.

(ب) اعضا

اصولاً اعضای یک سازمان مدیریت جمعی همان صاحبان حقوقی هستند که تقاضای عضویت کرده و یا با سازمان وارد قرارداد شده‌اند. البته فرض اینکه شخص، حقوق خود را در اختیار سازمان قرار نداده باشد و تقاضای عضویت نکند نیز با توجه به مدل‌های سه‌گانه تحصیل حق (مجوز ضمنی، مجوز قانونی و مجوز اجباری) قابل بحث و تصور است.^{۸۰}

به منظور عضویت در یک سازمان جمعی، لازم است قراردادی بین مؤلف و سازمان منعقد گردد. در برخی سازمان‌های جمعی، یک سند انتقال حقوق^{۸۱} کلی بین مؤلف و سازمان امضا می‌گردد که البته این روش مورد انتقاد قرار گرفته، زیرا فاقد شفافیت لازم در خصوص حقوق و تعهدات طرفین بوده و لازم است قراردادی منعقد گردد که به طور خاص حقوق و تعهدات هر دو طرف، یعنی سازمان و مؤلف را مشخص کند. این قرارداد می‌تواند اساس اعتماد بین طرفین بوده و یک مدیریت جمعی آرام و منظم را تضمین کند.

مؤلف با امضای این قرارداد متعهد می‌شود آثار مورد نظر خود را به سازمان معرفی کرده و اسناد لازم را تقدیم کند. همچنین اگر آثار خود را با نام مستعار منتشر می‌کند باید این موضوع را به سازمان اطلاع دهد. در مقابل سازمان نیز متعهد می‌شود صلاحیت و توان خود را در مدیریت مناسب این آثار به کار ببرد، حقوق مؤلف را در همه فعالیت‌های سازمان مد نظر قرار دهد، کلیه درآمدهای جمع‌آوری شده ناشی از استفاده از آثارش را به او بپردازد، طبق یک برنامه زمان‌بندی مناسب صورتحساب‌های دقیقی برای مؤلف تهیه و برای او ارسال کند و

^{۷۹} SACD: Society of Dramatic Authors and Composers

^{۸۰} مدل‌های تحصیل حق در قسمت "ماهیت رابطه حقوقی سازمان‌های مدیریت جمعی با اعضا" به تفصیل توضیح داده شده است.

^{۸۱} Assignment of Rights

پیشرفت‌های صورت گرفته در خصوص شرایط قراردادی یا قواعد و مقرراتی که اعضا باید بدانند را در اختیار او قرار دهد. در این قرارداد مدت عضویت به صورت محدود یا نامحدود تعیین شده و شیوه‌های ختم عضویت و ترک سازمان جمعی مشخص می‌شود. در سازمان‌های جمعی، مدت عضویت یکساله یا کمتر است و اعضا می‌توانند سازمان را در پایان مدت یا قبل از آن ترک کنند.^{۸۲}

یکی از تعهدات مهم اعضا، تعهد دارنده حقوق برای ارائه اسناد و مدارک مربوط به آثارش به سازمان جهت مستندسازی است. مستندسازی یکی از مسائل مهم و حیاتی در سازمان‌های مدیریت جمعی است. مستندات آثار، اساس توزیع درآمدهای جمع‌آوری شده بین صاحبان حق را تشکیل می‌دهد. علاوه بر این مهم است که در صورت نیاز به اقدام قانونی، سازمان بتواند بدون نیاز به ارائه مدرک جداگانه از هر یک از صاحبان حقوق و یا آثار آنها حمایت و دفاع کند. روشی که چنین اطلاعاتی باید به سازمان ارائه شود به طور معمول استاندارد شده و بسیاری از سازمان‌ها به اعضای خود روش ارائه آنلاین را پیشنهاد می‌کنند.^{۸۳}

در اساسنامه یک سازمان مدیریت جمعی مواردی مانند شرایط شکلی عضویت، شرایط اعضا از حیث ملیت، نوع اثر، نوع حقوق مادی، شخص پدیدآورنده، اصنافی که در حوزه مالکیت فکری و حقوق مادی آن اقدام به فعالیت می‌کنند نظیر صنف ناشران یا تولیدکنندگان آوانگاشت تعیین می‌شود.

در خصوص شرایط تأیید یا لغو عضویت مواردی همچون لغو عضویت در صورت عدم پرداخت حق عضویت سالیانه، نقض حقوق اشخاص ثالث در آثار و یا حقوقی که در اختیار سازمان قرار گرفته‌اند، ضمانت اجرای مربوط به موارد نقض حقوق اشخاص ثالث نظیر توقیف سود سالیانه، پرداخت جریمه و افزایش مبالغ حق عضویت، همچنین شرایط شکلی و ماهوی رسیدگی به تقاضای تجدید نظرخواهی از لغو عضویت، مشخص می‌شوند.

^{۸۲} Ficsor, Mihaly. Collective Management of Copyright and Related Rights. WIPO Publication. Geneva. 2002.

^{۸۳} Educational Material on Collective Management of Copyright and Related Rights Module 1: General aspects of collective management Tarja Koskinen-Olsson. Nicholas Lowe. 2012. Wipo publication.

معمولاً در رابطه با تعیین مبلغ حق عضویت دو گزینه مورد استفاده سازمان‌های مدیریت جمعی قرار گرفته است: گزینه اول اینکه مبالغ مربوط به حق عضویت، میزان تغییرات و چگونگی آن بر عهده مجامع داخلی سازمان گذاشته شود؛ در گزینه دوم، موارد مذکور از طریق مراجع دولتی که در آیین‌نامه یا قوانین پیش‌بینی می‌شوند به صورت ادواری تعیین و به سازمان مدیریت جمعی ابلاغ می‌شود.

اعضا نمی‌توانند امتیازات خود یا حقوق مخصوص عضویت در سازمان را به اشخاص دیگر فروخته یا به گونه‌ای دیگر منتقل نمایند مگر آنکه حقوق مادی اثر خود را به دیگری واگذار کرده یا منتقل نمایند.^{۸۴}

ج) ادارات اصلی

یک سازمان مدیریت جمعی حداقل باید دارای دو اداره اصلی باشد: ۱- اداره مؤلفان، مصنفان، ناشران و سازمان‌های مدیریت جمعی خارجی؛ ۲- اداره مشتریان (مصرف‌کنندگان).

مهمترین نقش مؤلفان در سازمان، حق رأی دادن در مجمع عمومی است. علاوه بر این مؤلفان در مدیریت خود مشارکت مستقیم دارند، زیرا حق تکثیر نخستین انتشار و تکثیر تجاری اثر نیازمند رضایت قبلی و مشورت با آنها است، اما در مورد اجرای عمومی یا پخش رادیو تلویزیونی آثارشان نمی‌توانند تقاضا کنند با آنها مشورت شود، چراکه معمولاً در این موارد سازمان‌های پخش تقاضای یک مجوز کامل و کلی برای کل آثار مجموعه می‌کنند، لذا سازمان جمعی قادر نیست در این موارد مجموعه خود را محدود کند.^{۸۵}

موقعیت ناشران در سازمان جمعی متفاوت است. در برخی سازمان‌ها، ناشران نیز حق رأی دارند و در برخی دیگر ندارند. در برخی از آنها ناشران حق انتخاب شدن به عنوان رئیس سازمان یا رئیس هیأت‌مدیره را ندارند. در بسیاری از سازمان‌های جمعی، مؤلفان، مصنفان و ناشران از حقوق و تعهدات مساوی و مشابه برخوردارند که این امر مورد انتقاد است، زیرا در این سازمان‌ها ناشران گروه اقلیت را تشکیل داده و در نتیجه این کار ضرورتی ندارد.

^{۸۴} Articles of association of the American society of composers, authors and publishers, Arts.4 and 17.

^{۸۵} Uchtenhagen, U. (2011). Copyright Collective Management in Music. Geneva: WIPO Publication, 12-17, 19, 62, 133-135

اداره مشتریان (کاربران) به رابطه بین سازمان مدیریت جمعی و کاربران مربوط می‌شود. هدف و وظیفه اصلی این اداره، تدوین فهرست آثار و اجراها، مذاکره با کاربران به منظور دسترسی به فهرست آثار و اجراهای پدیدآورندگان و صاحبان حقوق مرتبط، تجویز حق بهره‌برداری از آثار، تعیین شرایط قراردادی و نحوه پرداخت‌هایی است که باید به حساب اعضای خود دریافت و توزیع کند. این حقوق بطور معمول در قالب قراردادهای واگذاری حق بهره‌برداری یا قرارداد لیسانس به کاربران و استفاده‌کنندگان منتقل می‌شود. دخالت شرکت‌های مدیریت جمعی می‌تواند مانع از عدم تعادل در قراردادهایی شود که پدیدآورندگان و مجریان تنها را در مقابل مشتریان و مصرف‌کنندگان تهدید می‌کند.^{۸۶}

(د) ادارات فرعی (کمیته و کارگروه‌ها):

به منظور تحقق اهداف یک سازمان مدیریت جمعی و همچنین افزایش سهولت و کارآمدی امور اجرایی در اساسنامه اغلب سازمان‌ها، کمیته‌ها و یا کارگروه‌های تخصصی پیش‌بینی می‌شوند که حدود وظایف و اختیارات مشخصی داشته و دارنده حق یا مصرف‌کننده می‌تواند با توجه به نیاز خود به آنها مراجعه کند. این کمیته‌ها و کارگروه‌ها ممکن است تحت عنوان ادارات فرعی در اساسنامه و چارت سازمانی ذکر شوند. سازمان‌های مدیریت جمعی حداقل نیاز به دو واحد خدماتی در خصوص اداره امور فنی و امور مالی دارند. از دیگر کمیته‌ها می‌توان به طور مثال از کمیته‌های منطقه‌ای، کمیته حقوقی یا مشورتی، کمیته حسابرسی و کمیته نظارتی نام برد. معمولاً اعضای کمیته حقوقی یا کمیته نظارتی توسط مجمع عمومی انتخاب می‌شوند و توصیه می‌شود محدوده وظایف نظارتی این واحد در اساسنامه به دقت مشخص شود تا مانع از دخالت نابجای آنها در امور مدیریت مثل دخالت سختگیرانه در معاملات و پیچیده کردن امور شود.^{۸۷}

^{۸۶} شیروی عبدالحسین و میرزایی محمد علی، "مدیریت جمعی حق مؤلف و حقوق مرتبط"، مندرج در مجله فقه و حقوق سال چهارم شماره ۱۳ تابستان ۱۳۸۶، صص. ۱۵۹-۱۶۰.

^{۸۷} Uchtenhagen, U. (2011). Copyright Collective Management in Music. Geneva: WIPO Publication, 12-17, 19, 62, 133-135.

۵) امور مالی در سازمان‌های مدیریت جمعی

یکی از اصول حاکم بر سازمان‌های مدیریت جمعی لزوم شفافیت در امور مالی مانند تعرفه‌ها، درآمدها و توزیع درآمد است. معمولاً در اساسنامه سازمان‌های مذکور ارائه "گزارش‌های ادواری" پیش‌بینی می‌شود که به اطلاع اعضا یا مراجع ذیصلاحی که در قانون یا اساسنامه تعیین می‌شود، می‌رسانند. از جمله موارد مذکور در گزارش‌های ادواری عبارتند از: تعیین درآمدهای حاصله در طول بازه زمانی مشخص که عموماً یک ساله است، تفکیک درآمدهای حاصله از حیث نوع اثر، مجوزهای صادره، اشخاص دارنده حق، تعیین و اعلام هزینه‌ها و مبالغ دریافتی سازمان بابت اقدامات اداری و مدیریتی، همچنین تعیین شعبه‌های اعتراض به مندرجات گزارش‌ها. در این قسمت به بررسی مسائل مالی این سازمان‌ها پرداخته می‌شود.

الف) تعرفه‌ها

یکی از موارد حائز اهمیت که باید در مقررات حاکم بر اساسنامه سازمان مدیریت جمعی مشخص شود موضوع تعرفه‌ها اعم از تعداد، نوع و میزان آنهاست.

اصولاً برای تعیین این تعرفه‌ها خصوصاً برای "تعیین حق عضویت" دو رویکرد مورد استفاده قرار گرفته است: رویکرد اول تعیین تعرفه‌ها را منوط به نسبتی از درآمد عضو و یا دارنده حق از فعالیت‌های سازمان دانسته، رویکرد دوم صرفاً مبلغی مقطوع را برای آنها در نظر گرفته که به صورت ادواری روزآمد می‌شود. به نظر می‌رسد که رویکرد اول به عدالت نزدیکتر باشد، اما باید آن را نسبت مشخصی از میزان درآمد با توجه به میزان استفاده از آن دانست. به عبارت دیگر باید ضریبی را برای این تابع در نظر گرفت که ارتباط به میزان بهره‌برداری و یا به تعبیر دیگر فعالیت سازمان در خصوص تجاری‌سازی حقوق اعطا شده داشته باشد، زیرا ممکن است یک اثر فاخر با یک بار بهره‌برداری چندین برابر اثر دیگر درآمدزایی داشته باشد. این در صورتی است که فعالیتی که از جانب سازمان در خصوص این دو اثر صورت گرفته، یکسان می‌باشد و اختلاف درآمدهای حاصله صرفاً بر مبنای کیفیت

اثر بوده است و محاسبه تعرفه‌ها بدون در نظر گرفتن میزان فعالیت اداری سازمان برای یک اثر می‌تواند مبالغ تعیین شده را از محور عدالت خارج کند.

فارغ از موضوع تعیین تعرفه عضویت، سازمان‌های مدیریت جمعی اصولاً برای بهره‌برداری از آثار نیز تعرفه‌هایی را مشخص می‌کنند تا برای تک‌تک آثار با مصرف‌کننده وارد چانه‌زنی نشوند. برای این راهبرد فواید دیگری نیز قابل تصور است، از جمله اینکه میزان درآمد صاحبان حق با توجه به قراردادهایی که سازمان با مصرف‌کننده منعقد کرده، شفاف شده و همچنین محاسبه غرامات پیش‌بینی شده و در قانون توسط سازمان یا مراجع ذیصلاح با توجه به نوع استفاده از اثر یا تعرفه‌های تعیین شده، به سهولت مورد محاسبه قرار می‌گیرند. البته در برخی کشورها نظیر سوئیس این قبیل تعرفه‌ها توسط مراجع دولتی تعیین می‌شوند که از جمله مزیت‌های آن می‌توان، به انحصارزدایی سازمان و حفظ منافع مصرف‌کنندگان اشاره کرد، هرچند که می‌توان آثار فاخر را پس از تشخیص درجه کیفی آنها از شمول تعرفه‌های مذکور مستثنی کرد.

در مجموع تعرفه حق امتیاز باید به گونه‌ای تعیین شود که امکان دسترسی به آثار را برای مصرف‌کنندگان فراهم کند و تا حد ممکن هزینه‌های اداری وارده بر اعضا و مجوزگیرندگان را در حداقل نگاه دارد. در واقع میزان این مبالغ باید طوری باشد که نیاز اعضا و مصرف‌کنندگان را در هر جایگاه اقتصادی که باشند، به خصوص در موضوعات سلامت و بهداشت، تأمین کند.

ب) جمع‌آوری حق تألیف و درآمد

مبالغ جمع‌آوری شده در قبال استفاده از حق مؤلف و حقوق مرتبط را حق تألیف یا اجرت^{۸۸} می‌نامند که در واقع مبلغی است که در مقابل واگذاری حقوق مؤلف و مصنف به او پرداخت می‌شود. یکی از وظایف و کارکردهای سازمان‌های مدیریت جمعی، مدیریت حق تألیف‌ها است. سازمان موظف است حق تألیف‌ها را جمع‌آوری کرده،

^{۸۸} Royalty/remuneration

مبالغ را بین اعضاء سازمان و در مواردی که از آثار و حقوق انحصاری اشخاص غیرعضو بهره‌برداری شده، بین صاحبان حق، تقسیم و توزیع نماید.

حق تألیف‌ها به صورت فصلی، هر نیم سال یا حداقل یک بار در سال صورتحساب شده و جمع‌آوری می‌شود. جمع‌آوری ارتباط تنگاتنگی با تعهدات گزارشگری دارد. اگر به عنوان مثال، یک تولیدکننده فونوگرام گزارش دهد که فونوگرام را سالانه تولید می‌کند، سازمان می‌تواند مبنای جمع‌آوری خود را از این گزارش‌ها بدست آورده و در نتیجه دو بار در سال فاکتور بدهد.

اصولاً شیوه‌های تعیین درآمد سازمان مدیریت جمعی منحصر به دو مورد است: در شیوه اول میزان قابل توجهی از درآمدها بر مبنای قراردادی میان سازمان با مصرف‌کنندگان و یا اطلاعات دقیقی که از طریق رصد سازمان و یا شعب آن از مقادیر توزیع و یا استفاده‌های انجام شده از اثر به دست آمده، محاسبه می‌گردد، اما در شیوه دوم به دلیل ماهیت خاص برخی از آثار یا حقوق و یا شیوه‌های خاص در دسترس عموم قرار دادن آنها، اطلاعات دقیق از میزان توزیع و یا تعداد مصرف آن در اختیار سازمان قرار نمی‌گیرد.

در این خصوص سازمان به هنگام در اختیار قرار دادن اجازه دسترسی به هر اثر مبلغ ثابتی را صرف نظر از میزان استفاده‌ای که از آن خواهد شد، از مصرف‌کننده اخذ و به همین روش میان اعضا تقسیم خواهد کرد. مثلاً پس از در دسترس عموم قرار دادن یک قطعه موسیقی در فضای مجازی، تعداد استفاده‌هایی که مصرف‌کننده در آینده خواهد داشت به هنگام اعطای اجازه بهره‌برداری مشخص نیست، پس برای چنین مواردی اقدام به وضع مبلغ مقطوعی مینمایند.

ج) بازپرداخت هزینه‌ها

قبل از توزیع درآمد بین اعضای سازمان، لازم است هزینه‌های عملیاتی از کل درآمد جمع‌آوری شده کسر گردد. در بعضی از کشورها، حداکثر میزان هزینه‌ای که می‌توان از کل درآمد کسر کرد، توسط قانون ومقررات مربوط

به مدیریت جمعی تعریف شده است یا استانداردهایی کلی در این زمینه در کشور وجود دارد. حداکثر میزان هزینه‌ها در برخی از قوانین بین ۲۰ تا ۳۰٪ و در بعضی از کشورها، حتی پایین‌تر تعریف شده است. همچنین ممکن است این مبلغ به نوع حقوق تحت مدیریت بستگی داشته باشد.^{۸۹}

توجه به این نکته مهم است که در مرحله توسعه و ابتدای شکل‌گیری سازمان (معمولاً سه تا پنج سال)، تقریباً هیچ درآمدی وجود ندارد. در این مرحله تعیین سهام بسیار محدود با هزینه کم می‌تواند مشکل‌ساز و مانع توسعه باشد، زیرا این عملیات هرگز با بودجه ناکافی توسعه نمی‌یابد.

علاوه بر این طبق اهداف و اساسنامه هر سازمان مدیریت جمعی یا قانون کشور، درصدی از درآمد (مثلاً ده درصد) برای اهداف اجتماعی و یا فرهنگی اختصاص می‌یابد. غالباً یک نهاد خاص مانند کمیته در سازمان مدیریت جمعی وجود دارد که مجاز به تصمیم‌گیری در مورد چگونگی استفاده از پول برای اهداف اجتماعی و فرهنگی است.

د) توزیع درآمدها و سود حاصله

توزیع حق تألیف‌های جمع‌آوری شده بین صاحبان حقوق یک مسئله اساسی در هر سازمان مدیریت جمعی است. شیوه توزیع حق تألیف‌ها مطابق با اساسنامه سازمان بوده یا توسط مجمع عمومی به عنوان بالاترین مرجع، تصمیم‌گیری می‌شود. صرف نظر از روش توزیع، هدف اصلی توزیع درآمد حاصل از صدور مجوز برای کسانی است که از آثار آنها استفاده می‌شود به طوریکه ضمن به حداقل رساندن هزینه‌ها و حفظ دقت کافی، حداکثر توزیع بین صاحبان حقوق صورت گیرد.

یک اصل اساسی در مدیریت جمعی حقوق افراد این است که پاداش باید بر اساس استفاده واقعی از آثار آنها بین صاحبان حقوق توزیع شود. بنابراین در حالت ایده آل، هر یک از صاحبان حقوق با توجه به کاربرد واقعی کار

^{۸۹} Educational Material on Collective Management of Copyright and Related Rights Module 1: General aspects of collective management Tarja Koskinen-Olsson.Nicholas Lowe. 2012.Wipo publication.

خود در هر نمونه، پاداش دریافت می‌کنند. در واقع تقسیم درآمدها بر مبنای میزان، دفعات و نحوه بهره‌برداری صورت گرفته بر اساس مستندات موجود صورت می‌پذیرد. سود تقسیم شده در آثار غیرمشتک و غیرجمعی مستقیماً به عضو پرداخت می‌شود.

ممکن است یک اثر به طور معمول دارای چندین دارنده حقوق باشد که با ظرفیت‌های مختلف در ایجاد آن اثر شرکت کرده باشند. به طور مثال در مورد یک کار موسیقی، سهامداران می‌توانند آهنگساز، متن‌نویس و ناشر موسیقی باشند. در مواجهه با آثار مشترک و یا جمعی، برخی کشورها قواعد خاصی برای توزیع درآمد دارند. مثلاً در انگلیس سهم تولیدکننده نباید نسبت به آهنگساز یا ترانه‌ساز از نصف تجاوز کند. در آمریکا درآمد ناشر و نویسنده به صورت مساوی در نظر گرفته می‌شود.^{۹۰} به طور کلی در این موارد، در صورت وجود قرارداد تأییدشده میان صاحبان اولیه و ثانویه حقوق، تقسیم سود بر اساس اطلاعات موجود به عمل می‌آید و در صورت فقدان توافق قبلی، سازمان با توجه به امارات^{۹۱} و فروض پیش‌بینی شده برای مالکیت آثار مذکور در قانون، سهم عضو را پرداخت کرده و نسبت به پرداخت سهم سایر صاحبان حقوق اقدام می‌کند.

در خصوص سود آثاری که صاحبان حقوق آنها به صورت موقتی یا دائمی قابل شناسایی نیستند باید در اساسنامه سازمان تعیین تکلیف شود.^{۹۲} به طور معمول در این موارد اگر دارنده حق ظرف مدت مشخصی که در اساسنامه تعیین شده است (مثلاً سه ماه) درآمد خود را مطالبه نکند، به مدت مشخصی (مثلاً سه سال) در صندوق نگهداری شده و در صورت عدم مطالبه یا عدم شناسایی دارنده حق پس از گذشت این مدت، جزو دارایی سازمان محسوب می‌شود.

^{۹۰} میرزایی، همان منبع، ص ۱۰۲.

^{۹۱} اماره در لغت به معنای نشان، نشانه و علامت و اوضاع و احوالی است که می‌توان به کمک آن‌ها پی به امری برد. به موجب ماده (۱۳۲۱) قانون مدنی "اماره به معنای اوضاع و احوالی است که به حکم قانون یا در نظر قاضی، دلیل بر امری شناخته می‌شود".

^{۹۲} معینی، حامد، آیین نامه و اساسنامه پیشنهادی برای سازمان‌های مدیریت جمعی،

الگوها و نحوه فعالیت سازمان‌های مدیریت جمعی کپی رایت و حقوق مرتبط

در صورتی که عضوی فوت شود، مبلغ مذکور به وراثت و سایر افرادی که قانوناً حق مطالبه دارند واگذار می‌شود. در صورت ورشکستگی هر یک از اعضا، مبالغ پرداختی متوقف شده و مطابق دستور قانون رفتار می‌شود خواه اعلام ورشکستگی توسط خود شخص یا با حکم قضایی باشد. به دلایل عملی و اداری، همیشه امکان توزیع بر اساس میزان واقعی استفاده از اثر وجود ندارد و اغلب سازمان‌ها جمع‌آوری و توزیع پاداش را بر اساس نوعی از داده‌های آماری بدست می‌آورند. دو گزینه اصلی در توزیع درآمد وجود دارد^{۹۳}:

۱. توزیع با عنوان مشخص^{۹۴}

۲. توزیع بدون عنوان مشخص^{۹۵}

در توزیع با عنوان مشخص، داده‌ها با روش‌های اصلی زیر بدست می‌آیند:

۱. گزارش کامل

۲. گزارش جزئی یا بخشی بر اساس نمونه‌گیری

۳. در دسترس بودن عینی (امکان استفاده یا توزیع به احتمال زیاد) نیز نامیده می‌شود.

گزارش کامل به این معنی است که کاربر جزئیات هر اثر دارای کپی‌رایت را که استفاده می‌شود ثبت می‌کند. گزارش کامل اساس ایده‌آل برای توزیع است اما این روش ممکن است توسط کاربر سنگین تلقی شود و هزینه‌های زیادی را برای سازمان به همراه داشته باشد. با این حال، توسعه فناوری دیجیتال موجب شده که اکنون کاربران بیشتری نسبت به قبل می‌توانند به گزارش‌گیری کامل بروند.

^{۹۳}Educational Material on Collective Management of Copyright and Related Rights Module 1: General aspects of collective management Tarja Koskinen-Olsson.Nicholas Lowe. 2012.Wipo publication.

^{۹۴} title-specific distribution

^{۹۵} non-title specific distribution

در گزارش بخشی، کاربران بهره‌برداری خود را در مدت زمان مشخص گزارش می‌کنند. این روش را می‌توان یک روش نمونه‌برداری نیز نامید، یعنی توزیع بر اساس نمونه‌ای از موارد استفاده واقعی است. سپس زیرمجموعه با کمک روش‌های آماری تعمیم می‌یابد تا تمام موارد استفاده را نشان می‌دهد.

روش در دسترس بودن یا احتمال استفاده از اثر بر این فرض استوار است که می‌توان از تمام آثاری که در بازار وجود دارد استفاده کرد و در بعضی از مراحل احتمالاً استفاده خواهد شد. به این روش توزیع بر اساس احتمالات نیز گفته می‌شود. در مواردی که جمع‌آوری اطلاعات از کاربران غیرممکن و دشوار باشد، توزیع می‌تواند بر اساس اصل در دسترس بودن عینی باشد. این روش توزیع به طور گسترده‌ای برای توزیع درآمد حاصل از حق تألیف کپی‌های خصوصی استفاده می‌شود.

در روش "توزیع بدون عنوان مشخص"، اطلاعات جزئی درخصوص میزان استفاده از اثر مدنظر نیست. این روش در برخی از کشورها و حقوق خاص، مورد استفاده قرار می‌گیرد که حق تکثیر یکی از این موارد است. در این روش، از نظرسنجی‌های آماری استفاده شده، داده‌ها برای مدت محدودی از تعداد محدودی از کاربران تحت پوشش قرارداد جمع‌آوری می‌شوند و سازمان بر اساس آنها، پاداش را به سازمان‌های عضو خود که نمایندگان نویسندگان و ناشران هستند توزیع می‌کند. سپس انجمن درآمد را به اعضای خود و صاحبان حقوق در رده خود هدایت می‌کند، لذا پاداش به طور غیرمستقیم به نویسندگان و ناشران اختصاص می‌یابد. این روش توزیع فقط برای صاحبان حقوق ملی اعمال می‌شود. سهم ناشی از صاحبان حقوق خارجی می‌تواند بر اساس نتایج نظرسنجی محاسبه شود و برای توزیع به همتایان خارجی ارسال شود.

به منظور تبیین بهتر موضوع، نمونه روش‌های توزیع در چند مورد پرکاربرد بیان می‌شود:

- ۱- در حق تکثیر رپروگرافی (تکثیر در حجم بالا)، تعیین حق تألیف بر اساس تعداد صفحات تکثیر شده یا نوع کاربر (طبقه بندی کاربر در گروه‌های دانش‌آموز، دانشجو و...) صورت می‌گیرد و توزیع آن نیز به دو شکل است:
- ۱- بر اساس گزارش‌دهی کامل یعنی مقدار تکثیر و جزئیات آن که چون زمان و هزینه زیادی می‌برد، یک دوره

زمانی خاص تعیین شده و مقدار تکثیر در آن محاسبه می‌شود. ۲- روش دیگر به صورت گزارش‌دهی بخشی یا همان سنجش آماری است که اطلاعات جزئی در مورد تعداد تکثیرهای انجام شده در آن مدنظر نمی‌باشد. به طور مثال در یک دانشگاه، کل مقدار فتوکپی‌ها از طریق نظرسنجی‌های آماری قابل مطالعه است. تعرفه به طور متوسط در هر سال به ازای هر دانشجو، تعداد نسخه‌های اثر و قیمت هر صفحه تعیین می‌شود که دانشگاه برای هر دانشجو پرداخت می‌کند.

از آنجا که این نوع تکثیر در موارد تحصیلی، تحقیقاتی و خدمات کتابخانه‌ای بسیار مورد توجه عموم است، یکی دیگر از راه‌های حفظ حقوق صاحبان حق، اعمال سیستم‌های مالیاتی به صورت مالیات بر تجهیزات کپی یا مالیات بر کاربر است که توسط سازمان‌های مدیریت جمعی مربوطه دریافت شده و بین اعضا توزیع می‌شود. به این معنا که به خرید و فروش و واردات و صادرات دستگاه‌ها و ابزار مربوط به تکثیر در حجم بالا از قبیل دستگاه‌های زیراکس، پرینترها، تجهیزات ضبط و حامل‌های صوتی تصویری مانند سی‌دی، دی‌وی‌دی و فلش، مالیات تعلق می‌گیرد و مالیات مذکور توسط سازمان‌های مدیریت جمعی دریافت شده و بین صاحبان آثار به طرق مختلفی مثل کمک هزینه درمان توزیع می‌شود.

۲- حق اجرای عمومی اثر^{۹۶}، از حقوق انحصاری مؤلفان است که بر اساس آن از یک حق عمومی برای دادن مجوز ارتباط جمعی آثارشان با وسایل بی‌سیم و باسیم برخوردارند. معمولاً سیستم توزیع درآمد در حق اجرای عمومی اثر بر مبنای محاسبه آماری و ذهنی (گزارش بخشی بر اساس نمونه‌گیری) است نه اطلاعات جزئی و دقیق و در آن به عوامل مختلفی چون ویژگی اثر اجرا شده و دوره زمانی آن، نوع و ماهیت اثر اجرا شده مثل صوتی و تصویری بودن یا زنده یا ضبط شده بودن آن، مجوز گیرنده و حتی اماکن مورد استفاده نیز توجه

^{۹۶} Making available to the public

می‌شود.^{۹۷} به طور مثال حق اجرای عمومی آثار صوتی در اماکن دولتی می‌تواند بر اساس ظرفیت پذیرش جمعیت محاسبه شود، مثلاً ظرفیت ۱ تا ۵۰ هزار نفر با یک قیمت و ظرفیت بالای ۵۰ هزار نفر با قیمت دیگری باشد.^{۹۸}

مبنای محاسبه حق تالیف اجرای عموم اثر در استودیوهای موسیقی و مدارس، مبلغ سالانه‌ای بر اساس مترای این اماکن؛ در سیرک‌ها و سالن‌های نمایش بر اساس تعداد صندلی‌ها؛ در سالن‌های زیبایی بر اساس مترای سالن و تجهیزات بنا؛ در سالن‌های ورزشی بر اساس مترای بنا یا میانگین مبلغ ورودیه و تعداد افراد پذیرفته شده در سالن؛ در سالن‌های غذاخوری بر اساس مترای بنا و سایر امکانات تفریحی آن؛ در نمایشگاه‌ها بر اساس روزهای نمایش و برای آهنگ‌های گوشی همراه درصدی از درآمد ارائه‌دهنده خدمات خواهد بود.^{۹۹} لذا به طور معمول مبنای محاسبه حق تالیف یا حق امتیاز بسته به اماکن و لیسانس گیرنده متفاوت است. تعیین تعرفه به شکل سالانه در مورد لیسانس فراگیر و همچنین مواردی که مدیریت دقیق، پرهزینه و غیرممکن است، بیشتر کاربرد دارد.

مثال دیگر در این زمینه ایستگاه‌های رادیویی تجاری است. یک ایستگاه رادیویی ممکن است برای استفاده از آثار موسیقی، درصدی مربوط به درآمد تبلیغات خود پرداخت کند. این درصد می‌تواند بسته به نسبت موسیقی به کل زمان پخش متفاوت باشد. هرچه موسیقی بیشتر پخش شود، تعرفه بالاتر است. این تعرفه در دقیقه می‌تواند بسته به اینکه ایستگاه دارای پوشش سراسری باشد یا یک منطقه تحت پوشش کمتر، متفاوت باشد.

۳- در حق تعقیب یا بازفروش اثر^{۱۰۰}، روش محاسبه حق تالیف پدیدآورنده اثر، بر اساس میزان افزایش قیمت در هر بار فروش یا برمبنای خود قیمت فروش اثر است که غالباً روش اول مورد استفاده قرار می‌گیرد در حالی که روش دوم مناسب‌تر است زیرا در مورد آثار قدیمی، اسناد و مدارک معتبری برای محاسبه قیمت افزایش یافته

^{۹۷} محمدی، رافونه، نظام حقوقی حاکم بر مدیریت جمعی مالکیت فکری، صص ۸۹-۹۱

^{۹۸} www.ascap.com

^{۹۹} www.compass.org

^{۱۰۰} Resale right

وجود ندارد.^{۱۰۱} حق تعقیب حقی است که در یکسری از نظام‌های حقوقی مانند فرانسه، انگلستان و اتحادیه اروپا برای پدیدآورنده برخی از آثار هنری نسبت به منافع حاصل از فروش‌های بعدی اثر پذیرفته شده است. به موجب این حق، پدیدآورنده می‌تواند درصدی از ثمن بازفروش‌های اثر پس از انتقال اولیه را دریافت کند. این حق که مبتنی بر ملاحظات منصفانه است، ناظر به آثار هنری اصیل مانند نقاشی است که با اولین فروش از دایره اختیارات پدیدآورنده خارج می‌شوند. تعهد پرداخت حق تعقیب بسته به مورد بر عهده فروشنده، خریدار و یا واسطه‌های فروش است.

ز) رابطه سازمان‌های مدیریت جمعی با یکدیگر

قوانین ملی که حقوقی را برای ذینفعان آثار ادبی هنری و حقوق مرتبط تأسیس یا شناسایی می‌کنند، به داخل مرزهای کشورها محدود می‌شود لذا سازمان‌های مدیریت جمعی جهت برخورداری آثار از حمایت بین‌المللی به انعقاد قراردادهای دوجانبه با دیگر سازمان‌ها می‌پردازند که در کنوانسیون برن، به آن "اصل رفتار ملی"^{۱۰۲} گفته می‌شود. این اصل در کنوانسیون رم، کنوانسیون حق مؤلف یونسکو و معاهده تریپس نیز مورد توجه قرار گرفته است. طبق این اصل با مالکان خارجی آثار همچون اتباع خود کشور رفتار شده و آنها نیز از همان حمایت‌های قانونی برخوردار می‌شوند، لذا لازم است بین سازمان‌های مدیریت جمعی یکسری همکاری‌های بین‌المللی وجود داشته باشد تا حقوق اتباع کشورهای عضو نه تنها در کشورشان، بلکه در کشورهای عضو معاهدات و کنوانسیون‌ها اجرا گردد.

امروزه شبکه‌های جهانی سازمان‌های مدیریت جمعی تأسیس شده است که نمایندگی سازمان‌های غیردولتی بسیار قدرتمندی را بر عهده دارند که نمونه آن، سیزاک (کنفدراسیون بین‌المللی انجمن‌های پدیدآورندگان و

^{۱۰۱} Ficsor, mihaly, p55.

^{۱۰۲} National treatment

آهنگسازان) است که در حوزه اجرای حقوق آهنگسازان و مؤلفان در سطح بین‌المللی به وجود آمد و به دنبال آن سازمان‌های حق اجرا نیز به این کنفدراسیون پیوستند. ایفررو^{۱۰۳} و در سطح اروپا، آپو^{۱۰۴} انجمن اروپایی سازمان‌های اجراکنندگان از دیگر نمونه‌های روابط سازمان‌های مدیریت جمعی در سطح بین‌المللی و بر اساس اصل رفتار ملی هستند.^{۱۰۵}

سازمان‌های مدیریت جمعی علاوه بر این نوع همکاری‌های بین‌المللی، تحت "موافقت‌نامه‌های نمایندگی دوجانبه یا متقابل" نیز با هم همکاری کرده، هر دو طرف موافقت‌نامه تعهد می‌کنند، مجموعه آثار خارجی موجود در محدوده ملی آنها مدیریت شده، اطلاعات لازم مبادله شود، ناقضان حقوق مورد تعقیب قرار گیرند و حق تالیف یا مبالغ دریافت شده به سازمان خارجی طرف موافقت‌نامه پرداخت شود.^{۱۰۶} مثلاً اگر آثار یک مؤلف آرژانتینی که اثر خود را در سازمان مدیریت جمعی سادیاک ثبت کرده است، از رادیوی آلمان پخش شود، سازمان مدیریت جمعی آلمانی جما حق‌الامتياز آن را به سادیاک پرداخته و آن هم به مؤلف آرژانتینی می‌پردازد.^{۱۰۷}

در سیزاک نیز ارتباط بین سازمان‌های مدیریت جمعی در سایر کشورها با این سازمان، از طریق موافقت‌نامه‌های چندجانبه است و موجب می‌شود همه اعضای سازمان بتوانند مجوز استفاده از مجموعه آثار موسیقی جهانی را صادر کنند. یک سازمان مدیریت جمعی که عضو سیزاک است، بعد از کسرکردن هزینه‌های اداری از حق‌التألیف‌های جمع‌آوری شده، درآمد حاصل را بین مصنفان و ناشران موسیقی بر اساس میزان استفاده از اثر تقسیم می‌کند. در واقع مجوزهای سازمان به صورت جمعی صادر می‌شود، اما توزیع حق‌التألیف‌ها شخصی است.^{۱۰۸}

^{۱۰۳} IFRRO: International Federation of Reproduction Right Organization

^{۱۰۴} AEPO: Association of European Performers Organizations

^{۱۰۵} Garnett, K. Davies, G. Harbottle, G. (2005). Copinger and Skone james on copyright. London. Sweet & Maxwell. 1556

^{۱۰۶} Bently, L. Sherman, B. (2001). Intellectual Property Law. UK. Oxford University Press. 803

^{۱۰۷} Stopps, D. (2008). How to Make Life from Music. Wipo publication. 59. 61.63.

^{۱۰۸} Stopps, D. (2008). How to Make Life from Music. Wipo publication. 59. 61.63.

لازم نیست کارنامه دو سازمانی که طرفین موافقت‌نامه هستند، مثل هم باشد بلکه بیشتر باید منعکس‌کننده شرایط ملی که در آن هر سازمان عمل می‌کند، باشد.^{۱۰۹}

سازمان جهانی مالکیت فکری نیز به عنوان قسمتی از فعالیت‌های همکاری خود در جهت توسعه یافتگی بین‌المللی، از نزدیک با برخی از این سازمان‌ها همچون فیا^{۱۱۰} فدراسیون بین‌المللی بازیگران و فیم^{۱۱۱} فدراسیون بین‌المللی موسیقیدانان و ایفپی^{۱۱۲} فدراسیون بین‌المللی صنعت ضبط صدا در ارتباط بوده و کار می‌کند. هدف از این کار کمک‌رسانی به کشورهای در حال توسعه بر اساس تقاضای آنها جهت تأسیس سازمان‌های مدیریت جمعی در آن کشورها یا توسعه سازمان‌های موجود در آنهاست^{۱۱۳}. دبیرخانه بین‌المللی وایپو، دادگاه بین‌المللی وایپو را برای اجرا و مدیریت حق مؤلف و حقوق مرتبط در مواجهه با چالش‌های تکنولوژی دیجیتال تشکیل داده است. این دادگاه از سال ۱۳۳۷ در سویل اسپانیا تشکیل شده است.

ح) انواع سازمان‌های مدیریت جمعی در دنیا

عموماً سازمان مدیریت جمعی به شخصیت حقوقی اطلاق می‌شود که در راستای منافع پدیدآورنده و صاحبان حقوق مادی آثار شکل گرفته و به جهت تأمین چنین منفعی از ایشان مبالغی دریافت می‌نماید. فعالیت در این حوزه توسط قانون‌گذار و در نصوص قانونی کشورهای مختلف تجویز شده است. برخی کشورها در زمان تهیه این مقررات قالب‌های مشخصی را برای ایجاد این سازمان‌ها پیش‌بینی کرده، اما برخی دیگر به این موضوع ورود پیدا نکرده‌اند.

^{۱۰۹} Educational Material on Collective Management of Copyright and Related Rights Module 1: General aspects of collective management Tarja Koskinen-Olsson.Nicholas Lowe. 2012.Wipo publication.

^{۱۱۰} FIA: International Federation of Actors

^{۱۱۱} FIM: International Federation of Musicians

^{۱۱۲} IFPI: International Federation of the Phonographic Industry

^{۱۱۳} WIPO. (2015). Collective Management of Copyright and Related Right.

حقوقدانان "سیستم مدیریت" در سازمان‌های مدیریت جمعی را به طور کلی و بر اساس میزان جمع‌گرایی به دو

نوع تقسیم‌بندی کرده‌اند: (۱) سیستم مدیریت جمعی حقوق^{۱۱۴} و (۲) سیستم مدیریت مشترک حقوق^{۱۱۵}

در سیستم مدیریت جمعی، مدیریت بر اساس یک عنصر جمعی صورت گرفته و سازمان به ارائه اهداف جمعی می‌پردازد، یعنی به طور مثال تعرفه‌ها، شرایط مجوزدهی و قواعد توزیع درآمدها یکسان و برای کل اعضا مشابه است و توسط سازمان تعیین می‌شود.

در سیستم مدیریت مشترک، عناصر جمعی کمرنگ شده و جای خود را به عناصر کاملاً شخصی داده‌اند، یعنی تعرفه‌ها، شرایط مجوزدهی و قواعد توزیع توسط خود اعضا و به صورت شخصی تعیین می‌شود و سازمان نقشی در تعیین آنها ندارد و تنها به عنوان یک منبع و مرکز صدور مجوز بر اساس شرایط تعیین شده توسط اعضا و جمع‌آوری و توزیع درآمدها عمل می‌کند. در این سیستم به جای توزیع واقعی درآمد، هزینه‌های مدیریت کسر شده و مابقی به صاحب اثر یا حق پرداخت می‌شود. این سیستم، نقش مهمی در مدیریت حقوق در محیط دیجیتال، صدور مجوز استفاده‌های آنلاین و مجوز محصولات چندرسانه‌ای دارد.^{۱۱۶}

در واقع در نوع اول، مدیریت جمعی کامل و در نوع دوم مدیریت جمعی جزئی وجود دارد.

نوع اول سیستم مدیریت یعنی سیستم مدیریت جمعی بیشتر در سازمان‌های مدیریت جمعی سنتی دیده می‌شود. نوع دوم سیستم مدیریتی یعنی مدیریت مشترک، در سازمان‌هایی که به صورت مرکز تسویه حقوق است، دیده می‌شود.

بر اساس سیستم‌های مذکور، سازمان‌های مدیریت جمعی مدل‌های مختلفی دارند که عبارتند از: ۱- سازمان مدیریت جمعی سنتی، ۲- مرکز تسویه حقوق و ۳- مکان واحد ارائه خدمات.

^{۱۱۴} Collective Management of Rights

^{۱۱۵} Joint Exercise of Rights

^{۱۱۶} Ficsor, M. (2002). Collective Management of Copyright and Related Rights. Geneva: WIPO Publication, 15-18

۱) سازمان مدیریت جمعی سنتی

سازمان مدیریت جمعی، واسطه بین اثر یا محصول و مصرف آن است. تولیدکننده محصول را مؤلفان و اجراکنندگان تشکیل می‌دهند و به مصرف‌کنندگان این محصولات یا آثار، مشتریان گفته می‌شود. مؤلفان شامل هنرمندان و خالقان آثار نظیر نویسندگان، مصنفان، آهنگسازان، طراحان، نقاشان، خوانندگان، موسیقیدانان می‌شوند.

سازمان مدیریت جمعی سنتی سازمانی است که مستقیماً با استفاده‌کنندگان طرف مذاکره قرار می‌گیرد، اقدام به تعیین حق امتیازها، شرایط استفاده از آثار اعضا، انعقاد قرارداد با استفاده‌کنندگان و وصول حق امتیازها می‌کند. در هیچ یک از مراحل، استفاده‌کننده با پدیدآورنده طرف مذاکره مستقیم قرار نمی‌گیرد. چنین سازمان‌هایی، سازمان‌های مدیریت جمعی کامل هستند.^{۱۱۷}

۱- حقوقی که مدیریت می‌شوند

انواع مختلف حقوق مادی انحصاری مربوط به کپی‌رایت و حقوق مرتبط مانند حق نشر و تکثیر، حق عرضه و اجرای عمومی اثر، حق ترجمه و حق اقتباس که اجرای فردی آنها مشکل یا غیرممکن است، توسط سازمان‌های مدیریت جمعی، مدیریت می‌شوند که در بین آنها، بیشتر حقوق سه‌گانه اقتصادی (حق اجرای عمومی، حق پخش رادیو تلویزیونی و حق تکثیر) توسط این سازمان‌ها اداره می‌شود.

علاوه بر این سازمان موظف است به مؤلف در حفظ "حقوق معنوی" اش کمک کند. حقوق معنوی یا اخلاقی، امتیازات غیرمالی است که به شخصیت پدید آورنده مربوط می‌شود و برای حمایت از اوست. مهمترین موارد این حقوق شامل حق حرمت نام^{۱۱۸} و حق حرمت اثر^{۱۱۹} می‌شود. بر اساس حق حرمت نام، پدید آورنده می‌تواند انتشار

^{۱۱۷} Uchtenhagen, U. (2011). Copyright Collective Management in Music. Geneva: WIPO Publication. 12-17

^{۱۱۸} Paternity Right

^{۱۱۹} Integrity Right

اثر را با نام و عنوان خود بخواهد یا اینکه انتشار اثر را بدون نام یا با نام مستعار طلب کند.^{۱۲۰} این حق مستلزم مصونیت اشخاص از اسناد نادرست اثر به آنها نیز می‌باشد. یعنی چنان که نمی‌توان اثر پدید آورنده‌ای را بدون نام وی منتشر کرد، همان‌گونه نمی‌توان اثری را به کسی که آن را پدید نیاورده است، استناد داد.^{۱۲۱} مهم‌ترین حق معنوی، حق حرمت یا تمامیت اثر است. بر اساس حق حرمت یا تمامیت اثر هیچ‌کس نمی‌تواند یک اثر ادبی یا هنری را بدون موافقت پدید آورنده تغییر دهد؛ هر چند تغییر اندکی باشد.^{۱۲۲}

همانطور که اشاره شد، سازمان موظف است به مؤلف در حفظ "حقوق معنوی" اش کمک کند و تضمین کند هیچ نوع استفاده‌ای را که موجب زیان به حقوق معنوی مؤلف می‌شود، اجازه نمی‌دهد. بر این اساس صاحب حق می‌تواند تقاضا کند نام او همراه با آثاری که اجرای عمومی یا پخش رادیو تلویزیونی می‌شود، ذکر شود یا مانع از تغییرات اثرش گردد که باعث زیان به شهرت او شده یا موجب تغییر شکل و تحریف اثر می‌گردد.^{۱۲۳}

از موارد مهم دیگری که این سازمان‌ها به موجب حقوق معنوی موظف به رعایت هستند، صدور مجوز استفاده از اثر در تبلیغات است. مؤلف می‌تواند با استفاده از اثرش در تبلیغات سیاسی یا هر نوع استفاده تبلیغاتی مخالفت کند، به طور مثال یک هنرمند گیاهخوار می‌تواند تقاضا کند مجوز استفاده از اثرش برای رستوران‌هایی که غذاهای حیوانی سرو می‌کنند، صادر نشود.^{۱۲۴}

۲- ایجاد یک سازمان برای مدیریت همه حقوق

^{۱۲۰} ماده ۱۸ قانون حمایت حقوق مولفان، مصنفان و هنرمندان در این خصوص مقرر می‌دارد: انتقال گیرنده و ناشر و کسانی که طبق این قانون اجازه استفاده یا استناد یا اقتباس از اثری را به منظور انتفاع دارند، باید نام پدید آورنده را با عنوان و نشانه ویژه معرف اثر، همراه اثر یا روی نسخه یا نسخه‌های چاپی یا تکثیر شده به روش معمول و متداول اعلام و درج نمایند مگر اینکه پدید آورنده به ترتیب دیگری موافقت کرده باشد.

^{۱۲۱} صفایی، سید حسین، «مالکیت ادبی و هنری و بررسی قانون حمایت از حقوق مولفان و مصنفان و هنرمندان»، نشریه حقوق و علوم سیاسی، شماره ۶ و ۷، تابستان ۱۳۵۰، ص ۱۲۳-۱۲۲

^{۱۲۲} ماده ۱۹ قانون حمایت حقوق مولفان، مصنفان و هنرمندان به وجود این حق اشاره می‌کند و مقرر می‌دارد:

هر گونه تغییر یا تحریف در اثرهای مورد حمایت این قانون و نشر آن بدون اجازه پدید آورنده ممنوع است.

^{۱۲۳} Uchtenhagen, U. (2011). Copyright Collective Management in Music. Geneva: WIPO Publication, 19, 62

^{۱۲۴} Stopps, D. (2008). HOW TO Make a Living from Music. Geneva: WIPO Publication, 25.

الگوها و نحوه فعالیت سازمان‌های مدیریت جمعی کپی رایت و حقوق مرتبط

سازمان جمعی در هر کشوری بنابر شرایط خاص اقتصادی، فرهنگی و سیاسی آن کشور به مدیریت یک یا همه حقوق می‌پردازد. در حال حاضر تعداد زیادی سازمان مدیریت جمعی کپی‌رایت و حقوق مرتبط در دنیا وجود دارد که به طور مشترک به اجرای همه حقوق می‌پردازند و مشکلات چندانی ندارند. منظور از همه حقوق، حقوق سه‌گانه اقتصادی (حق اجرای عمومی، حق پخش رادیو تلویزیونی و حق تکثیر) می‌باشد که مدیریت جمعی در مورد آنها بیشتر حائز اهمیت است. ایجاد یک سازمان برای مدیریت همه حقوق منافع متعددی در بر دارد:

الف) یک سازمان مشترک موجب اجرای مؤثرتر منافع عمومی صاحبان حقوق و حل سریعتر و آسانتر مشکلات می‌شود. به طور مثال اغلب مصنفان (که جزء مؤلفان نیز محسوب می‌شوند) از موسیقیدانان حرفه‌ای هستند، مثلاً در آمریکای لاتین و آفریقا، ۳۰٪ مصنفان، موسیقیدان نیز هستند. در چنین شرایطی زیان‌بخش است که برای حقوق افراد مشابه، دو سازمان یا انجمن مختلف تأسیس شود.

ب) ایجاد یک سازمان مشترک به نفع مصرف‌کنندگان آثار خواهد بود. در صورت یکی نبودن سازمان‌های مدیریت جمعی، سازمان‌های پخش، ایستگاه‌های رادیویی، هتل‌ها، سالن‌های نمایش، فروشگاه‌ها و... برای استفاده از هر اثر، دو صورت‌حساب یکی برای کپی‌رایت اثر و دیگری برای حقوق مرتبط دریافت می‌کنند که اغلب از پرداخت آنها خودداری کرده، از مدیریت دوگانه انتقاد می‌کنند و مایلند پرداخت آنها پیوسته و یکی باشد. تأسیس دو سازمان برای مشتریان مشابه می‌تواند موجب بروز برخی مشکلات اجرایی و نادیده گرفتن هر نوع اشتراک مساعی احتمالی می‌شود. بحث دیگر در خصوص مستندسازی است. یکی از ستون‌های اصلی یک سازمان جمعی را مستندسازی در خصوص آثار، مشخصات و محتوای آنها در داخل و خارج از کشور تشکیل می‌دهد. وجود دو یا چند سازمان موجب تکراری شدن مستندسازی و به نوعی موازی کاری می‌شود که فایده‌ای نیز در بر ندارد.

ج) ایجاد یک سازمان مشترک موجب می‌شود در صورت پدیدار شدن استفاده‌های جدید از آثار، نیاز به تأسیس سازمان‌های متعدد نباشد و این موارد نیز تحت پوشش مدیریت همان سازمان جمعی واحد قرار بگیرد.

نکته‌ای که در خصوص ایجاد یک سازمان جمعی واحد باید مد نظر قرار گیرد این است که با توجه به وجود طبقات مختلف صاحبان حق، لازم است تضمیناتی برای حفظ و توجه به حقوق و منافع این طبقات مختلف در نظر گرفته شود. سازمان مذکور باید به طور خاص الزامات محلی و منطقه‌ای "قانون رقابت" را رعایت کند البته، الزام به در نظر گرفتن قانون رقابت یک پیش‌نیاز کلی مدیریت جمعی حقوق است. از جمله این سازمان‌ها می‌توان از انجمن مدیریت جمعی حقوق تکثیر مکانیکی مؤلفان، مصنفان و ناشران در فرانسه نام برد که یک سازمان جمعی واحد برای مدیریت حقوق متعدد است و در واقع از ائتلاف دو انجمن مؤلفان، مصنفان و ناشران موسیقی^{۱۲۵} و انجمن ناشران برای استفاده از حقوق تکثیر مکانیکی^{۱۲۶} تشکیل شده است.^{۱۲۷}

۳- ایجاد سازمان مجزا برای حقوق مختلف

در برخی کشورها مدیریت حقوق سه‌گانه اقتصادی یا مدیریت کپی‌رایت و حقوق مرتبط، با هم و در یک سازمان منع شده است و یا ترجیح بر این است که توسط سازمان‌های جمعی مجزا مدیریت شوند. به طور مثال در فرانسه تعدد سازمان‌های مدیریت جمعی بجای وحدت آن وجود دارد و معتقدند با تعدد سازمان‌ها، از ایجاد انحصار در این زمینه، که می‌تواند به تضییع حقوق صاحبان آثار ادبی و هنری و مجریان منجر شود، خودداری می‌شود.

در کشورهایی که دارای صنعت فونوگرافیک هستند، مهمترین حقی که باید مدیریت شود، حق تکثیر است و معمولاً توسط یک سازمان جمعی مجزا مدیریت می‌شود. مثلاً در کشورهای اسکانندیناوی، حق اجرای عمومی و حق پخش رادیو تلویزیونی توسط جوامع ملی و حق تکثیر توسط یک آژانس مشترک تحت عنوان اداره کپی‌رایت نوردیک صورت می‌گیرد.^{۱۲۸}

^{۱۲۵} SACEM

^{۱۲۶} AEEDRM

^{۱۲۷} Ficsor, M. (2002). Collective Management of Copyright and Related Rights. Geneva: WIPO Publication, 108.

^{۱۲۸} Uchtenhagen, U. (2011). Copyright Collective Management in Music. Geneva: WIPO Publication, 133-135.

به هر حال ایجاد سازمان‌های مجزا برای حقوق مختلف، منافی نیز در بر دارد که مهمترین آنها توجه مستقیم و کامل به حقوق صاحبان حق در طبقات مختلف است مشروط بر اینکه این سازمان‌ها با یکدیگر همکاری نزدیک داشته باشند و در صورت امکان برای هر حق، یک سازمان در کشور وجود داشته باشد یا اگر چند سازمان برای یک حق وجود دارد، با هم ائتلاف داشته باشند، زیرا وجود چند سازمان در یک زمینه مشابه، موجب کاهش یا حذف منافع مدیریت مشترک حقوق می‌شود.

برخی معتقدند اگر تعداد زیادی از سازمان‌های جمعی برای صاحبان حقوق در یک گروه مشابه رقابت کنند، ممکن است وسوسه شوند به منظور جذب اعضای بیشتر، با هزینه‌های اداری خود رقابت کنند و هزینه‌های خود را کاهش دهند و در نتیجه استانداردهای دقت در توزیع درآمد را کاهش دهند.^{۱۲۹}

از جمله کشورهایی که سیستم آنها ایجاد سازمان‌های مجزا برای حقوق مختلف است، ایالات متحده آمریکا است که به طور مثال در آنجا مدیریت حق تکثیر توسط آژانس هری فاکس و مدیریت حق اجرای عمومی و حق پخش رادیوتلوویزیونی توسط دو سازمان جمعی ASCAP و BMI صورت می‌گیرد.

مثال: مدیریت جمعی در ترکیه

در ترکیه ماده ۴۲ "قانون شماره ۵۸۴۶ در مورد آثار فکری و هنری مورخ ۱۹۵۱/۱۲/۵" و آیین‌نامه مربوطه در رابطه با تأسیس سازمان‌های مدیریت جمعی تحت عنوان "تأسیس اتحادیه‌های حرفه‌ای" است. مقررات مربوط به مدیریت جمعی ترکیه به طور کامل مطابق با دستورالعمل‌های اتحادیه اروپا (به طور عمده با دستورالعمل اتحادیه اروپا در مورد مدیریت جمعی) و با تمرکز ویژه بر مقررات مربوط به شفافیت، پاسخگویی و حکمرانی خوب^{۱۳۰} می‌باشند. بر اساس این ماده، صاحبان آثار و صاحبان حقوق مرتبط می‌توانند اتحادیه‌های حرفه‌ای را مطابق مقررات و اساسنامه‌های مدل تهیه شده توسط وزارت فرهنگ و تأیید شده توسط هیأت‌مدیره وزرا تشکیل دهند.

^{۱۲۹} Educational Material on Collective Management of Copyright and Related Rights Module 1: General aspects of collective management Tarja Koskinen-Olsson, Nicholas Lowe, 2012. Wipo publication.

^{۱۳۰} Good governance

طبق این ماده تأسیس بیش از یک اتحادیه حرفه‌ای در یک زمینه امکان‌پذیر است و هر اتحادیه ممکن است با افتتاح شعب متناسب با شرایط کار کند.

در حال حاضر در ترکیه همه انواع آثار اعم از علمی، ادبی، موسیقایی، هنری و سینمایی از اتحادیه‌های مدیریت جمعی برای مدیریت حقوق و اعطای مجوز بهره‌برداری برخوردارند. هم اکنون یک فدراسیون مدیریت جمعی برای ناشران، ده انجمن مدیریت جمعی در خصوص آثار سینمایی، شش انجمن مدیریت جمعی آثار موسیقایی، هشت انجمن مدیریت جمعی در خصوص آثار ادبی و هنری، یک انجمن مدیریت جمعی در خصوص پخش‌کنندگان رادیو تلویزیونی، یک انجمن مدیریت جمعی در خصوص آثار هنری و یک انجمن جمعی درخصوص هنرمندان تئاتر در ترکیه فعالیت می‌کنند.

به طور مثال مسام^{۱۳۱} در تاریخ ۱۹۸۶ برای مدیریت حق تکثیر مکانیکی و اجرای حقوق صاحبان آثار موسیقایی، آهنگسازان، تنظیم‌کنندگان و ناشران آثار موسیقی تشکیل شد و از طریق توافق‌نامه‌های نمایندگی متقابل دو جانبه در سراسر جهان از حقوق اعضای خود حمایت می‌کند. این سازمان در سال ۱۹۸۸ به عضویت در سیزاک درآمد.

انجمن مویور بیر^{۱۳۲} که انجمن کپی‌رایت برای اجراکنندگان موسیقی می‌باشد، در سال ۲۰۰۰ توسط ۵۱ موسیقیدان به عنوان انجمن مدیریت جمعی حقوق مرتبط تأسیس شد که در سال ۲۰۱۰ به عنوان عضو شورای انجمن مدیریت جمعی حقوق اجراکنندگان (اسکاپر) پذیرفته شد.

سازمان مویاپ^{۱۳۳} که در سال ۲۰۰۰ تأسیس شد، یک سازمان غیرانتفاعی برای حقوق مجاور تولیدکنندگان آثار صوتی (فونوگرام) است که به عنوان انجمن مدیریت جمعی تولیدکنندگان از یک سو و به عنوان نماینده

^{۱۳۱} Türkiye Musiki Eseri Sahipleri Meslek Birliği (Musical Work Owners' Society Turkey) (MESAM)

^{۱۳۲} Müzik Yorumcuları Meslek Birliği (MÜYORBİR) (Professional Union of Music Interpreters)

^{۱۳۳} MÜ-YAP (Turkish Phonographic Industry Society)

صنعت موسیقی ترکیه از طرف دیگر فعالیت می‌کند. مویاپ از اعضای IFPI بوده و به این طریق نماینده تولیدکنندگان آثار صوتی ترکیه در سطح بین‌المللی است و در حال حاضر ۱۹۷ عضو دارد.

لذا در ترکیه سازمان‌های متعددی در رابطه با آثار مختلف ادبی و هنری و حقوق مرتبط وجود دارد که اغلب با استاندارد کردن رویه‌های اداری خود و به منظور حمایت از حقوق اعضای خود در سطح بین‌المللی، عضو فدراسیون‌ها و سازمان‌های چتر بین‌المللی نظیر سیزاک و بیم^{۱۳۴} می‌باشند. سازمان‌های مدیریت جمعی ترکیه تحت نظارت وزارت فرهنگ هستند.

(۲) مرکز تسویه حقوق^{۱۳۵}

نوعی از مدیریت مشترک کپی‌رایت و حقوق مرتبط است که در آن سازمان تنها به نمایندگی از اعضای خود، مجوز استفاده از آثار را صادر می‌کند، اما شرایط بهره‌برداری از اثر و تعرفه‌ها را اعضا مستقیماً تعیین می‌کنند. در واقع سازمان به صورت یک دلال و مرکز مجوزدهی عمل می‌کند و دخالتی در دریافت درآمد و حق تألیف ندارد. شرایط صدور مجوزها و تعرفه‌ها توسط صاحبان آثار تعیین شده است که سازمان پس از کسر هزینه‌های مدیریت، بقیه مبالغ دریافتی و جمع‌آوری شده را به صاحب اثر می‌پردازد.

این نوع سازمان‌ها یا مراکز اغلب برای مدیریت حق تکثیر وسیع (رپروگرافی) تشکیل می‌شوند. رپروگرافی معمولاً برای تکثیر وسیع به منظور خدمات آموزشی، تحقیقاتی و کتابخانه‌ای صورت می‌گیرد. از جمله سازمان‌هایی که مرکز تسویه حقوق به شمار می‌آیند، فدراسیون بین‌المللی سازمان‌های حقوق تکثیر^{۱۳۶} است. این سازمان با ائتلاف و همکاری سازمان‌های ملی حق تکثیر، موجب کاهش کپی‌های بدون مجوز در سطح دنیا شده است و یک مرکز غیرانتفاعی تسویه حقوق کپی‌رایت محسوب می‌شود.^{۱۳۷}

^{۱۳۴} BIEM

^{۱۳۵} CCC: Right Clearance Centers/Copyright Clearance Center

^{۱۳۶} International Federation of Reproduction Rights Organizations

^{۱۳۷} Ficsor, M. (2002). Collective Management of Copyright and Related Rights. Geneva: WIPO Publication, 129-131.

۳) مکان واحد ارائه خدمات^{۱۳۸}

مکان واحد ارائه خدمات، به ائتلافی از سازمان‌های مدیریت جمعی مستقل اطلاق می‌گردد که مجوز استفاده از آثار سازمان‌های عضو ائتلاف را صادر می‌کنند.

اغلب این سازمان‌ها به منظور حل مشکل تولید آثار چندرسانه‌ای به وجود می‌آیند. آثار چندرسانه‌ای آثاری هستند که از تعداد زیادی آثار و مجموعه‌های موجود خلق می‌شوند. در اساسنامه سازمان مدیریت جمعی ساسم^{۱۳۹}، محصول چندرسانه‌ای به این صورت تعریف شده است:

((محصول یا آثاری که اطلاعات موجود در آنها از منابع گوناگونی، مانند موسیقی یا صدا، متن و تصاویر متحرک یا ثابت تشکیل شده است.))

شکل‌گیری محصولات چندرسانه‌ای نیاز به تأسیس سازمان‌های مدیریت جمعی را برای ایجاد یک منبع مجوزدهی مشترک افزایش داده است به همین دلیل به این سازمان‌ها، سازمان‌های حقوق چندرسانه‌ای^{۱۴۰} نیز گفته می‌شود.

با تشکیل چنین سازمان‌هایی، تولیدکننده آثار چندرسانه‌ای به جای کسب مجوز از سازمان‌های مختلف جهت تولید اثر خود، به مرکز ائتلاف آنها مراجعه می‌کند. در این مراکز نیز سازمان‌های عضو برای هر اثر، شرایط و تعرفه‌ها را تعیین می‌کنند و این مرکز تنها به عنوان نماینده صاحب اثر یا سازمان عضو در اعطای مجوز و جمع‌آوری و توزیع درآمد عمل می‌کند. هدف از تشکیل این سازمان‌ها، تسهیل مذاکره بین سه گروه تولیدکنندگان آثار چندرسانه‌ای، مصرف‌کنندگان آثار و صاحبان حقوق است. این سازمان‌ها ظرفیت نظارت بر بهره‌برداری از آثار و مبارزه با سرقت آثار را نیز دارند.

^{۱۳۸} One Stop Shop

^{۱۳۹} SASEM

^{۱۴۰} Multimedia Rights Organization

از نمونه‌های مکان واحد ارائه خدمات می‌توان به سازمان "سی‌ام‌وی"^{۱۴۱} در آلمان اشاره کرد که این ائتلاف از نه انجمن مدیریت جمعی حقوق مؤلفان و صاحبان حقوق مرتبط تشکیل شده است.^{۱۴۲}

سازمان کوپی اوستو^{۱۴۳} در فنلاند نیز نمونه‌ای دیگر از مکان واحد ارائه خدمات است که ائتلاف بیش از چهل و چهار سازمان مدیریت جمعی است.^{۱۴۴}

ط) نظارت بر سازمان‌های مدیریت جمعی

سازمان‌های مدیریت جمعی به دلیل ساختار و عملکردی که دارند، انحصاراتی برای خود به وجود می‌آورند و امکان دارد از وضعیت انحصاری و غالب خود در بازار سوءاستفاده کنند و این موجب بروز اختلافاتی بین آنها و کاربران شود.

اختلافات به طور معمول در مورد تعرفه‌ها و شرایط صدور مجوز رخ می‌دهد. در برخی کشورها سازوکارهای ویژه حل اختلاف وجود دارد به طور مثال جهت جلوگیری از بروز اختلاف، تعرفه‌ها توسط یک مرجع صالح تعیین یا تصویب می‌شوند. در برخی کشورها روش‌های میانجیگری یا داوری از جمله وظایف ادارات کپی‌رایت است. به عنوان نمونه اداره کپی‌رایت زامبیا به عنوان داور در موارد مربوط به اختلاف نظر عمل می‌کند و قدرت تصمیم‌گیری نهایی را دارد یا مثلاً سازمان‌های مدیریت جمعی در کانادا پیشنهادات تعرفه خود را به هیأت کپی‌رایت کانادا جهت بررسی ارسال می‌کنند.^{۱۴۵} هیأت می‌تواند جلسات استماع در مورد تعرفه‌های پیشنهادی آنها تشکیل دهد. نهایتاً تعرفه‌های تأیید شده در روزنامه رسمی منتشر می‌شود.

^{۱۴۱} CMMV

^{۱۴۲} VGWORT.GVL.GEMA. VGBILDKUNST.AGICOA.VGF.VFF.GWFF.GUFA

^{۱۴۳} KOPIOSTO

^{۱۴۴} Ficsor, M. (2002). Collective Management of Copyright and Related Rights. Geneva: WIPO Publication. 129-131.

^{۱۴۵} www.cb-cda.gc.ca

به هر حال لازم است مکانیسم‌هایی برای کنترل و نظارت بر کار سازمان‌های مدیریت جمعی وجود داشته باشد که هم مانع سوءاستفاده آنها از موقعیتشان شود و هم بتواند به اختلافات رسیدگی کند.

اصولاً برای نظارت بر سازمان‌های مدیریت جمعی مانند سایر اشخاص حقوقی سه راهکار عمده وجود دارد که عبارتند از نظارت دولتی، نظارت از طریق قوه قضائیه (دادستان) و نظارت توسط بازرسان داخلی. به نظر می‌رسد تعدد مراجع نظارتی بر امورات یک شخص حقوقی به شرط اینکه با یکدیگر تداخل نداشته و مانعی در امور اداری آن ایجاد نکند، نه تنها به نفع صاحبان حق، که از آنها به عنوان اعضا یاد می‌شود بوده، بلکه منافع مصرف‌کنندگان را نیز لحاظ خواهد داشت. لازمه این کار، پیش‌بینی موضوع نظارت در قوانین و مقررات مربوطه در هر کشور است.

مکانیسم‌هایی که در حال حاضر در دنیا و بالاخص اتحادیه اروپا وجود دارد بر اساس یک سیستم حل اختلاف شکل گرفته است که می‌تواند در اختلافات ناشی از ارتباط بین حقوق صاحبان حق، استفاده‌کنندگان و سازمان‌های مدیریت جمعی مؤثر و گره‌گشا باشد. این مدل‌ها طبق تجربیات اتحادیه اروپا عبارتند از^{۱۴۶}:

۱- نظارت محدود و خصوصی به وسیله نهادهای تخصصی^{۱۴۷}

در این مدل نظارت دولتی کمی وجود دارد و محکمه‌های خاص یا هیأت‌های داوری خاص، نظام تعرفه‌ها و مجوزهای سازمان مدیریت جمعی را کنترل می‌کنند. اساس کار این سیستم، حل اختلاف بدون توسل به دادگاه‌های عمومی است.

از ویژگی‌هایی این مدل سرعت رسیدگی، رسیدگی تخصصی و آیین دادرسی آسانتر است اما این مزایا نسبی بوده و موانع اجرایی آرای صادره و هزینه‌های بالای رسیدگی را می‌توان از نقاط ضعف چنین رویکردی دانست.

^{۱۴۶} Distabanjong, S. (2004). Key Success Factors for Factors for Factors for Composers Copyright Management Regime. EC-ASEAN Seminar on Contract Law for Creators.

^{۱۴۷}De Minimis Supervision with Arbitration Bodies

در این سیستم، کنترل خارجی لزوماً محدود به تعرفه‌ها می‌شود و هیچ مقام خاصی برای نظارت دائم روی سازمان مدیریت جمعی در نظر گرفته نشده است. انجمن با مسئولیت محدود حق اجرا^{۱۴۸} در انگلستان، نمونه‌ای از سازمان‌های جمعی با نظارت محدود است که به عنوان یک واحد خصوصی تأسیس شده است و ساختار و مالکیت آن تحت هیچ نوع کنترل دولتی نیست. در قانون حق مؤلف، طرح‌ها و حق اختراع انگلستان هیچ مقرره‌ای در رابطه با شرایط شکل‌گیری سازمان‌های مدیریت جمعی یا مقرراتی در رابطه با فعالیت‌های آنها دیده نمی‌شود و نظارت دائم بر آنها پیش‌بینی نشده است و تنها یک کنترل ویژه در موارد شکایت در نظر گرفته شده است.^{۱۴۹}

طبق قانون انگلستان، دارنده مجوز می‌تواند مجوز یا یک طرح صدور مجوز را در صورت عدم رضایت به دادگاه کپی‌رایت ببرد. تصمیمات دادگاه برای هر دو طرف لازم‌الاجرا است، اما می‌تواند در دادگاه‌های بالاتر مورد تجدید نظر قرار گیرد.

۲- نظارت کلی (جامع) به وسیله نهادهای داوری^{۱۵۰}

در این مدل، دولت تعهدات مالکان حقوق، سازمان‌های مدیریت جمعی و استفاده‌کنندگان را نسبت به یکدیگر کنترل می‌کند و نهادهای داوری به همه جنبه‌های اختلاف رسیدگی می‌کنند. در واقع داوری، بخشی از نظارت کلی و جامع است. به این نوع نظارت، نظارت محض نیز گفته می‌شود.

نقطه قوت این رویکرد، کاهش هزینه رسیدگی به اختلافات و اعتبار اجرایی آرای صادره است، اما این رویکرد نقاط ضعفی نیز دارد که از جمله آنها می‌توان به طولانی‌تر بودن فرایند رسیدگی نسبت به سایر شیوه‌های حل و

^{۱۴۸} PRS

^{۱۴۹} Gervais, D. (2006). Collective Management of Copyright and Related rights. London, Kluwer Law International. 127-9.

^{۱۵۰} Global Supervision with Arbitration Bodies

فصل اختلافات و همچنین فقدان قضات و کارشناسان خبره و آموزش‌دیده در حوزه رسیدگی به این قبیل اختلافات اشاره کرد.

نمونه این نوع نظارت، در سیستم حقوقی آلمان دیده می‌شود که طبق آن کلیه سازمان‌های مدیریت جمعی تحت کنترل اداره ثبت اختراعات و علائم تجاری هستند و این اداره باید مطمئن شود که سازمان از قدرت خود در رابطه با صاحبان حقوق و استفاده‌کنندگان از آثار سوءاستفاده نمی‌کند. به علاوه یک پروسه داوری نیز برای حل اختلافات پیش‌بینی شده است.^{۱۵۱} هیأت داوری مستقل از اداره ثبت اختراع است، انتصاب افراد در هیأت از سوی وزیر دادگستری است و اختلافات ناشی از قراردادهای آنها ارجاع می‌گردد، ولی تصمیمات هیأت داوری قابل پژوهش در دادگاه تالی است.

۳- نظارت کلی (جامع) به وسیله داوری محدود^{۱۵۲}

در این مدل نیز دولت وظایف و تعهدات مالکان حقوق، سازمان‌های مدیریت جمعی و استفاده‌کنندگان را نسبت به یکدیگر کنترل می‌کند. اختلافات فقط در موارد خاصی از طریق داوری حل می‌شود، یعنی داوری محدود شده است و در بیشتر موارد حل اختلافات از طریق دادگاه مدنی صورت می‌گیرد.

سازمان یا انجمن مؤلفان، آهنگسازان و ناشران موسیقی در فرانسه و سایر انجمن‌های وصول و توزیع این کشور، از این نوع نظارت برخوردار است. نظارت‌های دولتی بر آنها از طریق وزارت فرهنگ صورت می‌گیرد که شامل تصویب یک سازمان، رسیدگی سالانه به گزارش و توجیه صورت‌حساب‌ها و تقاضای اسناد مربوط به عملکرد سازمان و... می‌شود. تمام اعمال وزارت فرهنگ در خصوص این انجمن‌ها، محدود و موازی با صلاحیت دادگاه‌های مدنی است. به علاوه یک نهاد داوری هم در رابطه با حل برخی اختلافات همچون حق تکثیر (ریپروگرافی)، حق

^{۱۵۱} Gervais, D. (2006). Collective Management of Copyright and Related rights. London, Kluwer Law International. 127-9

^{۱۵۲} Global Supervision with Limited Arbitration

دریافت درآمد در مالیات بر نوارهای خام و حق امتیاز برای تولیدکنندگان آثار صوتی تصویری و اجراکنندگان نیز وجود دارد.^{۱۵۳}

۴- نظارت کلی (جامع) به وسیله دادگاه‌های مدنی^{۱۵۴}

در این مدل، دولت کنترل‌کننده تعهدات مالکان حقوق، سازمان‌های مدیریت جمعی و استفاده‌کنندگان نسبت به یکدیگر است و دادگاه‌های مدنی صلاحیت رسیدگی به همه اختلافات را دارند.

به این نوع نظارت که در بسیاری از کشورهای اروپایی رایج است، نظارت واسطه یا میانی^{۱۵۵} نیز گفته می‌شود. در این نوع نظارت، علاوه بر تحمیل یکسری شروط بر سازمان‌های مدیریت جمعی جهت شفاف‌سازی اعمال آنها توسط قوانین ملی، فعالیت‌های سازمان تحت نظارت یک شخص یا مقام اداری خواهد بود که اغلب این شخص وزیر مرتبط با موضوعات حق مؤلف است.^{۱۵۶}

در ایتالیا این نوع نظارت حاکم است. به عنوان نمونه، سیاهه تحت نظارت رئیس جمهور بوده و هر نوع اختلافی در آن توسط دادگاه‌های مدنی حل و فصل می‌شود.

در استرالیا نیز، دادگاه کپی‌رایت می‌تواند تعرفه را برای مجوزهای کپی آموزشی و دولتی تعیین کند. در صورتی که طرفین به توافق نرسند، دولت رهنمودهایی برای تعیین هزینه‌ها توسط دادگاه وضع کرده است که دادگاه باید در نظر بگیرد.

^{۱۵۳} میرزایی و همکاران، ۱۹۹۶ ش).

^{۱۵۴} Global Supervision with Civil Courts

^{۱۵۵} Intermediate Supervision

^{۱۵۶} Gervais, D. (2006). Collective Management of Copyright and Related rights. London, Kluwer Law International. 127-9

ی) سازمان‌های مدیریت جمعی در ایران

بررسی کلی قوانین و مقررات موجود مالکیت فکری ایران نشان می‌دهد سازمان‌های مدیریت جمعی در حقوق ایران مسبوق به سابقه نیستند و تاکنون قانون خاصی به این موضوع اختصاص داده نشده است.

قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸، به عنوان اولین قانون حق مؤلف ایران در زمان خود قانون نسبتاً جامع و پیشرفته‌ای محسوب می‌شود. در ماده ۵ این قانون، امکان انتقال حقوق مادی به رسمیت شناخته شده اما اشاره‌ای به وجود چنین سازمان‌هایی و قابلیت اداره حقوق از طرف آنها نشده است.

سازمان مدیریت جمعی برای اولین بار در پیش‌نویس لایحه قانون جامع مالکیت ادبی، هنری و حقوق مرتبط (۱۳۸۹) که از مدل پیشنهادی سازمان جهانی مالکیت فکری الگو گرفته، مورد توجه قرار گرفته است. سیر تدوین لایحه مذکور به این صورت بوده است که در قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۳ در بند (الف) ماده ۴۵ به «طراحی و استقرار کامل نظام جامع حقوق مالکیت معنوی، ملی و بین‌المللی و پیش‌بینی ساختارهای اجرایی لازم» و در بند (ز) ماده ۱۳۰ «پایه‌گذاری و تضمین بنیادهای حقوق مالکیت... معنوی در قلمرو قضائی» حکم می‌شود.

بر این اساس، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در سال‌های ۱۳۸۳ و ۱۳۸۴ پیش‌نویسی را در ۸۶ ماده آماده کرد. سپس طی سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۸۹ در کارگروه نظام حقوقی و مالکیت فکری دبیرخانه شورای عالی اطلاع‌رسانی نسخه دوم پیش‌نویس در ۱۸۰ ماده تهیه شد.

در اردیبهشت ماه ۱۳۸۹، در نخستین همایش مالکیت فکری در کشور، بر لزوم تدوین لایحه‌ای در حمایت از حقوق مؤلفان و هنرمندان تأکید شد و از دولت درخواست شد در سریع‌ترین زمان لایحه دفاع از حقوق مالکیت ادبی و هنری را به مجلس تقدیم کند که البته بخش عمده‌ای از این کار انجام شده و افرادی در دولت مأمور به این کار شدند و دبیرخانه آن در وزارت دادگستری فعال شد. از سوی دیگر معاون حقوقی وقت وزارت فرهنگ و

ارشاد اسلامی اعلام کرد برای ایجاد فضایی امن و مطمئن برای خالقان آثار در پی تدوین لایحه‌ای جامع و کامل برای ارائه آن به دولت و سپس تصویب آن در مجلس می‌باشد. بر این اساس این وزارتخانه بر مبنای نسخه پیش‌نویس تهیه‌شده توسط دبیرخانه شورای عالی اطلاع‌رسانی در آن سال لایحه‌ای را تهیه کرد و در سال ۱۳۹۰ به دولت ارائه نمود. در سال ۱۳۹۳ این لایحه با حدود ۱۳۰ ماده در بیش از ۱۵۰ جلسه کمیسیون لوایح دولت، مورد بررسی قرار گرفت و پس از تأیید و تصویب نهایی در هیأت دولت، به مجلس ارائه شد.

این لایحه تاکنون دوبار در مجلس شورای اسلامی مطرح شده است و بررسی مواد آن ناتمام مانده است. با آغاز فعالیت یازدهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی، برای سومین بار مطرح خواهد شد. اصلاح لایحه جامع حقوق مالکیت فکری پدیدآورندگان آثار ادبی و هنری در یازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی، بعد از گذشت سه دوره از بررسی آن در ادوار مختلف، طبیعی است ولی لازم است علاوه بر اصلاح و تکمیل، هرچه سریعتر تصویب شود.

در موادی از این لایحه به سازمان‌های مدیریت جمعی اشاره شده است:

در بند ۳۹ ماده ۱ پیش‌نویس لایحه در تعریف سازمان مدیریت جمعی چنین آمده است: ((شخص حقوقی است که به نمایندگی از دارنده حق، مجوز استفاده از اثر را به دیگران اعطا می‌نماید.))

تعریف فوق کامل نبوده و تنها به یکی از کارکردهای اصلی سازمان‌های مدیریت جمعی که صدور مجوز بهره‌برداری است، به عنوان تعریف پرداخته شده است در حالی که این سازمان‌ها از کارکردهای دیگری همچون مدیریت حق امتیاز و جمع‌آوری درآمدها، تقسیم درآمد، نظارت بر بهره‌برداری و در برخی اقامه دعوی از طرف صاحب حق برخوردارند. این سازمان‌ها می‌توانند زمینه‌های مجوز برای طبقات مختلف استفاده‌کنندگان و نرخ‌های متفاوت را برای آنها سازماندهی کرده و استفاده‌کنندگان را متعهد کنند که حقوق صاحبان حق را رعایت کنند، لذا پیشنهاد می‌شود در لایحه مذکور، تعریفی جامع جایگزین گردد.

در مواد ۳۵ و ۳۶ پیش‌نویس در بحث تکثیر مجاز، به وجود سازمان‌های مدیریت جمعی و امکان اخذ مجوز از آنان اشاره شده است:

ماده ۳۵: ((استفاده از اثرهای منتشر شده مورد حمایت این قانون با رعایت ماده ۳۲ برای مقاصد غیرانتفاعی، آموزشی و پژوهشی به میزان مورد نیاز در حدود متعارف و در صورت امکان با ذکر مأخذ و نام پدیدآورنده بر روی نسخه‌ها به شرط عدم امکان اخذ مجوز از سازمان مدیریت جمعی مربوط مجاز است.))

ماده ۳۶: ((هر کتابخانه یا مؤسسه نگهداری آثار که به صورت غیرانتفاعی اداره می‌شود، مجاز است با رعایت ماده ۳۲ در موارد زیر بدون اجازه دارنده یک نسخه از آثار مورد حمایت این قانون را تکثیر کند:

الف) اثر کوتاه منتشر شده از قبیل مقاله یا چکیده کوتاه یک اثر و بخش کوتاهی از یک کتاب به درخواست شخص حقیقی به شرط اینکه:

اولاً- کتابخانه یا مؤسسه متقاعد شود که نسخه تکثیر شده فقط برای مطالعه و یا پژوهش است.

ثانیاً- عمل تکثیر یک بار و یا در صورت تکرار در نوبت‌های جداگانه و بی‌ارتباط با هم صورت گیرد.

ثالثاً- اخذ مجوز از سازمان مدیریت جمعی مربوط امکان نداشته باشد و...))

در هر دو ماده به امکان اخذ مجوز از سازمان مدیریت جمعی مربوطه اشاره شده است و حاکی از این است که قانون‌گذار به لزوم وجود چندین سازمان مدیریت جمعی برای مقاصد گوناگون معتقد است.

در ماده ۶۵ به بعد پیش‌نویس، امکان انتقال حقوق و صدور مجوز بهره‌برداری از آثار ذکر شده و به مقام نمایندگی و امکان اعمال حقوق مادی اشاره شده است:

((دارنده می‌تواند تمام یا بخشی از حقوق مالی خود را در قالب قرارداد به غیر واگذار کند و یا مجوز بهره‌برداری از آن را صادر نماید. این قرارداد لازم است مکتوب باشد و شامل واگذاری یا مجوز بهره‌برداری از هرگونه حق دیگری که به طور صریح در آن ذکر نشده است، نخواهد بود.))

در ماده آخر این لایحه، ماده ۱۸۱، به تصویب آیین‌نامه اجرایی قانون و تأسیس سازمان مدیریت جمعی اشاره شده است:

((آیین‌نامه اجرایی این قانون شامل مواردی از قبیل چگونگی صدور گواهی ثبت و تأییدیه فنی و هزینه‌های مربوط به پیشنهاد وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و با همکاری کتابخانه ملی و وزارت دادگستری و شورای عالی اطلاع‌رسانی در مدت ۹ ماه از تاریخ تصویب این قانون تهیه و به تصویب هیأت دولت خواهد رسید و در آن تأسیس یک یا چند سازمان مدیریت جمعی جهت حفظ و اجرای حقوق مورد حمایت این قانون به نمایندگی از طرف مالکین آنها و شرایط فعالیت این‌گونه سازمان‌ها پیش‌بینی خواهد شد.))

در بررسی اسناد بالادستی، سند نقشه جامع علمی کشور مصوب ۱۳۸۹، "ساماندهی نظام مالکیت فکری در حوزه‌های علم و فناوری" و "تقویت و ساماندهی قوانین و مقررات مالکیت فکری در عرصه مقالات علمی و کتب علمی و پایان‌نامه‌ها" مورد اشاره قرار گرفته است. در حال حاضر تکمیل و تدوین قوانین مالکیت فکری به خصوص در زمینه کپی‌رایت و حقوق مرتبط و در نظر گرفتن سازمان‌های مدیریت جمعی در آنها و ایجاد این سازمان‌ها راهکار عملیاتی مناسبی جهت ساماندهی نظام مالکیت فکری محسوب می‌شود.

با توجه به اینکه چنین سازمان‌هایی در ایران فاقد سابقه قانون‌گذاری و عملی می‌باشند، لازم است حال که بعد از مدت‌ها چنین مسأله مهمی مورد توجه قرار گرفته است، قانون‌گذار به سرعت از کنار آن نگذرد و به اشاراتی کلی درباره آن بسنده نکند و برای ورود چنین سازمان‌هایی در نظام حق مؤلف کشور تدابیر دقیق‌تری در قانون جدید پیش‌بینی کند که در آن نحوه تشکیل چنین سازمان‌هایی، نحوه مدیریت در آنها، سیستم حل اختلاف و چگونگی نظارت بر اعمال آنها دقیقاً بیان شود. واگذاری چنین امر مهم و نوینی به آیین‌نامه چندان صحیح و اصولی به نظر نمی‌رسد و قدم مهم اول در این راه، قانون‌گذاری صحیح و اصولی است.

نتیجه و جمع‌بندی

- فرانسه زادگاه مفهوم حقوق مدیریت جمعی است و اولین کشوری است که هنرمندان و دانشمندان بنام آن نظیر بالزاک و ویکتور هوگو شرکت‌هایی را برای حمایت از حقوق پدیدآورندگان آثار و اجراکنندگان و سایر صاحبان حقوق مالکیت ادبی و هنری ایجاد کردند.
- ایجاد سازمان‌های مدیریت جمعی به منظور حمایت از منافع مادی و معنوی صاحبان آثار، ارتقای وضعیت معاملاتی آنها و اجرای آن دسته از حقوقی که به تنهایی قادر به اجرای آن نیستند از یک طرف و حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان این آثار از سوی دیگر، ضرورتی انکارناپذیر است. با توجه به پیشرفت تکنولوژی‌های ارتباطی و روش‌های جدید تکثیر و توزیع، اجرای فردی حقوق در زمینه کپی‌رایت و حقوق مرتبط بسیار دشوار و در بسیاری موارد غیرممکن شده است. اجرای مؤثر حقوق مالکیت فکری در بسیاری از موارد نیازمند دخالت نهاد یا سازمانی واسطه بین صاحب اثر و مصرف‌کنندگان است. سازمان‌های مدیریت جمعی واسطه مناسبی بین صاحبان آثار و مصرف‌کنندگان شناخته شده‌اند و تجربیات کشورها نشان داده است که نقش بسیار حیاتی و مؤثری در حمایت از هر دو طرف رابطه و اجرای حقوق دارند.
- سازمان‌های مدیریت جمعی، به جهت اینکه به دنبال کسب سود نیستند و به حمایت از منافع مادی و معنوی اعضای خود می‌پردازند، اغلب به صورت غیرانتفاعی و خصوصی تأسیس می‌شوند اما موارد انتفاعی نیز وجود دارد.
- تعیین شیوه‌های تحصیل حق توسط سازمان‌های مدیریت جمعی، تأثیر قابل توجهی در برقراری ارتباط میان صاحبان حق و سازمان مدیریت جمعی داشته و محدوده فعالیت آنها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. برای انتقال حق از صاحبان حقوق مادی به سازمان مدیریت جمعی رویکردهای متفاوتی در کشورهای مختلف دیده می‌شود.

الگوها و نحوه فعالیت سازمان‌های مدیریت جمعی کپی رایت و حقوق مرتبط

- سازمان‌های مدیریت جمعی مطابق با ساختار، اهداف و موضوع فعالیت خود با صدور مجوزهای مختلف نظیر مجوزهای اختیاری، اجباری، فراگیر و تسری یافته نیازهای صاحبان حق و کاربران را برآورده می‌کنند.
- قانون‌گذاری، دولت و به طور خاص اداره کپی‌رایت نقش مهمی در سازوکار اجرایی سازمان مدیریت جمعی و نظارت بر آن دارند.
- سه نوع سازمان مدیریت جمعی سنتی، مرکز تسویه حقوق و مکان واحد ارائه خدمات وجود دارد.
- در برخی کشورها، اصل تعدد سازمان‌های مدیریت جمعی پذیرفته شده است. امری که منجر به اعمال قواعد حاکم بر حقوق رقابت در زمینه مدیریت جمعی حقوق مالکیت فکری شده است و در بسیاری از کشورها، وحدت سازمان مدیریت جمعی مورد تأکید است که هر دو روش مزایا و معایبی دارند.
- سازمان‌های مدیریت جمعی از طریق ائتلاف با یکدیگر یا انعقاد موافقت‌نامه با یکدیگر ارتباط و همکاری دارند.
- سازوکارهای مختلفی برای نظارت بر سازمان‌های مدیریت جمعی وجود دارد.

بخش دوم - نمونه‌های سازمان‌های مدیریت جمعی و الگوهای عملکردی آنها

مقدمه

سازمان‌های مدیریت جمعی در هر کشور بسته به شرایط فرهنگی، اوضاع اجتماعی، اقتصادی و حتی سیاسی هر کشور به صورت مدل‌های مختلفی دیده می‌شوند. در بررسی پیشینه هر سازمان مدیریت جمعی، می‌توانیم بخشی از تاریخ هر کشور را در آن ببینیم، همانطور که در بخش اول ملاحظه کردیم که اولین سازمان‌های مدیریت جمعی در چه شرایط تاریخی و فرهنگی شکل گرفتند. منشاء شکل‌گیری بسیاری از سازمان‌های مدیریت جمعی، گردهم آیی هنرمندان، نویسندگان، آهنگسازان و موسیقیدانان جهت احقاق حقوق خود به شکلی مؤثرتر بوده است.

پدیدآورندگان آثار ادبی و هنری در طول زمان به این نتیجه رسیده‌اند اجرای برخی حقوق مربوط به آثارشان به تنهایی دشوار و در بسیاری موارد غیرممکن است و بهتر است نهادی جهت پیگیری و مدیریت حقوق آنها باشد تا بتوانند با فراغ بال بیشتری به آفرینش و خلق آثار جدید بیاورند. پدیدآورندگان در هر کشوری طبق شرایط و موقعیت خود و گاهی با استفاده از تجربیات سایر کشورها انواع سازمان‌های مدیریت جمعی را تشکیل داده‌اند و به همین دلیل است که یکی از اولین مراحل شکل‌گیری این سازمان‌ها، آگاهی بخشی به هنرمندان و مؤلفان و جمع کردن آنها در کنار هم به عنوان اعضای اصلی یک سازمان است.

در بیشتر سازمان‌ها جهت شکل‌گیری و تأسیس، از حضور هنرمندان و مؤلفان شناخته شده و برجسته کمک می‌گیرند. چرا که حضور این افراد از یک طرف موجب جلب اعتماد سایر ذینفعان و مشارکت بیشتر افراد جهت

پایه‌ریزی و تشکیل سازمان می‌شود و از طرف دیگر به دلیل موقعیت اجتماعی افراد برجسته، امکان لابی‌گری با بخش‌های مختلف حکومتی نظیر دولت و مجلس امکان‌پذیرتر است.

بر اساس آنچه در فصل اول اشاره کردیم، تقسیم‌بندی این سازمان‌ها می‌تواند به صورت‌های مختلفی صورت گیرد. به طور مثال یک روش تقسیم‌بندی بر اساس انواع سنتی، مکان واحد ارائه خدمات و مرکز تسویه کپی‌رایت می‌باشد. تقسیم دیگر می‌تواند بر اساس نوع حقوق مالکیت فکری تحت مدیریت این سازمان‌ها باشد. در این فصل سعی کردیم بر اساس "انواع حقوق مادی" یک تقسیم‌بندی کلی از "آثار ادبی و هنری" در نظر گرفته و طبق آن تعدادی از سازمان‌های مدیریت جمعی که با مدیریت این آثار در ارتباط هستند، بیان کنیم. در هر فصل سعی شده تا حد ممکن نکات مهم مربوط به هر کدام ذکر گردد و در پایان نمونه‌ای موفق بیان شود. علاوه بر این در فصل آخر دو نمونه از سازمان‌های مدیریت جمعی که در سطح دنیا شناخته شده و موفق می‌باشند، با تفصیل بیشتری بررسی شده است. این بررسی می‌تواند شناخت بیشتری در خصوص این سازمان‌ها به خواننده بدهد.

همانطور که اشاره شد، مدل‌های مختلفی از سازمان‌های مدیریت جمعی وجود دارد که به مدیریت انواع حقوق مالی صاحبان آثار ادبی و هنری می‌پردازند. از جمله این حقوق می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- حق اجرای عمومی آثار موسیقایی (اجرای موسیقی در رستوران‌ها، تالارها و سایر مکان‌های عمومی).
- حق پخش رادیو/تلویزیونی (اجراهای زنده یا ضبط شده در رادیو و تلویزیون).
- حق تکثیر مکانیکی آثار موسیقایی (تکثیر آثار روی سی‌دی، نوار کاست، مینی‌دیسک یا سایر قالب‌ها).
- حقوق اجرا در آثار نمایشی (تئاتر).
- حق تکثیر رپروگرافی آثار ادبی و موسیقایی (فتوکپی یا تکثیر با وسایلی از این قبیل به مقدار بسیار زیاد).

- حقوق مرتبط (حقوق اجراکنندگان و تولیدکنندگان آثار صوتی برای به دست آوردن حق امتیاز در مقابل پخش رادیو تلویزیونی یا ارتباط با عموم آثار صوتی تصویری آنان).
- حق پخش مجدد آثار صوتی تصویری.
- حق دریافت حق تالیف برای تکثیر خصوصی.
- حق اجاره عمومی و امانت آثار صوتی تصویری.
- حق فروش مجدد آثار هنری (در فرانسه به حق تعقیب معروف است).

سازمان‌های مدیریت جمعی بر اساس اهداف و مأموریت‌های تعریف شده خود به مدیریت یک یا چند مورد از حقوق مادی مذکور می‌پردازند. البته نحوه عملکرد سازمان‌های مدیریت جمعی در رابطه با این حقوق یکسان نیست. با بررسی‌های انجام شده می‌توان حقوق مادی صاحبان آثار ادبی و هنری و نحوه مدیریت جمعی آنها را در یک تقسیم‌بندی کلی به شرح ذیل دسته‌بندی نمود:

۱. مدیریت حقوق در آثار موسیقایی
۲. مدیریت حقوق در آثار نمایشی
۳. مدیریت حقوق در نشر و چاپ
۴. مدیریت حقوق در آثار صوتی تصویری
۵. مدیریت حقوق در هنرهای تجسمی و عکاسی

به این منظور مطابق تقسیم‌بندی فوق در شش فصل ضمن شرح نحوه مدیریت جمعی هر کدام از انواع حقوق، نمونه یا نمونه‌های موفقی از سازمان‌های مدیریت جمعی مربوط به هر کدام مورد بررسی قرار می‌گیرد.

فصل اول) مدیریت جمعی حقوق در آثار موسیقایی^{۱۵۷}

موسیقی در تمام جوامع از گذشته و حال وجود داشته و به عنوان یکی از ویژگی‌های فرهنگ جهانی در نظر گرفته می‌شود. احساسات و ایده‌هایی که موسیقی بیان می‌کند، موقعیت‌هایی که در آن موسیقی پخش می‌شود و به آن گوش داده می‌شود و نگرش نسبت به نوازندگان موسیقی و آهنگسازان همه در مناطق و دوره‌ها متفاوت است. در واقع موسیقی به شدت تحت تأثیر عوامل اجتماعی، اقتصادی، آب و هوا، دسترسی به فناوری و مسائل دینی قرار دارد.

در حال حاضر موسیقی در اشکال مختلفی در دسترس علاقمندان قرار دارد. موسیقی در انواع روش‌ها از جمله اجرای زنده یا ضبط شده، پخش رادیویی یا تلویزیونی و از طریق اینترنت شنیده می‌شود. منظور از آثار موسیقایی، انواع آثار موسیقی مدرن، کلاسیک، جاز، سمفونی، پاپ و ... خواه به صورت دستگاهی یا مصوت می‌باشد.

الف) سهم بازار و اقتصاد

بازار موسیقی دو قسمت متمایز دارد. موسیقی خود به تنهایی ساخته شده و پس از آن قابل اجرا است، بنابراین در خالص‌ترین شکل فقط توسط کسانی که در آن حضور دارند و می‌توانند به اجرای زنده گوش دهند، شنیده می‌شود. این محدودیت با اختراع پخش بی‌سیم، که میلیون‌ها نفر قادر به شنیدن و دیدن اجراها در هر مکان هستند، و همچنین با اختراع دستگاه‌های ضبط مکانیکی که امکان ضبط موسیقی را فراهم می‌کند، برطرف شده است. ضبط و ذخیره موسیقی از ضبط‌های وینیل به دیسک‌های فشرده و از آن به خدمات "مبتنی بر رایانش ابری"^{۱۵۸} پیشرفت کرده است. مدل رایانشی بر پایه شبکه‌های رایانه‌ای مانند اینترنت است که الگویی تازه برای

^{۱۵۷} Management of copyright and related rights in the field of music

^{۱۵۸} Cloud based services

عرضه، مصرف و تحویل خدمات رایانشی با به‌کارگیری شبکه ارائه می‌کند. ابر در اینجا استعاره از مجموعه‌ای از شبکه‌های وسیع مانند اینترنت است که کاربر معمولی از پشت صحنه و آنچه در پی آن اتفاق می‌افتد اطلاع دقیقی ندارد و اینترنت همچون ابر جزئیات فنی‌اش را از دید کاربران پنهان می‌سازد.

سهم موسیقی و مدیریت جمعی حقوق مربوط به آن در اقتصاد کشورها قابل توجه است. در سال ۲۰۱۸، درآمد جمع‌آوری شده در سراسر جهان توسط اعضای سیزاک برای خالقان و پدیدآورندگان آثار موسیقی، سمعی و بصری، هنرهای تجسمی، نمایش و ادبیات، ۹,۶۵ میلیارد یورو گزارش شده است که از این مقدار، درآمد مربوط به مجموعه‌های موسیقی، بیشترین تعداد کل آن را تشکیل داده و به ۸,۵ میلیارد یورو رسید^{۱۵۹}.

درآمد ثبت شده موسیقی جهانی در سال ۲۰۱۹ بالغ بر ۲۰ میلیارد دلار بود که ۸,۲ درصد افزایش نسبت به سال ۲۰۱۸ و برای پنجمین سال متوالی رشد داشت.^{۱۶۰}

دو بخش متمایز در بازار موسیقی وجود دارد که باعث ایجاد مشاغل متمایز در بازار موسیقی شده است. اولین بخش "تجارت موسیقی" است که شامل آهنگسازان و ناشران موسیقی می‌شود. حقوق آنها به عنوان کپی‌رایت شناخته می‌شود. بخش دوم، "صنعت ضبط" است که از شرکت‌های تولیدکننده فونوگرام و اجراکنندگان تشکیل شده است. پخش‌کنندگان رادیو و تلویزیون با هر دو ارتباط دارند. حقوق صنعت ضبط و پخش به عنوان حقوق مرتبط شناخته می‌شوند.

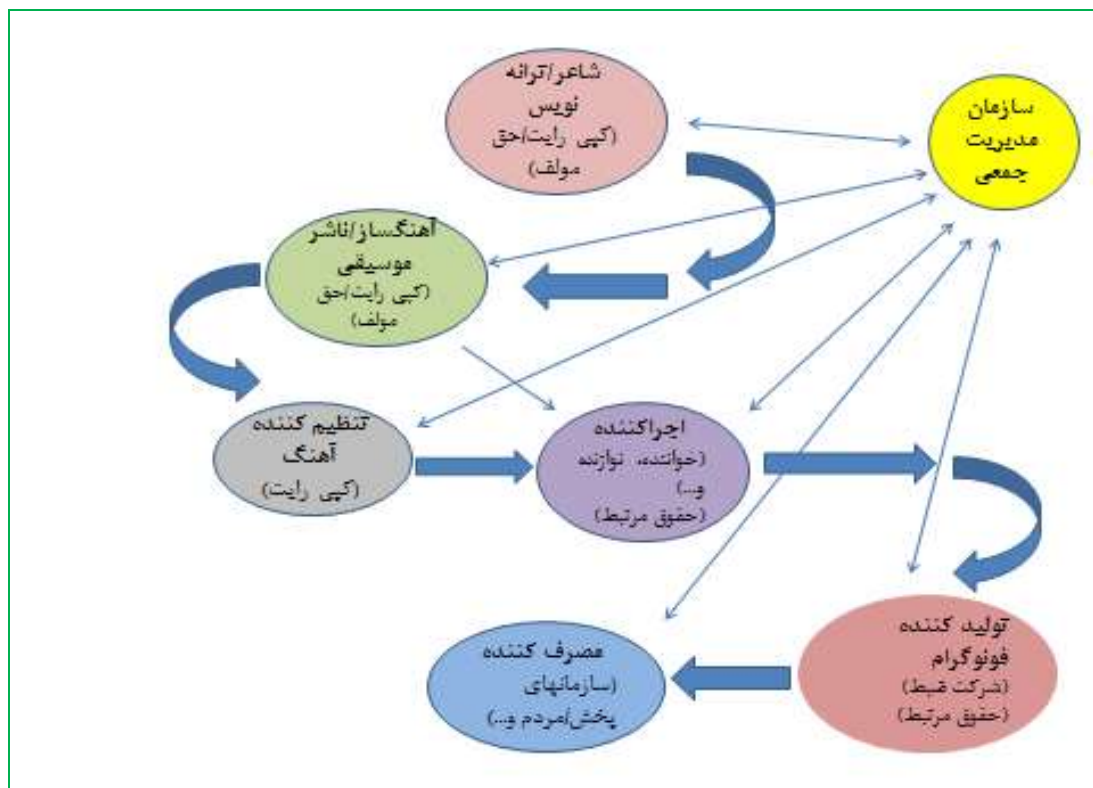
آهنگسازان موسیقی می‌آفرینند و گاهی کلمات را می‌نویسند تا با موسیقی همراه شوند و آهنگ تولید کنند. ناشران موسیقی با ارائه انتخاب موسیقی مورد نیاز برای ضبط یا پخش، موسیقی را به صنعت ضبط و پخش می‌رسانند. ناشران موسیقی آهنگسازان را از لحاظ مالی پرورش می‌دهند تا بتوانند آهنگسازی کنند.

^{۱۵۹} CISAC. Global collections report 2019.

^{۱۶۰} IFPI annual Global Music Report 2020.

الگوها و نحوه فعالیت سازمان‌های مدیریت جمعی کپی رایت و حقوق مرتبط

اجراکنندگان صنعت ضبط، که بعضاً آهنگساز و ترانه‌سرا نیز هستند، کارهای موسیقی را اجرا می‌کنند که توسط شرکت‌های تولیدکننده، ضبط می‌شوند و سپس به صورت سی‌دی به مردم فروخته می‌شوند و یا اینکه مردم می‌توانند ضبط‌ها را از وبسایت‌های موجود در اینترنت بارگیری کنند.



نمودار ۱- زنجیره تولید در صنعت موسیقی

سازمان‌های پخش رادیو/تلویزیونی برنامه‌هایی را تولید می‌کنند (یا به دیگران سفارش دهند که برای آنها برنامه تولید کنند) و آن برنامه‌های حاوی موسیقی را به عموم مردم عرضه می‌کنند. برنامه‌ها را می‌توان تماشا کرد یا گوش داد و حتی ضبط کرد تا در زمان مناسب‌تری آنها را ببینند یا بشنوند.

آهنگسازان، ناشران، اجراکنندگان، شرکت‌های ضبط و پخش‌کننده‌ها همه صاحبان حق مؤلف یا حقوق مرتبط هستند. در کلیه این فعالیت‌ها سازمان‌های مدیریت جمعی (سازمان مدیریت جمعی) هستند که صاحبان حقوق را قادر می‌سازند تا هزینه استفاده از آثار موسیقایی یا آثار ضبط شده خود را دریافت کنند.

ب) مدیریت حقوق در آثار موسیقایی

کپی‌رایت و حقوق مرتبط بسته‌های مختلفی از حقوق است که می‌تواند به صورت شخصی مدیریت شود و یا در مواردی که دستیابی به توافق‌نامه شخصی بسیار دشوار است، توسط سازمان مدیریت جمعی قابل مدیریت است. اجرای فردی حقوق توسط آهنگسازانی که با ناشران موسیقی قرارداد مستقیم منعقد می‌کنند، انجام می‌شود. به همین ترتیب، شرکت‌های ضبط مستقیماً با اجراکنندگان برای ضبط موسیقی و با ناشران موسیقی برای حق تکثیر موسیقی (حقوق مکانیکی)^{۱۶۱} قرارداد می‌بندند. با این حال، در برخی از کشورها، مدیریت جمعی به طور گسترده در زمینه حقوق مکانیکی انجام می‌شود. مدیریت جمعی همچنین در زمینه‌های اجرای عمومی موسیقی و ضبط صدا به صورت اجرای زنده برای عموم یا پخش رادیو تلویزیونی دیده می‌شود.

آهنگسازان و ترانه‌سرایان معمولاً با ناشر موسیقی قرارداد انتشار را منعقد می‌کنند که به ناشر این حق را می‌دهد در خصوص استفاده‌های مختلف از موسیقی مجوز دهد. غالباً ناشر موسیقی پیش‌پرداختی را به آهنگساز پرداخت می‌کند که برای تشویق به عقد قرارداد است. به روشی مشابه، اجراکنندگان برجسته در ازای حق امتیاز حاصل از فروش آثار سابق یا صدور مجوز از آثار ضبط شده، با شرکت‌های ضبط کننده، قرارداد ضبط منعقد می‌کنند. معمولاً شرکت ضبط کننده به اجراکننده پیش‌پرداخت می‌پردازد چرا که در ادامه کار این مبلغ جبران می‌شود. چنانچه در بالا ذکر شد، دو روش برای مدیریت حقوق مکانیکی وجود دارد:

۱. ناشران موسیقی می‌توانند با شرکت‌های ضبط‌کننده قرارداد مستقیم منعقد کنند، که به آنها امکان ضبط آثار موسیقی را توسط ناشر موسیقی می‌دهد.

۲. روش دیگر این است که در بسیاری از کشورها این فعالیت توسط یک سازمان مدیریت جمعی انجام می‌شود.

^{۱۶۱} منظور از حق مکانیکی همانطور که در گزارش اول نیز اشاره شد، تولید انبوه نسخه‌های مشابه یک اثر با استفاده از ابزارهای فنی مانند تکثیر سی دی یک اثر موسیقی به کمک دستگاه در تعداد زیاد است.

سایر فعالیت‌هایی که به طور مؤثرتری توسط یک سازمان مدیریت جمعی انجام می‌شود، صدور مجوز برای اجرای عمومی و پخش رادیو تلویزیونی آثار موسیقایی و آثار موسیقی ضبط شده است.

در صورتیکه عملاً عقد قرارداد فردی برای صاحبان حقوق غیرممکن باشد، سازمان‌های حق اجرا، مجوز اجرای عمومی، پخش رادیو تلویزیونی و ارتباط با عموم برای کارهای موسیقی و ضبط صدا را می‌دهند. به همین ترتیب، سازمان‌های حقوق مکانیکی، مجوز تکثیر آثار موسیقی را می‌دهند.

سازمان‌های پخش رادیو تلویزیونی و سایر کاربران موسیقی مایلند موسیقی را به عموم مردم برسانند. تقریباً غیرممکن است که پخش‌کننده‌های مجزا یا سایر کاربران بتوانند هویت و موقعیت مکانی هر آهنگساز یا ناشر موسیقی را به دست آورند تا از آنها اجازه استفاده از یک قطعه موسیقی را بگیرند. علاوه بر آن موانعی مانند هزینه استفاده از موسیقی، فاصله، زبان و فرهنگ در مذاکره فردی وجود دارد.

به همین ترتیب، آهنگسازان و ناشران موسیقی می‌خواهند اطمینان حاصل کنند که توانایی کنترل استفاده از موسیقی خود را دارند. با توجه به ماهیت جهانی خدمات موسیقی، این امر بدون ایجاد سازمان‌های مدیریت جمعی عملاً غیرممکن است.

اختیار سازمان مدیریت جمعی برای مذاکره و صدور مجوز برای استفاده از موسیقی و ضبط صدا از توافق آنها با آهنگسازان، ناشران موسیقی، مجری‌ها و شرکت‌های ضبط صدا ناشی می‌شود. ماهیت و تأثیر این توافق‌نامه‌ها در هر کشور متفاوت است و ممکن است در بعضی مناطق حقوق بیشتری را برای اقدام و جبران خسارت مؤثر در دادگاه‌ها ایجاد کند. قانون ملی همچنین ممکن است مجوز سازمان مدیریت جمعی را برای مجوز برخی حقوق یا جمع‌آوری پاداش برای مصارف خاص صادر کند.

به طور سنتی صاحبان حقوق در "آثار نمایشی موسیقایی" مانند اپراها، نمایش‌های موزیکال و پانتومیم‌ها بهتر می‌توانند حقوق خود را به صورت شخصی اجرا کنند. حقوق مربوط به این نوع آثار موسیقی اصطلاحاً "حقوق

بزرگ^{۱۶۲} نامیده می‌شود. ناشران موسیقی به طور کلی می‌توانند فعالیت‌های مربوط به این نوع آثار موسیقایی را به صورت جداگانه مجوز دهند. البته در این رابطه یکسری موارد استثنائی وجود دارد که از کشوری به کشور دیگر متفاوت است، اما به طور کلی، سازمان مدیریت جمعی را قادر می‌سازد تا در برخی شرایط، بخشی از یک اثر نمایشی - موسیقی را مجوز دهد.^{۱۶۳} نمایش‌هایی که بعضاً به عنوان "نمایش‌های تلفیقی^{۱۶۴}" شناخته می‌شوند، اجراهای نمایشی - موسیقی هستند که حاوی موسیقی‌هایی است که به طور خاص برای نمایش نوشته نشده‌اند. نمونه‌های معمول نمایش‌هایی است که زندگی آهنگساز یا مجری مشهوری را که در آن آهنگ‌های معروف آنها اجرا می‌شود، جشن می‌گیرند. روش صدور مجوز برای چنین نمایش‌هایی از کشوری به کشور دیگر متفاوت است. در بعضی از کشورها از سازمان مدیریت جمعی و در بعضی دیگر از ناشران موسیقی مجوز می‌گیرند.

اگرچه کارهای نمایشی - موسیقایی معمولاً از سازمان مدیریت جمعی مجوز ندارند، اما سازمان مدیریت جمعی هنگام پخش فیلم در سینما یا پخش از رادیو تلویزیون، مجوز موسیقی را در فیلم‌هایی که اثر نمایشی - موسیقایی محسوب می‌شوند، صادر می‌کند.

ج) ذینفعان

کنوانسیون‌های بین‌المللی و قوانین ملی مشخص می‌کند که چه کسانی دارای کپی‌رایت و حقوق مرتبط هستند. حقوق به طور کلی می‌تواند به دیگران منتقل شود اما میزان و روش انتقال از کشوری به کشور دیگر متفاوت است.

آهنگساز یک اثر موسیقی (که در این متن شامل نویسنده هر کلمه‌ای است که موسیقی را همراهی کند) به طور کلی اولین مالک کپی‌رایت در اثر خواهد بود (اولین دارنده حقوق). کپی‌رایت مجموعه‌ای از حقوق جداگانه است

^{۱۶۲} grand rights

^{۱۶۳} MANAGEMENT OF COPYRIGHT AND RELATED RIGHTS IN THE FIELD OF MUSIC (MODULE 2). Nicholas Lowe. August 30, 2012. wipo

^{۱۶۴} compilation shows

که مهمترین آنها برای کارهای موسیقی، حقوق اجرای عمومی^{۱۶۵}، پخش رادیو تلویزیونی، ارتباط با عموم^{۱۶۶} و حق تکثیر است.

به طور کلی حقوق اجرای عمومی و ارتباط با عموم به عنوان حق اجرا^{۱۶۷} شناخته می‌شوند. شکل خاص حق تکثیر مربوط به آثار موسیقی ساختن کپی‌های ضبط شده اثر (برای فروش یا توزیع) در تعداد انبوه است که به طور کلی به عنوان حق مکانیکی^{۱۶۸} شناخته می‌شود. "حق اجرا" و "حق مکانیکی" اصطلاحات سنتی و رایج هستند تا اصطلاحات قانونی، که به طور گسترده‌ای در مدیریت جمعی حقوق استفاده می‌شود.^{۱۶۹}

حق اجرا به معنای حقوق اجرای عمومی و ارتباط با عموم از طریق باسیم یا بی‌سیم (صدا و سیم و کابل) است. همچنین در کشورهایی که عضو معاهده کپی‌رایت وایپو^{۱۷۰} هستند، حق "در دسترس قرار دادن"^{۱۷۱} که آثار به گونه‌ای در دسترس عموم قرار می‌گیرند که اعضای جامعه از مکان و در زمانی که به طور جداگانه توسط آنها انتخاب شده است به آثار دسترسی داشته باشند، نیز شامل این موارد می‌شود.

حق مکانیکی، حق ساخت نسخه‌های متعدد یا تکثیر انبوه یک اثر صوتی ضبط شده است. ضبط صدا می‌تواند اشکال مختلفی اعم از آنالوگ و دیجیتالی داشته باشد که همه انواع آن هنوز هم تحت عنوان قدیمی "تکثیر مکانیکی" پوشانده شده است.^{۱۷۲}

^{۱۶۵} rights of public performance

^{۱۶۶} communication to the public

^{۱۶۷} performing right

^{۱۶۸} mechanical right

^{۱۶۹} MANAGEMENT OF COPYRIGHT AND RELATED RIGHTS IN THE FIELD OF MUSIC (MODULE 2). Nicholas Lowe. August 30, 2012. wipo

^{۱۷۰} WIPO Copyright Treaty

^{۱۷۱} making available

^{۱۷۲} MANAGEMENT OF COPYRIGHT AND RELATED RIGHTS IN THE FIELD OF MUSIC (MODULE 2). Nicholas Lowe. August 30, 2012. wipo

دارنده حقوق مکانیکی باید برای هر بار ضبط یک اثر موسیقی بر روی سی‌دی یا دی‌وی‌دی یا هر رسانه فیزیکی دیگر، مجوز بدهد. یک سازمان پخش نیز مجبور است قبل از ضبط آثار موسیقی برای ساخت برنامه، برای انتقال بعدی مجوز بگیرد، اگرچه این مجوز به طور معمول بخشی از توافق‌نامه بین یک دارنده حقوق و یک پخش‌کننده است.

د) انواع سازمان‌های مدیریت جمعی در زمینه آثار موسیقایی

هنگامی که سازمان‌های مدیریت جمعی از اعضای خود اختیارات و مجوزهای لازم را کسب کردند، در موقعیتی خواهند بود که حقوق اعضا را مدیریت کنند. مدیریت نیاز به عملکرد مناسب در زمینه‌های مختلفی مانند تعرفه‌ها برای انواع مختلف استفاده از موسیقی، مستندات آثار و صاحبان حقوق، قوانین توزیع، استانداردهای فنی و ابزاری برای تسهیل ارتباطات بین سازمان‌ها دارد.

اصولاً اگر آثار موسیقایی در مجامع عمومی اجرا، پخش رادیو، تلویزیونی یا از طریق کابل منتقل شوند، تنها راه عملی برای جبران خسارت صاحبان حقوق و تنها راه عملی کاربران موسیقی برای دریافت مجوز استفاده از آثار، از طریق مدیریت جمعی است. در رابطه با مدیریت جمعی آثار موسیقایی، سازمان‌های مدیریت جمعی مختلفی وجود دارد که به مدیریت یک یا چند حقوق می‌پردازند.

۱) سازمان حق اجرای آثار موسیقایی

در صدور مجوز برای حق اجرا^{۱۷۳} در آثار موسیقایی، معمولاً ارائه "مجوز جامع"^{۱۷۴} به کاربر این امکان را می‌دهد که بدون نیاز به مذاکرات متعدد، از هر اثر موسیقی در مجموعه سازمان مدیریت جمعی استفاده کند؛ اعم از آثار اعضای خود سازمان یا آثار اعضای سازمان مدیریت جمعی خارجی که به توافق‌نامه نمایندگی متقابل با سازمان

^{۱۷۳} منظور از حق اجرا همانطور که در گزارش اول اشاره شده، حق دادن مجوز ارتباط جمعی آثار از طرق مختلف مانند اجرای روی صحنه، پخش رادیو، تلویزیونی و سایر طرق ارائه به عموم مردم است.

^{۱۷۴} blanket licence

مدیریت جمعی رسیده‌اند. مجوز جامع کاربر موسیقی را از بررسی وضعیت کپی رایت هر کاری که می‌خواهد پخش کند آزاد می‌کند، زیرا تقریباً مطمئن است که تمام آثاری که می‌خواهد استفاده کند توسط سازمان مدیریت جمعی مجاز خواهد بود. مسلماً سازمان مدیریت جمعی باید کاربر موسیقی را متعهد کند درخصوص همه کاربردها و استفاده‌های خود از موسیقی گزارش دهد.

هنرمند مجری (اجراکننده) مانند خواننده یا نوازنده‌ای که اجراهایش ضبط شده است ممکن است به طور بالقوه سه منبع درآمد مهم داشته باشد که توسط سازمان مدیریت جمعی بهتر مدیریت می‌شوند:^{۱۷۵}

- پاداش عادلانه^{۱۷۶} - برای پخش یا سایر موارد استفاده از اجرای ضبط شده.
- پاداش کپی خصوصی - برای کپی برداری از اجراهای ضبط شده
- موافقت‌نامه‌های مذاکره شده خاص - در مواردی که سازمان مدیریت جمعی نرخ‌ها را برای ضبط یا پخش اجراهای اعضای خود مذاکره کرده است.

با توجه به تعداد زیاد اجراهای موسیقی ضبط شده یا پخش شده، برای مجری‌های شخصی امکان ردیابی، نظارت و جمع‌آوری پاداش اجراهای خود در کشورهای مختلف جهان تقریباً غیرممکن است. به همین ترتیب یافتن هر مجری برای اطمینان از دستمزد گرفتن برای پخش‌کنندگان و سایر کاربران موسیقی ضبط شده نیز بسیار دشوار است. بنابراین مدیریت جمعی ضروری است و به طور ایده‌آل برای بازیابی پاداش ناشی از اجراکنندگان مناسب است.

در بعضی از کشورها، اجراکنندگان به هنرمندان دیگر مانند بازیگران، کمدین‌ها و رهبران ارکستر در یک سازمان مدیریت جمعی مشترک که کلیه حقوق مربوطه آنها را اداره می‌کند، پیوسته‌اند مانند سازمان آدامی^{۱۷۷} در فرانسه. این چیدمان با سازمان مدیریت جمعی مشترک اجراکنندگان و تولیدکنندگان فونوگرام متفاوت است.

^{۱۷۵} MANAGEMENT OF COPYRIGHT AND RELATED RIGHTS IN THE FIELD OF MUSIC (MODULE 2). Nicholas Lowe. August 30, 2012. wipo

^{۱۷۶} Equitable remuneration

برخی سازمان‌های مدیریت جمعی اجراکنندگان، پاسخگوی منافع اجراکنندگان برجسته و برخی پاسخگوی منافع اجراکنندگان غیربرجسته هستند. این امر در انگلستان با پارما^{۱۷۸} و آیورا^{۱۷۹} (قبل از اینکه عملیات خود را با پی‌ال‌ا^{۱۸۰} ادغام کنند) و در فرانسه با آدامی و اسپیدیدام^{۱۸۱} بود.

مثال: "اسکاپر"^{۱۸۲}

"اسکاپر" شورای جوامع مدیریت جمعی حقوق اجراکنندگان است و در سال ۱۹۹۶ به عنوان یک انجمن غیرانتفاعی طبق قوانین بلژیک با دفتر مرکزی در بروکسل تشکیل شد.

اصول و اهداف "اسکاپر" در ماده ۳ اساسنامه آن ذکر شده است و شامل توسعه همکاری عملی بین سازمان‌های مدیریت جمعی اجراکنندگان، ایجاد چارچوبی برای همکاری عملی و تنظیم استانداردهای مربوط به مدیریت جمعی اجراکنندگان، حمایت از سازمان مدیریت جمعی اجراکنندگان جدید، بهبود کارایی مدیریت حقوق، انعقاد موافقت‌نامه‌های دوجانبه و همکاری با سازمان‌هایی که نمایندگی سایر گروه‌های صاحبان حقوق را دارند.

"اسکاپر" یک آیین‌نامه رفتار را به عنوان راهنمایی برای همکاری بین‌المللی بین سازمان‌های مدیریت جمعی اجراکنندگان منتشر کرده است. انعقاد موافقت‌نامه‌های دو جانبه از نظر "اسکاپر" از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است و طبق قوانین رفتاری، مدیران ارشد اجرایی مجبور هستند "ظرف ۳ سال از زمان شروع جمع‌آوری"، مذاکره و امضای توافق‌نامه‌های دوجانبه و مبادله پاداش با سایر اعضای "اسکاپر" را انجام دهند.

^{۱۷۷} Société pour l'Administration des droits des artistes et musiciens interprètes (ADAMI)

^{۱۷۸} PAMRA

^{۱۷۹} AURA

^{۱۸۰} PPL

^{۱۸۱} SPEDIDAM

^{۱۸۲} the Societies' Council for the Collective Management of Performers (SCAPR)

۲) سازمان مدیریت جمعی اجرای عمومی

در بسیاری از کشورها، زمانی که اجراهای زنده در مقابل حضار صورت می‌گیرد مانند کنسرت، برگزارکننده یا مالک محل برگزاری کنسرت باید حق اجرای عمومی را به اجراکننده بپردازد. به طور مثال در انگلستان هر برگزارکننده متعهد به پرداخت سه درصد از کل درآمدهای صندوق اداره ناشی از فروش بلیط (بعد از کسر مالیات) به سازمان مدیریت جمعی اجرای عمومی انگلستان (پی‌آراس) برای آثار اجرا شده عمومی در کنسرت یا رویداد است. برگزارکننده یا مالک محل متعهد است که یک فهرست از آثار اجرا شده توسط هنرمند یا هنرمندان را همراه با اطلاعات ناشر (اگر شناخته شده است)، مدت هر اثر، و اسامی مؤلفان را روی یک فرم خاص داشته باشد. سپس این فرم و پرداخت مناسب به سازمان مدیریت جمعی ارسال می‌شود و بین ناشران و مؤلفان فهرست شده در فرم، بعد از کسر هزینه مدیریت سازمان مدیریت جمعی، تقسیم می‌شود.

هرچه حضار بیشتر باشند، درآمد بیشتر خواهد بود. بنابراین اگر به طور مثال، یک هنرمند یا گروه هنری به قدر کافی خوش‌شانس باشد که در یک صحنه بزرگ یا استادیوم اجرا کند و آنها بسیاری از آثار اجرا شده را نوشته باشند، درآمد ناشی از تنها یک اجرا می‌تواند هزاران دلار باشد.

بسیاری از سازمان‌های جمعی اجرای عمومی مؤلفان روی پرداخت پنجاه درصد درآمد به طور مستقیم به مؤلف و باقی پنجاه درصد به ناشر مؤلف اصرار دارند. اگر مؤلف ناشر نداشته باشد سازمان جمعی تمام درآمد را بعد از کسر هزینه‌های مدیریت خود به مؤلف می‌پردازد. این شیوه پرداخت برای مؤلف بسیار پرسود است چرا که او دریافت درآمد از انجمن جمعی را ادامه خواهد داد حتی اگر با ناشر قطع همکاری کرده باشد، یعنی رویالتی‌های^{۱۸۳} قابل پرداخت به مؤلف بیش از آنچه که مؤلف از ناشر دریافت می‌کرده، توسعه می‌یابد.^{۱۸۴}

^{۱۸۳} منظور از رویالتی، حق تألیف، حق الزحمه یا اجرت است که باید به دارنده حق پرداخته شود.

^{۱۸۴} How to Make a Living from Music.Creative industries - Booklet no. 4. 2nd edition. David Stopps.2014

مثال: انجمن حق اجرا (پی‌آراس)^{۱۸۵}

این سازمان در سال ۱۹۱۴ توسط گروهی از ناشران موسیقی تأسیس شد تا از کپی‌رایت و تأمین درآمد آهنگسازان، ترانه‌سرایان و ناشران موسیقی حمایت کند. در آن زمان، پی‌آراس هزینه‌های اجرای زنده را از صفحات موسیقی دریافت می‌کرد.

منابع اصلی "پی‌آراس" برای جمع‌آوری درآمد موسیقی از این منابع حاصل می‌شود: کانال‌های پخش (به عنوان مثال رادیو و تلویزیون)، اجرای عمومی (مانند موسیقی در برنامه‌ها، کنسرت‌ها، تئاترها، رستوران‌ها و محل کار)، بصورت آنلاین (مانند موسیقی که بصورت آنلاین پخش شود، یا به صورت دیجیتالی بارگیری شود) و منابع بین‌المللی.

۳) سازمان مدیریت جمعی برای تولیدکنندگان آثار صوتی (فونوگرام)

سازمان مدیریت جمعی برای تولیدکنندگان فونوگرام از سال‌ها پیش وجود داشته است، تولیدکنندگان فونوگرام تحت کنوانسیون رم از حمایت بیشتری نسبت به حق تکثیر برخوردار هستند.

برخی از آنها به نمایندگی از کلیه صاحبان حقوق مرتبط در ضبط صدا تشکیل شده‌اند در حالی که دیگران نمایندگی شرکت‌های ضبط چند ملیتی و برخی دیگر از تولیدکنندگان مستقل ضبط صدا را بر عهده دارند مانند ^{۱۸۶}اس‌سی‌پی‌پی و اس‌پی‌پی‌اف^{۱۸۷} در فرانسه.

به دلیل تفاوت در ماهیت عضویت، ممکن است تفاوت‌هایی در اختیاراتی که می‌گیرند و انواع موافقت‌نامه‌های بین‌المللی که منعقد می‌کنند، وجود داشته باشد.

^{۱۸۵} Performing Right Society (prs)

^{۱۸۶} Société Civile des Producteurs Phonographiques

^{۱۸۷} Société Civile des Producteurs de Phonogrammes en France

مثال: “ایفپی”^{۱۸۸}

هیچ سازمانی بین‌المللی برای تولیدکنندگان آثار صوتی (فونوگرام) معادل سازمان مدیریت جمعی‌های حقوق موسیقی وجود ندارد اما “ایفپی”، فدراسیون بین‌المللی صنعت آوا، صنعت ضبط را در سراسر جهان نمایندگی می‌کند.

“ایفپی” سازمانی غیرانتفاعی است که در سوئیس ثبت شده است. دبیرخانه آن در لندن مستقر است و دارای دفاتر منطقه‌ای در بروکسل (برای اروپا)، هنگ‌کنگ (برای آسیا با دفاتر اضافی در چین و سنگاپور) و میامی (برای آمریکای لاتین) است.

ماموریت “ایفپی” این است:

- ارزش موسیقی ضبط شده را ارتقا دهید؛
 - از حقوق تولیدکنندگان ضبط محافظت کنید؛
 - کاربردهای تجاری موسیقی ضبط شده را گسترش دهید.
- “ایفپی” مسئول هماهنگی استراتژی‌های بین‌المللی در زمینه‌های اصلی کار سازمان مانند اعمال ضدسرقت، لابی‌گری دولتی و نمایندگی در سازمان‌های بین‌المللی، استراتژی‌های حقوقی، دادرسی و روابط عمومی است.

۴) سازمان مدیریت جمعی تکثیر مکانیکی

جوامع حقوق مکانیکی در بیشتر کشورها وجود دارد. آنها مجوز بازتولید آهنگ‌ها (شامل آثار موسیقی، ادبی و نمایشی) را دارند. اعضای آنها آهنگسازان، نویسندگان و ناشران و مشتریان آنها شرکت‌های ضبط‌کننده و سایر کاربران موسیقی ضبط شده هستند. آنها همچنین به جنبه‌های مکانیکی بارگیری موسیقی از طریق اینترنت مجوز می‌دهند. هر بار که سی‌دی یا کاست صوتی حاوی آثار موسیقایی دارای کپی‌رایت ساخته می‌شود،

^{۱۸۸}the International Federation of the Phonographic Industry (IFPI)

تولیدکنندگان به مجوز از صاحب اثر احتیاج دارند و آنها باید برای هر نسخه از تولید و فروش خود حق امتیاز پرداخت کنند.

مثال: "بیم" ۱۸۹

"بیم" یک سازمان بین‌المللی به نمایندگی از جوامع حقوق مکانیکی است. این مرکز در سال ۱۹۲۹ در فرانسه تأسیس شد و دفتر مرکزی آن در همان بلوک اداری "سیزاک" در پاریس است. "بیم" توافق‌نامه‌های مجوز قانونی^{۱۹۰} را در بین کشورهای مختلف هماهنگ می‌کند.

"بیم" یک توافق‌نامه استاندارد با فدراسیون بین‌المللی صنعت آوا ("ایفپی") که خود نماینده صنعت ضبط در سراسر جهان است، دارد. "بیم" همچنین به همکاری بین سازمان مدیریت جمعی‌های عضو خود کمک کرده و در حل مشکلاتی که بین اعضای فردی آن بوجود می‌آید، کمک می‌کند.

۵) سازمان مدیریت جمعی مشترک بین اجراکنندگان و تولیدکنندگان فونوگرام

هم کنوانسیون رم و هم معاهده اجراها و آثار صوتی وایپو^{۱۹۱} به اجراکنندگان و تولیدکنندگان گرامافون حق برخورداری از یک پاداش منصفانه^{۱۹۲} (اجرت منصفانه) برای پخش رادیو تلویزیونی و ارتباط با عموم را می‌دهند. در بیشتر سازمان‌های مدیریت جمعی، جمع‌آوری پاداش منصفانه، قسمت عمده درآمد قابل جمع‌آوری توسط آن سازمان خواهد بود. در مورد مدیریت شخصی حقوق، تقسیم پاداش منصفانه ممکن است با توافق صورت گیرد یا قانون داخلی چگونگی تقسیم آن را مشخص کند.

^{۱۸۹} Bureau International de l'Edition Mécanique (BIEM)

^{۱۹۰} statutory licence

^{۱۹۱} WIPO Performances and Phonograms Treaty (WPPT)

^{۱۹۲} equitable remuneration

در عصر مدرن کنونی بهتر این است که فعالیت‌های سازمان مدیریت جمعی اجراکنندگان و تهیه‌کنندگان در یک سازمان ادغام شود. کاربران یکسان هستند و باید حقوق و دستمزد بین آنها تقسیم شود. خیلی کارآمدتر است که یک سازمان جمع‌آوری و مدیریت توزیع پاداش به اشخاص مختلف را داشته باشد. این کارایی‌ها همچنین به نفع کاربران است که فقط به یک سازمان پرداخت کنند. حتی در مواردی که دو سازمان مدیریت جمعی جداگانه وجود دارد، آنها می‌توانند به طور مشترک جمع شوند اما به طور جداگانه توزیع کنند. این برای مثال در سوئد با سامی^{۱۹۳} و گروه سوئدی “ایفپی” وجود دارد.

۶) سازمان مدیریت جمعی چندمنظوره

به دلایل اقتصادی، در بسیاری از کشورها یک سازمان مدیریت جمعی حقوق مختلف مربوط به آثار موسیقایی را مدیریت می‌کند. به طور مثال در ایالات متحده آمریکا انجمن آهنگسازان، نویسندگان و ناشران آمریکا (اسکپ)^{۱۹۴}، و انجمن مؤلفان و مصنفان صحنه‌ای اروپایی (سساک)^{۱۹۵}.

مثال: انجمن با مسئولیت محدود آهنگسازان و مؤلفان سنگاپور (کامپس)^{۱۹۶}

این سازمان در سال ۱۹۸۷ و همزمان با تصویب قانون حق چاپ سنگاپور در قالب یک شرکت عمومی تحت قانون شرکت‌ها شکل گرفته و به صورت غیرانتفاعی و انحصاری می‌باشد. کامپس با هدف حمایت از آهنگسازان، غزل سرایان و ناشران تشکیل شده است و به طور خاص با کپی‌رایت موسیقی و استفاده از آثار موسیقی سروکار دارد. یکی از مأموریت‌های اصلی کامپس اطمینان از دریافت حق امتیاز اعضا هنگام استفاده یا اجرای آثارشان در انتظار عمومی، محلی و خارج از کشور است. کامپس اقدام به ثبت آثار موسیقایی آهنگسازان و غزل سرایان کرده، به کاربران موسیقی مجوز می‌دهد و با بهره‌مندی و کارآیی بیشتری از آنها حق امتیاز دریافت می‌کند. حق امتیاز

^{۱۹۳} SAMI

^{۱۹۴} American Society of Composers, Authors and Publishers (ASCAP)

^{۱۹۵} SESAC

^{۱۹۶} Composers and Authors Society of Singapore Ltd (COMPASS)

الگوها و نحوه فعالیت سازمان‌های مدیریت جمعی کپی رایت و حقوق مرتبط

جمع‌آوری شده بر اساس میزان استفاده از آثار صاحبان حق توزیع می‌شود. علاوه بر این دپارتمان صدور مجوز را تأسیس کرده است تا اطمینان حاصل کند که اعضا به خاطر بهره‌وری از آثارشان، به طور مناسب و به صورت حق امتیاز، پاداش بگیرند.

در این سازمان مانند بسیاری از سازمان‌های مدیریت جمعی دیگر قیمت مجوز استفاده از اثر، بر اساس "نوع استفاده" و "مکان استفاده" از اثر تعیین شده است. در حال حاضر قیمت استفاده از آثار برای سالن‌های ایروپیک، سالن‌های زیبایی، سالن بولینگ، سالن بلیارد و مرکز تفریحی، استودیوی موسیقی، نمایش، مدرسه مدل‌سازی و استعداد، فود کورت، بیمارستان و کلینیک، هتل، مرکز بهداشت، ادارات، رستوران و کافه، آهنگ انتظار تلفن و بسیاری موارد دیگر در سایت این سازمان وجود دارد که به طور نمونه برای سالن‌های ایروپیک به شرح زیر است:

هزینه موسیقی زنده و مکانیکی

- به ازای ۱۵۰ متر مربع ۲۸۰ دلار در سال؛
- هر ۱۰ متر مربع اضافی ۲۸ دلار در سال؛
- حداقل شارژ سالانه، ۲۸۰ دلار در سال است.

کاربران مجوز مورد نیاز خود را از فهرست انتخاب کرده و از سازمان تقاضا می‌کنند. سازمان در ازای پرداخت هزینه، مجوز استفاده را صادر می‌کند.

"کامپس" با هدف ارتقا و رشد صنعت موسیقی محلی، اقدام به سازماندهی و پشتیبانی رویدادها و پروژه‌های موسیقی کرده، مشاوره‌های تخصصی در زمینه مدیریت کپی‌رایت ارائه می‌دهد و سمینارها، نمایشگاه‌های موسیقی و تورهای تحصیلی را برای اعضای خود جهت کسب دانش برگزار می‌کند.

صدور مجوز در این سازمان به دو صورت است: ۱- مجوز سالانه^{۱۹۷} و ۲- جواز (پروانه)^{۱۹۸}

۱- مجوز سالانه

این مجوز به صورت سالانه برای سالن‌های کارائوکه، رستوران‌ها، هتل‌ها و غیره صادر می‌شود و قابل تمدید است. دارنده مجوز می‌تواند در ازای پرداخت هزینه سالانه، از آثار موسیقی تحت مجموعه کامپس از جمله آثار موسیقی، طبق شرایط استفاده کند.

۲- جواز

این نوع مجوزها برای برگزارکنندگان رویدادهای موقت صادر می‌شود. هر رویدادی غیر از یک اثر نمایشی - موسیقی، یک سخنرانی یا سایر کارهای کرال، یا یک باله، اگر شامل اجرای عمومی آثار موسیقایی باشد، به مجوز کمپاس احتیاج دارد. به عنوان نمونه مهمانی‌هایی که به مجوز احتیاج دارند، برگزارکنندگان کنسرت‌ها، نمایشگاه‌ها، رویدادهای تبلیغاتی، کارناوال و نمایشگاه‌های سرگرم‌کننده.

به طور مثال هزینه استفاده از اثر موسیقی (جواز استفاده) در مراسم عروسی، ۵۰۰ دلار در روز است و باید حداقل ۳ روز کاری قبل از تاریخ عروسی، با تمام مشخصات و اطلاعات دقیق و صحیح اعلام شود.

ه) نمونه موفق سازمان مدیریت جمعی در زمینه موسیقی

انجمن مؤلفان، آهنگ سازان و ناشران موسیقی ("ساسم")^{۱۹۹}

^{۱۹۷} Annual Licence

^{۱۹۸} Permits

^{۱۹۹} The SOCIETY OF AUTHORS, COMPOSERS AND PUBLISHERS OF MUSIC (SACEM)

“ساسم” از سال ۱۳۵۱ تشکیل شده است. انجمن پدیدآورندگان، آهنگسازان و ناشران موسیقی توسط هیأت‌مدیره اداره می‌شود. این هیأت متشکل از شش پدیدآورنده، شش آهنگساز و شش ناشر است که به مدت سه سال در مجمع عمومی انتخاب می‌شوند و هر سال یک سوم در هر گروه قابل تمدید هستند.

بر این اساس، هیأت‌مدیره از طرف انجمن مذاکره می‌کند، قرارداد می‌بندد، دادخواست می‌دهد، معامله می‌کند و داوری می‌کند و به طور کلی در مورد همه امور اداری تصمیم‌گیری می‌کند. با این حال، هیأت‌مدیره باید هر تصمیمی را که اصول اساسی انجمن را زیر سوال ببرد، در مجمع عمومی مطرح کند.

با توجه به اساسنامه، انجمن مجاز است به نمایندگی از اعضای خود در رابطه با نقض حقوق مانند نقض حق اجرای عمومی و حق تکثیر علیه اشخاص ثالث اقدام قانونی کند. بر همین اساس مدیرعامل موظف است در کلیه مراحل قانونی اقامه دعوا و پیگیری آنها، ارائه کلیه دادخواست‌ها، از جمله اختلافات در مورد مالکیت یا صرف نظر کردن از آنها شرکت کند و همچنین هر اقدامی که به طور کلی هیأت‌مدیره ضروری بداند، انجام دهد. علاوه بر این هر شکایتی از طرف اعضای انجمن در مورد امور مربوط به اداره انجمن، باید به مدیر عامل ارجاع شود. لذا نقش مدیرعامل و هیأت‌مدیره در این سازمان بسیار مهم و پررنگ است.

فعالیت‌ها و عملکرد هیأت‌مدیره و مدیر عامل توسط هیأت نظارت متشکل از دو پدیدآورنده، دو آهنگساز و دو ناشر که به مدت سه سال در مجامع عمومی انتخاب می‌شوند، نظارت می‌شود. هیأت نظارت کنترل‌کننده و ناظر بر فعالیت‌ها و عملکرد هیأت‌مدیره و مدیرعامل بوده و رویه‌های اداری و حسابداری و مکانیزم‌های کنترل داخلی برای تصمیم‌گیری‌های منطقی، محتاطانه و مناسب را ایجاد می‌کند.

در ساختار این سازمان سه کمیته پیش‌بینی شده است: کمیته اخلاق، کمیته قانونی و کمیته‌های نظارتی.

هیأت‌مدیره و هیأت نظارت هر ساله سه نفر از اعضای خود را به عنوان کمیته اخلاق منصوب می‌کنند. کمیته اخلاق به درخواست هیأت‌مدیره، به بررسی پرونده‌های اعضای که به نظر می‌رسد رفتار یا فعالیت آنها با وظایف

الگوها و نحوه فعالیت سازمان‌های مدیریت جمعی کپی رایت و حقوق مرتبط

و تعهدات مربوط به عضویت آن‌ها ناسازگار است، پرداخته و همچنین به تنظیم یک توصیه دقیق در مورد پرونده‌هایی می‌پردازد که مربوط به فرآیند اخراج چنین اعضای است و همچنین اختیار معلق کردن مدیر، عضو هیأت مدیره، عضو کمیته نظارت یا عضو کمیته مربوط را دارد.

کمیته قانونی و کمیته‌های نظارتی تحت شرایط مندرج در اساسنامه یا آیین‌نامه‌های عمومی فعالیت می‌کنند. وظیفه آنها بررسی مسائل مربوط به صلاحیت آنها و موارد ارجاع شده به آنها و پیشنهاد راه‌حل‌های مناسب به هیأت مدیره است.

کمیته قانونی وظیفه بررسی همه برنامه‌ها، جداول و اسناد مربوط به توزیع و همچنین گزارش‌های بازرسی برای کلیه مؤسسات و مکان‌هایی را که آثار اعضای انجمن به طور عمومی اجرا می‌شود، بر عهده دارد. این کمیته از سه پدیدآورنده، سه آهنگساز و سه ناشر تشکیل شده است که به مدت سه سال در مجمع عمومی انتخاب شده است.

این سازمان به صورت "مکان واحد ارائه خدمات" فعالیت می‌کند. به اعمال حق اجرای عمومی و حق تکثیر مربوط به آثار موسیقی می‌پردازد. یک شرکت غیرتجاری و غیرانتفاعی است که توسط اعضایش اداره می‌شود و انحصاری می‌باشد. در حال حاضر ۱۷۶۱۵۰ عضو دارد. مدت انجمن پنجاه سال از ۲۰۱۲ تا ۲۰۶۲ می‌باشد و امکان تمدید مجدد آن وجود دارد. اعضای آن شامل سه گروه هواداران، اعضای موقت، اعضای حرفه‌ای یا کامل می‌شود.

درخواست پذیرش عضویت به موجب فرم‌هایی در اختیار متقاضیان قرار می‌گیرد. با تکمیل اظهارنامه و ارسال آن، بررسی آن توسط انجمن آغاز می‌شود. اعضای سازمان از زمان عضویت، حق انحصاری اجازه یا منع اجرای عمومی آثارشان را به انجمن می‌دهند.

الگوها و نحوه فعالیت سازمان‌های مدیریت جمعی کپی رایت و حقوق مرتبط

سازمان موظف به جمع‌آوری حق امتیاز صاحبان حق و تهیه فهرست‌های مشخصی از آثار برای اجرا، پخش و تکثیر می‌باشد. سازمان حق امتیاز را چهار بار در سال جمع‌آوری و میان صاحبان حقوق توزیع می‌کند.

اعضا نمی‌توانند در مورد آثاری که حقوق آنها را در انجمن ثبت کرده و مدیریت آنها را به انجمن واگذار کرده‌اند، شخصاً به دیگران مجوز استفاده بدهند، به جز در مواردی که منظور استفاده رایگان از اثر مدنظر باشد، مانند استفاده برای امور خیریه. البته حتی در این موارد نیز امکان صدور مجوز شخصی بدون حد و حصر نیست و باید شرایط و ضوابط انجمن درنظر گرفته شود.

نظارت‌های دولتی بر آن از طریق وزارت فرهنگ صورت می‌گیرد که شامل تصویب یک سازمان، رسیدگی سالانه به گزارش و توجیه صورتحساب‌ها و تقاضای اسناد مربوط به عملکرد سازمان و ... می‌شود.

روش رسیدگی و حل و فصل اختلافات در “ساسم” تحت شرایط پیش‌بینی شده در قانون مالکیت فکری فرانسه است که طبق آن، هرگونه اختلاف بین اعضا و انجمن در صورت تمایل می‌تواند مشروط بر رضایت کتبی مشترک همه طرف‌های درگیر، به یک روش میانجیگری سازمان یافته تحت اختیار هیأت‌مدیره صورت گیرد که ظرف دو ماه یا بیشتر تصمیم مستدل خواهد گرفت. درخواست‌ها باید کتبی باشد و می‌تواند به صورت الکترونیکی یا از طریق بخش مشارکت‌کنندگان در پورتال SACEMweb یا SACEMporta برای انجمن ارسال شود.

“ساسم” درصدد است که هرچه زودتر و به سرعت اختلافاتی را که به آن ارسال می‌شود، رسیدگی کند و متعهد می‌شود که هر کدام را به بهترین نحو ممکن رسیدگی کند.

“ساسم” با ۱۱۷ سازمان مدیریت جمعی خارجی توافق‌نامه متقابل دارد و دارای ۱۵۰ میلیون اثر در سراسر جهان است.

حق امتیازها ظرف ۳ تا ۱۲ ماه پس از جمع‌آوری، بسته به نوع بهره‌برداری از آثار پرداخت می‌شود. ممکن است حداکثر ۴ بار در سال پرداخت حق امتیاز صورت گیرد. پرداخت‌ها با توجه به منبع انتشار (رادیو، تلویزیون، سی دی و ...) و نوع بهره‌برداری از آثار می‌باشد.

دارایی‌های سازمان ناشی از هزینه‌های پرداخت شده برای ثبت آثار و هزینه اشتراک می‌باشد که رویه‌های اعمال آنها سالانه توسط هیأت‌مدیره تعیین می‌شود.

حقوق اجرای عمومی اثر که توسط انجمن جمع‌آوری شده است، طبق یک اصل کلی پس از کسر هزینه‌های قانونی به صورت یک سوم به پدیدآورنده، آهنگساز و ناشر هر اثر اجرا شده، توزیع می‌شود. شرایط و ضوابط استفاده از این اصل و مقررات قابل اعمال در آیین‌نامه عمومی آمده است.

درآمد جمع‌آوری شده توسط انجمن در رابطه با حقوق تکثیر مکانیکی بین پدیدآورنده، آهنگساز و ناشر هر اثر تولیدشده موسیقی مطابق توافق‌نامه‌های تنظیم شده بین آنها و پس از کسر هزینه‌های قانونی مطابق با اساسنامه توزیع می‌شود.

فصل دوم) مدیریت جمعی حقوق در آثار نمایشی^{۲۰۰}

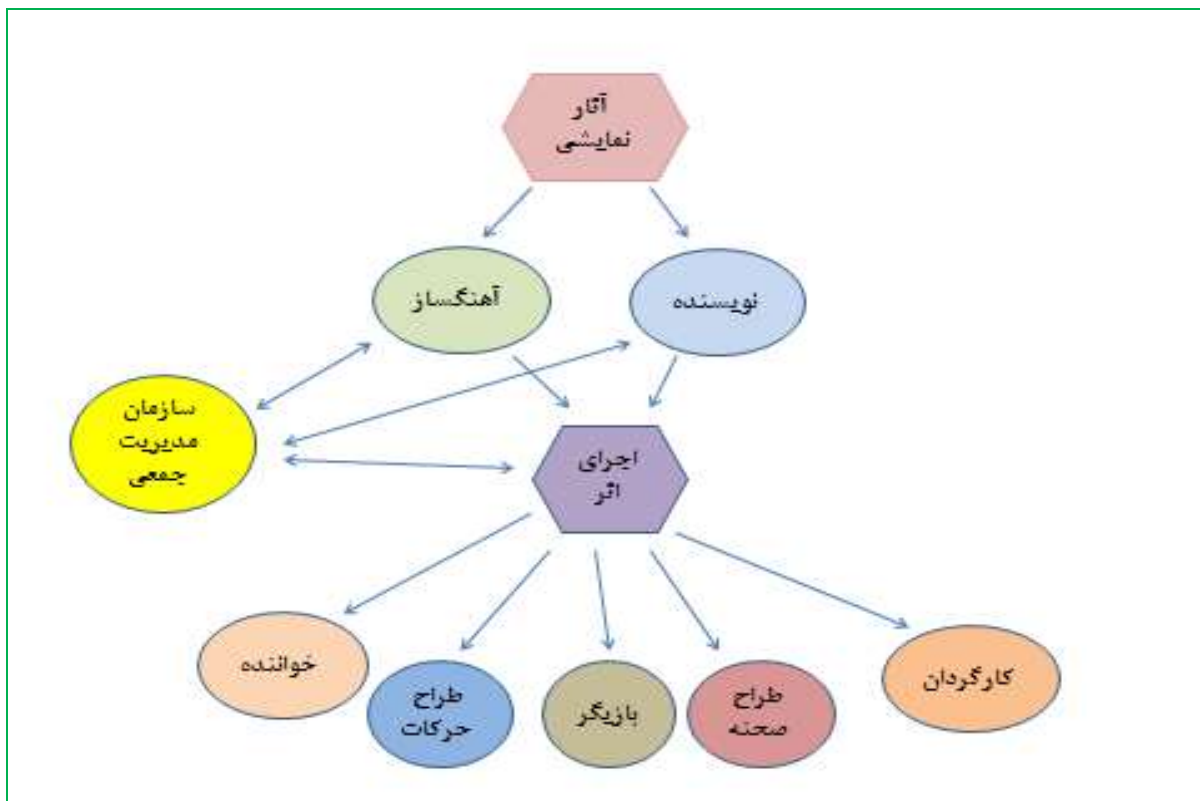
آثار نمایشی شامل نمایشنامه‌ها، فیلمنامه‌ها، نمایش کمدی، باله، تئاتر و اپرا می‌شوند که معمولاً مستلزم همکاری تعداد زیادی از هنرمندان است. اجراها معمولاً روی صحنه و در تئاترها اجرا می‌شوند و ممکن است به طور همزمان در تلویزیون نشان داده شوند یا برای انتشار در آینده ضبط شوند.

در آثار نمایشی، نمایشنامه‌نویسان و نویسندگان فیلمنامه، کارگردانان و طراحان رقص، طراحان صحنه، بازیگران و خوانندگان در تولید یک اثر نمایشی نقش دارند. ممکن است همه آنها دارای حقوقی بر اساس کپی‌رایت باشند،

^{۲۰۰} Management of rights in dramatic works

اما مجوزها و پاداش آنها به اشکال مختلف صورت می‌گیرد.

در آثار نمایشی - موسیقی، مانند اپرا، نمایش‌ها نیز روی صحنه، در خانه‌های اپرا و معادل آن اجرا می‌شوند. تعداد زیادی از هنرمندان در کارهای موسیقی دراماتیک شرکت می‌کنند. در این آثار نویسنده اشعار اپرا^{۲۰۱} و آهنگساز نقشی اساسی دارند.



نمودار ۲- روابط ذینفعان در اثر نمایشی

ممکن است مدت‌ها پیش یک نمایشنامه توسط نویسنده نمایشنامه‌نویسی شده باشد و اکنون تیمی با هدایت یک کارگردان تئاتر آن اثر را روی صحنه می‌برد. نمایشنامه‌نویسان، طراحان رقص، طراحان صحنه، بازیگران و خوانندگان در کار گروهی شرکت می‌کنند. آنها تمرین را تکرار می‌کنند و برخی از آنها هر زمان که اثر اجرا

^{۲۰۱} librettist

می‌شود، روی صحنه هستند. سهم آنها به طور معمول در قراردادهای فردی با تأثیر توافق می‌شود. این قراردادها همچنین شرایط کار و حقوق آنها را مشخص می‌کند.

وضعیت یک نمایشنامه‌نویس متفاوت است. آنها می‌توانند آثار خود را به بازار عرضه کنند، اما در بسیاری از موارد نماینده یا نمایندگانی دارند. در بعضی از کشورها سازمان‌های مدیریت جمعی (سازمان مدیریت جمعی) به عنوان یک نماینده یعنی واسطه‌ای میان یک نمایشنامه‌نویس و تأثیر فعالیت می‌کنند. اما در برخی دیگر از کشورها سازمان مدیریت جمعی صرفاً توافق‌نامه چارچوبی را با تأثیر یا سازمانی از تأثیرها منعقد می‌کند تا شرایط عمومی استفاده از نمایش‌ها را تعیین کند، اما هر بار که از فیلم‌نامه یا نمایشنامه استفاده می‌شود، به رضایت‌نامه نویسنده نیاز است و او می‌تواند شرایطی را که از شرایط مقرر در قرارداد عمومی مطلوب‌تر است، مذاکره و مطالبه کند. یعنی در هر مورد مجوز با شرایط خاص صادر می‌شود. این یک نمونه از مدیریت جمعی جزئی است که عناصر مدیریت جمعی با استفاده فردی از حقوق مخلوط شده است.

مدیریت جمعی در زمینه آثار نمایشی به قرن هجدهم فرانسه برمی‌گردد، زمانی که پیشگام این سازمان‌ها، ساسد^{۲۰۲} در سال ۱۷۷۷ تأسیس شد تا از شناخت و احترام به علایق اقتصادی و اخلاقی نویسندگان در سالن‌های نمایش اطمینان حاصل کند.

در سال ۱۹۱۰ در آرژانتین، انریکه گارسیا ولوسو (۱۸۸۰ - ۱۹۳۸)، نویسنده مشهور بیش از ۱۰۰ اثر نمایشی، گروهی از نویسندگان معتبر آرژانتینی را در خانه خود جمع کرد و اولین انجمن مدیریت جمعی را در آمریکای لاتین ایجاد کرد، که بعداً به عنوان “آرژنتورس”^{۲۰۳} شناخته شد. “آرژنتورس” به دنبال ساسد در فرانسه تشکیل شد - در هر دو مورد نویسندگان آثار نمایشی پیشگام مفهوم مدیریت جمعی در کشورهای خود بودند و زمینه را برای بهره‌مندی سایر هنرمندان و خالقان فراهم کردند.

^{۲۰۲} Société des auteurs et compositeurs dramatiques (SACD)

^{۲۰۳} Sociedad General de Autores de la Argentina (ARGENTORES), Argentina, www.argentores.org.ar

الف) سهم بازار و اقتصاد

طبق مطالعاتی که در بیش از ۱۴۲ کشور صورت گرفته است، موسیقی، تولیدات نمایشی و اپرا از جمله صنایع اصلی کپی‌رایت به حساب می‌آیند، یعنی صناعی که کاملاً در ایجاد، تولید و ساخت، اجرا، پخش، ارتباطات و نمایشگاه یا توزیع و فروش آثار یا سایر موضوعات فعالیت دارند. در سال ۲۰۱۴، موسیقی، تئاتر و اپرا با هم ۶٪ از کل سهام را به خود اختصاص داده‌اند و سهم آنها از اشتغال ۹٪ است. این رقم البته بسته به ترکیب فرهنگی یک کشور از کشوری به کشور دیگر متفاوت است.^{۲۰۴}

در این صنعت مسأله ایجاد ثروت اقتصادی همراه با حفظ و رونق میراث فرهنگی است که اهمیت موضوع را دوچندان می‌کند. کارهای خلاقانه نه تنها زندگی مردم را غنی می‌کنند، بلکه میراث فرهنگی ملی یک کشور را تشکیل می‌دهند و بخشی اساسی از هویت هر ملت هستند. میراث فرهنگی یک کشور می‌تواند موجب جذب بازدیدکنندگان یک کشور شده، گردشگران را برای جشنواره‌های تئاتر یا موسیقی یا سایر فعالیت‌های ناشی از منابع خلاق مردم به ارمغان بیاورد.^{۲۰۵}

در زمینه این آثار و حقوق مربوط به آنها باید به مسائل اجتماعی نیز توجه شود. به طور مثال در برخی کشورها، قوانین و رویه‌های خاصی برای اجرای آماتور نمایشی مانند نمایش‌های مدرسه‌ای وجود دارد. مهم است که مجوزهای استفاده از نمایشنامه در چنین شرایطی به راحتی قابل دسترسی باشند و مقررات مربوط به کپی‌رایت با ماهیت اجرا مطابقت داشته باشد.

^{۲۰۴} WIPO Studies on the Economic Contribution of the Copyright Industries. 2014

^{۲۰۵} From Artist to Audience. WIPO-CISAC-IFRRO Publication. 2004

ب) مدیریت حقوق در آثار نمایشی

به طور معمول تعداد سالن‌های نمایش در یک کشور محدود است و بنابراین استفاده فردی از حقوق توسط نمایشنامه‌نویسان امکان‌پذیر است. با این حال، اغلب نمایشنامه‌نویسان نمایندگی آثار خود را به یک نهاد حرفه‌ای می‌سپارند که از طرف آنها قراردادهای لازم را منعقد می‌کند. با این کار آنها می‌توانند فعالیت خلاقانه خود را متمرکز کنند. تعداد و ماهیت نمایندگان از کشوری به کشور دیگر متفاوت است و در بسیاری از کشورها سازمان مدیریت جمعی نقش نمایندگی را ایفا می‌کند.

هنرمندان نمایشی و پرسنل خلاق با تعیین شرایط کار و حقوق، با تئتر توافق می‌کنند. این قراردادها ممکن است بر اساس قراردادهای چارچوب مورد مذاکره اتحادیه‌ها، مانند اتحادیه بازیگران باشد. ضوابط مربوط به کپی‌رایت می‌تواند بخشی از قرارداد کار باشد که برای مثال شرایطی را برای ضبط اجراهای زنده تنظیم می‌کند. اگر اینگونه نباشد، در مورد ضبط باید شرایط و ضوابط را جداگانه مورد مذاکره قرار داد.

اجراهای زنده و ضبط‌شده دو شکل متفاوت از آثار نمایشی هستند که باید به طور جداگانه تمرین و اجرا شوند. هر اثر ضبط شده از اجرای زنده علاوه بر مجوز پدیدآورندگان اثر، به اجازه هنرمندان مجری نیز نیاز دارد. اجراکنندگان به عنوان صاحبان حقوق مرتبط به طور معمول از حق انحصاری مجوز ضبط (بازتولید) اجراهای خود برخوردار می‌شوند.

بازار نمایشنامه‌ها بین‌المللی است و نمایشنامه‌نویسان نه تنها در کشورهای خود، بلکه در سراسر جهان به نماینده نیاز دارند.

همانطور که در پیشینه تاریخی ایجاد سازمان‌های مدیریت جمعی اشاره شد، می‌توان گفت تشکیل سازمان‌های مدیریت جمعی، ریشه در اجراها و آثار نمایشی دارد. بسیاری از سازمان‌های مدیریت جمعی در سراسر جهان در این بخش از هنر، نقش حیاتی دارند و دسترسی به بازی‌ها را در نمایش‌های حرفه‌ای و آماتور تسهیل می‌کنند.

نقش مدیریت جمعی در زمینه آثار نمایشی و نمایشی - موسیقایی ایفاگر نقش وکیل یا نماینده است. حرف آخر با نمایشنامه‌نویس است، از آنجا که او تصمیم می‌گیرد نمایش وی در کدام سالن‌ها اجرا شود، مجوز انحصاری برای تئاتر خاص را برای مدتی اختصاص می‌دهد، یا مجوز غیرانحصاری که اجازه می‌دهد چندین تئاتر یک اثر را در همان زمان، به عنوان مثال در مناطق مختلف کشور اجرا کنند.

مزیت سازمان مدیریت جمعی‌های حرفه‌ای در مذاکره با شرایط عمومی یک نمایش به قدرت مذاکره آنها بستگی دارد. حتی پدیدآورندگان کمتر شناخته شده شرایط و ضوابط عمومی خوبی را بدست می‌آورند و مسئولیت‌های مربوط به گزارش عملکرد، حسابداری و پرداخت حق امتیاز را به روشی حرفه‌ای اداره می‌کنند. این واقعیت که خالق خودش می‌تواند تصمیم بگیرد که به یک تئاتر معین اجازه دهد یا نه، شخصیت فردی را در مدیریت حفظ می‌کند. بنابراین ترکیبی از اجرای حقوق فردی و مدیریت جمعی است که بهترین عناصر این دو را در این محیط بی نظیر ترکیب می‌کند.^{۲۰۶}

بسیار دشوار و بدون صرفه خواهد بود که یک رویه انفرادی را برای نمایش‌های آماتور انجام داد. به همین دلیل، بسیاری از سازمان‌های مدیریت جمعی قوانین ساده‌ای را در این بخش بازار وضع کرده‌اند و اقدام به اعطای مجوز، جمع‌آوری و توزیع می‌کنند.

ج) ذینفعان در آثار نمایشی

پدیدآورندگان و هنرمندان نمایشی در کارهای نمایشی و نمایشی - موسیقایی دارنده حق هستند. آثار و نمایش‌های آنها توسط تئاترهای حرفه‌ای و سایر صحنه‌ها و همچنین توسط گروه‌های آماتور استفاده می‌شود.

^{۲۰۶} Module 6: Management of rights in dramatic works. Tarja Koskinen-Olsson.Nicholas Lowe.WIPO.

برای نمایش‌هایی که روی صحنه اجرا می‌شوند، خالق یک نمایشنامه‌نویس^{۲۰۷} است که فیلمنامه‌نویس^{۲۰۸} نیز نامیده می‌شود. یک دراماتیس (نمایشنامه‌نویس) ممکن است با اجازه نویسنده اصلی، کتاب موجود را در یک نمایش صحنه‌ای تطبیق دهد. در این حالت، کپی‌رایت نسخه اقتباسی را به دست می‌آورد و بسته به قرارداد حاکم بر اساس اقتباس، ممکن است هر درآمد حاصل از اجرا را با نویسنده تقسیم کند.

موسیقی ممکن است به طور خاص برای نمایش ساخته شده باشد یا موسیقی از ملودی‌های موجود باشد. خالق اثر در باله، یک طراح رقص است که رقص را برای اجرا تنظیم می‌کند و همچنین اغلب به عنوان کارگردان اجرا کار می‌کند. آهنگسازان و دیگر صاحبان حقوق موسیقی نیز در این امر دخیل هستند.

برای کارهای نمایشی - موسیقی - مانند اپرا، اپرا و موزیکال - عنصر موسیقی مهم است. پدیدآورندگان شامل آهنگسازان و غزل‌سرایان موسیقی و ترانه‌سرا هستند که متن یا گفتگو را برای یک اثر نمایشی - موسیقی می‌نویسند. عنصر بصری در اجراهای صحنه‌ای مهم است. طراحان صحنه و لباس، نمونه‌هایی از افرادی هستند که در ایجاد محیط بصری فعالیت می‌کنند، جایی که نور، صدا و جلوه‌های ویژه نیز ممکن است نقش اصلی را داشته باشد.

هنرمندان مجری شامل بازیگران، رقصندگان، خوانندگان، نوازندگان، رهبران ارکستر و مدیران موسیقی هستند. آنها کسانی هستند که گاهی صدها بار در هر اجرای زنده، شرکت می‌کنند. برخی از اجراهای بسیار محبوب ممکن است بیش از یک بازیگر داشته باشند که اجازه اجرای هر روز یا حتی دو بار در روز را می‌دهد.

تئاترها، خانه‌های اپرا و مکان‌های دیگر که اجراها برگزار می‌شوند، اجراها را سازماندهی می‌کنند، آثار را انتخاب می‌کنند، از همه مجوزها مراقبت می‌کنند، پرسنل خلاق را استخدام می‌کنند و مسئولیت مالی کل پروژه را بر

^{۲۰۷} playwright

^{۲۰۸} script writer

عهده می‌گیرند. اما اجراها نیز به شکل کمتر سازمان یافته، توسط گروه‌های آماتور، در مدارس، خانه‌های سالمندان، کودکانها، تقریباً در هر مکانی برگزار می‌شود.

د) انواع سازمان‌های مدیریت جمعی در زمینه آثار نمایشی

انواع مختلفی از سازمان مدیریت جمعی وجود دارد که حقوق آثار نمایشی را مدیریت می‌کنند. این حقوق زیرساخت‌های تاریخی، فرهنگی و اجتماعی کشور را منعکس می‌کند.

تعداد کمی از سازمان‌های مدیریت جمعی فقط کارهای نمایشی را مدیریت می‌کنند. اکثر آنها در آثار دیگر نیز فعالیت می‌کنند، خواه آثار سمعی و بصری یا ادبی یا آثار هنری تجسمی. استفاده از این مجموعه آثار در محیط دیجیتال در حال تبدیل شدن به یک وظیفه فزاینده مهم برای این سازمان مدیریت جمعی‌های تخصصی است. مدیریت کارهای نمایشی نیز ممکن است بخشی از وظایف سازمان مدیریت جمعی‌های چند منظوره باشد.

سازمان مدیریت جمعی ممکن است توافق‌نامه‌های نمایندگی با همتای خارجی داشته باشد و در موقعیت اعطای مجوز برای مجموعه خارجی نیز باشد. با این حال، با در نظر گرفتن نمایندگی پراکنده - سازمان‌های مدیریت جمعی و نمایندگان - در کشورهای مختلف، ممکن است مجوز نمایشنامه‌های خارجی از منابع مختلف گرفته شود.

ممکن است در کشوری مدیریت حقوق آثار نمایشی جزو وظایف سازمان‌های مدیریت جمعی نباشد، بلکه وظیفه آژانس‌ها باشد که هرکدام مجموعه نمایشی متفاوتی را برای نمایندگی خود ارائه دهند. می‌توان نماینده‌ای برای نمایش‌های خارجی و آژانس دیگری برای کارهای ملی وجود داشته باشد. گاهی اتحادیه وظایف دوگانه‌ای را انجام می‌دهد: نمایندگی عمومی منافع اعضا و عملکرد نمایندگی در رابطه با سالن‌های نمایش.

بین آثار نمایشی و سمعی و بصری یک رابطه طبیعی وجود دارد، زیرا اغلب همان نویسندگان نمایشنامه‌ها، برای فیلم‌ها نیز فیلم‌نامه می‌نویسند. همچنین کارگردانان ممکن است در صحنه، در تولیدات تلویزیونی و سینمایی کار کنند. ممکن است مدیریت یک دسته از صاحبان حقوق به تنهایی از نظر اقتصادی امکان‌پذیر نباشد. در ادامه، ساختار برخی سازمان‌های مدیریت جمعی ارائه می‌شود تا ایده‌ای از مدل‌های مختلف موجود در دنیا ارائه شود.

۱) سازمان نویسندگان نمایشی و سمعی و بصری

اولین نمونه از این مدل ساسد در فرانسه است که جزو قدیمی‌ترین سازمان‌های مدیریت جمعی جهان است. به عنوان نماینده نویسندگان آثار نمایشی، از طرف آنها پاداش می‌گیرد و درآمد جمع‌آوری شده را پس از کسر توافق شده، توزیع می‌کند. بسیاری از نمایشنامه‌نویسان برای رسانه‌های سمعی و بصری نیز می‌نویسند بنابراین هم‌افزایی برای مدیریت مشترک برنامه‌های نمایشی و سمعی و بصری وجود دارد. در زمینه صوتی و تصویری ساسد در صورت لزوم به صاحبان حقوق در قراردادهای اصلی آنها کمک می‌کند و با ایستگاه‌های تلویزیونی، شرکت‌های کابلی و غیره توافق‌نامه‌های صدور مجوز را منعقد می‌کند.

نمونه دیگری از این گزینه “آرژنتورس” در آرژانتین، قدیمی‌ترین سازمان مدیریت جمعی در قاره آمریکای لاتین است که در سال ۱۹۱۰ تأسیس شده است. “آرژنتورس” تئاتر، سینما، تلویزیون و فن‌آوری‌های جدید را نسبت به حوزه انتخابیه خود مدیریت می‌کند.

۲) سازمان نویسندگان نمایشی، ادبی و تجسمی

دالرو (سازمان حقوق نمایشی، هنری و ادبی)^{۲۰۹} در آفریقای جنوبی یک آژانس مدیریت دارایی حق چاپ است، که در سال ۱۹۶۷ تأسیس شده است. انواع مختلف حق چاپ را از طرف نویسندگان، هنرمندان و ناشران اداره یا مجوز می‌دهد. زمینه‌های اصلی مدیریت عبارتند از:

- تکثیر رپروگرافی از نسخه‌های منتشر شده؛
- حقوق اجرای عمومی، از جمله حقوق صحنه برای موزیکال و نمایشنامه‌های کتاب؛
- حقوق تکثیر در آثار هنرهای تجسمی.

دالرو تابع کامل سامرو (سازمان حقوق موسیقی آفریقای جنوبی)^{۲۱۰} است. یک مثال مشخص از سازمان‌های مدیریت جمعی برای کارهای موسیقی که به دیگر مجموعه‌های آثار نیز کمک می‌کند. انجمن نویسندگان کره^{۲۱۱} نمونه دیگری از سازمان‌های مدیریت جمعی است که مجموعه ادبی، نمایشی و تصویری را مدیریت می‌کند.

۳) آثار نمایشی، ادبی، سمعی و بصری و آثار هنری تجسمی با هم

لیتا (انجمن نویسندگان)^{۲۱۲} از سال ۱۹۴۹ به عنوان آژانس منطقه‌ای در اسلوونی تأسیس شد. لیتا مدیریت جمعی داوطلبانه حقوق ادبی، نمایشی، موسیقی - نمایشی، رقص، سمعی و بصری و عکس‌های عکاسی و آثار هنری تجسمی را بر اساس و در حد توافقات نمایندگی با نویسندگان و وراث آنها انجام می‌دهد. نویسندگان

^{۲۰۹} DALRO (Dramatic, Artistic and Literary Rights Organisation)

^{۲۱۰} SAMRO (Southern African Music Rights Organisation)

^{۲۱۱} KOSA (Korean Society of Authors)

^{۲۱۲} LITA (Society of Authors)

خارجی بر اساس توافق‌نامه‌های نمایندگی متقابل نمایندگی می‌شوند. علاوه بر مجوزهای داوطلبانه، لیست تعدادی از طرح‌های غیرداوطلبانه را نیز بر اساس مجوزهای اجباری قانون مدیریت می‌کند.

(۴) سازمان‌های چندمنظوره:

آگادو^{۲۱۳} در اروگوئه یک سازمان به اصطلاح چندمنظوره است که چندین مجموعه از جمله کارهای نمایشی را مدیریت می‌کند. این سازمان یک فهرست از آثار نمایشی در وبسایت خود دارد که کاربران بالقوه می‌توانند شرح کوتاهی از هر نمایشنامه را مطالعه کنند.

در آفریقا، بسیاری از سازمان‌های مدیریت جمعی چندمنظوره وجود دارد که فهرست آنها شامل کارهای نمایشی نیز می‌باشد. بومدا^{۲۱۴} در مالی و بوتودرا^{۲۱۵} در توگو نمونه‌هایی از این سازمان‌های چندمنظوره در فرانکوفون^{۲۱۶} آفریقا هستند.

(۵) نمونه موفق سازمان مدیریت جمعی در زمینه آثار نمایشی

در سطح بین‌المللی، سازمان‌های مدیریت جمعی مربوط به مدیریت آثار نمایشی، وابسته به “سیزاک” هستند. در این فدراسیون، شورای بین‌المللی پدیدآورندگان نمایشی، ادبی و سمعی و بصری^{۲۱۷} پدیدآورندگانی را از دنیای تئاتر، ادبیات و آفرینش‌های سمعی و بصری گرد هم می‌آورد.

^{۲۱۳} AGADU (Asociación General de Autores del Uruguay)

^{۲۱۴} Bureau Malien du Droit d’Auteur (BUMDA), Mali. www.bumda.cefib.com

^{۲۱۵} Bureau Togolais du Droit d’Auteurs (BUTODRA), Togo. www.butodra.org

^{۲۱۶} Francophone Africa

^{۲۱۷} CIADLV

“سیزاک” در جهت افزایش شناخت و حمایت از حقوق پدیدآورندگان فعالیت می‌کند. این مرکز در سال ۱۹۲۶ تأسیس شد و دفتر مرکزی آن در پاریس با دفاتر منطقه‌ای در بوداپست (مجارستان)، سانتیاگو دو شیلی (شیلی)، ژوهانسبورگ (آفریقای جنوبی) و سنگاپور است.

در سال ۲۰۲۰، سیزاک ۲۳۲ سازمان مدیریت جمعی در بیش از ۱۲۰ کشور گرد هم آورده است. این سازمان‌های مدیریت جمعی نمایندگی بیش از چهار میلیون پدیدآورنده فعال در پنج مجموعه اصلی: سمعی و بصری، نمایشی، ادبیات، موسیقی و هنرهای تجسمی را دارند که از این تعداد حدود ۳۵ سازمان در سراسر جهان مجموعه آثار نمایشی را مدیریت می‌کنند.

اعضای سازمان، جوامع هنر نمایش اعم از نمایشنامه‌نویسان و طراحان رقص تا نویسندگان، کارگردانان فیلم و اقتباس‌کنندگان فیلم را شامل می‌شوند. مأموریت شورای بین‌المللی پدیدآورندگان نمایشی، ادبی و سمعی و بصری، مطالعه تمام مسائلی است که مستقیماً با علاقه و وضعیت آن نویسندگان و جوامع آنها ارتباط دارد.

چشم‌انداز و مأموریت جدید “سیزاک”، که در مارس ۲۰۱۲ تصویب شد، به جای رویکرد دفاعی، روی یک رویکرد فعالانه‌تر و ارتقا حقوق نویسندگان متمرکز است که در سال ۲۰۲۰ نیز با شعار فرصت عادلانه، سهم عادلانه و پرداخت عادلانه برای همه اعضا بر این موضوع تأکید شد.

مثال: ویوام^{۲۱۸}

ویوام سازمان مدیریت جمعی هلند برای کارگردانان سینما و تلویزیون است. ویوام بنیادی است که تقریباً ۲۰۰۰ کارگردان وابسته هلندی را نمایندگی می‌کند. مدیران وابسته برخی از حقوق بهره‌برداری و حقوق مربوط به اجرت عادلانه را هنگام امضای قرارداد همکاری به ویوام منتقل می‌کنند. ویوام همچنین بر اساس توافق‌نامه نمایندگی یک‌طرفه یا متقابل که با انجمن‌های کپی‌رایت خارجی منعقد شده است، نماینده کارگردانان خارجی

^{۲۱۸} VEVAM

است. ویوام برای استفاده از کارهای سمعی و بصری، به ویژه با توجه به بهره‌برداری‌های زیر، پاداش‌هایی را جمع‌آوری و توزیع می‌کند. ویوام کلیه درآمد را طبق قوانین توزیع، تقسیم می‌کند.

ویوام به صورت غیرانتفاعی فعالیت می‌کند و درآمد حاصل از بهره‌برداری از حقوق نویسندگان بعد از کسر برای اهداف اجتماعی و / یا فرهنگی و هزینه‌های اداری، به طور کامل بین کارگردانان توزیع می‌شود.

ویوام از اعضای “سیزاک” است.

فصل سوم) مدیریت جمعی حقوق در چاپ و نشر^{۲۱۹}

چاپ و نشر از بزرگترین صنایع خلاق یک جامعه است که طیف وسیعی از محصولات و خدمات را در بر می‌گیرد و محتوای متنی را در دو قالب آنالوگ و دیجیتال در دسترس قرار می‌دهد. منظور از صنایع خلاق، فعالیت‌هایی است که ریشه آنها مهارت و استعداد فردی بوده و پتانسیل تولید ثروت و کار را دارند. این صنایع، ترکیبی از خلاقیت، تولید و تجاری‌سازی محصولاتی است که ماهیت نامحسوس و فرهنگی دارند. محتوای حاصل از صنایع خلاق، به نوعی توسط کپی‌رایت محافظت می‌شود و می‌تواند در شکل کالا یا خدمات ظاهر شود. از جمله موارد مشمول صنایع خلاق عبارتند از تبلیغات، معماری، بازار هنر و اشیای زینتی، صنایع دستی، طراحی، مد، فیلم و ویدئو، موسیقی، هنرهای نمایشی، انتشارات، نرم‌افزار، تلویزیون، رادیو و بازی‌های ویدئویی و رایانه‌ای.

امروزه چاپ و نشر بزرگترین و تنها صنعت فرهنگی در بسیاری از کشورها است که طیف گسترده‌ای از محصولات و خدمات را هم برای مصرف‌کنندگان و هم برای مشاغل و بازارهای حرفه‌ای پوشش می‌دهد. کتاب‌ها، مجلات علمی، مجلات، نشریات و روزنامه‌ها تنها چند نمونه از این موارد است. آنها به صورت قالب‌های آنالوگ و دیجیتال منتشر می‌شوند.

^{۲۱۹} Management of rights in print and publishing

سهام اقتصادی مطبوعات و ادبیات در تولید ناخالص داخلی (GDP) یک کشور، در کنار صنعت نرم‌افزار، در اندازه‌گیری اهمیت اقتصادی صنایع مبتنی بر حق چاپ دارای بزرگترین سهم است.

نویسندگان و ناشران را صاحبان حقوق می‌نامند. آنها بر اساس قانون و / یا قرارداد دارای حق چاپ هستند. در حالی که کپی‌رایت در چاپ و نشر عمدتاً از طریق قرارداد مستقیم بین نویسندگان و ناشران اعمال می‌شود، مواردی وجود دارد که می‌توان حقوق را به طور مؤثر به طور جمعی مدیریت کرد.

تکثیر در حجم بالا، مانند رپروگرافی و دیجیتالی‌سازی در مقیاس بزرگ، نمونه‌هایی از کاربردهایی هستند که مدیریت جمعی در مورد آنها کاربرد دارد و اغلب نمایانگر روشی عملی برای مدیریت حقوق صاحبان حقوق، کاربران و جامعه در کل است.

الف) سهم بازار و اقتصاد

مطبوعات و ادبیات در بیشتر کشورها بیشترین سهم صنایع مبتنی بر کپی‌رایت را در زمینه تولید ارزش افزوده و تولید ناخالص داخلی داشته و طبق مطالعات صورت گرفته در سال ۲۰۱۴، ۳۹٪ از کل سهام را در کشورهای مورد مطالعه تشکیل می‌دهد. این سهم در هنگام سنجش میزان اشتغال بیشتر، یعنی ۴۳٪ درصد از کل بوده است.^{۲۲۰}

اهمیت صنعت نشر را می‌توان با مطالعه موردی آفریقای جنوبی نشان داد. انجمن ناشران آفریقای جنوبی گزارش‌های نظرسنجی در مورد وضعیت صنعت نشر کشور را منتشر می‌کند و آخرین گزارش مربوط به ۲۰۱۸ نشان می‌دهد که در سال‌های ۲۰۱۸-۱۹، صنعت نشر آفریقای جنوبی حدود ۳/۵ میلیارد درآمد کسب کرده است. سه بخش اصلی انتشارات در این کشور عبارتند از: آموزشی، دانشگاهی و تجاری. در این کشور انتشارات

^{۲۲۰} WIPO Studies on the Economic Contribution of the Copyright Industries. 2014.

بخش آموزشی حدود ۶۰٪ درآمد را تشکیل می‌دهد. تمام درآمد ذکر شده خالص بوده، یعنی تخفیف و مالیات بر ارزش افزوده از آن کسر شده است.^{۲۲۱}

بازیکنان اصلی در این بازار، نویسندگان از انواع مختلف و ناشران مواد چاپی و دیجیتالی هستند. آنها آثاری را خلق می‌کنند و مطالب را در دسترس عموم قرار می‌دهند.

نویسندگان در این بخش از نویسندگان داستانی و غیرداستانی گرفته تا مترجمان، روزنامه‌نگاران، دانشمندان و دیگر نویسندگان حرفه‌ای را شامل می‌شوند. خالقان بصری - عکاسان، تصویرگران، طراحان گرافیک و سایر هنرمندان هنرهای تجسمی - به عنصر بصری انتشارات کمک می‌کنند. ناشران کتاب، ژورنال، مجله، نشریه و روزنامه آثار را به بازار عرضه می‌کنند. آهنگسازان، غزل‌سرایان و ناشران موسیقی در ایجاد و در دسترس قرار دادن کتاب‌های نت و آهنگ فعالیت دارند.

نویسندگان و ناشران حق چاپ را بر اساس قانون و / یا قراردادها دارند یا استفاده می‌کنند. حق چاپ در چاپ و نشر عمدتاً از طریق قرارداد مستقیم بین نویسندگان و ناشران اعمال می‌شود، اما مواردی وجود دارد که مدیریت جمعی اعمال می‌شود.

ب) مدیریت حقوق در چاپ و نشر

در چاپ و نشر، حقوق اولیه به صورت جداگانه اعمال می‌شود، یعنی حقوق با قراردادهای مستقیم بین نویسندگان و ناشران به دست می‌آید و اعمال می‌شود، ناشران محصولات و خدمات را بین کاربران بازاریابی می‌کنند. مدیریت جمعی در موارد استفاده‌های در حجم زیاد، مانند تکثیر رپروگرافی و استفاده‌های خاص دیجیتال، کاربرد دارد. سازمان‌های مدیریت جمعی در این زمینه معمولاً سازمان‌های تکثیر^{۲۲۲} نامیده می‌شوند. در

^{۲۲۱} Publishers' Association of South Africa (PASA): Annual Book Publishing Industry Survey Report. 2018-2019.

^{۲۲۲} reproduction rights organizations (RROs)

بعضی از کشورها، سازمان مدیریت جمعی حقوق ادبی برای مدیریت کاربردهای مختلف آثار ادبی ایجاد شده است.

امروزه، کپی‌برداری و کپی دیجیتال در همه جای جامعه صورت می‌گیرد و نشان‌دهنده استفاده گسترده از مواد چاپی است. اگر چنین کاری بدون پاداش باقی بماند و بدون رضایت نویسندگان و ناشران انجام شود، تهدیدی برای همه افراد درگیر در چاپ و انتشار است.

با اجبار سازمان‌های حقوق تکثیر برای مدیریت کپی‌رایت، نویسندگان می‌توانند فعالیت خلاقانه خود را متمرکز کنند و برای استفاده از آثار خود پاداش دریافت کنند. همین امر در مورد ناشران نیز صدق می‌کند. پاداش دریافت شده توسط سازمان‌های تکثیر بخشی از بازگشت سرمایه آنها است که آنها را قادر می‌سازد کتاب‌های جدید و سایر نشریات را به بازار بیاورند.

در برخی از کشورها، سازمان‌های مدیریت جمعی حقوق ادبی متولی هزینه تکثیر، اجرای عمومی و حقوق پخش در رابطه با آثار ادبی هستند. حق عاریه عمومی^{۲۲۳} همچنین می‌تواند به طور مشترک توسط سازمان مدیریت جمعی اداره شود. حق عاریه عمومی حق قانونی است که به نویسندگان و سایر صاحبان حق اجازه می‌دهد برای جبران عاریه رایگان کتاب‌های خود توسط کتابخانه‌های عمومی، هزینه‌ای را از دولت دریافت کنند. این حق بر اساس اصل "عدم استفاده بدون پرداخت" بوده و در حال حاضر در حدود ۲۶ کشور جهان به رسمیت شناخته شده است.^{۲۲۴}

ج) ذینفعان حقوق در چاپ و نشر

حق انحصاری تکثیر مثل نقطه شروع است. این قانون به نویسنده یک اثر حق تصمیم‌گیری در مورد اجازه یا ممنوعیت استفاده از آن توسط تکثیر را می‌دهد. این حق ممکن است منتقل یا واگذار شود. دارنده حقوق ممکن

^{۲۲۳} Public lending right (PLR)

^{۲۲۴} The public lending right and what its doe. June 2018. Jim Parker.WIPO magazine.

است بخواهد در هر شرایطی از حق خود استفاده کند یا می‌تواند تصمیم بگیرد که به دیگری، مانند سازمان حقوق تکثیر، برای استفاده از این حق در موارد خاص یا در همه موارد اجازه دهد. حق تولید رپروگرافی از زیر مجموعه‌های حق تکثیر است.

بین قوانین و مدیریت ارتباط روشنی وجود دارد و گزینه‌های مختلف قانونی منجر به ایجاد سناریوهای مختلف برای صاحبان حقوق و کاربران می‌شود.

در مواردی که قانون یک حق انحصاری تکثیر در خالص‌ترین شکل خود را فراهم می‌کند، فعالیت سازمان‌های حق تکثیر فقط بر اساس اختیارات داوطلبانه از سوی صاحبان حقوق است. این مجوز، مجوز داوطلبانه جمعی نامیده می‌شود و سازمان حق تکثیر از طرف صاحبان حقوقی که نمایندگی دارد، درخصوص مجوزها مذاکره می‌کند. در نتیجه، کاربران فقط می‌توانند مجوزهایی که آثار این صاحبان حقوق را پوشش می‌دهد، درخواست کنند. این مورد به عنوان مثال در ایالات متحده آمریکا وجود دارد.

در بعضی از کشورها، قانون شامل نوعی سازوکار پشتیبانی برای مدیریت جمعی با هدف مقابله با چالش صاحبان حقوق بدون نماینده^{۲۲۵} است و در عین حال یک حق انحصاری را نیز حفظ می‌کند. سه مدل از چنین مکانیسم‌های پشتیبانی قانونی عبارتند از: مجوز جمعی گسترده، فرض قانونی و مدیریت جمعی اجباری^{۲۲۶}. کشورهای اسکانندیناوی، زیمبابوه و فرانسه نمونه‌هایی از این سازوکارها را ارائه می‌دهند.

اگر صاحبان حقوق فقط حق پاداش داشته باشند، رضایت برای کپی در قانون داده شده و صاحبان حقوق برای این نسخه‌برداری پاداش دریافت می‌کنند. در این صورت خدمات سازمان حقوق تکثیر برای جمع‌آوری و توزیع حق‌الزحمه مورد نیاز است. این مورد برای مثال در استرالیا در کپی‌برداری آموزشی و دولتی وجود دارد. در موارد دیگر می‌توان طبق قانون، پاداش یا غرامت ویژه‌ای از طریق پرداخت حق چاپ در تجهیزات کپی تهیه کرد. باز

^{۲۲۵} non-represented rights holders

^{۲۲۶} extended collective license, legal presumption and obligatory collective management.

هم سازمان حقوق تکثیرها مسئول جمع‌آوری و توزیع پرداخت‌ها هستند که به آنها "عوارض"^{۲۲۷} نیز گفته می‌شود. این مورد برای مثال در بلژیک وجود دارد.

اگر این قانون شامل استفاده‌های رایگان، چه به صورت استفاده عادلانه / معاملات منصفانه^{۲۲۸} و چه با استثناء یا محدودیت^{۲۲۹} در حق تکثیر باشد، نیازی به مدیریت نیست. کپی کردن در چنین مواردی بدون رضایت صاحبان حقوق و بدون پرداخت پاداش برای آنها مجاز است. کاربردهای رایگان گسترده و مبهم می‌تواند یک مانع واقعی باشد و مدیریت جمعی را غیرممکن سازد.

د) انواع سازمان‌های مدیریت جمعی مربوط به آثار مبتنی بر متن و تصویر

ایجاد سازمان حقوق تکثیر سازوکار حمایتی مهمی را برای قانون‌گذاری در زمینه کپی‌رایت ملی، افزایش درآمد صاحبان حقوق ملی و تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری خلاق آنها فراهم می‌کند.

سیستم‌های اصلی عملیاتی برای مدیریت تکثیر رپروگرافی و زیرمجموعه‌های آنها عبارتند از:

۱- مجوز داوطلبانه جمعی^{۲۳۰}

۲- مجوزهای جمعی با حمایت قانون‌گذاری^{۲۳۱}

• مجوز تمدیدشده جمعی^{۲۳۲}

• فرض قانونی

• مدیریت جمعی اجباری^{۲۳۳}

^{۲۲۷} levies

^{۲۲۸} fair use/fair dealing

^{۲۲۹} exception or limitation

^{۲۳۰} Voluntary collective licensing

^{۲۳۱} Collective licensing with legislative support

^{۲۳۲} Extended collective license

^{۲۳۳} Obligatory collective management

۳- مدیریت جمعی غیر داوطلبانه^{۲۳۴}

- مجوزهای غیر داوطلبانه^{۲۳۵}

- پاداش از طریق سیستم دریافت مالیات^{۲۳۶}

تفاوت اصلی در ماهیت حق است. در صورت داشتن حق انحصاری، مجوزها به طور کامل یا برای اکثر صاحبان حقوق بر اساس اختیارات داوطلبانه است. امکان منع استفاده از آثار محافظت شده وجود دارد. صدور مجوز یکی از عناصر اساسی مدیریت جمعی است.

در سیستم‌های مدیریت جمعی غیر داوطلبانه، این قانون فقط به صاحبان حق پاداش می‌دهد. بنابراین کپی برداری بدون رضایت صاحبان حقوق صورت می‌گیرد، اما آنها حق دارند پاداش عادلانه بگیرند. برای جمع‌آوری پاداش و توزیع آن بین صاحبان حقوق، مدیریت جمعی لازم است.

تجربه نشان می‌دهد که همه سیستم‌های عملیاتی مختلف می‌توانند مؤثر باشند. بنابراین باید تجزیه و تحلیل شود که کدام سیستم برای زیرساخت‌های یک کشور مناسب‌تر است و با واقعیت‌های حقوقی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و همچنین تعهدات بین‌المللی آن مطابقت دارد.

(۱) مجوز داوطلبانه جمعی

در صدور مجوزهای داوطلبانه جمعی، سازمان حقوق تکثیر مجوزهایی را برای استفاده از مواد تحت حمایت کپی‌رایت به نمایندگی از صاحبان حقوق که به آن اختیار داده‌اند از طرف آنها اقدام کند، صادر می‌کند.

^{۲۳۴} Non-voluntary collective management

^{۲۳۵} Non-voluntary licenses

^{۲۳۶} Remuneration through a levy system

سازمان حقوق تکثیرها مجوز صدور مجوز را از طریق اختیارات داده شده توسط صاحبان حقوق ملی و برای فهرست بین‌المللی از طریق توافق‌نامه‌های دو جانبه با سازمان‌های حق تکثیر در کشورهای دیگر دریافت می‌کنند. این توافق‌نامه‌های نمایندگی معمولاً بر اساس اصل نمایندگی متقابل تنظیم می‌شوند.

کاربران باید مستقیماً به صاحبان حقوقی که عضو سازمان‌ها نیستند، نزدیک شوند. با این حال کاربران معمولاً علاقه‌مند به دریافت مجوز برای همه کارهای یک گروه خاص هستند. سازمان حقوق تکثیر در چنین سیستمی ممکن است پیشنهاد قرارداد پرداخت غرامت در قرارداد مجوز را در نظر بگیرد. در این بند سازمان حقوق تکثیر موافقت می‌کند که کلیه ادعاهایی که توسط هر دارنده حق علیه کاربر اعم از اعضا یا غیراعضا سازمان حقوق تکثیر علیه کاربر ارائه شده را پوشش مالی دهد که در صورت عضویت دارنده حقوق توسط مجوز تحت پوشش قرار خواهد گرفت. با این وجود قرارداد نمی‌تواند مسئولیت را طبق قوانین کیفری منتقل کند.^{۲۳۷}

مثال ۱: ایالات متحده

مرکز تسویه کپی‌رایت، شرکت سی‌سی‌سی^{۲۳۸} در سال ۱۹۷۸ به پیشنهاد کنگره ایالات متحده تأسیس شد که سازوکاری کارآمد برای تبادل حقوق و حق امتیاز برای ایجاد تسهیل در انطباق با قانون کپی‌رایت که اخیراً تجدید نظر شده، ایجاد شده است. پدیدآورندگان، ناشران و کاربران گرد هم آمدند تا سی‌سی‌سی را تشکیل دهند. هیچ مرجع قانون‌گذاری مستقیمی وجود ندارد اما سی‌سی‌سی مجوزهایی را برای مجوز استفاده از مواد دارای حق چاپ از طریق قراردادهای داوطلبانه با صاحبان حقوق شخصی به دست می‌آورد.

بنابراین، مجوز داوطلبانه جمعی از طریق سی‌سی‌سی فقط بر اساس قراردادهای غیرانحصاری است. نویسندگان و ناشران تعیین می‌کنند که چه آثاری در برنامه‌های مختلف صدور مجوز گنجانده شود. در اکثر برنامه‌ها آنها می‌توانند قیمت‌ها را به صورت جداگانه برای هر کار تعیین کنند.

^{۲۳۷} Module 4: Management of rights in print and publishing. Tarja Koskinen-Olsson. Nicholas Lowe.wipo.2012

^{۲۳۸} Copyright Clearance Center, Inc (CCC)

مثال ۲: کنیا

صدور مجوز برای نسخه‌برداری مجدد بر اساس اختیارات داوطلبانه در کنیا است البته در این قانون همچنین قبل از بهره‌برداری به تصویب دولت نیاز دارد. انجمن حقوق تکثیر کنیا (کوپیکن)^{۲۳۹}، در سال ۱۹۹۵ تأسیس شد. اولین مجموعه آن در سال ۲۰۰۰ شروع به کار کرد و سال پس از آن توزیع شد. کوپیکن اولین سازمان مدیریت جمعی در کنیا بود که توسط دایره کپی‌رایت کنیا، تحت مقررات کپی‌رایت به ثبت رسید.

۲) صدور مجوز جمعی با حمایت قانون‌گذاری

صدور مجوز داوطلبانه جمعی در برخی کشورها توسط قانون حمایت می‌شود. ایده اصلی تضمین پوشش کامل مجوز در برابر کاربران و از بین بردن چالش صاحبان حقوق بدون نماینده است. از آنجا که هیچ سازمان مدیریت جمعی نمی‌تواند از همه صاحبان حقوق در کشور خود نمایندگی کند، چه رسد به همه کشورهای جهان، حمایت قانونی می‌تواند وضعیت صاحبان حقوق بدون نماینده را پوشش دهد. ایده اساسی در این مدل‌ها یکسان است، اما روش قانون‌گذاری متفاوت است.

سازمان حقوق تکثیرها تحت مکانیسم‌های مختلف پشتیبانی قانونی کار می‌کنند:

- مجوز تمدیدشده جمعی
- فرض قانونی
- مدیریت جمعی اجباری.

۲-۱- مجوز تمدیدشده جمعی

^{۲۳۹} KOPIKEN

یک مجوز جمعی گسترده اثرات مجوز کپی‌رایت را گسترش می‌دهد تا صاحبان حقوق بدون نماینده را نیز تحت پوشش قرار دهد. سازمان حقوق تکثیر صادرکننده مجوز باید حق‌الزحمه را بین صاحبان حقوق بدون نماینده نیز توزیع کند.

در طول دهه ۱۹۷۰، کشورهای شمال اروپا راه حل قانونی را تحت عنوان مجوز گسترده توسعه یافته (ECL^{۲۴۰}) در زمینه رپروگرافی معرفی کردند. بر اساس این قوانین، توافق‌نامه‌های بین کاربران و سازمان‌هایی که تعداد قابل توجهی از صاحبان حقوق را در یک دسته از آثار مشخص مدیریت می‌کنند، می‌تواند به موجب قانون تمدید شود تا کلیه صاحبان حقوق در آن دسته را تحت پوشش قرار دهد (اثر تمدید). یک عنصر اساسی ECL این است که صاحبان حقوق امکان انصراف دارند، یعنی کارهای خود را از صدور مجوز خارج کنند. این سیستم در کشورهای شمال اروپا وجود دارد.

این روش حقوقی که از ابتدا در کشورهای اسکاندیناوی آغاز شد، اکنون در تعدادی از کشورهای دیگر در حال اجرا، یا در حال بررسی است. با شروع رپروگرافی، اکنون مجوز توسعه‌یافته جمعی، کپی دیجیتال در آموزش و کتابخانه‌ها را پوشش می‌دهد.^{۲۴۱}

مثال: دانمارک

سازمان‌های مدیریت جمعی در دانمارک باید توسط وزارت فرهنگ دانمارک تأیید شوند. برای واجد شرایط بودن کپی دان^{۲۴۲} به عنوان سازمانی تحت سیستم مجوز گسترده جمعی، باید نمایانگر تعداد قابل توجهی از صاحبان حقوق نوع خاصی از آثار باشد که در دانمارک استفاده می‌شود.^{۲۴۳} توافق‌نامه‌ای که بین کاربران و کپی دان منعقد شده به کاربر این حق را می‌دهد که از آثار صاحبان حقوق نمایندگی و بدون نماینده بهره‌برداری کند.

^{۲۴۰} extended collective license (ECL)

^{۲۴۱} Module 4: Management of rights in print and publishing. Tarja Koskinen-Olsson. Nicholas Lowe.wipo.2012.

^{۲۴۲} Copy-Dan

^{۲۴۳} COPY-DAN Writing, Denmark. www.copydan.dk

کپی - دان در ابتدا فعالیت‌های آموزشی را با مجوز از سال ۱۹۸۰ آغاز کرد. مجوز گسترده تمدید شده در سال ۱۹۸۵ گسترش یافت تا کپی‌برداری از مشاغل و شرکت‌ها را در بخش‌های دولتی و خصوصی پوشش دهد. در بازبینی سال ۱۹۹۸ مجوز کپی دیجیتال در فعالیت‌های آموزشی و در سال ۲۰۰۲ به کپی دیجیتال توسط کتابخانه‌های تحقیقاتی گسترش یافت.

۲-۲- فرض قانونی

مدیریت حق تکثیر به عنوان یک حق انحصاری، یک عمل اختیاری است. این قانون فرض می‌کند که سازمان مدیریت جمعی نماینده همه صاحبان حقوق است مگر اینکه آنها خلاف آن را توصیه کنند و بنابراین مجوزهای سازمان حقوق تکثیر را کاملاً پوشش می‌دهد. اثرات فرض قانونی تقریباً مشابه اثر مجوز تمدید شده جمعی است.

مثال: زیмбаوه

قانون جدید کپی‌رایت و حقوق مرتبط در زیмбаوه در حال اجرا است. آیین‌نامه‌ها در پایان سال ۲۰۰۶ تصویب شد. بند ۱۲۵ قانون شامل یک فرض در مورد انجمن‌های جمع‌آوری ثبت شده است. نتیجه این فرض این است که فرض می‌شود سازمان مدیریت جمعی‌هایی که اکثریت اعضای یک گروه خاص را نمایندگی می‌کنند، نماینده کلیه صاحبان حقوق در آن گروه و طبقه هستند.

۲-۳- مدیریت جمعی اجباری

اعمال مربوط به یک حق انحصاری، اختیاری است، اما در موارد مدیریت جمعی اجباری، صاحبان حق انتخاب مجوز را به صورت فردی ندارند. کلیه ادعاها باید از طریق سازمان مدیریت جمعی صورت گیرد.

مثال: فرانسه

در سال ۱۹۹۵، قانون فرانسه مفهوم مدیریت جمعی اجباری را در زمینه حق تکثیر رپروگرافی مطرح کرد. این قانون حق انحصاری نویسنده در مجوز تکثیر را به یک سازمان مدیریت جمعی منتقل می‌کند، که باید توسط

وزارت فرهنگ تصویب شود. شرایط مجوزها توسط قانون تعیین نشده است اما توسط صاحبان توافق شده و از طریق سازمان مدیریت جمعی مصوب با کاربران مذاکره می‌شود.

وزارت فرهنگ دو سازمان را تأیید کرده است: سی‌اف‌سی^{۲۴۴} برای کتاب‌ها و نشریات و سیم^{۲۴۵} برای برگه‌های موسیقی به موجب قانون نماینده کلیه صاحبان حقوق هستند و به تنهایی مجاز به اعطای مجوز تکثیر به کاربران برای همه آثار منتشر شده هستند. این از موقعیت کاربران محافظت می‌کند، زیرا یک دارنده حقوق فردی نمی‌تواند علیه آنها ادعا کند.

۳- مدیریت جمعی غیر داوطلبانه

در یک سیستم غیرداوطلبانه، مجوز کپی توسط قانون داده می‌شود و در نتیجه هیچ موافقتی از طرف صاحبان حقوق لازم نیست. با این حال، آنها حق دریافت پاداش را دارند که توسط سازمان حقوق تکثیر جمع می‌شود. برای ساختن یک طرح غیرداوطلبانه دو راه وجود دارد و هر دو گزینه در فعالیتهای سازمان حقوق تکثیر استفاده می‌شوند که عبارتند از:

- مجوز غیرداوطلبانه
- پاداش از طریق سیستم دریافت مالیات

۳-۱- مجوز غیرداوطلبانه

مجوزهای غیرداوطلبانه دو نوع می‌باشند. پاداش می‌تواند هزینه استفاده باشد که صاحبان حق و کاربران می‌توانند درباره آن مذاکره کنند (مجوز اجباری) و یا حق‌الزحمه را قانون می‌تواند تعیین کند (مجوز قانونی). مجوزهای قانونی و اجباری تحت دوره گسترده‌تری از مجوزهای غیرداوطلبانه قرار می‌گیرند. در بعضی از کشورها

^{۲۴۴} CFC (Center Français d'exploitation du droit de Copie)

^{۲۴۵} SEAM (Société des Editeurs et Auteurs de Musique)

مجوز غیرداوطلبانه فقط برای کپی برداری در آموزش و یا برای کپی برداری دولتی ارائه می‌شود. در برخی دیگر، مجوز غیرداوطلبانه تمام کپی برداری‌ها را پوشش می‌دهد. در بعضی از کشورها، مقررات قانونی برخی از مصارف دیجیتال را نیز پوشش می‌دهد.

مثال: سنگاپور

قانون کپی رایت سنگاپور، مجوز قانونی آموزشی را فراهم می‌کند که اجازه کپی یا ارتباط عمومی آثار توسط مؤسسات آموزشی را مشروط به محدودیت‌های خاصی می‌دهد.

کلس (انجمن صدور مجوز و اداره کپی رایت سنگاپور)^{۲۴۶} از ناشران و نویسندگان کتاب که عضو انجمن می‌باشند، این اختیار را دارد که مجوزهای قانونی آموزشی را از طرف آنها مدیریت کند. این حکم شامل کپی برداری آنالوگ و دیجیتال است. هزینه‌های مجوز به طور معمول بین **کلس** و مؤسسات آموزشی توافق می‌شود. در صورت عدم توافق، قانون حق نسخه برداری پیش‌بینی کرده است که ممکن است برای تعیین مبلغ قابل پرداخت از دادگاه کپی رایت درخواست شود.

۳-۲- پاداش از طریق سیستم دریافت مالیات

پاداش از طریق سیستم دریافت مالیات نوع دیگری از صدور مجوز غیر داوطلبانه است، زیرا رضایت صاحبان حقوق برای کپی برداری نیازی نیست، اما آنها حق دارند پاداش عادلانه یا غرامت عادلانه داشته باشند.

سیستم مالیات اغلب از دو عنصر تشکیل شده است:

- پرداختی برای سخت افزار (دریافت مالیات تجهیزات)، مانند دستگاه کپی، دستگاه فکس، چاپگر خواننده، اسکنر، دستگاه‌های چند منظوره و مشعل‌های سی دی و دی وی دی.

^{۲۴۶} The Copyright Licensing and Administration Society of Singapore (CLASS), Singapore. www.class-singapore.com

- پرداخت کاربر که توسط مدارس، کالج‌ها، دانشگاه‌ها، کتابخانه‌ها و همچنین مؤسسات دولتی و تحقیقاتی برای کپی‌برداری با حجم زیاد پرداخت می‌شود.

در اکثر کشورهایی که چنین سیستم‌های پاداشی دارند، ترکیبی از تجهیزات و عوارض اپراتور وجود دارد. در چند کشور فقط هزینه‌های مربوط به تجهیزات قابل پرداخت است.

همچنین برخی از کشورها هستند که در قانون پیش‌بینی وضع مالیات برای مواد اساسی مانند کاغذ فتوکپی شده است. تعهد پرداخت عوارض به عهده واردکننده یا سازنده محلی است، اما این هزینه به طور معمول به قیمت مصرف‌کننده منتقل می‌شود. در برخی از کشورها، فروشنده در قبال پرداخت هزینه، مسئولیت ثانویه دارد. طرح‌های غیرداوطلبانه با سیستم مالیات، مجموعه‌ای از تجهیزات را نیز پوشش می‌دهد که امکان کپی دیجیتال از آثار مبتنی بر متن و تصاویر را فراهم می‌کند، مانند اسکرین‌ها، ابزارهای چندمنظوره، چاپگرها، دستگاه کپی سی دی / دی‌وی‌دی و رایانه‌های شخصی.

مثال: بلژیک

عملکرد مالیات به شرح زیر است: تولیدکنندگان، واردکنندگان و خریداران درون جامعه (اتحادیه اروپا) (بدهکاران مشارکت) باید مبلغ مشخصی را برای همه دستگاه‌های کپی - دستگاه‌های کپی و نمابر، دستگاه‌های افسه اداری و اسکرین‌ها - که می‌خواهند وارد بازار بلژیک شوند، پرداخت کنند.

عملکرد مالیات اپراتورها به شرح زیر است: همه اشخاص حقیقی و حقوقی که از آثار دارای کپی‌رایت در دستگاه تحت شارژ، نظارت و کنترل خود کپی می‌کنند، باید متناسب با تعداد نسخه‌های ساخته شده از آثار دارای کپی‌رایت، پاداش پرداخت کنند. قانون آنها را "بدهکاران پاداش"^{۲۴۷} می‌داند. آنها بیشتر شرکت‌ها، مغازه‌های کپی، نهادهای دولتی، مدارس، انجمن‌ها، کارگران مستقل، متخصصان و افراد هستند.

^{۲۴۷} remuneration debtors

در حالی که اکثر درآمد جمع‌آوری شده توسط رپروبل^{۲۴۸} از محل دریافت مالیات بر تجهیزات است، حدود ۴۰٪ از هزینه‌های اپراتور است.

در چندین مورد بیش از یک مدل در یک کشور استفاده می‌شود. صدور مجوز داوطلبانه ممکن است مکمل طرح‌های غیرداوطلبانه برای پاسخگویی به تقاضای کاربران باشد. در کشورهایی که قانون کپی‌رایت شامل مقررات قانونی برای برخی از مناطق استفاده می‌شود، صاحبان حقوق جهت صدور مجوزهای داوطلبانه طرح‌هایی را برای رفع نیازهای کاربر در بخش‌های دیگر ایجاد کرده‌اند. در این بخش‌ها، مجوزها فهرست صاحبان حقوق مجاز را پوشش می‌دهد.

مثال: استرالیا

مجوز قانونی آموزشی و مقررات کپی دولتی بخشی از قانون کپی‌رایت استرالیا در سال ۱۹۶۸ است. برای سایر بخشها، مجوزهای داوطلبانه ارائه می‌شود. مثال‌ها شامل طیف وسیعی از استفاده‌ها توسط شرکت‌ها، مطبوعات دولتی، انجمن‌ها، دولت محلی و... استفاده می‌شود.

ه) نمونه موفق سازمان‌های مدیریت جمعی در زمینه آثار مبتنی بر متن و تصویر

نقش سازمان‌های غیردولتی^{۲۴۹} در تمام زمینه‌های مدیریت جمعی بسیار مهم است. در صنایع مبتنی بر متن و تصویر، فدراسیون بین‌المللی سازمان‌های حقوق تکثیر^{۲۵۰} ("ایفررو") نقش حیاتی ایفا می‌کند.

"ایفررو"

^{۲۴۸} REPROBEL, Belgium. www.reprobel.be

^{۲۴۹} NGO

^{۲۵۰} IFRRO (the International Federation of Reproduction Rights Organisations)

“ایفررو” سازمانی بین‌المللی، مستقل و غیرانتفاعی است که منافع سازمان‌های مدیریت جمعی و نویسندگان و ناشران در زمینه آثار مبتنی بر متن و تصویر را نمایندگی می‌کند. “ایفررو” سازمان‌های مدیریت جمعی را در ۷۶ کشور به هم پیوند می‌دهد.

سازمان‌های مدیریت جمعی در این زمینه به عنوان سازمان‌های حقوق تکثیر شناخته می‌شوند که مدیریت تکثیر، در دسترس قرار دادن، توزیع و سایر حقوق مربوطه، از جمله حقوق دیجیتال خاص از طرف ناشران و نویسندگان از جمله هنرمندان هنرهای تجسمی را مدیریت می‌کنند.

نقش “ایفررو” با برنامه‌های آموزشی، استانداردها و تعداد زیادی از نشریات در توسعه، تقویت و شکل‌گیری مدیریت جمعی در چاپ بسیار مهم است.

در زمینه حق وام‌های عمومی، شبکه‌ها و مجامعی وجود دارد که در آن موضوعات مربوط به حق وام عمومی^{۲۵۱} مورد بحث قرار گرفته و تجربیات در سطح چند ملیتی به اشتراک گذاشته شده است. حق وام‌دهی عمومی بین‌المللی چنین شبکه‌ای است. IFRRO PLR Forum مکمل PLR International است و بر مدیریت عملی این حقوق، در درجه اول در میان آن دسته از اعضا که حق وام عمومی را مدیریت می‌کنند، متمرکز است با توجه به اهمیت “ایفررو” به عنوان یک نمونه موفق سازمان‌های مدیریت جمعی، در فصل آخر به توضیح کامل‌تر ساختار و عملکرد این سازمان پرداخته می‌شود.

^{۲۵۱} Public lending right (PLR)

فصل چهارم) مدیریت جمعی حقوق در آثار صوتی تصویری^{۲۵۲}

از آثار صوتی و تصویری می‌توان در سینما، تلویزیون، ماهواره، در خانه از طریق اجاره یا از طریق اینترنت استفاده کرد. این صنعت - که به عنوان صنعت فیلم یا صنعت صوتی تصویری شناخته می‌شود، نقش عمده اقتصادی و فرهنگی در جامعه دارد.

به دلیل تعداد زیاد شرکت‌کنندگان در تولیدات صوتی و تصویری و سرمایه‌گذاری سنگین در ساخت و پخش فیلم، قوانین در بسیاری از کشورها حاوی قوانین خاصی درباره مالک کپی‌رایت در آثار سمعی و بصری است.

به طور کلی، حقوق بهره‌برداری لازم معمولاً در اختیار تولیدکنندگان آثار صوتی تصویری است. این ادغام توسط قانون و / یا قراردادهای صورت می‌گیرد. در حالی که حقوق در آثار صوتی و تصویری تحت قانون و / یا قرارداد بین نویسندگان، اجراکنندگان و تولیدکنندگان تنظیم می‌شود، در اکثر موارد مجوزهای حقوق تحت پوشش قراردادهای مستقیم بین تولیدکنندگان و توزیع‌کنندگان، پخش‌کنندگان و به طور فزاینده‌ای جمع‌کنندگان محتوا^{۲۵۳} برای سیستم عامل‌های دیجیتال است.

بسته به کشور، مواردی در اجرای حقوق آثار صوتی تصویری وجود دارد که مدیریت جمعی بهتر از مدیریت شخصی قابل اجرا است. به طور خاص، انتقال مجدد کابلی^{۲۵۴} کل کانال‌های تلویزیونی به خارج از بازار خانگی اغلب مربوط به مجوزهای جمعی است و در برخی موارد منوط به مدیریت جمعی اجباری است. موارد دیگر شامل کپی برداری خصوصی از آثار صوتی تصویری، اجاره دی‌وی‌دی و برخی نمایش‌های عمومی^{۲۵۵} است.

^{۲۵۲} Management of copyright and related rights in the audiovisual field

^{۲۵۳} content aggregators

^{۲۵۴} cable retransmission

^{۲۵۵} public performances

الف) سهم بازار و اقتصاد

طبق مطالعات صورت گرفته توسط سازمان جهانی مالکیت فکری در بیش از ۱۴۲ کشور در خصوص سهم اقتصادی صنایع کپی‌رایت در سال ۲۰۱۴^{۲۵۶}، در بخش سمعی و بصری نقش تصاویر متحرک^{۲۵۷}، فیلم و رادیو و تلویزیون قابل توجه بوده است. متوسط سهم فیلم و تصویر متحرک در تولید ناخالص داخلی کشورها، ۴ درصد و متوسط سهم رادیو و تلویزیون، از جمله تلویزیون کابلی و ماهواره‌ای، ۱۵ درصد از کل بوده است. این ارقام به طور متوسط است و سهم نسبی صنایع سمعی و بصری در کشورهای مختلف بسیار متفاوت است. در مطالعات مذکور، از منظر اشتغال، سهم فیلم و تصویر متحرک به طور متوسط ۶ درصد از کل اشتغال و رادیو و تلویزیون ۷ درصد بوده است.

چند نمونه از میزان تولیدات صوتی تصویری در مناطق مختلف جهان و نقش آن در اشتغال و درآمد به شرح زیر است.

نقش صنعت فیلم و تلویزیون در ایالات متحده به این صورت است:^{۲۵۸}

- یک جامعه ملی متشکل از ۲/۲ میلیون کارگر به صنعت فیلم و تلویزیون وابسته هستند، از طراحان لباس، گریموورها، بدلکارها، نویسندگان، بازیگران و حسابداران گرفته تا خشکشویی‌ها؛
- این صنعت سالانه بیش از ۱۷۵ میلیارد دلار (۱۳۵ میلیارد یورو) به اقتصاد ایالات متحده، در حقوق، پرداخت‌های فروشندگان و درآمد عمومی کمک می‌کند.

موارد زیر نقش آثار صوتی تصویری در صنعت اروپا را در سال ۲۰۰۹ توصیف می‌کند:^{۲۵۹}

^{۲۵۶} WIPO Studies on the Economic Contribution of the Copyright Industries. 2014.

^{۲۵۷} motion picture

^{۲۵۸} The Economic Contribution of the Motion Picture and Television Industry to the United States. Motion Picture Association of America. www.mpa.org.

^{۲۵۹} Audiovisual Authors' Rights and Remuneration in Europe. SAA White Paper. 2011

- درآمد ناخالص بیش از ۱۰۸ میلیارد یورو (۱۴۰ میلیارد دلار) بود؛
 - ۱۱۹۲ فیلم سینمایی تولید شد؛
 - تقریباً ۱ میلیون نفر به طور مستقیم در صنعت کار می‌کردند؛
 - ۷۵۲۸ کانال تلویزیونی و بیش از ۷۰۰ سیستم پلتفرم درخواستی امکان دسترسی به محتوای صوتی تصویری را فراهم کرده‌اند.
- برخی از کشورهای آسیایی تهیه‌کننده اصلی فیلم هستند. به عنوان مثال، تقریباً ۱۳۰۰ فیلم سینمایی در هند در سال ۲۰۰۹ تولید شده است. آسیا شاهد پیشرفت عظیمی در بهره‌برداری دیجیتال از آثار سمعی و بصری، به ویژه در جمهوری کره، هند و چین بوده است.
- در منطقه عربی، مصر یکی از کشورهای مهم تولید فیلم است. ریشه آن به سال ۱۸۹۶ با تعداد محدودی فیلم صامت برمی‌گردد. صنعت فیلم‌سازی قاهره با آمدن صدا به یک نیروی منطقه‌ای تبدیل شد.
- در آفریقا، کشورهای اصلی تولیدکننده فیلم بورکینافاسو، کنیا، نیجریه و آفریقای جنوبی هستند. به عنوان مثال، در نیجریه سالانه بیش از ۱۰۰۰ عنوان تولید می‌شود که بیشتر برای بازار فیلم‌های خانگی است. در سال‌های اخیر تعداد عناوین اکران سینما در حال افزایش است.
- محصولات بزرگ نمایش‌های تلویزیونی در برزیل به طور سنتی در داخل تولید می‌شدند. اکنون بازار تولید مستقل برزیل در حال رشد سریع است که توسط مجموعه‌ای از مقررات و مشوق‌های دولتی تقویت می‌شود.
- اکثر کارهای صوتی و تصویری تلاش‌های مشترکی است که شامل مشارکت چندین سازنده و مجری و سرمایه‌های مالی کلان توسط تولیدکنندگان و شرکت‌های تولیدی است. نقش توزیع‌کنندگان و نمایندگان فروش در بازاریابی فیلم‌ها در سطح ملی و بین‌المللی محوری است.

موفقیت اقتصادی بستگی به "مطابقت ایده‌ها با استعداد، به دست آوردن حقوق مالکیت فکری مربوط به اثر و استفاده از آنها برای جذب سرمایه از توزیع‌کنندگان فیلم تجاری" دارد.^{۲۶۰}

اصطلاح "صاحبان حقوق" در آثار صوتی و تصویری به طور معمول شامل پدیدآورندگان^{۲۶۱}، اجراکنندگان و تهیه‌کنندگان فیلم است. پدیدآورندگان می‌توانند شامل نویسندگان، مصنفان، طراحان و خالقان آثار از قبل موجود باشند، مانند نویسنده کتابی که متن آن بر اساس آن نوشته شده و آهنگساز آهنگی از قبل موجود باشد. کارگردانان، فیلمنامه‌نویسان و آهنگسازان موسیقی که مخصوص فیلم ساخته شده‌اند، می‌توانند نویسنده یا همکار نویسنده اثر سمعی و بصری باشند، مشروط به قوانین ملی. تهیه‌کنندگان نقشی اساسی در ساخت فیلم دارند و قوانین برخی کشورها شامل مقررات ویژه مربوط به نویسندگی و یا انتقال حقوق به تهیه‌کنندگان فیلم است.

پدیدآورندگان فیلم، به ویژه تهیه‌کننده، باید با کل زنجیره ارزش در ساخت فیلم و عملکردهای اساسی مردم و شرکت‌هایی که فیلم‌های خود را به مردم عرضه می‌کنند، آشنا شوند. از یک طرف، نقش توزیع‌کنندگان فیلم مهم است و به طور معمول یک توزیع‌کننده سرزمینی مسئول بازاریابی و پخش فیلم به کاربران نهایی است، از جمله سینما، تلویزیون، دی‌وی‌دی و فن‌آوری‌های توزیع رسانه‌های جدید، مانند ویدیو درخواستی (VOD) از طرف دیگر، یک نماینده فروش مسئول صدور مجوز برای توزیع‌کننده سرزمینی در یک کشور خاص است.^{۲۶۲}

ب) مدیریت حقوق در آثار صوتی تصویری

قانون در بسیاری از کشورها، پدیدآورندگان را به عنوان نویسندگان اصلی می‌شناسد، اما آنها اغلب قراردادهایی را امضا می‌کنند که در آن بخش قابل توجهی از حقوق اقتصادی خود را به تهیه‌کنندگان فیلم منتقل می‌کنند. در

2008. Booklet No. 2. Creative Industries. WIPO. Action! IP Rights and the Film-Making Process. Camera. ^{۲۶۰} Rights creators

^{۲۶۲} From Script to Screen – The Importance of Copyright in the Distribution of Films. WIPO. Creative Industries. Booklet No. 6. 2011.

بعضی از کشورها، حقوق در اصل متعلق به تولیدکننده است و در کشورهای دیگر، مقررات مختلفی در مورد انتقال حقوق وجود دارد. قرارداد بین خالق / مجری و تهیه‌کننده فیلم از اهمیت اساسی برخوردار است زیرا شرایط کار، انتقال حقوق به تهیه‌کننده و پرداخت‌های ناشی از شرکت‌کنندگان / اجراکنندگان در یک کار سمعی و بصری را مشخص می‌کند.

به طور کلی، پدیدآورندگان برای کارهای خود انواع مختلفی از پرداخت را دریافت می‌کنند. بسیاری از پدیدآورندگان بابت کمک به یک پروژه، خواه یک فیلمنامه، یک امتیاز یا کار درگیر کارگردانی، از تهیه‌کننده پیش پرداخت می‌کنند. آنها همچنین می‌توانند بسته به شرایط قراردادشان با تهیه‌کننده، برای استفاده‌های بعدی از آثارشان نیز حق الزحمه بگیرند. این قراردادها می‌توانند به صورت فردی یا جمعی توسط اتحادیه‌های نویسندگان و اجراکنندگان منعقد شوند.

صرف نظر از سیستم کپی‌رایت، موارد بهره‌برداری خاصی وجود دارد که مدیریت جمعی یک راه حل عملی است و در بعضی موارد به دلیل مفهوم مدیریت جمعی اجباری، تنها گزینه است. در چند کشور سازمان مدیریت جمعی مستقل از مجوز مستقیم توسط تولیدکننده، از طرف اعضای خود بهره‌برداری‌های اصلی را مدیریت می‌کنند. به عنوان مثال، سازمان‌های مدیریت جمعی می‌توانند حق پخش تلویزیونی را دریافت کنند.

در برخی کشورها مانند اسپانیا، ایتالیا و لهستان، پخش کننده به عنوان توزیع‌کننده نهایی طبق قانون مسئول پرداخت به نویسندگان و اجراکنندگان است. این پرداخت‌ها از طریق سازمان مدیریت جمعی انجام می‌شود. با این حال، حقوق مدیریت شده جمعی، در بیشتر موارد به درآمد پرداخت شده به صاحبان حقوق برای استفاده‌های بعدی پس از بهره‌برداری اولیه اشاره دارد. این می‌تواند شامل پاداش کپی‌برداری خصوصی، اجاره یا انتقال مجدد پخش از طریق کابل باشد. این حقوق می‌تواند منوط به مدیریت جمعی باشد و در بعضی از کشورها مشمول مدیریت جمعی اجباری است.

در زمینه صوتی و تصویری، نقش سازمان‌های مدیریت جمعی در حوزه‌های قضایی مختلف و کشورها بسیار متفاوت است. دامنه آنها از نظر نمایندگی حقوق و صاحبان حقوق متنوع است. به عنوان مثال:

- سازمان مدیریت جمعی برای پدیدآورندگان، عمدتاً کارگردانان و فیلمنامه‌نویسان؛
- سازمان مدیریت جمعی برای اجراکنندگان، مانند بازیگران؛
- سازمان مدیریت جمعی برای تهیه‌کنندگان فیلم؛
- سازمان مدیریت جمعی نمایندگی همه صاحبان حقوق یا ترکیبی از آنها.

در حالی که سازمان‌های مدیریت جمعی صوتی تصویری پدیده‌هایی نسبتاً قدیمی در برخی از کشورهای پیشرفته هستند، در حال حاضر بسیاری از کشورهای در حال توسعه در حال بررسی این مسئله هستند که چگونه مدیریت جمعی می‌تواند به توسعه اقتصادی صنایع سمعی و بصری آنها کمک کند. زیرساخت‌های محلی، پارامترهای اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و حقوقی بسیار تعیین‌کننده هستند.

تجربیات بین‌المللی زیادی وجود دارد که می‌توان از آنها استفاده کرد. در همه موارد، اطمینان از اینکه تولیدکننده در موقعیت تأمین مالی، تولید و توزیع کارهای سمعی و بصری قرار دارد، مهم است. روش‌های مختلفی برای سازماندهی پرداخت اضافی یا بعدی به مشارکت‌کنندگان اصلی وجود دارد.^{۲۶۳}

^{۲۶۳} Module 3: Management of copyright and related rights in the audiovisual field. Tarja Koskinen-Olsson. Nicholas Lowe. WIPO.

ج) ذینفعان در آثار صوتی تصویری

۱) مؤلفان آثار صوتی تصویری

دامنه حقوقی که به طور جمعی از طرف نویسندگان صوتی و تصویری و همچنین سایر صاحبان حقوق مدیریت می‌شود، از کشوری به کشور دیگر بسیار متفاوت است. حقوق را می‌توان بر اساس ماهیت آنها در دسته‌های زیر گروه‌بندی کرد:

- حقوقی که به صورت جداگانه مدیریت می‌شود؛
 - حقوقی که می‌تواند به طور جمعی مدیریت شود؛
 - حقوقی که عملاً به صورت جمعی اداره می‌شود یا مشمول مدیریت جمعی اجباری است.
- موارد زیر فهرستی غیرانحصاری از حقوق^{۲۶۴} است که بصورت جمعی در برخی از کشورهای اتحادیه اروپا مدیریت می‌شوند. مدیریت می‌تواند مبتنی بر قانون باشد یا امری داوطلبانه باشد. در کشورهای دیگر نظیر ایالات متحده آمریکا، همین حقوق به صورت جداگانه قابل مجوز از طریق راه‌حل‌های دیگری مانند مجوزهای جامع^{۲۶۵} در دسترس قرار می‌گیرد. در این فهرست وضعیت برخی از کشورهای اروپایی شرح داده شده است.
- نمایشگاه تئاتر و نمایش در سایر مکان‌های عمومی؛
 - پخش رادیو تلویزیونی؛
 - استفاده‌های آنلاین/درخواستی^{۲۶۶}،
 - اجاره،
 - انتقال مجدد کابلی،

^{۲۶۴} Audiovisual Rights and Remuneration in Europe, SSA White Paper, 2011

^{۲۶۵} blanket licenses

^{۲۶۶} /on-demand

- کپی‌های آموزشی،
- کپی خصوصی،
- سایر استفاده‌های ثانویه.

۲) اجراکنندگان

اجراکنندگان برای اجرای خود در زمینه موسیقی، صوتی و تصویری، حرکات موزون یا هر دسته دیگر از هنرهای نمایشی محافظت می‌شوند. این حقوق به طور کلی "حقوق اجراکنندگان" نامیده می‌شوند. حقوق مجری‌ها را می‌توان مانند حقوق نویسندگان به دو دسته تقسیم کرد: حقوق اخلاقی و حقوق اقتصادی.

اجراکنندگان به طور معمول با تهیه‌کنندگان فیلم، شرایط کار، انتقال حق و حقوق را منعقد می‌کنند. حداقل شرایط این قراردادها، از جمله توافق‌نامه‌های دسته‌جمعی، توسط اتحادیه‌های نمایندگان مجری، مانند اتحادیه بازیگران، قابل مذاکره است.

در عمل، حقوق اجراکنندگان تا حد زیادی بر اساس قراردادها و / یا قوانین به تولیدکنندگان منتقل می‌شود. قوانین بسیاری از کشورها در هنگام انعقاد قرارداد فیلم، مفروضات مربوط به انتقال حقوق را شامل می‌شود.

برای برخی موارد استفاده، ممکن است اجراکنندگان حق دریافت پاداش عادلانه^{۲۶۷} را داشته باشند. حقوق پاداش عادلانه به مجری اجازه نمی‌دهد که بهره‌برداری از اجرای خود را مجاز یا منع کند، اما درآمد آنها را تضمین می‌کند. سازمان‌ها این حقوق را معمولاً وقتی مبتنی بر قانون کپی‌رایت داشته باشند، مدیریت می‌کنند. حق الزحمه کپی‌برداری خصوصی و حق اجاره نمونه‌هایی از این دستمزد است.

اجراکنندگان، به همان شیوه نویسندگان، حقوق خود را از طریق قرارداد خصوصی و یا از طریق مدیریت جمعی اعمال می‌کنند. این روش‌ها از کشوری به کشور دیگر متفاوت است، اما پاداش یا جبران خسارت برای کپی

^{۲۶۷} Equitable remuneration rights

برداری خصوصی و پاداش انتقال مجدد کابلی در بسیاری از کشورها وجود دارد. پاداش اجاره و ارتباط با عموم^{۲۶۸} در برخی از کشورها پرداخت می‌شود.^{۲۶۹}

در رابطه با اجراکنندگان، حقوقی که اغلب توسط سازمان‌های مدیریت جمعی، مدیریت می‌شوند عبارتند از:

- اجرت منصفانه برای پخش رادیو تلویزیونی و ارتباط با عموم؛
- حق تالیف یا غرامت (جبران خسارت) برای کپی‌های خصوصی؛
- اجرت منصفانه برای اجاره؛
- اجرت منصفانه برای انتقال مجدد پخش.

برای یک سازمان مدیریت جمعی مهم است که اطلاعات دقیق در مورد کسی که در یک ضبط اجرا می‌کند، فراهم شود. گاهی از این اطلاعات به عنوان اطلاعات «منظم اجرا کننده» نیز یاد می‌شود که می‌تواند اهمیت زیادی در آینده داشته باشد، مخصوصاً برای درآمد اجراکنندگان غیرچهره. سازمان‌های مدیریت جمعی حقوق مرتبط به طور دائم مجبور هستند کارهای قانونی برای شناسایی کسانی انجام دهند که اجراکنندگان آثار قدیمی هستند و هنوز آثارشان در رادیو یا مکان‌های عمومی پخش می‌شود و بنابراین هنوز درآمد تولید می‌کنند.

مسائل مهم مربوط به حقوق مرتبط در اجرای عمومی ضبط‌های صوتی برای اجراکنندگان در فرآیند ضبط استودیویی شروع می‌شود. لازم است به طور دقیق ثبت شود که چه کسی یک ضبط را اجرا کرده است و به طور دقیق این اطلاعات به تولیدکننده فونوگرام و سازمان جمعی حقوق مرتبط مناسب گزارش شود. اغلب سازمان‌های جمعی حقوق مرتبط، مشکلات پرداخت پول به اجراکنندگانی را دارند که نمی‌توانند آنها را ردیابی کنند.^{۲۷۰}

^{۲۶۸} communication to the public

^{۲۶۹} Module 3: Management of copyright and related rights in the audiovisual field. Tarja Koskinen-Olsson. Nicholas Lowe. WIPO.

^{۲۷۰} How to Make a Living from Music. Creative industries - Booklet no. 4. 2nd edition. David Stopps. 2014

۳) تولیدکنندگان

تولیدکنندگان آثار صوتی و تصویری به عنوان نویسندگان اصلی یا صاحبان حقوق در تعدادی از کشورها واجد شرایط هستند. در کشورهای دیگر، حق تولیدکنندگان از پدیدآورندگان و اجراکنندگان منتقل شده است و آنها این حقوق را بر اساس قراردادها و / یا قانون اعمال می‌کنند.

پدیدآورندگان به طور معمول کلیه حقوق مورد بهره‌برداری لازم را یا بر اساس قوانین و یا از طریق قرارداد به دست می‌آورند و می‌توانند فیلم‌های خود را برای مصارف مختلف مجوز دهند.

در قرارداد بین پدیدآورندگان و اجراکنندگان و تولیدکنندگان مشخص شده است که چه حقوقی به صاحبان حقوق اصلی یا همکاران خلاق پرداخت می‌شود و بر اساس چه مواردی پرداخت می‌شود. حق‌الزحمه همچنین می‌تواند بر اساس توافق‌نامه‌های فردی یا جمعی باشد که توسط نمایندگان تعیین شده مانند اصناف یا سازمان‌های مدیریت جمعی مذاکره می‌شود.

در حالی که استفاده از حقوق فردی متداول‌ترین شکل است که در آن تولیدکنندگان فیلم از حقوق خود استفاده می‌کنند، مواردی وجود دارد که مدیریت جمعی قابل اعمال است.

برخی از حقوق معمولاً تحت کنترل مستقیم تولیدکننده نیست. اینها حقوق خاصی هستند که اعمال آنها، به دلایل عملی، به رضایت جمعی و صدور مجوز نیاز دارد تا معاملات فردی. حقوق تحت مدیریت جمعی که مخصوص رسانه سمعی و بصری است، عمدتاً شامل حقوق بازپرداخت کابل و پاداش برای کپی‌برداری خصوصی است که به آنها عوارض نیز گفته می‌شود. تولیدکنندگان در این موارد در کنار نویسندگان و اجراکنندگان از مدیریت جمعی استفاده می‌کنند.^{۲۷۱}

^{۲۷۱} Rights, Camera, Action! IP Rights and the Film-Making Process, op. cit.

د) انواع سازمان‌های مدیریت جمعی در زمینه آثار صوتی تصویری

انواع اصلی سازمان‌های مدیریت جمعی در زمینه صوتی و تصویری سازمان‌های نویسندگان، اجراکنندگان و تهیه کنندگان فیلم هستند. از آنجا که در ترکیبی از حقوق که به طور جمعی مدیریت می‌شود، تنوع زیادی وجود دارد، صاحبان حقوق به شکل‌های مختلفی با هم گروه شده‌اند.

نویسندگان، اجراکنندگان و تولیدکنندگان آثار صوتی و تصویری مجوزهای جمعی خود را جمع‌آوری کرده و حقوق و دستمزد را به روش‌های مختلف، که منعکس‌کننده واقعیت‌های تاریخی، عملیاتی و اقتصادی در کشورهاست، سازمان داده‌اند. تعداد تغییرات تقریباً نامحدود است و همکاری زیادی بین سازمان مدیریت جمعی‌های مختلف به نمایندگی از صاحبان حقوق صوتی و تصویری لازم است، زیرا درآمد در بسیاری از موارد باید بین سازمان مدیریت جمعی‌های مختلف تقسیم شود.

۱) سازمان مؤلفان آثار صوتی تصویری

هیچ مدل واحدی برای جوامع مدیریت جمعی که حقوق نویسندگان صوتی و تصویری را اداره می‌کنند، وجود ندارد. با این حال، یک عامل مشترک وجود دارد که همه جوامع در نتیجه تمایل نویسندگان سمعی و بصری به تشکیل گروه‌ها ظهور می‌کنند تا حقوق و پاداش آنها به طور جمعی مدیریت شود.

چند نوع سازمان مدیریت جمعی موجود در اروپا^{۲۷۲} و سایر قاره‌ها در زیر ذکر شده است:

۱-۱- فیلمنامه‌نویسان و کارگردانان با هم

فیلمنامه‌نویسان و کارگردانان در کشورهای زیر با هم گروه‌بندی شده‌اند: ساسد و اسکم^{۲۷۳} در فرانسه، دامام^{۲۷۴} در

^{۲۷۲} Audiovisual Authors' Rights and Remuneration in Europe. op. cit.

^{۲۷۳} SCAM

^{۲۷۴} DAMA

اسپانیا و اس‌اس‌آ^{۲۷۵} در سوئیس.

ایده اصلی این است که دو گروه اصلی از نویسندگان آثار صوتی و تصویری را با هم جمع کنیم.

۱-۲- فیلمنامه‌نویسان و کارگردانان جداگانه

سازمان مدیریت جمعی‌های جداگانه‌ای برای فیلمنامه‌نویسان و کارگردانان در نظر گرفته شده است. به عنوان مثال در انگلستان ای‌ال‌سی‌اس^{۲۷۶} نماینده نویسندگان و کارگردانان است^{۲۷۷}. در هلند، لیرا^{۲۷۸} نماینده نویسندگان است^{۲۷۹} و ویوام^{۲۸۰} نماینده مدیران است. در جایی که انواع نویسندگان ادبیات سازمان مدیریت جمعی‌های خاص خود را در یک کشور خاص مانند انگلستان و هلند داشته باشند، کارگردانان سازمان مدیریت جمعی خود را تأسیس کرده‌اند. در آرژانتین، “آرژنتورس”^{۲۸۱} نماینده نویسندگان، از جمله فیلمنامه‌نویسان^{۲۸۲} و DAC نماینده کارگردانان فیلم‌ها و تولیدات سمعی و بصری است^{۲۸۳}. در ژاپن، WGJ نماینده ۱۵۰۰ فیلمنامه‌نویس است و استفاده‌های ثانویه از فیلمنامه‌هایشان را مجوز می‌دهد.^{۲۸۴}

۱-۳- سازمان مدیریت جمعی چندمنظوره برای حقوق نویسندگان

برخی از سازمان‌های مدیریت جمعی سازمانی چندمنظوره نامیده می‌شوند زیرا نمایندگی مجموعه‌های مختلف از جمله صوتی و تصویری و موسیقی را دارند. به عنوان مثال، “سیائه”^{۲۸۵} در ایتالیا و “اس‌پی‌ای”^{۲۸۶} در پرتغال

^{۲۷۵} SSA

^{۲۷۶} ALCS

^{۲۷۷} Directors UK (formerly DPRS), the United Kingdom. www.directors.uk.com.

^{۲۷۸} LIRA

^{۲۷۹} Stichting LIRA, the Netherlands. www.lira.nl.

^{۲۸۰} Stichting VEVAM, the Netherlands. www.vevam.org.

^{۲۸۱} ARGENTORES

^{۲۸۲} Sociedad General de Autores de la Argentina (ARGENTORES), Argentina. www.argentores.org.ar.

^{۲۸۳} Asociación General de Directores Argentinos Cinematográficos y Audiovisuales (DAC), Argentina. www.dasidirectoresdecine.org.ar.

^{۲۸۴} Writers Guild of Japan. (WGJ), Japan. www.writersguild.or.jp.

^{۲۸۵} SIAE

وجود دارد.^{۲۸۷} مدیریت کلیه حقوق نویسندگان به طور مشترک دارای مقیاس اقتصادی است و در کشورهایی که مدیریت جمعی اعمال می‌شود می‌تواند دسترسی بیشتری داشته باشد.

مثال: انجمن ایتالیایی مؤلفان و ناشران (سیانه)

“سیانه” یک انجمن جمع‌آوری چندمنظوره برای محافظت و اداره جمعی آثار موسیقی، آثار نمایشی و نمایشی - موسیقایی، آثار سینمایی، آثار صوتی و تصویری، آثار ادبی و آثار هنرهای تجسمی است. “سیانه” طبق قانون مجاز به جمع‌آوری و توزیع هزینه‌های کپی خصوصی، تکثیر، حق فروش مجدد و حق وام عمومی است. “سیانه” حق فروش مجدد را از گالری‌های هنری، خانه‌های حراج و غیره دریافت و به هنرمندان هنرهای تجسمی (اعضا و غیر عضو) پرداخت کند.

“سیانه” به عنوان یک مرکز ارائه خدمات در زمینه اجرای حقوق آثار ادبی هنری مانند اجرای حقوق آثار موسیقایی اپرا، تئاتر، ادبیات، هنرهای تجسمی، رادیو تلویزیون و همچنین آثار صوتی تصویری فعالیت می‌کند و هر ساله حدود پانصد هزار مجوز صادر می‌کند. دارای ۱۰ دفتر منطقه‌ای، ۲۸ دفتر محلی و ۴۳۲ نماینده در سراسر قلمرو ملی است.

“سیانه” انحصاری، غیرانتفاعی و کاملاً مستقل است. از بودجه عمومی بهره‌مند نیست و هیچ بودجه مستقیم یا غیرمستقیمی از دولت دریافت نمی‌کند. تنها هدف این انجمن حمایت از حقوق اعضای آن است.

“سیانه” تحت کنترل ریاست شورای وزراء، وزارت میراث فرهنگی و گردشگری و وزارت اقتصاد و دارایی است و اختلافات مربوط به آن از طریق دادگاه‌های مدنی حل و فصل می‌شود.

“سیانه” با استفاده از قراردادهای نمایندگی که با بیش از ۱۵۰ سازمان مدیریت جمعی مربوط به مؤلفان در ۱۴۵ کشور در سراسر جهان امضا کرده است، کارمندان اعضای خود را در خارج از مرزهای ملی نیز مدیریت می‌کند.

۴-۱- سازمان‌های چتر

^{۲۸۶} SPA

^{۲۸۷} Sociedade Portuguesa de Autores. (SPA). Portugal. www.spautores.pt.

سازمان‌های چتر برای چندین سازمان و مجموعه آثار دارنده حقوق در کشورهای شمال اروپا وجود دارد، به عنوان مثال کویی اوستو در فنلاند^{۲۸۸} و کویی سوئد در سوئد^{۲۸۹}. دلیل اصلی این که همه سازمان‌های مدیریت جمعی و انجمن‌های صاحبان حقوق گرد هم آیند این است که در آنها صدور مجوز شامل مجموعه‌ها و ژانرهای مختلف آثار و نمایش‌ها است. به عنوان مثال، کویی اوستو در فنلاند مدیریت بازنویسی و کپی دیجیتال، انتقال مجدد کابلی و سایر اشکال استفاده‌های ثانویه از آثار صوتی و تصویری را مدیریت می‌کند.

۲) سازمان‌های اجراکنندگان صوتی تصویری

با سازمان مدیریت جمعی نویسندگان، هیچ مدل واحدی برای مدیریت حقوق اجراکنندگان وجود ندارد. به طور کلی، سازمان‌های اجراکنندگان به دلیل تحولات قانونی، دیرتر از سازمان نویسندگان تأسیس شده‌اند. در بسیاری از کشورها، حمایت از حقوق مرتبط بسیار دیرتر از حقوق نویسندگان اضافه شد.

در ادامه چند نمونه از سازمان‌های اجراکنندگان صوتی تصویری در کشورهای مختلف آورده شده است.

۲-۱- صاحبان حقوق مرتبط با هم

کلیه صاحبان حقوق مرتبط در زمینه موسیقی و آثار سمعی و بصری در تعدادی از کشورها با هم گروه شده‌اند. به عنوان مثال "اینترگرام" در جمهوری چک است^{۲۹۰}. در زمینه موسیقی، صاحبان حقوق هنرمندان و تولیدکنندگان آوا و در زمینه صوتی و تصویری، بازیگران و رقصندگان هستند.

۲-۲ سازمان جداگانه برای صاحبان حقوق مرتبط در زمینه‌های شنیداری و دیداری شنیداری

^{۲۸۸} KOPIOSTO. Copyright Society. Finland. www.kopiosto.fi.

^{۲۸۹} COPYSWEDE. Sweden. www.copyswede.se

^{۲۹۰} Independent Association of Executive Artists and Producers (INTERGRAM), the Czech Republic. www.intergram.cz/en/.

صاحبان حقوق مرتبط در سازمان‌های جداگانه‌ای در زمینه موسیقی و آثار سمعی و بصری گروه‌بندی می‌شوند. به عنوان مثال، در دانمارک، گرامکس نماینده هنرمندان و تولیدکنندگان آوا^{۲۹۱}، و «فیلمکس» نماینده اجرا کنندگان در حوزه صوتی تصویری است.^{۲۹۲} «فیلمکس» در سال ۱۹۹۵ توسط اتحادیه بازیگران برای مدیریت حقوق اجراکنندگان صوتی تصویری تأسیس شد. در شیلی، چيله اکتور نماینده بازیگران است^{۲۹۳} و برای ارتباط با مردم در تمام اشکال خود مانند تلویزیون، کابل، سینما، وسایل نقلیه حمل و نقل، هتل‌ها و غیره پاداش جمع می‌کند.

۲-۳- سازمان مشترک برای اجراکنندگان سمعی و شنیداری

در بعضی از کشورها هنرمندان نمایشی در زمینه‌های صوتی و شنیداری و بصری با هم گروه شده‌اند و با مشارکت تولیدکنندگان آوا و برنامه‌های سمعی و بصری همکاری می‌کنند. این مورد، به عنوان مثال، در مورد سوئیس پرفرم در سوئیس دیده می‌شود^{۲۹۴}. این نوع سازمان مدیریت جمعی نمایندگی قدرتمندی دارد و می‌تواند با تولیدکنندگان شریک شود و درآمد جمع‌آوری شده برای حقوق مرتبط را تقسیم کند.

۲-۴- کارگردانان و بازیگران فیلم با هم

مدل دیگر سازمان مدیریت جمعی سمعی و بصری مشترک برای کارگردانان و بازیگران مانند وی دی اف اس در اتریش است.^{۲۹۵} نویسندگان ادبی سازمان مدیریت جمعی خود، لیترار - مچانا را دارند.^{۲۹۶}

^{۲۹۱} GRAMEX, Denmark. www.gramex.dk.

^{۲۹۲} FILMEX, Denmark. www.filmex.dk.

^{۲۹۳} La Corporación de Actores de Chile (ChileActores), Chile. www.chileactores.cl.

^{۲۹۴} Gesellschaft für Leistungsschutzrechte. (SWISSPERFORM), Switzerland. www.swissperform.ch.

^{۲۹۵} Verwertungsgesellschaft der Filmschaffenden. (VDFS), Austria. www.vdfs.at. 80 Literar-Mechana, Austria. www.litarar.at.

^{۲۹۶} Literar-Mechana, Austria. www.litarar.at.

۳) سازمان‌های تولیدکنندگان صوتی تصویری

تولیدکنندگان یک سازمان مدیریت بین‌المللی مشترک برای حقوق انتقال مجدد کابلی دارند. به عنوان مثال “آجیکوا” در سوئیس است. یک سازمان بین‌المللی است که حق امتیاز انتقال مجدد را در ۳۸ کشور جمع‌آوری می‌کند.^{۲۹۷}

نزدیک به ۱۰ هزار عضو، اعم از فردی و سازمانی دارد، که به طور معمول انجمن تولیدکنندگان یا سازمان می‌باشند.

۳-۱- سازمان‌های تولیدکنندگان

تولیدکنندگان سمعی و بصری سازمان مدیریت جمعی خود را در تعدادی از کشورها تأسیس کرده‌اند. آنها به طور معمول با “آجیکوا” برای حقوق انتقال مجدد همکاری می‌کنند. به عنوان مثال، توتوس در فنلاند چنین است.^{۲۹۸} علاوه بر انتقال مجدد پخش، که تولیدکنندگان سمعی و بصری می‌توانند سهم خود را از آن بدست آورند، کاربردهای دیگری نیز وجود دارد. یکی از این نمونه‌ها ضبط آموزشی برنامه‌های تلویزیونی است.

در اسپانیا، “اگدا” نماینده و مدافع حقوق تولیدکنندگان سمعی و بصری است.^{۲۹۹} “اگدا” برای فعالیت خود از وزارت فرهنگ دارای مجوز و اختیارات لازم است. همچنین با “آجیکوا” برای انتقال مجدد پخش همکاری می‌کند.

مثال: سازمان مدیریت جمعی حقوق تولیدکنندگان سمعی و بصری (آجیکوا)

“آجیکوا” در سال ۱۹۸۱ برای پیگیری و توزیع حق امتیاز برای انتقال مجدد پخش با توجه به محصولات تولیدکنندگان مستقل تأسیس شد.

^{۲۹۷} www.agicoa.org – countries as at May 31, 2012.

^{۲۹۸} Copyright Association for Audiovisual Producers in Finland (TUOTOS), Finland, www.tuotos.fi.

^{۲۹۹} Entidad de Gestión de Derechos de los Productores Audiovisuales (EGEDA), Spain, www.egeda.es.

“آجیکوا” نماینده مشتریان در سراسر جهان است. این سازمان تحت قوانین کپی رایت مربوط به کنوانسیون برن و مفاد دستورالعمل ماهواره و کابل عمل می‌کند.^{۳۰۰} از سال ۲۰۰۰، “آجیکوا” بیش از نیم میلیارد یورو پرداخت حق امتیاز را در سبد خرید بیش از یک میلیون کالای سمعی و بصری جمع‌آوری و توزیع کرده است.^{۳۰۱}

۳-۲- نویسندگان و تولیدکنندگان صوتی و تصویری با هم

برخی از سازمان مدیریت جمعی‌های سمعی و بصری نماینده نویسندگان و تولیدکنندگان هستند. این مورد سوئیس میچ در سوئیس^{۳۰۲} و زاپا در لهستان است.^{۳۰۳} در بسیاری از کشورها، حقوق صوتی و تصویری تا حد زیادی به تولیدکنندگان منتقل می‌شود، اما حقوق خاص حقوق و دستمزد بین نویسندگان و تهیه‌کنندگان تقسیم می‌شود.

۳-۳- سازمان‌های سمعی و بصری مشترک

در برخی کشورهای در حال توسعه برای ایجاد سازمان مدیریت جمعی مشترک به نمایندگی از کلیه صاحبان حقوق در زمینه سمعی و بصری مذاکراتی در حال انجام است. غنا و نیجریه نمونه‌هایی از این دست ابتکارات هستند.

آرسوگ در غنا تأیید خود را برای فعالیت به عنوان سازمان مدیریت جمعی سمعی و بصری مشترک در سال ۲۰۱۱ بدست آورد.^{۳۰۴} آرسوگ به عنوان پیشگام تهیه‌کنندگان فیلم آغاز به کار کرد، اما احساس می‌شد که گردآوری همه صاحبان حقوق در زمینه سمعی و بصری مناسب‌ترین راه حل برای زیرساخت‌های محلی است.

^{۳۰۰} Council Directive of 27 September 1993. 93/83/EEC. Satellite and Cable Directive

^{۳۰۱} AGICOA Press Release, December 19, 2011. www.agicoa.org

^{۳۰۲} Swiss Authors' Rights Cooperative for Audiovisual Works. (SUISSIMAGE). Switzerland. www.suissimage.ch.

^{۳۰۳} ZAPA, Poland. www.zapa.org.pl.

^{۳۰۴} The Audio-Visual Rights Owners Association of Ghana (ARSOG). Ghana. www.arsog.org.

ه) نمونه‌های موفق سازمان‌های مدیریت جمعی در زمینه آثار صوتی تصویری

نقش سازمان‌های مردم نهاد در همه زمینه‌های مدیریت جمعی بسیار مهم است. در زمینه سمعی و بصری، سازمان‌های مردم نهاد به نمایندگی از گروه‌های مختلف صاحبان حقوق و سازمان‌های مردم نهاد به نمایندگی از صاحبان حق در سازمان‌های مدیریت جمعی آنها وجود دارد.

گروه‌های اصلی صاحبان حقوق؛ نویسندگان، اجراکنندگان و تولیدکنندگان سمعی و بصری هستند. هر یک از این گروه‌ها دارای یک یا چند سازمان بین‌المللی و / یا منطقه‌ای هستند که به نمایندگی از حوزه‌های انتخابیه خود صحبت می‌کنند.

سازمان‌های مدیریت جمعی نویسندگان با نویسندگانی از همه رشته‌ها، توسط کنفدراسیون بین‌المللی جوامع نویسندگان و آهنگسازان ("سیزاک") در سطح بین‌المللی نمایندگی می‌شوند.

در سطح اروپا، انجمن نویسندگان سمعی و بصری (اس‌ای‌ای) نماینده سازمان مدیریت جمعی فیلمنامه‌نویسان و کارگردانان است. اجراکنندگان صوتی و تصویری در فدراسیون بین‌المللی بازیگران (فیا) سازمان یافته‌اند که وظایف بسیاری از آنها شامل تمرکز بر حقوق مالکیت فکری حوزه انتخابیه آن است. نماینده بین‌المللی سازمان‌های حقوق اجراکنندگان "اسکاپر" (شورای جوامع مدیریت حقوق اجراکنندگان) است.

تولیدکنندگان فیلم توسط فدراسیون بین‌المللی انجمن‌های تولیدکنندگان فیلم (فیاف) ^{۳۰۵} نمایندگی می‌شوند که عضویت آنها طیف وسیعی از جوامع ملی تهیه‌کنندگان فیلم، از جمله انجمن فیلم‌های متحرک ^{۳۰۶} را شامل می‌شود. هنگامی که صدور مجوز جمعی در خصوص حق انتقال مجدد کابلی در اروپا به چالشی تبدیل شد، "آجیکوا" به منظور صدور مجوز بین‌المللی حقوق بازپخش تولیدکنندگان تأسیس شد.

^{۳۰۵} FIAPF

^{۳۰۶} MPA

در ادامه به بررسی چند نمونه از معروفترین و مهمترین سازمان‌های مدیریت جمعی مرتبط با آثار صوتی تصویری می‌پردازیم.

۱- فدراسیون بین‌المللی بازیگران (فیا)^{۳۰۷}

فدراسیون بین‌المللی بازیگران یک سازمان غیردولتی بین‌المللی است که به نمایندگی از اتحادیه‌های صنفی، اصناف و انجمن‌های اجراکنندگان در سراسر جهان فعالیت می‌کند.

فیا در سال ۱۹۵۲ توسط نمایندگان بازیگران انگلیس و فرانسه تأسیس شد و به یک سازمان جهانی با بیش از ۹۰ عضو در بیش از ۶۰ کشور جهان تبدیل شده است.

اعضای فیا اتحادیه‌های صنفی، اصناف و انجمن‌هایی هستند که وظایف آنها در جهت اطمینان از این است که اجراکنندگان بتوانند با خیال راحت کار کنند، از زندگی حرفه‌ای خود و بهره‌برداری تجاری از استعداد خود معاش مناسبی بدست آورند، خود را با یک محیط به سرعت در حال تغییر سازگار کنند، از یک فضای اجتماعی مناسب برخوردار شوند، از حمایت و همچنین فرصت‌های برابر برخوردار شده و از حقوق مالکیت فکری اجراهای خود برخوردار شوند.

در رابطه با حقوق مالکیت فکری، فیا در دو جبهه فعالیت می‌کند: حقوق مالکیت فکری اجراکنندگان و سازمان‌های مدیریت جمعی اجراکنندگان.

ایجاد استانداردهای هماهنگ و عالی برای حفاظت از مالکیت فکری اجراکنندگان، در سطح ملی و بین‌المللی و به ویژه در رسانه‌های سمعی و بصری، یک فعالیت اصلی برای فیا است و با افزایش روش‌های دیجیتالی بهره‌برداری از اجراها، این کار از اهمیت بیشتری برخوردار شده است.

۲- شورای جوامع برای مدیریت حقوق اجراکنندگان (اسکاپر)

^{۳۰۷} FIA www.fia-actors.com.

شورای جوامع برای مدیریت حقوق اجراکنندگان^{۳۰۸} در ابتدا به دنبال ایجاد توافق‌نامه‌های دوجانبه بین سازمان‌های حقوق اجراکنندگان بود.

هدف “اسکاپر” اطمینان از این است که اجراکنندگان بابت آن حقوق اقتصادی خود هم در سطح ملی و هم در سطح بین‌المللی، پاداش دریافت می‌کنند. “اسکاپر” در سال ۲۰۰۱ تأسیس شد تا اطمینان حاصل شود که حقوق اجراکنندگان به روشی شفاف، کارآمد و مقرون به صرفه اداره می‌شود. همچنین تلاش می‌کند هنگام بهره‌برداری از اجراهای اجراکنندگان در محیط گسترده فناوری و رسانه‌ها، از منافعشان به درستی محافظت شود.

اعضای عادی “اسکاپر” باید شرایط زیر را داشته باشند:

- آنها نمایندگان ملی حقوق قانونی اجراکنندگانی هستند که اداره می‌کنند.
- آنها به طور مستقیم یا غیرمستقیم درباره حقوق اجراکنندگان مجوز می‌دهند و یا پاداش و حق تالیف‌ها را جمع‌آوری می‌کنند.
- آنها پرداخت‌ها را به صورت جداگانه بین صاحبان حقوق، چه ملی و چه خارجی توزیع می‌کنند.
- آنها با استفاده از شماره شناسایی اجراکنندگان بین‌المللی منحصر به فرد شناخته شده، یک پایگاه داده با داده‌های مربوط به ضبط و اطلاعات مربوط به حق‌الزحمه‌ای که اداره می‌کنند و همچنین ارتباط با صاحبان حقوق ملی و خارجی را ایجاد کرده‌اند.

۳-انجمن سازمان‌های اجراکنندگان اروپا (ایپوآرتیس)^{۳۰۹}

ایپوآرتیس نماینده ۳۶ سازمان مدیریت جمعی اجراکنندگان از ۲۶ کشور اروپایی است. از نظر اندازه و مدت زمان وجود جوامع متفاوت است و ۴۰۰ الی ۵۰۰ هزار اجراکننده عضو آن هستند.

^{۳۰۸} SCAPR. www.scapr.org.

^{۳۰۹} AEPO-ARTIS

در اکثر کشورها، حقوق اجراکنندگان بصورت دسته جمعی هم برای اعضا و هم برای اعضای غیرسازمان مدیریت می‌شود.

اهداف ایپوآرتیس عبارتند از:

- توسعه و اطمینان از شناخت گسترده‌تر مدیریت جمعی از حقوق اجراکنندگان؛
- توسعه بیشتر همکاری بین سازمان‌های اجراکنندگان در سطح اروپا در زمینه حقوق اجراکنندگان و در اداره جمعی این حقوق؛
- کمک به برجسته‌سازی اهمیت حمایت از اجراکنندگان و اداره جمعی حقوق آنها؛
- توسعه بیشتر همکاری در توافق‌نامه‌های اروپایی و بین‌المللی، با توجه ویژه به بندهای مربوط به روش‌های جمع‌آوری.

ایپو آرتیس در خصوص قانون‌گذاری ملی و همچنین درمورد محتوای بخشنامه‌های اروپا و اسناد بین‌المللی در زمینه حقوق مالکیت فکری کار می‌کند.

فصل پنجم) مدیریت جمعی حقوق برای هنرهای تجسمی و عکاسی^{۳۱۰}

طیف گسترده‌ای از خالقان در زمینه هنرهای تجسمی مانند نقاشان، مجسمه‌سازان، گرافیست‌ها، تصویرگران، معماران و عکاسان فعالیت می‌کنند. همه آنها درخصوص آثار خود دارای کپی‌رایت هستند.

هنرمندان و عکاسان یا نمایندگان آنها معمولاً آثار خود را از طریق قراردادهای شخصی به فروش می‌رسانند. به عنوان مثال یک نقاش، نقاشی خود را به یک مجموعه‌دار هنر می‌فروشد و یک عکاس از طریق قرارداد صدور مجوز به دیگری اجازه می‌دهد، عکس او را در کتاب منتشر کند.

^{۳۱۰} Management of rights for visual arts and photography

موارد بسیاری در بخش‌های هنرهای تجسمی و عکاسی وجود دارد که در آنها قراردادهای فردی غیرممکن است و مدیریت جمعی راه‌حل‌های مناسب ارائه می‌دهد.

یک نمونه فروش حراج است. نقاشی‌ها و سایر آثار هنری معمولاً به افراد خصوصی، شرکت‌ها یا موزه‌ها فروخته می‌شوند. اکثر آثار هنری بندرت در یک موزه، گالری یا مجموعه خانوادگی یکسان می‌مانند. در واقع در طول سال‌ها بارها و بارها از طریق فروشندگان آثار هنری، حراج یا به فروش می‌رسند.

در بسیاری از کشورها، حقوق هنرمندان در این موارد طی فروش مکرر با استفاده از اصطلاحاً حق فروش مجدد^{۳۱۱} رعایت می‌شود. این حق بر اساس ماده ۱۴ ماده کنوانسیون برن است و تضمین می‌کند درصد کمی از قیمت فروش مجدد به هنرمند تعلق گیرد.

حق فروش مجدد برای اولین بار در سال ۱۹۲۰ در فرانسه پس از جنگ جهانی اول به نفع زنان بیوه و یتیم هنرمندانی که در جنگ کشته شدند، مطرح شد. این سیستم اکنون در بین کشورهای مختلف در همه کشورها پخش شده است، قانون بیش از ۴۰ کشور حق فروش مجدد را به رسمیت می‌شناسد. با این حال، در بسیاری از این کشورها حق هنوز به طور مؤثر اجرا نشده است.

دامنه حق فروش مجدد از کشوری به کشور دیگر متفاوت است، اما غالباً هر اثر گرافیکی، عکاسی یا فرهنگی را که در حراج یا گالری فروخته می‌شود، شامل می‌شود. درصد پرداخت شده به یک هنرمند یا وراث او نیز متفاوت است، اما به طور کلی تا پنج درصد از قیمت فروش مجدد است. دستورالعملی که در سال ۲۰۰۱ صادر شد این حق را در ۲۷ کشور اتحادیه اروپا هماهنگ کرد.

^{۳۱۱} Resale right (droit de suite)

موزه‌ها از طریق مجموعه‌های دائمی و نمایشگاه‌های موقت خود، در انتشار هنر نقش مهمی دارند. مجموعه‌های آنها نیز بصورت فزاینده بصورت آنلاین در دسترس است، طوری که مصرف‌کنندگان بدون توجه به محل زندگی خود می‌توانند آنها را مشاهده و از آنها لذت ببرند.

آثار بسیاری از هنرمندان از طریق تکثیر به عنوان پوستر و کارت پستال، در مغازه‌های موزه به فروش می‌رسند و همچنین در کتاب‌های هنری و کاتالوگ نمایشگاه محبوب شده‌اند. در واقع، هنر با تعداد زیادی از راه‌های خلاقانه بازرگانی می‌شود. همه اینها نیاز به مجوز کپی‌رایت دارد که منجر به ایجاد سازمان‌های مدیریت جمعی در زمینه هنرهای تجسمی و عکاسی شده است.

الف) سهم بازار و اقتصاد

در مطالعات صورت گرفته، سهم اقتصادی آثار تجسمی در تولید ناخالص داخلی با دو پارامتر اندازه‌گیری شده است: هنرهای تجسمی و گرافیکی و عکاسی. آنها با هم سهمی کم، اما مهم (۵ درصد) از کل مشارکت را در تولید ناخالص داخلی و سهم ۸ درصد در اشتغال را تشکیل می‌دهند.^{۳۱۲}

آثار هنری تجسمی به طور معمول توسط هنرمندان و گالری‌های هنری و سایر مراکز فروش عمده یا خرده فروشی به کاربران فروخته می‌شود. اجاره هنر پدیده‌ای نسبتاً جدید است که در اکثر موارد منجر به فروش می‌شود. فروش از طریق خانه‌های حراج شکل عمده خرید در بازارهای هنری پیشرفته است. در برخی موارد، سفارشات توسط کارفرما انجام می‌شود و قوانین کپی‌رایت در بسیاری از کشورها شامل مقررات ویژه‌ای برای کارهای سفارش یافته است.

^{۳۱۲} WIPO Studies on the Economic Contribution of the Copyright Industries. 2014.

عکاسان آثار خود را به بازار عرضه می‌کنند یا از آژانس‌های عکس و کتابخانه‌ها به عنوان نماینده خود استفاده می‌کنند. آژانس‌های عکس، عکس‌ها را برای استفاده‌های مختلف مانند شرکت‌های تبلیغاتی و رسانه‌ای مجوز می‌دهند.

در انگلستان یک نظرسنجی تحت عنوان "تجزیه و تحلیل اقتصادی در زمینه کپی‌رایت، کپی‌رایت ثانویه و مجوزهای جمعی" در سال ۲۰۱۱، متوسط درآمد حاصل از مدیریت جمعی حقوق ۴ درصد از کل درآمد یک هنرمند است. در مورد ۳۴ درصد از هنرمندان، رویالتهی مدیریت شده به صورت جمعی بیش از ۱۰ درصد از درآمد کل آنها را نشان می‌دهد و در مورد ۱۲ درصد از هنرمندان، بیش از ۵۰ درصد از درآمد آنها را نشان می‌دهد.^{۳۱۳}

ب) مدیریت حقوق برای هنرهای تجسمی و عکاسی

در زمینه آثار تجسمی، متداول‌ترین روش، استفاده فردی از حقوق است. استفاده از حقوق شخصی زمانی اتفاق می‌افتد که یک هنرمند آثار خود را به نمایش بگذارد یا وقتی که هنرمند یا نماینده او اثر خود را به خریدار بفروشد یا مجوز دهد. درک این نکته مهم است که فروش یک قطعه هنری شامل انتقال کپی‌رایت آن نیست.

یک تصویرگر توافق‌نامه مجوز را با کاربر به عنوان مثال یک ناشر کتاب منعقد می‌کند. مجوز می‌تواند به صورت انحصاری یا غیرانحصاری باشد. یک عکاس همین کار را با یک مجله انجام می‌دهد و توافق‌نامه مجوز نحوه استفاده از مجوز را مشخص می‌کند.

اتحادیه‌های هنرمندان نقشی اساسی در آگاهی اعضای خود از حقوق کپی‌رایت و مشاوره در مورد شیوه‌های قراردادی دارند. در برخی از کشورها، آنها مجوزهای مدل برای اعضای خود را نیز تهیه کرده‌اند، بنابراین مذاکرات فردی را تسهیل می‌کنند.

^{۳۱۳} Module 5: Management of rights for visual arts and photography. Tarja Koskinen-Olsson. Nicholas Lowe. 2012.wipo.

با این حال مواردی وجود دارد که مدیریت جمعی تنها راه حل عملی برای هنرمندان و کاربران است. انجمن‌ها و اصناف می‌توانند در ایجاد سازمان مدیریت جمعی برای مدیریت جمعی حقوق فعال باشند.

افزایش آگاهی غالباً اولین قدم ضروری در ایجاد سازمان مدیریت جمعی است، زیرا پدید آورندگان تجسمی در بسیاری از کشورها از حقوق کپی‌رایت خود اطلاع ندارند. کمپین‌های آگاهی بخشی، استفاده از شبکه‌های موجود، انجمن‌های صنفی و نشریات می‌توانند راه‌های مهمی برای دستیابی به خالقان بصری باشند.

در برخی از کشورها، هنرمندان تجسمی سازمان مدیریت جمعی تخصصی خود را در زمینه هنرهای تجسمی تأسیس می‌کنند. در برخی دیگر از کشورها، آثار تجسمی توسط سازمان مدیریت جمعی‌های چندمنظوره که ممکن است با کارهای موسیقی و ادبی نیز سروکار داشته باشند، مدیریت می‌شود.

دامنه مدیریت جمعی از کشوری به کشور دیگر متفاوت است و خدمات همچنین می‌تواند برای گروه‌های مختلف هنرمندان هنرهای تجسمی متفاوت باشد. سابقه تولد سازمان نیز ممکن است نقش داشته باشد.

اولین سازمان مدیریت جمعی تخصصی هنر تجسمی، **اداگپ** در سال ۱۹۵۳ در فرانسه توسط هنرمندانی چون شاگال، میرو و گروه CoBrA تأسیس شد.^{۳۱۴}

امروزه سازمان‌های مدیریت جمعی در ۵۰ کشور در همه قاره‌ها با آثار تجسمی کار می‌کنند. آنها طیف گسترده‌ای از حقوق مختلف پدیدآورندگان بصری را مدیریت می‌کنند. برخی از حقوق، مانند تکثیر و کپی‌برداری خصوصی، به طور مشترک با دیگر مجموعه‌های موسیقی مدیریت می‌شوند.

در فضای رسانه‌ای امروز، تصاویر دیجیتال به طور گسترده‌ای مورد استفاده قرار می‌گیرند. برخی از سازمان مدیریت جمعی بانک‌های تصویری ایجاد کرده‌اند تا بتوانند تصاویر دیجیتالی با کیفیت بالا را همراه با حقوق در اختیار کاربران قرار دهند.

^{۳۱۴} Société des Auteurs dans les Arts Graphiques et Plastiques (ADAGP)

الگوها و نحوه فعالیت سازمان‌های مدیریت جمعی کپی رایت و حقوق مرتبط

در برخی کشورها، سازمان مدیریت جمعی از آنچه به عنوان حقوق اولیه هنرمندان هنرهای تجسمی شناخته می‌شود، استفاده می‌کند. در این زمینه، حقوق اولیه^{۳۱۵} شامل حقوق تکثیر، حق پخش و حق ارتباط با عموم است. هنرمندان بزرگ در بسیاری از کشورها مدیریت حقوق اولیه خود را به سازمان مدیریت جمعی منتقل می‌کنند.

در رابطه با حقوق ثانویه^{۳۱۶}، غیرممکن است که یک شخص سازنده بتواند حقوق را خودش مدیریت کند. رونویسی، کپی برداری خصوصی، حق عاریه عمومی و حق انتقال مجدد کابلی از نمونه‌های حقوق ثانویه است. مدیریت در این زمینه‌ها با مجموعه‌های دیگر از جمله متن، موسیقی و سمعی و بصری ارتباط دارد و کاربر نمی‌تواند به طور جداگانه با همه صاحبان حقوق یا ژانرها مذاکره کند.

حق فروش مجدد حق‌الزحمه‌ای است که به نویسندگان این حق را می‌دهد که وقتی آثار هنری اصلی آنها به فروش می‌رسد، به عنوان مثال در یک حراجی، سهمی داشته باشند. به دلیل ماهیت آن، حق فروش مجدد به طور مؤثر از طریق مدیریت جمعی انجام می‌شود.

در بعضی از کشورها، مدیریت جمعی توسط قانون تجویز شده است. در موارد دیگر که چنین نیست، تجربه نشان می‌دهد که مدیریت جمعی نه تنها برای پدیدآورندگان بلکه به خانه‌های حراج و سایر فروشندگان هنر نیز مزایای واضحی ارائه می‌دهد. مسئولیت پرداخت حق امتیاز فروش مجدد به هنرمندان در سطح ملی و بین‌المللی برای خانه‌های حراج دشوار خواهد بود.

^{۳۱۵} primary rights

^{۳۱۶} secondary rights

ج) ذینفعان

طیف گسترده‌ای از افراد حرفه‌ای در زمینه آثار تجسمی مانند هنرمندان هنرهای زیبا، تصویرگران، عکاسان، صنعتگران، کاریکاتوریست‌ها، معماران، انیماتورها و طراحان کار می‌کنند. کاربران اصلی و واسطه‌گران؛ فروشندگان هنر، موزه‌ها، تولیدکنندگان تلویزیون و فیلم، ناشران کتاب و شرکت‌ها هستند.

آثار تجسمی طیف گسترده‌ای از آثاری را پوشش می‌دهد که در فضای رسانه‌های امروزی بسیار مورد استفاده قرار می‌گیرند. آثار هنری تجسمی و عکاسی در این زمینه با نام عمومی آثار دیداری (بصری) خوانده می‌شوند.

آثار تجسمی می‌توانند اشکال مختلفی داشته باشند:

- هنرهای زیبا، مانند نقاشی و مجسمه‌سازی؛
- عکاسی، مانند مستند و گزارش؛
- تصاویر، مانند کارتون‌ها، نمودارها و نقشه‌ها؛
- گرافت^{۳۱۷} و هنر کاربردی، مانند جواهرات و سرامیک؛
- طراحی، مانند طراحی گرافیکی؛
- معماری؛
- چاپ، مانند حکاکی و منبت‌کاری.

گاهی چندین دارنده حقوق در یک اثر وجود دارد، به عنوان مثال، جایی که از یک اثر هنری زیبا عکس گرفته شده و تصویر اثر در یک کتاب منتشر شده است. حقوق هنرمند و عکاس دست به دست هم داده و مجوز استفاده از اثر از آنها و ناشر لازم است.

^{۳۱۷} graft

اصطلاح پدیدآورندگان بصری^{۳۱۸} برای پوشش دادن به صاحبان حقوق برای آثار تجسمی استفاده می‌شود. این جوامع از این جهت که عمدتاً از تجار کوچک مستقل یا صاحبان حقوق تشکیل شده‌اند، چندپاره هستند. وقتی آنها با هم گروه می‌شوند، معمولاً در اصناف یا انجمن‌هایشان با ارتقا شرایط کار و جایگاه هنرمندان در جامعه سروکار دارند. وجود اصناف یا انجمن‌های ملی برای خالقان تجسمی از بسیاری جهات مهم است. در مواردی که حقوق به صورت جداگانه اعمال می‌شود، اصناف می‌توانند به شرایط قراردادی و سایر شرایط کار کمک کنند.

به دلیل ماهیت مستقل کار آنها، متقاعد کردن خالقان این آثار در مورد نیاز به مدیریت جمعی حقوق همیشه آسان نبوده است. در دهه‌های اخیر، تعداد سازمان‌های مدیریت جمعی به نمایندگی از خالقان آثار بصری به حدود ۵۰ سازمان رسیده است.

با در نظر گرفتن تنوع کاربران، افراد به راحتی همه موارد استفاده از آثارشان را پیدا نمی‌کنند. خانه‌های حراج و فروشندگان هنر، موزه‌ها و کتابخانه‌های عکس از عمده مصرف‌کنندگان آثار تجسمی هستند. شرکت‌های تلویزیونی و سینمایی در برنامه‌های خود از آثار هنری، تصویرگری و عکس استفاده می‌کنند و شرکت‌ها تصاویر مربوط به کارهای هنری را در بروشورهای خود چاپ کرده و در وبسایت‌ها منتشر می‌کنند.

(د) انواع سازمان‌های مدیریت جمعی در زمینه هنرهای تجسمی و عکاسی

در بعضی از کشورها پدیدآورندگان بصری در سازمان مدیریت جمعی خودشان، به صورت تخصصی در مدیریت آثار تجسمی سازمان یافته‌اند. در برخی دیگر، سازمان مدیریت جمعی‌های چند منظوره و به همراه سایر مجموعه‌ها، حقوق پدیدآورندگان بصری را مدیریت می‌کنند.

عوامل تاریخی، اقتصادی و اجتماعی در تصمیم‌گیری مناسب‌ترین ساختار برای مدیریت حقوق خالقان بصری نقش داشته و دارند. هیچ راه حل جهانی وجود ندارد که متناسب با همه کشورها و شرایط باشد.

^{۳۱۸} Visual creators

در بیشتر کشورها، سازمان مدیریت جمعی‌هایی که نماینده آثار تجسمی هستند، مستقل هستند و به هنرهای تجسمی و عکاسی اختصاص یافته‌اند. در چندین کشور، عکاسان سازمان مدیریت جمعی خود را دارند. در سازمان مدیریت جمعی‌های چندمنظوره واقعی، همه مجموعه‌ها توسط یک سازمان مدیریت می‌شوند: حقوق موسیقی، ادبی، درام، سمعی و بصری و حقوق پدیدآورندگان بصری.

در اروپا، این مورد به عنوان مثال در کشورهای بالتیک (استونی، لتونی و لیتوانی)، ایتالیا و پرتغال وجود دارد. در آفریقا، سازمان‌های مدیریت جمعی در بورکینافاسو و سنگال نمونه‌هایی از سازمان مدیریت جمعی‌های چند منظوره هستند. در آمریکای لاتین، این مورد به عنوان مثال در اروگوئه است.

در سوئیس، کارهای ادبی و تجسمی با هم مدیریت می‌شوند، اما کارهای موسیقی به طور جداگانه توسط سازمان مدیریت جمعی اختصاصی مدیریت می‌شوند. در آلمان نویسندگان بصری و سمعی و بصری به هم پیوسته‌اند.

برای مدیریت موفقیت‌آمیز تکثیر رپروگرافی و برخی از استفاده‌های دیجیتالی مهم است که سازمان حقوق تکثیرها مجموعه‌ای جامع را مدیریت کنند. نمایندگی آثار تجسمی در کشورهای مختلف شکل‌های مختلفی دارد، اما اطمینان از اینکه کاربران مجوز کپی کردن انواع مواد را دارند مهم است.

(۱) سازمان‌های مدیریت جمعی تخصصی

چگونگی سازماندهی خالقان بصری و ویژگی‌های معمولی بازار هنر هر کشور در تأسیس یک سازمان تخصصی برای خالقان تصویری بسیار مهم است.

از آنجا که استفاده فردی از حقوق، معمولی‌ترین روش مراقبت از حق تکثیر هنرمندان هنرهای تجسمی و عکاس است. اقناع صاحبان حقوق در مورد لزوم مدیریت جمعی برخی از حقوق ممکن است چالش برانگیز باشد. صاحبان حقوق حتی ممکن است پس از اولین فروش از حقوق خود اطلاع نداشته باشند.

مدیریت برخی از حقوق اولیه هنرمندان تجسمی، خدمت به بازار است زیرا استفاده از آثار تجسمی به صورت مداوم در حال گسترش است. برای کاربران، تماس با هر هنرمند به صورت جداگانه و مذاکره در مورد قیمت کار دشواری است. سازوکارهای بازار برای هنرمندان هنرهای تجسمی و عکاسان ممکن است متفاوت باشد، اما وقتی صحبت از مدیریت حقوق ثانویه می‌شود، شباهت‌ها کاملاً مشخص است. در بعضی از کشورها به حقوق ثانویه "حقوق جمعی" گفته می‌شود.^{۳۱۹}

مثال: برزیل

آتویس^{۳۲۰} نماینده هنرمندان و عکاسان مختلف تجسمی و همچنین سینماگران و معماران برزیل است که مرکزی برای دریافت مجوزهای تکثیر برای کاربران، مانند ناشران، تهیه‌کنندگان و شرکت‌های تلویزیونی است. علاوه بر این امکان دسترسی سریع به صاحبان حقوق و آثار آنها را در وبسایت خود ارائه می‌دهد.

مثال: شیلی

کرآماگن^{۳۲۱} در سال ۱۹۹۷ برای نقاشان، مجسمه‌سازان، عکاسان و گرافیست‌ها تأسیس شد. نقاشان و مجسمه‌سازان از طریق انجمن خود ایچ^{۳۲۲} و عکاسان از طریق انجمن خود فوتوپ کرآماگن^{۳۲۳} را تأسیس کردند و حقوق اعضای خود را به سازمان منتقل کردند. در حال حاضر، کرآماگن ۳۰۰ عضو دارد. این سازمان عضو "سیزاک" است.

کرآماگن نماینده حقوق تکثیر، حق ارتباط با عموم، حقوق توزیع و حق فروش مجدد است. در حال حاضر، جمع‌آوری حق فروش مجدد به دلایل اقتصادی و عملی غیرممکن است، زیرا حق امتیاز فروش مجدد ۵ درصد بر

^{۳۱۹} Module 5: Management of rights for visual arts and photography. Tarja Koskinen-Olsson. Nicholas Lowe. 2012. wipo.

^{۳۲۰} Associação Brasileira dos Direitos de Autores Visuais (AUTVIS)

^{۳۲۱} CREAMAGEN

^{۳۲۲} APECH (Asociación de Pintores y Escultores de Chile)

^{۳۲۳} FOTOP CREAMAGEN

اساس سود و نه قیمت فروش محاسبه می‌شود.

هر دو سازمان آتویس در برزیل و کرآماگن در شیلی با سازمان مدیریت جمعی حقوق موسیقی در کشورهای مربوطه همکاری می‌کنند.

۲) سازمان مدیریت جمعی چندمنظوره

در بسیاری از کشورها مدیریت مجموعه‌های مختلف به صورت جداگانه دشوار است. در برخی از کشورها، قانون کپی‌رایت مفهوم یک سازمان مدیریت جمعی چندمنظوره را وضع می‌کند، در سایر کشورها صاحبان حقوق خودشان تصمیم می‌گیرند حقوق خود را به طور مشترک مدیریت کنند.

جنبه مثبت مدیریت مشترک این است که سازمان مدیریت جمعی به راحتی برای کاربران و عموم مردم شناخته می‌شود. در مورد حقوق و مجموعه‌های مختلف هیچ سردرگمی وجود ندارد و سازمان مدیریت جمعی در واقع ممکن است با کپی‌رایت در ذهن کاربران برابری کند. رویکرد گسترده‌ای برای ارائه خدمات به همه کاربران وجود دارد و در صورت استفاده از مجموعه‌های مختلف در کنار هم، امکان صدور مجوزهای جامع وجود دارد.

در سطح حاکمیت، ممکن است چالش‌هایی وجود داشته باشد. صاحبان حقوق معمولاً نمایندگانی در هیأت حاکمه دارند. به ویژه، در آغاز فعالیت‌ها، موسیقی ممکن است ابتدا مجوز داشته باشد زیرا رایج‌ترین حوزه مدیریت جمعی است. این موضوع می‌تواند منجر به بحث در مورد رفتار نامتوازن بین صاحبان حقوق شود. کار در همه جبهه‌ها در همان ابتدای کار بسیار دشوار است.

با گذشت سال‌ها، مدیریت مجموعه‌های مختلف پدیدار می‌شود و عمل متعادل‌سازی حاصل می‌شود. در ابتدا، ممکن است مؤثرتر باشد که در مقایسه با توسعه فعالیت‌های جزئی در همه جبهه‌ها به طور همزمان، فقط یک مجموعه ساخته شود.

مثال: اروگوئه

آگادو^{۳۲۴} در سال ۱۹۲۹ تأسیس شد و فعالیت‌های نهادهای مختلف فرهنگی را متحد کرد. آگادو یک سازمان مدیریت جمعی چند منظوره است و مجموعه‌های مختلفی از جمله هنرهای تجسمی و عکاسی را مدیریت می‌کند. آگادو علاوه بر وظایف سنتی مدیریت حقوق، موزه و مرکز اسناد را نیز در خود جای داده است. مرکز اسناد دارای آثار بسیار ارزشمندی است که بخشی از میراث فرهنگی کشور هستند. هم اکنون در حال کار بر روی بایگانی از عکس‌ها و مستندات است. هر دو موزه و مرکز اسناد در محل آگادو به نام خانه نویسندگان واقع شده‌اند.

۳) همکاری با سازمان‌های حقوق تکثیر در رابطه با حق تکثیر

بسیاری از مطالب بصری در نشریاتی قرار دارد که می‌توان از آنها کپی کرد. بنابراین اطمینان از مشارکت پدید آورندگان بصری در طرح‌های بازتولید مجدد ضروری است. برای داشتن مجوز برای متن و آثار تجسمی، یک سازمان حقوق تکثیر (سازمان حقوق تکثیر) باید از هنرمندان هنرهای تجسمی و عکاسان مجوز بگیرد. این می‌تواند از طریق مشارکت سازمان مدیریت جمعی‌های تخصصی هنرهای تجسمی یا انجمن‌های آنها یا از طریق مجوزهای فردی از طرف خالقان تجسمی اتفاق بیفتد.

صرف نظر از روش اختلاط، اطمینان از سنجش مؤثر سهم آثار تجسمی و توزیع حق‌الزحمه از نظر اقتصادی بسیار مهم است. این کار می‌تواند از طریق سازمان مدیریت جمعی تخصصی هنرمندان هنرهای تجسمی یا از طریق سازمان حقوق تکثیر در کشور انجام شود.

مثال: انگلستان

^{۳۲۴} Asociación General de Autores del Uruguay (AGADU)

در انگلستان رپروگرافی توسط آژانس مجوز کپی‌رایت (سلا)^{۳۲۵} مدیریت می‌شود. انجمن حق چاپ و طراحی و هنرمندان (داکس)^{۳۲۶} نماینده هنرمندان هنرهای تجسمی است. آژانس مجوز کپی‌رایت به عنوان نماینده داکس عمل می‌کند و از طرف آن پاداش تکثیر را جمع می‌کند.

هر دو از اعضای ایفرو هستند: **سلا** به عنوان یک عضو کامل و **داکس** به عنوان یک عضو وابسته.

داکس حق امتیاز را بین هنرمندان هنرهای تجسمی توزیع می‌کند و فعالانه هنرمندان را ترغیب می‌کند تا با سازمان در وبسایت خود تماس بگیرند و همچنین از کانال‌های مختلف برای انتشار پیام استفاده می‌کند. هنگامی که آثار هنرمندان هنرهای تجسمی در کتاب‌ها و مجلات انگلیس استفاده می‌شود، هر نوع هنرمند تجسمی می‌تواند مطالبه پاداش کند و **داکس** آن را توزیع می‌کند. در سال ۲۰۱۱، در مجموع ۱۴۴۰۰ هنرمند از طرح‌های مجوز جمعی **داکس** بهره‌مند شدند.

ه) نمونه‌های موفق سازمان مدیریت جمعی هنرهای تجسمی و عکاسی

سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی با تأکید بر نقش اجرای مؤثر، تسهیل استقرار سازمان مدیریت جمعی جدید و تقویت کار سازمان مدیریت جمعی‌های موجود در سراسر جهان، نقش مهمی در ترویج قوانین خوب ایفا می‌کنند. البته حتی با وجود بهترین قانون، اقدامات فعالی لازم است. این موارد شامل اجرای و مدیریت حقوق می‌باشد. در کشورها و مناطقی که دزدی دریایی تهدید قابل توجهی برای صنایع خلاق است، متقاعد کردن مقامات اجرای قانون برای رسیدگی به وضعیت ضروری است. سازمان‌های مدیریت جمعی می‌توانند در این امر کمک کنند اما اجرای وظیفه اصلی آنها نیست.

مدیریت حقوق نتایج مثبتی را برای اعضای سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی و اتحادیه‌های کارگری در پی دارد.

^{۳۲۵} Copyright Licensing Agency (CLA)

^{۳۲۶} (DACS)

برخی از آنها مستقیماً در مدیریت جمعی دخیل هستند. دیگران از طریق لابی، آموزش و اجرا نقش غیرمستقیم تری دارند.

۱- ادگپ

ادگپ، انجمن جمع‌آوری و توزیع حق امتیاز فرانسه در زمینه هنرهای گرافیکی و تجسمی است که در سال ۱۹۵۳ توسط هنرمندانی تأسیس شد که می‌خواستند با تشکیل یک انجمن جمع‌کننده، روابط اجتماعی و حرفه‌ای ایجاد شده در نمایشگاه‌ها و انجمن‌های هنری را در طول سال‌ها بیشتر و تحکیم بخشند.

این شبکه که تقریباً از ۵۰ شرکت خواهر پشتیبانی می‌کند، در حال حاضر بیش از ۱۸۰۰۰۰ هنرمند را در تمام رشته‌های هنرهای تجسمی نمایندگی می‌کند: نقاشی، مجسمه‌سازی، عکاسی، معماری، طراحی، کمیک‌استریپ، مانگا، تصویرگری، هنر خیابانی، خلق دیجیتال، ویدئو آرت و غیره.

ادگپ کلیه حقوق هنرمندان (حق فروش مجدد، حق تکثیر، حق ارتباطات عمومی، حقوق جمعی) را برای همه روش‌های استفاده: کتاب‌ها، رسانه‌ها، تبلیغات، کالاها، حراجی‌ها، فروش گالری‌ها، تلویزیون، فیلم‌های درخواستی، وبسایت‌ها، سیستم‌عامل‌های به اشتراک‌گذاری کاربر و غیره مدیریت می‌کند. ادگپ اکنون یکی از بزرگترین انجمن‌های جمع‌آوری رویالتی در جهان است.

۲- سیزاک

کنفدراسیون بین‌المللی جوامع نویسندگان و آهنگسازان، برای افزایش شناخت و حمایت از حقوق خالقان آثار ادبی و هنری تلاش می‌کند. “سیزاک” نماینده تمام مجموعه‌های هنری از جمله هنرهای گرافیکی و تجسمی است. “سیزاک” از ژوئن ۲۰۱۲، ۲۳۱ عضو سازمان مدیریت جمعی در ۱۲۱ کشور دارد و ۵۱ مورد از این سازمان‌ها هنرهای تجسمی را یا به عنوان سازمان مدیریت جمعی تخصصی یا به عنوان یک سازمان چند منظوره، نمایندگی می‌کنند. این میزان ۱۴/۶ درصد از اعضای آن را نشان می‌دهد. کل مبلغ حق امتیاز جمع‌آوری شده

توسط اعضای "سیزاک"، در مناطق جمع‌آوری ملی آنها، در سال ۲۰۱۰ به بیش از ۷/۵ میلیارد یورو رسیده است. سهم مجموعه غیرموسیقی تقریباً ۱۴ درصد از کل است. سازمان‌های هنرهای تجسمی در سال ۲۰۱۰، ۱۰۳ میلیون یورو جمع‌آوری کردند که ۱۰ درصد از مبلغ مجموعه غیرموسیقی است.

"سیزاک" دارای تعدادی ارگان به نام شورای بین‌المللی پدیدآورندگان برای مجموعه‌های مختلف است. شورای بین‌المللی خالقان هنرهای گرافیکی، پلاستیکی و عکاسی (سیاگپ)^{۳۲۷} بر شرایط خاص در مدیریت هنرهای تجسمی تمرکز دارد. حق تکثیر، حق فروش مجدد، توزیع سهم هنرمندان هنرهای تجسمی از حق فروش مجدد، کپی‌برداری خصوصی، کابل و ماهواره و ایجاد پایگاه داده‌های تصویر از اولویت‌های آن است. حمایت از ایجاد انجمن‌های هنرهای تجسمی در آمریکای لاتین نیز منطقه‌ای بوده است که سیاگپ توجه خود را در آن معطوف کرده است.

۳- "ایفررو"

فدراسیون بین‌المللی سازمان‌های حقوق تکثیر، نماینده صاحبان حقوق در صنایع متنی و مبتنی بر تصویر است و یک کارگروه ویژه برای مسائل مربوط به آثار تجسمی دارد.

کارگروه تصویری (VWG) "ایفررو" راه‌حلهایی را برای مشکلات مربوط به تکثیر تصاویر ثابت توصیه می‌کند و استراتژی همکاری و مشارکت نزدیکتر نویسندگان و عکاسان بصری در زمینه تکثیر و برخی کاربردهای دیجیتال را تعیین می‌کند.

"ایفررو" کتاب "هنر کپی‌برداری: راهنمای تلفیق آثار تجسمی در طرح‌ها و مجوزهای حقوقی باز نشر"^{۳۲۸} را منتشر کرده است. این اثر اطلاعاتی در مورد روش‌های مختلف مجوز دادن به آثار تجسمی همراه با متن را ارائه می‌دهد. از آنجا که مطالب بصری در انواع نشریات وجود دارد، نیاز به ارائه مجوزهای جامع به کاربران است.

^{۳۲۷} CIAGP

^{۳۲۸} The Art of Copying: A Guide to the Incorporation of Visual Material in Reprographic Legal Schemes and Licences

بنابراین معمولاً تأمین اختیارات لازم از صاحبان حقوق ضروری است. مشاوره با پدیدآورندگان بصری و نمایندگان آنها یک مسئله اساسی است.

فصل ششم) ساختار و سازوکار نمونه‌های موفق جهانی

در فصول گذشته مدل‌های مختلفی از سازمان‌های مدیریت جمعی دنیا بر اساس انواع حقوقی که مدیریت می‌کنند، بیان و برای هر مورد مثال یا مثال‌هایی از کشورهای مختلف به طور مختصر ذکر شد. در میان سازمان‌های مختلف مذکور، نام دو سازمان با توجه به چندمنظوره بودن بیشتر از بقیه به میان آمد: سیزاک و ایفررو؛

سیزاک و ایفررو دو مورد از سازمان‌های مدیریت جمعی معروف، با سابقه و موفق در سطح بین‌المللی می‌باشند. در این فصل به منظور تبیین بهتر ساختار، اهداف، وظایف و روابط در سازمان‌های مدیریت جمعی، دو سازمان مذکور انتخاب شده و ساختار آنها به طور کاملتری بیان می‌گردد.

۱) کنفدراسیون بین‌المللی جوامع مؤلفان و آهنگسازان (سیزاک)^{۳۲۹}



کنفدراسیون بین‌المللی جوامع مؤلفان و آهنگسازان یا “سیزاک” یک سازمان بین‌المللی غیردولتی (خصوصی) و غیرانتفاعی است که به عنوان بزرگترین شبکه بین‌المللی انجمن مؤلفان در حمایت از حقوق و ارتقا منافع آنها در سراسر جهان شناخته می‌شود. سیزاک در سال ۱۹۲۶ در فرانسه

توسط ۱۸ انجمن نویسندگان از ۱۸ کشور اروپایی تأسیس شد که این انجمن‌ها در آن زمان عمدتاً نماینده هنرهای نمایشی (به عنوان مثال نمایشنامه‌نویسان و کارگردانان صحنه) بودند.^{۳۳۰}

^{۳۲۹}International Confederation of Societies of Authors and Composers (CISAC)

این سازمان در فرانسه مستقر بوده و فعالیت‌های خود را مستقل از هرگونه وابستگی انجام می‌دهد. "سیزاک" دارای دفاتر منطقه‌ای در افریقا، امریکای جنوبی، آسیا و اقیانوسیه و اروپا می‌باشد. نوع نظارت در آن درون سازمانی بوده و اعضای آن شامل اشخاص حقیقی و حقوقی می‌شود.

"سیزاک" از جمله سازمان‌های مدیریت جمعی است که همکاری نزدیکی با سازمان جهانی مالکیت فکری دارد و در سال ۲۰۰۲ موافقت‌نامه همکاری با این سازمان منعقد کرده است. هدف اصلی هر دو سازمان ارتقا حمایت از حقوق کپی‌رایت و مالکیت فکری در سراسر جهان است. اهم موارد همکاری این دو سازمان عبارتند از:

- همکاری در فعالیت‌های مربوط به ارتقا سطح آگاهی و در صورت امکان در توسعه و تقویت زیرساخت‌های لازم برای سازمان‌های مدیریت جمعی؛
- برنامه‌های آموزشی - برای اینکه شرکا بتوانند دوره‌هایی را برای آموزش کارکنان سازمان‌های مدیریت جمعی در کشورهای در حال توسعه برگزار کنند؛
- فناوری اطلاعات - شامل توسعه رویه‌های مستندسازی، شناسایی و تبادل و مدیریت اطلاعات.

سیاست جهانی "سیزاک" عبارت است از فعالیت‌های حقوقی متمرکز بر ترویج قانون حمایت از پدیدآورندگان آثار ادبی و هنری در سطوح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی در تمام مجموعه‌های ادبی و هنری اعم از موسیقی، صوتی و تصویری، نمایش، ادبیات و هنرهای تجسمی. "سیزاک" متعهد به ترویج اصول بنیادی کپی‌رایت، ارتقاء حمایت از حقوق پدیدآورندگان در سراسر جهان، هماهنگی فعالیت‌های اعضای خود و همچنین ایجاد استانداردهای بین‌المللی است.

فعالیت‌ها و خدمات اصلی سیزاک عبارتند از:

- (۱) تقویت و توسعه شبکه‌های بین‌المللی جوامع کپی‌رایت؛

^{۳۳۰} Steve McClure, "CISAC Revamps: Rights Body Streamlines Exec Structure," Billboard, October 30, 2004, 61.

۲) تضمین ایجاد موقعیت برای پدیدآورندگان و سازمان‌های مدیریت جمعی آنها در صحنه بین‌المللی؛

۳) اتخاذ و پیاده‌سازی معیارهای کیفیت و کارایی فنی برای افزایش قابلیت همکاری جوامع کپی‌رایت؛

۴) حمایت از توسعه استراتژیک جوامع در هر منطقه و در هر مجموعه آثار؛

۵) حفظ یک پایگاه داده مرکزی که به جوامع امکان تبادل مؤثر اطلاعات مؤثر می‌دهد؛

۶) مشارکت در بهبود قوانین و روش‌های کپی‌رایت ملی و بین‌المللی.

در نتیجه این فعالیت‌ها، سیزاک به یک نهاد حاکم برای سازمان‌های مدیریت جمعی تبدیل شده است و بسیاری از سازمان‌ها عضویت در آن را انتخاب می‌کنند. این سازمان دارای قوانین حرفه‌ای حاکم بر رفتار انواع مختلف سازمان‌های مدیریت جمعی که اولین آنها قوانینی برای سازمان‌های مدیریت جمعی موسیقی بود. این قوانین استانداردهای بسیار بالایی را تعیین می‌کند و در نتیجه عضویت در سیزاک مانند یک نشان تأیید برای سازمان‌های مدیریت جمعی محسوب می‌شود.

سازمان‌های مدیریت جمعی باید به روشی حرفه‌ای و با رعایت الزامات پاسخگویی، شفافیت و مدیریت مناسب اداره شوند که معمولاً به آن استانداردهای حکمرانی خوب^{۳۳۱} گفته می‌شود. قوانین حرفه‌ای سیزاک مجموعه اصولی است که توسط سیزاک برای اطمینان از اینکه همه اعضا مطابق با بهترین شیوه‌های حکمرانی، اداری، مالی و فنی عمل می‌کنند، وضع شده است. رعایت این قوانین برای اعضای سیزاک اجباری است.

قوانین حرفه‌ای شامل اصول زیر می‌شود که همه اعضای سیزاک باید به آنها احترام بگذارند:

۱) حاکمیت و عضویت: عضویت، حقوق اعضا، ترکیب هیأت‌مدیره و انطباق ذاتی سازمان با قانون و مقررات را تعیین می‌کند.

^{۳۳۱} Good governance standards

۲) شفافیت و رازداری: با اطلاعاتی نظیر گزارش سالانه، درآمد مجوز، قوانین توزیع و غیره و سیاست‌های مربوط به عدم افشای اطلاعات محرمانه مربوط است.

۳) صدور مجوز و جمع‌آوری: جزئیات معیارهای مختلف مربوط به جوامع نویسندگان درخصوص اعطای مجوز، جمع‌آوری حق امتیاز و نظارت بر استفاده از مجموعه‌های آنها را بیان می‌کند.

۴) مستندسازی و توزیع: مقرر می‌کند انجمن‌های مؤلفان باید مستندسازی آثار موجود در کارنامه خود و توزیع حق امتیاز را مطابق با قطعنامه‌های الزام آور سیزاک انجام دهند.

۵) انطباق و تعارضات: اصول مختلف مربوط به انطباق با قوانین و رویه‌های مختلف رسیدگی به دعاوی و حل اختلاف را شرح می‌دهد.

همانطور که اشاره شد سازمان‌های متعددی از سراسر دنیا، عضو “سیزاک” بوده و “سیزاک” به عنوان یک سازمان چتر بین‌المللی عمل می‌کند. در حال حاضر ۲۳۲ انجمن پدیدآورندگان (سازمان‌های مدیریت جمعی پدیدآورندگان) در ۱۲۱ کشور به عضویت این سازمان در آمده‌اند. در کل چهار میلیون پدیدآورنده از تمام مناطق جغرافیایی عضو “سیزاک” محسوب می‌شوند. “سیزاک” از جوامع جدید برای گسترش شبکه جهانی خود استقبال می‌کند.

این سازمان به اعضای خود که سازمان‌های مدیریت جمعی مختلف از سراسر جهان هستند، در جهت ثبت و مستندسازی آثار، صدور مجوز و جمع‌آوری و توزیع حق امتیاز برای استفاده از این آثار کمک می‌کند. همچنین از آنها پشتیبانی حقوقی، مالی و عملیاتی می‌کند. در مجامع بین‌المللی، مشاوره‌های منطقه‌ای و بحث‌های ملی درباره کپی‌رایت شرکت می‌کند.

ساختار سازمانی آن عبارت است از:

الگوها و نحوه فعالیت سازمان‌های مدیریت جمعی کپی رایت و حقوق مرتبط

مجمع عمومی عادی سالانه و مجمع عمومی فوق العاده، هیأت مدیره، دبیرخانه، شوراها، کمیته‌های منطقه‌ای، کمیته حقوقی، کمیته حسابرسی داخلی.





طبق مواد ۱۶ تا ۱۹ اساسنامه، هر درخواست عضویت در سیزاک قبل از رسیدن به بالاترین نهاد نمایندگی “سیزاک” یعنی مجمع عمومی، باید چندین مرحله از بررسی و تأیید را طی کند. به عنوان اولین قدم، درخواست کننده باید فرم درخواست عضویت کامل خود را به دبیرخانه ارسال کند که این درخواست باید در یک بازه زمانی مشخص ارسال شود. “سیزاک” متعهد می‌شود که هر درخواست عضویت جدید را بی‌طرفانه و عینی بررسی و ارزیابی کند. دبیرخانه پس از بررسی درخواست، تحلیل و توصیه خود را به کمیته مدیریت اجرایی^{۳۳۲} ارائه می‌دهد. کمیته مدیریت اجرایی بررسی می‌کند و توصیه خود را به هیأت‌مدیره ارائه می‌دهد تا متقاضی را به عنوان عضو موقت یا وابسته بپذیرد و یا رد کند. چنین پیشنهادی برای تصویب به هیأت‌مدیره ارسال می‌شود. پس از آن، مجمع عمومی سالانه در ماه ژوئن برگزار می‌شود (پس از در نظر گرفتن مشاوره هیأت‌مدیره در مورد هر برنامه) متقاضی را به عنوان عضو موقت یا وابسته معرفی می‌کند یا درخواست عضویت را رد می‌کند. پس از

^{۳۳۲} Executive Governance Committee (EGC)

مجمع عمومی، دبیرخانه نامه‌های تأیید رسمی را به متقاضی ارسال می‌کند تا آنها را از نتیجه بحث هیأت مدیره و تصمیم مجمع عمومی در مورد هر یک از درخواست‌های عضویت مطلع کند.

هر عضوی که مایل است از “سیزاک” خارج شود، باید حداقل شش ماه قبل با ارائه اطلاعیه کتبی از “سیزاک” استعفا دهد تا این خروج و استعفا از آخرین روز سال مالی اعمال شود.

اعضای “سیزاک” باید در توزیع درآمدهای جمع‌آوری شده، مطابق با قطعنامه‌های الزام‌آور این سازمان عمل کنند و در مورد همه توزیع‌ها به یک اندازه دقت و انصاف را اعمال کنند. علاوه بر این باید اسناد دقیق مربوط به روش صدور مجوز و توزیع آن را در سیستم اطلاعاتی مربوط به “سیزاک” ارائه دهند و نگه دارند.

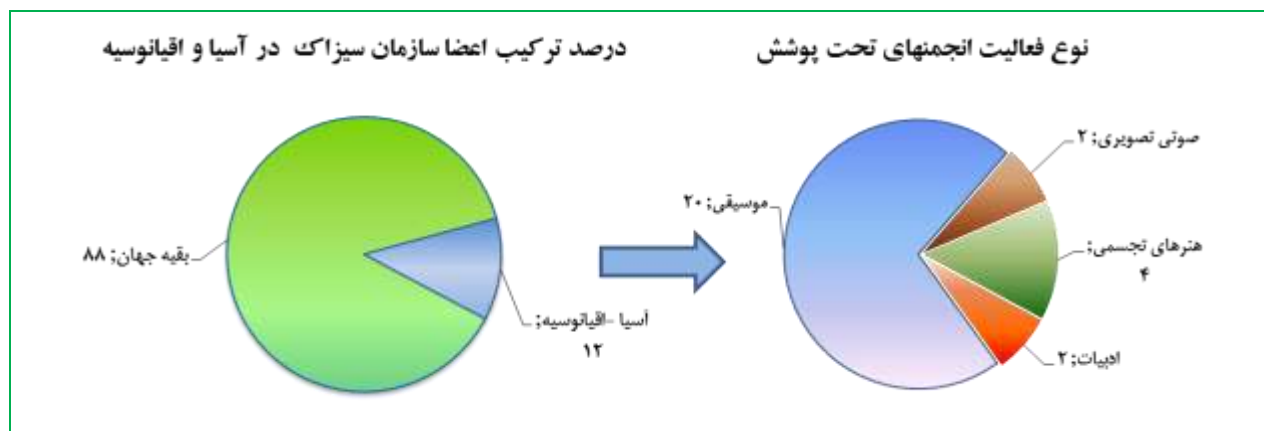
دو نمودار زیر (نمودار شماره ۳ و ۴) برگرفته از وبسایت سیزاک، در خصوص نسبت اعضای سیزاک در اروپا و آسیا - اقیانوسیه نسبت به جهان و نسبت آثار تحت مدیریت اعضای سیزاک در این کشورها را بیان می‌کند.

نمودار ترکیب اعضا و فعالیتهای سیزاک در آسیا - اقیانوسیه

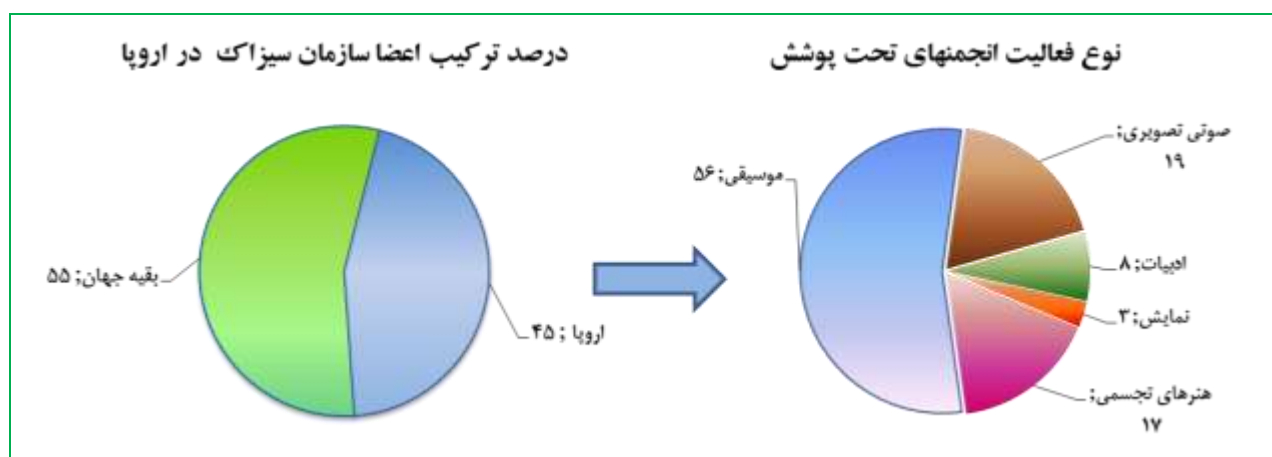
در سال ۲۰۲۰، سیزاک دارای ۲۹ انجمن عضو در آسیا و اقیانوسیه است که این منطقه در حال حاضر ۱۲٪ از اعضای جهانی سیزاک را تشکیل می‌دهد. در آسیا و اقیانوسیه، ۲۰ انجمن بر مدیریت حقوق در آثار موسیقی، ۴ مورد در هنرهای تجسمی، ۲ مورد در ادبیات و ۲ مورد در سمعی و بصری تمرکز دارند.

نمودار ترکیب اعضا و فعالیتهای سیزاک در اروپا

در سال ۲۰۲۰، سیزاک دارای ۱۰۵ سازمان مدیریت جمعی عضو در اروپا است. این منطقه در حال حاضر ۴۵٪ از اعضای جهانی سیزاک را تشکیل می‌دهد. از این تعداد، ۵۶ انجمن بر مدیریت حقوق در آثار موسیقایی، ۱۹ مورد در سمعی و بصری، ۱۷ مورد در هنرهای تجسمی، ۸ مورد در ادبیات، ۳ مورد در آثار نمایشی و ۲ انجمن بدون مجموعه تمرکز دارند.



نمودار ۳- ترکیب اعضا و فعالیت‌های سیزاک در آسیا-اقیانوسیه



نمودار ۴- ترکیب اعضا و فعالیت‌های سیزاک در اروپا

۲- فدراسیون بین‌المللی سازمان‌های حق تکثیر (ایفررو)^{۳۳۳}

^{۳۳۳} International Federation of Reproduction Rights Organizations (IFRRO)



فدراسیون بین‌المللی سازمان‌های حقوق تکثیر (ایفررو) یک سازمان بین‌المللی غیردولتی است. دفتر و دبیرخانه عمومی آن در بروکسل، بلژیک واقع شده است. طبق قوانین بلژیک، یک سازمان خصوصی، مستقل و مبتنی بر عضو است و تحت قانون شرکت‌ها و انجمن‌ها به تاریخ ۲۳ مارس ۲۰۱۹ اداره می‌شود.

ایفررو در سال ۱۹۸۴ به عنوان یک مجمع غیررسمی، بستری برای تبادل اطلاعات و تسهیل ارتباط بین اعضای خود تأسیس شد. از سال ۱۹۸۸، «ایفررو» یک فدراسیون مستقل است که واجد شرایط نمایندگی اعضای خود در برابر نهادهای ملی و بین‌المللی است. طی سال‌های گذشته، «ایفررو» به یک سازمان فعال و مستقل تبدیل شده است که با فعالیت‌ها، نشریات و رویدادهای زیادی به اعضای خود خدمت می‌کند. ایفررو سازمان‌های حق تکثیر را در سراسر جهان به هم پیوند می‌دهد.

بیانیه مأموریت ایفررو:

۱) ایفررو تلاش می‌کند تا به منظور استفاده بین‌المللی از حق نسخه‌برداری مبتنی بر متن و تصویر و از بین بردن کپی غیرمجاز با ارتقا مدیریت جمعی کارآمد حقوق از طریق سازمان‌های حقوق تکثیر برای تکمیل فعالیت‌های پدیدآورندگان و ناشران کار کند.

۲) ایفررو برای انجام مأموریت خود، توسعه مطالعات و سیستم‌های تبادل اطلاعات؛ روابط بین اعضا و به نمایندگی از اعضا؛ و روش‌های مؤثر برای انتقال حقوق و هزینه‌ها در بین صاحبان حقوق و استفاده کنندگان، را مطابق با اصل رفتار ملی تقویت می‌کند.

ارزش‌ها:

اساس کار «ایفررو» بر اساس ارزش‌های اصلی زیر است:

- (۱) “ایفرو” به حقوق پدیدآورندگان و ناشران فردی برای تعیین نحوه مدیریت آثار آنها احترام می‌گذارد.
 - (۲) “ایفرو” مدیریت حقوق را تشویق می‌کند. از سازمان‌های حق تکثیر پشتیبانی سیستماتیک و عملی می‌کند. از تلاش‌های مشترک نویسندگان، پدیدآورندگان و ناشران آثار چاپی ادبی و علمی در سراسر جهان برای ایجاد سازمان حقوق تکثیر پشتیبانی می‌کند.
 - (۳) “ایفرو” تلاش می‌کند تا نقش خود را به عنوان برجسته‌ترین نهاد بین‌المللی در پرورش و ارائه اطلاعات در مورد حقوق تکثیر و اداره جمعی این حقوق تقویت کند.
 - (۴) “ایفرو” فرصت‌هایی را برای نویسندگان، پدیدآورندگان، ناشران و نمایندگان آنها فراهم کرده و آنها را تشویق می‌کند تا در مورد تکثیر آثار دارای کپی‌رایت، تحویل اسناد و برخی از کاربردهای دیجیتالی آثارشان با یکدیگر ملاقات، تبادل اطلاعات، همکاری و مشارکت کنند.
 - (۵) “ایفرو” و اعضای آن در رابطه با حقوقی که مدیریت آنها را (با جمع‌آوری و توزیع حقوق و دستمزد) برعهده دارند و سرمایه‌هایی که به آنها اعتماد دارند، بالاترین استانداردهای اخلاقی را اعمال می‌کنند.
- گرچه هیچ راه‌حل واحدی برای همه وجود ندارد، زیرا هر کشوری فرهنگ و سنت‌های خاص خود را دارد، اما برخی اصول بین‌المللی وجود دارد که باید مورد احترام همه قرار گیرند. ایفرو می‌تواند به ذینفعان کمک کند تا واقعیت‌ها و شرایط موجود در کشورشان را تجزیه و تحلیل کرده، نیازها و روش‌های تأمین آنها را شناسایی کنند. عالی‌ترین نهاد آن، مجمع عمومی است. حداقل یک بار در سال تشکیل می‌شود که حساب‌ها، گزارش سالانه هیأت‌مدیره و بودجه سال بعد را بررسی و تصویب می‌کند. همچنین انتخاب رئیس هیأت‌مدیره، مدیران و اعضای دو کمیته را برعهده دارد. مجمع عمومی مرجع حاکمیت انجمن است.
- فعالیت‌های انجمن توسط هیأت‌مدیره مدیریت می‌شود. هیأت‌مدیره پذیرش اعضای جدید را تأیید می‌کند، همچنین هیأت‌مدیره رئیس دبیرخانه ایفو را منصوب می‌کند و می‌تواند در هر زمان و مطابق با قوانین قابل اجرا این انتصاب را لغو کند. سازمان‌هایی که عضویت دارند ممکن است توسط هیأت‌مدیره به عنوان ناظر برای شرکت

در جلسات ایفرو دعوت شوند. افراد یا سازمان‌ها ممکن است با مذاکره با کشوری که قرار است جلسه ایفرو در آنجا برگزار شود، توسط هیأت‌مدیره به عنوان مهمان دعوت شوند.

اعضای "ایفرو" از تمام قاره‌ها هستند. سازمان‌های حقوق تکثیر که هم نویسندگان و هم ناشران را نمایندگی می‌کنند. اعضای این فدراسیون شامل سازمان‌های حق تکثیر، اعضای وابسته، اعضای موقت و انجمن خالقان و ناشران می‌شود. اعضای که سازمان حقوق تکثیر هستند، "عضو کامل" و سازمان‌هایی که برای نویسندگان یا ناشران پاداش دریافت می‌کنند "اعضای وابسته سازمان حقوق تکثیر" هستند. یک سازمان ملی برای عضویت کامل در ایفرو، باید معیارهای خاصی را داشته باشد. به طور مثال باید دارای اختیارات لازم برای مدیریت تکثیر، در دسترس قرار دادن یا توزیع حقوق باشد و همچنین باید نماینده نویسندگان و ناشران به طور یکسان باشد.

"ایفرو" در مجموع ۱۳۷ عضو در ۷۶ کشور دارد. ۸۴ نفر از آنها سازمان حقوق تکثیر هستند.

آیین‌نامه رفتار "ایفرو" استانداردهایی را برای سازمان‌های حقوق تکثیر به عنوان سازمان‌های مدیریت جمعی تخصصی وضع کرده که می‌تواند فعالیت‌های آنها را هر زمان ارزیابی کرده و اطمینان حاصل کند که عملیات از استانداردهای توافق شده‌ای پیروی می‌کنند. هدف از این آیین‌نامه، توسعه اعتماد و ترویج بهترین روش‌ها در رابطه با عملیات سازمان‌های حقوق تکثیر است. سازمان‌های حق تکثیر عضو انجمن موظف به رعایت موارد زیر می‌باشند:

• برقراری روابط عادلانه، بی‌طرفانه، صادقانه و بدون تبعیض با صاحبان حق، کاربران و سایر سازمان‌های عضو؛

• احترام به قواعد کپی‌رایت، قراردادها و قوانین ملی و بین‌المللی قابل اجرا؛

• صداقت در جمع‌آوری و توزیع وجوه دریافتی و کسر هزینه‌های مربوط به اداره و اعمال حق؛

• ارائه اطلاعات روشن، کامل و قابل فهم مربوط به عملکرد خود به سایر سازمان‌های عضو؛

• آموزش کارکنان برای مطابقت با استانداردهای انجمن؛

- سازماندهی و انتشار رویه‌های مناسب برای مدیریت شکایات و حل اختلافات؛
- ارائه مشخصات یا انواع اطلاعاتی که در رابطه با توزیع پاداش در اختیار دارد و هرگونه اطلاعات، فرم‌ها و / یا الزامات مربوط به تخفیف یا کاهش تخفیف مالیاتی که در کشور مبدا (پرداخت کننده) انجام می‌شود؛
- هر سازمان عضو باید از حقوق صاحبان حق سازمان دیگر به همان میزان و به همان روشی که از حقوق صاحبان حق عضو سازمان خود حمایت می‌کند، حمایت کند.
- سازمان‌های حق تکثیر عضو باید در صورت امکان با توافق‌نامه‌های دو جانبه از استانداردهای مشترک از جمله قیمت‌گذاری، شرایط و ضوابط، توزیع‌ها، حقوق و اطلاعات استفاده، برای برقراری ارتباط و تبادل داده‌ها بین یکدیگر استفاده کنند.
- اعضای وابسته، مدیریت حق تکثیر در آثار دارای کپی‌رایت به نفع یکی از صاحبان حق (پدیدآورنده یا ناشر) یا جمع‌آوری حق الامتیاز بدون فعالیت در صدور مجوز این حقوق را برعهده دارند.
- اعضای موقت، سازمان‌های حقوق تکثیر ملی هستند که بر طبق قوانین و موارد استفاده در کشور مبدا خود تشکیل شده‌اند. اعضای موقت حقوق تکثیر و سایر حقوق مربوطه را در آثار دارای کپی‌رایت مدیریت می‌کنند اما هنوز فعالیت آنها شروع نشده است.
- انجمن پدیدآورندگان و ناشران و سازمان‌های غیردولتی ملی و بین‌المللی متشکل از نویسندگان و یا ناشران هستند که به طور قانونی مطابق با قوانین کشور مبدا تشکیل شده‌اند شامل: سازمان‌های مدیریت جمعی هنرهای تجسمی، انجمن‌های مؤلفان، انجمن‌های ناشرین و انجمن‌های بین‌المللی.
- این فدراسیون دارای چهار کمیته منطقه‌ای، دو گروه فنی و سه انجمن نیز می‌باشد.

کمیته‌های منطقه‌ای عبارتند از:

- کمیته آسیا/اقیانوسیه؛
- گروه اروپا؛
- کمیته توسعه آفریقا؛
- کمیته آمریکای لاتین و کارائیب.

گروه‌های فنی عبارتند از:

- کارگروه تصویری؛
- کارگروه روزنامه‌ها و نشریات دوره‌ای.

سه انجمن شامل:

- انجمن مالیات بر تجهیزات؛
- انجمن مسائل حقوقی؛
- انجمن حق اجاره عمومی.

ایفرو سازمان‌های حق تکثیر را تشویق می‌کند تا روش‌های عادلانه و مؤثری برای حفظ روابط بین خود با صاحبان حق و کاربران و همچنین رسیدگی به شکایات و حل اختلافات به کار گیرند. اعضا روش‌های مناسب را برای مدیریت شکایات و حل اختلافات با یکدیگر به اشتراک می‌گذارند.

ایفرو با سازمان‌های دولتی بین‌المللی و منطقه‌ای و همچنین سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی همکاری می‌کند. این همکاری نزدیک در امضای توافق‌نامه‌های همکاری و در تعدادی از پروژه‌های مشترک انجام شده با این سازمان‌ها تحقق یافته است. از جمله ارگان‌هایی مانند یونسکو و سازمان جهانی مالکیت فکری.

در سطح منطقه‌ای، ایفررو توافق‌نامه همکاری با سازمان مالکیت فکری منطقه‌ای آفریقا^{۳۳۴}، سازمان مالکیت فکری آفریقا^{۳۳۵} و مرکز منطقه‌ای ترویج کتاب در آمریکای لاتین و کارائیب^{۳۳۶} امضاء کرده است.

ایفررو همچنین با اتحادیه آفریقا، اتحادیه عرب، اتحادیه ملل جنوب شرق آسیا^{۳۳۷}، شورای همکاری کشورهای عربی خلیج فارس^{۳۳۸}، انجمن اقتصادی کشورهای غرب آفریقا^{۳۳۹}، اتحادیه اروپا، اتحادیه اقتصادی و پولی آفریقا^{۳۴۰} در مورد موضوعات مشترک همکاری می‌کند.

ایفررو از نزدیک با سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی فعال در زمینه‌های کپی‌رایت، مدیریت جمعی، آموزش و مبارزه با سرقت آثار همکاری می‌کند که شامل سازمان‌های مدیریت جمعی از جمله اتحادیه سازمان‌های اجراکنندگان اروپایی^{۳۴۱}، سیزاک^{۳۴۲}، جساک^{۳۴۳}، ای‌ف‌پی^{۳۴۴} و اتحادیه بین‌المللی توسعه همکاری عملی بین سازمان‌های مدیریت جمعی اجراکنندگان (اسکاپر)^{۳۴۵} می‌شود.

به منظور عضویت در ایفررو، متقاضی عضویت فرم درخواست را از طریق ارتباط با دبیرخانه ایفررو به نشانی secretariat@ifrro.org دریافت کرده و پس از تکمیل ترجیحاً از طریق ایمیل به دبیرخانه ایفررو ارسال می‌کند. دبیرخانه اسناد و مدارک پشتیبان را بررسی می‌کند و پس از تأیید صحت مدارک، درخواست را به کمیته عضویت می‌فرستد. کمیته عضویت، درخواست را بررسی کرده و به هیأت ایفررو توصیه می‌کند. هیأت ایفررو

^{۳۳۴} The African Regional Intellectual Property Organization (ARIPO)

^{۳۳۵} Organisation Africaine de la Propriété intellectuelle (OAPI)

^{۳۳۶} Centro Regional para el Fomento del Libro en América Latina y el Caribe (CERLALC)

^{۳۳۷} ASEAN

^{۳۳۸} GCC

^{۳۳۹} ECOWAS

^{۳۴۰} UEMOA

^{۳۴۱} aepeo-artis (association of european performers' organizations)

^{۳۴۲} CISAC

^{۳۴۳} GESAC

^{۳۴۴} IFPI

^{۳۴۵} SCAPR (the international association for the development of the practical cooperation between performers' collective management organisations)

تصویب می‌کند که آیا درخواست را تأیید می‌کند و اگر چنین است متقاضی در کدام گروه از اعضا قرار می‌گیرد. یک عضو می‌تواند با اعلان کتبی سه ماه قبل از پایان سال مالی انجمن به هیأت مدیره، عضویت خود را پایان دهد. اعضا باید حق عضویت سالانه پرداخت کنند. حق عضویت برای هر دسته از اعضا توسط مجمع عمومی تعیین می‌شود. جزئیات مربوط به محاسبه حق عضویت در قوانین داخلی منعکس شده است. هر توزیع توسط یک سازمان عضو به سازمان دیگر باید حداقل یک بار در سال انجام شود.

ایفررو به طور عملی به اعضا و کاربران کمک می‌کند، اطلاعات را به اشتراک می‌گذارد و دوره‌های آموزشی ترتیب می‌دهد. آثاری از جمله کتاب "راهنمای نحوه عملکرد سازمان‌های حقوق تکثیر" توسط ایفررو منتشر شده است.

این سازمان با اعزام متخصص یا سازماندهی بازدیدهای آموزشی، آموزش عملی ارائه می‌دهد. در برنامه‌های مشارکت آن، به صورت میان مدت و بلندمدت سازمان‌های حق تکثیر را دو به دو با هم قرار می‌دهد، به طوری که یک سازمان با ثبات در ارتباط مکرر با یک سازمان جوانتر است و تخصص خود را به اشتراک می‌گذارد.

کتاب راهنمای مشاوره‌ای ایفررو^{۳۴۶} ابزاری است که در کارهای توسعه در همه قاره‌ها استفاده می‌شود. "ایفررو" بر اساس کمک‌های داوطلبانه اعضای خود، یک صندوق توسعه دارد که می‌تواند برای برخی از فعالیت‌ها یا وام‌ها کمک مالی اعطا کند تا سازمان حق تکثیر علاوه بر بودجه محلی، یک سرمایه اولیه نیز فراهم کند.

جمع بندی:

در این بخش به بررسی سازمان‌های مدیریت جمعی متعددی در سرتاسر دنیا بر حسب نوع آثاری که مدیریت می‌کنند، پرداخته شد که هدف از آن بیان تجربیات بین‌المللی در این زمینه بود. بررسی تجربیات بین‌المللی و نمونه‌های موجود در دنیا می‌تواند راهنمای خوبی در انتخاب مدل‌های مناسب برای کشور باشد. طبق آنچه که بررسی شد، به نظر می‌رسد آنچه در مراحل اولیه کار در همه کشورها و جهت تشکیل همه سازمان‌ها مشترک می‌باشد عبارت است از:

۱. شناسایی نیازها و چالش‌های پدیدآورندگان آثار ادبی و هنری و صاحبان حقوق مرتبط در کشور.

کما اینکه در پیشینه تشکیل اغلب مدل‌های مورد بررسی، جرقه اولیه کار، نیاز به حل مشکلات عده‌ای از پدیدآورندگان مانند موسیقیدانان در زمینه اجرای حقوقشان بوده است.

۲. آگاهی بخشی به صاحبان حق یا به عبارتی ذینفعان در خصوص مزایای مدیریت جمعی حقوق. این کار

موجب مشارکت مؤثر و فعال آنها در تشکیل سازمان می‌شود و درواقع سرمایه اصلی یک سازمان را پدیدآورندگان آثار ادبی و هنری و صاحبان حقوق مرتبط تشکیل می‌دهند.

در بیشتر سازمان‌ها جهت شکل‌گیری و تأسیس، از حضور هنرمندان و مؤلفان برجسته و مشهور استفاده می‌شود تا هم موجب جلب اعتماد سایر ذینفعان و مشارکت بیشتر افراد جهت پایه‌ریزی و تشکیل سازمان شده و هم از طرف دیگر به دلیل موقعیت اجتماعی این افراد، امکان ارتباط مؤثر با بخش‌های مختلف حکومتی نظیر دولت و مجلس بیشتر شود.

سازمان‌های مدیریت جمعی بر اساس اهداف و مأموریت‌های تعریف شده خود به مدیریت یک یا چند مورد از حقوق مادی پدیدآورندگان آثار یا صاحبان حقوق می‌پردازند که در یک تقسیم‌بندی کلی به شرح ذیل دسته بندی می‌شود:

۱. مدیریت حقوق در آثار موسیقایی

۲. مدیریت حقوق در آثار نمایشی

۳. مدیریت حقوق در نشر و چاپ

۴. مدیریت حقوق در آثار صوتی تصویری

۵. مدیریت حقوق در هنرهای تجسمی و عکاسی

در خصوص آثار موسیقایی، مهمترین حقوق، حق اجرا (حق اجرای عمومی و حق ارتباط با عموم)، حق مکانیکی (حق تکثیر انبوه) و حق پخش رادیو تلویزیونی است که بهترین راه عملی مدیریت صدور مجوز و کسب درآمد در آنها، سازمان‌های مدیریت جمعی می‌باشد.

اغلب سازمان‌های مدیریت جمعی در خصوص مجموعه آثار خود، اقدام به صدور مجوز جامع می‌کنند، چرا که به کاربران این امکان را می‌دهد بدون نیاز به مذاکرات متعدد، از کلیه آثار موجود در مجموعه سازمان استفاده کنند.

در سازمان‌های مدیریت جمعی مکانیزم‌هایی به منظور رسیدگی به اختلافات و شکایات اعضا یا کاربران پیش‌بینی شده است که اغلب به صورت کتبی و الکترونیکی در دسترس است. این سیستم موجب می‌شود بسیاری از مسائل و مشکلات بدون مراجعه به محاکم قضایی حل و فصل گردد. به هر حال در صورت عدم رفع مشکل، موضوع در مراجع قضایی عمومی یا تخصصی قابل پیگیری است.

در برخی سازمان‌های مدیریت جمعی نظیر ساسم، انجمن مجاز است به نمایندگی از اعضای خود در رابطه با نقض حقوق مانند نقض حق اجرای عمومی و حق تکثیر علیه اشخاص ثالث اقدام قانونی کند. بر همین اساس مدیرعامل موظف است در کلیه مراحل قانونی اقامه دعوا و پیگیری آنها، ارائه کلیه دادخواست‌ها، از جمله اختلافات در مورد مالکیت یا صرف نظر کردن از آنها شرکت کند.

در تولید آثار نمایشی به خصوص آثار نمایشی موزیکال، ذینفعان متعددی نقش دارند که حسب مورد دارای کپی‌رایت یا حقوق مرتبط می‌باشند. در اغلب کشورها مدیریت جمعی در آثار نمایشی به صورت مدیریت جمعی جزئی است یعنی سازمان مدیریت جمعی توافق‌نامه چارچوبی را با سالن‌های تئاتر یا سازمانی از تئاترها منعقد

می‌کند تا شرایط عمومی استفاده از نمایش‌ها را تعیین کند اما برای هر بار استفاده از فیلم‌نامه یا نمایشنامه به رضایت نویسنده نیاز است و او می‌تواند شرایطی را که از شرایط مقرر در قرارداد عمومی مطلوب‌تر است، مذاکره و مطالبه کند.

مطبوعات و ادبیات در بیشتر کشورها بیشترین سهم صنایع مبتنی بر کپی‌رایت را در زمینه تولید ارزش افزوده و تولید ناخالص داخلی دارند. در برخی از کشورها، سازمان‌های مدیریت جمعی در زمینه حقوق ادبی متولی حق تکثیر، حق اجرای عمومی و حقوق پخش در رابطه با آثار ادبی هستند. علاوه بر این حق عاریه عمومی نیز می‌تواند به طور مشترک توسط سازمان مدیریت جمعی اداره شود. حق عاریه عمومی به نویسندگان و سایر صاحبان حق اجازه می‌دهد برای جبران عاریه رایگان کتاب‌های خود توسط کتابخانه‌های عمومی، هزینه‌ای را از دولت دریافت کنند.

سازمان‌های حق تکثیر آثار ادبی، در صورت داشتن حق انحصاری، مجوزها را به طور کامل یا برای اکثر صاحبان حقوق بر اساس اختیارات داوطلبانه صادر می‌کنند. اما در صورتی که طبق قانون، سیستم‌های مدیریت جمعی غیر داوطلبانه باشد، کپی‌برداری بدون رضایت صاحبان حقوق صورت می‌گیرد، و در عوض آنها حق دارند پاداش عادلانه بگیرند که مدیریت جمعی برای جمع‌آوری پاداش و توزیع آن بین صاحبان حقوق، لازم است.

در آثار صوتی تصویری حقوق بهره‌برداری لازم معمولاً در اختیار تولیدکنندگان آثار صوتی تصویری است. این ادغام توسط قانون و / یا قراردادهای صورت می‌گیرد. مواردی در اجرای حقوق آثار صوتی تصویری وجود دارد که مدیریت جمعی بهتر از مدیریت شخصی قابل اجرا است. به طور خاص، انتقال مجدد کابلی کانال‌های تلویزیونی به خارج از بازار خانگی، کپی‌برداری خصوصی از آثار صوتی تصویری، اجاره دی‌وی‌دی و برخی نمایش‌های عمومی می‌توان نام برد.

انواع اصلی سازمان‌های مدیریت جمعی در زمینه صوتی و تصویری سازمان‌های نویسندگان، اجراکنندگان و تهیه‌کنندگان فیلم هستند. صاحبان حقوق در این آثار به شکل‌های مختلفی در سازمان‌های مدیریت جمعی با هم

گروه شده‌اند و حقوق و دستمزد را به روش‌های مختلف، که منعکس‌کننده واقعیت‌های تاریخی، عملیاتی و اقتصادی در کشورهاست، سازمان داده‌اند. همکاری زیادی بین سازمان مدیریت جمعی‌های مختلف به نمایندگی از صاحبان حقوق صوتی و تصویری لازم است، زیرا درآمد در بسیاری از موارد باید بین سازمان‌های مدیریت جمعی مختلف تقسیم شود.

در بخش‌های هنرهای تجسمی و عکاسی موارد بسیاری وجود دارد که در آنها قراردادهای فردی غیرممکن است و مدیریت جمعی راه‌حل‌های مناسب ارائه می‌دهد. یک نمونه فروش حراج است. اکثر آثار هنری در طول سال‌ها بارها و بارها از طریق فروشندگان آثار هنری، حراج یا به فروش می‌رسند. در بسیاری از کشورها، حقوق هنرمندان در این موارد طی فروش مکرر با استفاده از اصطلاحاً حق فروش مجدد رعایت می‌شود. این حق بر اساس ماده ۱۴ ماده کنوانسیون برن است و تضمین می‌کند درصد کمی از قیمت فروش مجدد به هنرمند تعلق گیرد.

در برخی کشورها، سازمان مدیریت جمعی آنچه به عنوان حقوق اولیه هنرمندان هنرهای تجسمی شناخته می‌شود، شامل حقوق تکثیر، حق پخش و حق ارتباط با عموم یا حقوق ثانویه مانند رونویسی، کپی‌برداری خصوصی، حق عاریه عمومی و حق انتقال مجدد کابلی را مدیریت می‌کنند. مدیریت در این زمینه‌ها با مجموعه‌های دیگر از جمله متن، موسیقی و سمعی و بصری ارتباط دارد و کاربر نمی‌تواند به طور جداگانه با همه صاحبان حقوق یا ژانرها مذاکره کند.

در نمونه‌های موفق سازمان‌های مدیریت جمعی مانند "سیزاک" و "ایفرو"، وجود اصول، قوانین و آیین‌نامه‌های رفتاری برای اعضا و کارکنان این سازمان‌ها، رویه‌های جدی در خصوص مطابقت اعضا با این اصول و نظارت بر اعضا موجب سازماندهی و نظم دقیق امور و از عوامل مهم موفقیت این سازمان‌ها به شمار می‌آید.

قبل از برنامه‌ریزی برای تشکیل سازمان مدیریت جمعی در کشور، باید واقعیت‌ها و شرایط موجود در کشور را تجزیه و تحلیل کرده، نیازها و روش‌های تأمین آنها شناسایی شود و مدل یا مدل‌های مناسب کشور پایه‌ریزی

الگوها و نحوه فعالیت سازمان‌های مدیریت جمعی کپی رایت و حقوق مرتبط

گردد. گرچه راه‌حل واحدی برای همه کشورها وجود ندارد، زیرا هر کشوری قوانین و مقررات و مسائل فرهنگی و سنتی خاص خود را دارد، اما برخی اصول بین‌المللی وجود دارد که باید مورد احترام همه قرار گیرند. لذا می‌توان در تشکیل سازمان مدیریت جمعی از این اصول و قواعد مانند اصول و آیین‌نامه‌های رفتاری سازمان‌های موفق بهره گرفت.

بخش سوم - بومی‌سازی و ارائه راهکارهای عملیاتی برای ایجاد سازمان

مدیریت جمعی در ایران

مقدمه

این بخش سوم در سه قسمت ارائه شده است:

الف) بیان قوانین و مقررات تعدادی از کشورها و سازمان‌های مدیریت جمعی مشهور و موفق دنیا با تقسیم‌بندی موضوعی؛

ب) ارائه پیش‌نویس یک مدل قانونی برای کشور؛

ج) بررسی امکان تأسیس سازمان مدیریت جمعی در ایران با استفاده از سازوکارهای فعلی موجود در کشور. طبق بررسی‌های صورت گرفته در قوانین و مقررات تعدادی از کشورها و مقررات داخلی برخی سازمان‌های مدیریت جمعی، لازم است برخی عناوین در قانون‌گذاری مربوط به سازمان‌های مدیریت جمعی به عنوان موارد اصلی مدنظر قرار گیرد.

لذا در این بخش، بر طبق عناوین مدنظر و دارای اولویت ابتدا توضیح مختصری در خصوص موارد مذکور، داده شده و سپس نمونه‌هایی از راهکارهای مناسب در آیین‌نامه، مقررات یا قوانین کشورها و سازمان‌های مدیریت جمعی کپی‌رایت و حقوق مرتبط از سراسر جهان گردآوری شده است که می‌تواند به عنوان یک ابزار کار و الگوی کاربردی جهت انتخاب رویکرد مناسب برای کشور، مورد استفاده قرار گیرد.

در فصل دوم طبق مدل‌های مختلف قانونی بیان شده، یک مدل قانونی کلی پیشنهاد شده است که این مدل می‌تواند با تغییراتی هم به عنوان یک پیش‌نویس قانون و هم به عنوان اساسنامه یک سازمان مدیریت جمعی مورد استفاده قرار گیرد.

در فصل سوم وضعیت فعلی کشور و امکان ایجاد سازمان‌های مدیریت جمعی با شرایط موجود بررسی شده و پیشنهادهای بیان شده است.

در پایان جمع‌بندی و پیشنهادات به همراه ضمیمه‌ای درباره کمک‌های نرم‌افزاری سازمان جهانی مالکیت فکری مربوط به سازمان‌های مدیریت جمعی ذکر شده است.

در تهیه این بخش از طرح مطالعاتی، علاوه بر قوانین و مقررات و مستندات موجود، از تجربیات و مشورت دوستان محترم فعال در امور مالکیت فکری، آقای دکتر هیو روجسندر^{۳۴۷}، رئیس اداره مالکیت فکری اتحادیه رادیو تلویزیون‌های اروپا^{۳۴۸}؛ آقای دیوید استاپ^{۳۴۹}، مدیر سازمان مدیریت جمعی پی‌پی‌ال انگلستان (شرکت با مسئولیت محدود اجراهای صوتی^{۳۵۰}، دومین سازمان مدیریت جمعی بزرگ دنیا در زمینه حقوق مرتبط) و همچنین مشاور ارشد کپی‌رایت و حقوق مرتبط هیأت مدیران موسیقی انگلستان^{۳۵۱} و آقای رابرت کیکام^{۳۵۲} مشاور حقوقی موسیقی و رسانه و رئیس سابق بخش توسعه تجاری انجمن مؤلفان موسیقی بریتانیا (پی‌آراس)^{۳۵۳} نیز کمک گرفته شده است.

^{۳۴۷} Ruijsenaars Heijo

^{۳۴۸} European Broadcasting Union

^{۳۴۹} David Stopps

^{۳۵۰} Phonographic Performance Limited (PPL)

^{۳۵۱} The UK's Music Managers Forum (MMF)

^{۳۵۲} Rob Kirkham

^{۳۵۳} British musical authors' society, PRS

فصل اول

مجموعه رویه‌ها، قوانین و مقررات مناسب در خصوص سازمان‌های مدیریت جمعی

(۱) ارائه اطلاعات در مورد سازمان مدیریت جمعی و عملکرد آن

(۱-۱) نقش سازمان مدیریت جمعی و کارکردهای اصلی آن

در مواردی که اعمال و اجرای شخصی حقوق توسط دارنده حق غیرممکن یا غیرعملی باشد، سازمان مدیریت جمعی سازوکارهای مناسبی را برای اعمال کپی‌رایت و حقوق مرتبط فراهم می‌کند. مدیریت جمعی بخش مهمی از یک سیستم کپی‌رایت و حقوق مرتبط است که مکمل مجوزهای فردی حقوق بوده و پل ارتباطی بین صاحبان حق و کاربران است که هدف و نقش اصلی آنها تسهیل دسترسی به اثر و درآمد برای هر دو طرف رابطه است.

سازمان مدیریت جمعی مکانیزمی را برای دریافت مجوز استفاده از آثار دارای کپی‌رایت و همچنین پرداخت هزینه‌های مربوطه یا پاداش برای استفاده‌های خاص از این آثار، از طریق سیستم کارآمد جمع‌آوری و توزیع هزینه‌های مجوز و/یا پاداش فراهم می‌کند. برخی از سازمان‌های مدیریت جمعی علاوه بر کارکرد اصلی خود، خدمات اجتماعی، فرهنگی و تبلیغاتی نیز ارائه می‌دهند.

نمونه‌هایی در قوانین و مقررات

(۱) اتحادیه اروپا:

"سازمان‌های مدیریت جمعی نقش مهمی را به عنوان مروج تنوع فرهنگی ایفا می‌کنند، هم از طریق مجموعه آثاری که از محبوبیت کمتری برای دسترسی به بازار برخوردارند و هم از طریق ارائه خدمات اجتماعی، فرهنگی و آموزشی به نفع صاحبان حق و مردم."

دستورالعمل ۳، در مورد مدیریت جمعی حقوق و صدور مجوز چندسرزمینی حقوق در کارهای موسیقی برای استفاده آنلاین (EU Directive 2014/26 / EU)

(۲) آلمان:

"انجمن جمع‌آوری" به معنای سازمانی است که طبق قانون یا توافق‌نامه قراردادی مجاز به اداره کپی‌رایت یا حقوق مرتبط از طرف بیش از یک دارنده حق به عنوان تنها هدف یا هدف اصلی خود برای منافع جمعی آن صاحبان حق است، صرف نظر از اینکه به نام خود یا به نمایندگی از شخص دیگری اقدام کند.

قانون مدیریت کپی‌رایت و حقوق مرتبط توسط انجمن‌های جمع‌آوری، ۲۴ مه ۲۰۱۶.

(۳) برزیل:

"انجمن‌های تنظیم‌شده توسط این ماده، همانطور که در این قانون تعیین شده است، مشغول فعالیت‌هایی در زمینه منافع عمومی هستند و باید از نقش اجتماعی آن پیروی کنند."

ماده ۹۷ و (۱) ۹۷، قانون کپی‌رایت و حقوق مرتبط، ۱۹۹۸، با اصلاحیه تا سال ۲۰۱۳

(۴) چین:

"حقوقی که توسط صاحبان حق به سختی قابل اجرا است، مانند حقوق اجرا، عرضه، پخش، اجاره، برقراری ارتباط از طریق شبکه‌های اینترنتی و تکثیر پیش‌بینی شده در قانون کپی‌رایت، می‌تواند به طور جمعی توسط یک سازمان مدیریت جمعی کپی‌رایت اداره شود."

ماده ۴، مقررات مربوط به مدیریت جمعی کپی‌رایت

۵) ساحل عاج:

"سازمان‌های مدیریت جمعی اهداف زیر را دارند:

- با کاربران در مورد مجوز بهره‌برداری از حقوقی که آنها اداره می‌کنند، مذاکره کنند.
- هزینه‌های مربوطه را جمع‌آوری کرده و آنها را در بین صاحبان حق توزیع کنند.
- اقدامات اجتماعی و فرهنگی را به نفع اعضای خود انجام و تأمین مالی کنند.
- به منظور دفاع از منافع که طبق قانون بر عهده آنها هستند، از جمله منافع جمعی اعضای خود، شکایت کنند."

ماده ۱۱۶، قانون کپی‌رایت و حقوق مرتبط، ۲۰۱۶

۶) مکزیک:

"انجمن مدیریت جمعی یک نهاد حقوقی غیرانتفاعی است که تحت حمایت این قانون تشکیل می‌شود تا از مؤلفان و صاحبان حقوق مرتبط اعم از ملی و خارجی و همچنین جمع‌آوری و توزیع مبالغ مربوط به کپی‌رایت یا موارد دیگر به نفع آنها حمایت کند."

ماده ۱۹۲، قانون کپی‌رایت فدرال، که سال ۲۰۱۶ اصلاح شده است.

(۷) جمهوری کره:

"اصطلاح" سرویس تراست کپی‌رایت^{۳۵۴} "به مشاغلی گفته می‌شود که به طور مداوم مدیریت حقوق را از طرف دارنده حقوق اقتصادی مؤلف، حق انحصاری تکثیر، حقوق مرتبط یا حقوق شخصی که تولیدکننده پایگاه داده است، برعهده دارند و شامل مواردی که یک نماینده عمومی در رابطه با بهره‌برداری از آثار وجود دارد، می‌شود."

ماده (۲۶)، قانون کپی‌رایت

(۸) کلمبیا:

"کپی‌رایت یا سازمان‌های مدیریت جمعی حقوق مرتبط اصولاً و در درجه اول اهداف زیر را دارند:

الف) برای اجرای حقوق اعضای خود و حقوقی که به موجب آییننامه‌ها به مدیریت آن سپرده شده است.

ب) ارائه بهترین مزایا و امنیت اجتماعی برای اعضای خود.

ج) ترویج تولید فکری و بهبود فرهنگ ملی."

ماده ۲ فرمان شماره ۰۱۶۲ سال ۱۹۹۶، تنظیمکننده تصمیم جامعه آند ۳۵۱ سال ۱۹۹۳ و قانون شماره ۴۴ سال ۱۹۹۳، در

ارتباط با سازمان‌های مدیریت جمعی کپی‌رایت یا حقوق مرتبط" (مقررات سازمان مدیریت جمعی)

(۹) اصول رفتار شورای جوامع مدیریت جمعی حقوق اجراکنندگان (اسکاپ)^{۳۵۵}:

"مواردی که حقوق اجراکنندگان مورد استفاده گسترده^{۳۵۶} قرار می‌گیرند، باید همانطور که در بیشتر قوانین ملی منعکس شده است، توسط سازمان‌های غیرانتفاعی ایجاد شده برای مدیریت جمعی اداره شوند. چنین ملاحظات عملی، باعث شد قانون‌گذاران ملی و بین‌المللی در مورد استفاده‌های خاص در حجم زیاد برای اجراکنندگان حق اجرت منصفانه مقرر کنند."

منشور اخلاقی اسکاپر، مقدمه‌ای بر مدیریت جمعی حقوق اجراکنندگان^{۳۵۷}

(۱۰) برزیل:

"مؤلفان و صاحبان حقوق مرتبط می‌توانند برای استفاده و دفاع از حقوق خود به صورت غیرانتفاعی با یکدیگر همکاری کنند."

ماده ۹۷ و ۹۷ (۱) قانون کپی‌رایت و حقوق مرتبط، ۱۹۹۸، اصلاحیه سال ۲۰۱۳

(۱۱) مالاوی:

"وظایف انجمن عبارتند از:

الف) ترویج و محافظت از منافع مؤلفان، اجراکنندگان، مترجمان، تولیدکنندگان ضبط صدا، سازمان‌های پخش، ناشران و به ویژه جمع‌آوری و توزیع هرگونه حق امتیاز یا پاداش دیگری که طبق این قانون به آنها تعلق می‌گیرد؛

^{۳۵۵} SCAPR

^{۳۵۶} mass uses

^{۳۵۷} SCAPR Code of Conduct, Introduction to Collective Management of Performers' Rights

ب) حفظ و ثبت آثار، تولیدات و انجمن‌های نویسندگان، اجراکنندگان، مترجمان، تهیه‌کنندگان ضبط صدا، سازمان‌های پخش و ناشران؛

ج) انتشار حقوق مالکان و ارائه شواهدی از مالکیت آنها در صورت اختلاف یا نقض قانون؛

د) چاپ، انتشار، صدور یا گردش اطلاعات، گزارش، نشریات دوره‌ای، کتاب، جزوه، بروشور یا هر ماده دیگری که مربوط به کپی‌رایت، فولکلور، حقوق پخش‌کنندگان، اجراکنندگان و تهیه‌کنندگان ضبط صدا باشد و ...

ه) مشاوره دادن به وزیر در مورد کلیه موارد مندرج در این قانون.

ماده ۴۲، قانون کپی‌رایت، ۲۰۱۶

(۱۲) ترکیه:

"صاحبان آثار و صاحبان حقوق مرتبط می‌توانند اتحادیه‌های حرفه‌ای را مطابق مقررات و اساسنامه‌های مدل تهیه‌شده توسط وزارت فرهنگ و تأیید شده توسط هیأت وزیران ایجاد کنند تا از منافع مشترک اعضای خود محافظت کرده و از حقوق خود که در اصول و رویه‌های مندرج در قانون وضع شده است پیروی کنند، هزینه‌های دریافتی را جمع‌آوری کرده و درآمد را بین صاحبان حقوق توزیع کنند...."

ماده ۴۲ "قانون شماره ۵۸۴۶ در مورد آثار فکری و هنری مورخ ۱۹۵۱/۱۲/۵

(۱۳) کنفدراسیون بین‌المللی جوامع نویسندگان و آهنگسازان (سیزاک)^{۳۵۸}:

هر سازمان مدیریت جمعی باید حداکثر تلاش خود را انجام دهد تا:

- مطابق با محدوده وظایف خود، انواع مجوزهای استفاده از آثار موجود در مجموعه خود را صادر کند.

- به موقع کلیه درآمد صدور مجوز را تحت مجوزهایی که صادر می‌کند، جمع‌آوری کرده و تمام اقداماتی را که ممکن است برای جمع‌آوری درآمد مجوز پرداخت نشده مناسب تشخیص می‌دهد، انجام دهد.
- بر استفاده از مجموعه آثارش، و جلوگیری از استفاده غیرمجاز از آن حمایت و نظارت کند.
- اطلاعات مربوط به استفاده از آثاری که در مورد آنها مجوز صادر شده است، را سریع جمع‌آوری کند.

قوانین حرفه‌ای سیزاک (موسیقی)^{۳۵۹}

(۱۴) فدراسیون بین‌المللی سازمان‌های حقوق تکثیر (ایفررو):

"سازمان‌های حق تکثیر باید:

۱. مطابق با مقررات و قانون اساسی حاکم و همچنین قوانین ملی و بین‌المللی قابل اجرا رفتار کنند.
۲. اطلاعات مربوط به کارکرد خود را روشن و قابل فهم ارائه دهند.
۳. کارکنان خود را برای مطابقت با استانداردهای این قانون آموزش دهند.
۴. جایی که لازم است برای حفظ، حمایت و ارزشگذاری قوانین کپی‌رایت کار کنند.
۵. رویه‌های مناسب برای مدیریت شکایات و حل اختلافات سازماندهی و منتشر کنند.
۶. ضمن رعایت حریم خصوصی صاحبان حقوق و کاربران، برخورد مناسب با اطلاعات محرمانه داشته، به توافق‌نامه‌ها و قوانین حاکم احترام بگذارند.
۷. حقوق را به طور موثر و به صورتی مدیریت کنند که هزینه‌های اداری کاهش یافته و به حداقل برسند از جمله در مواردی که سازمان‌های دیگر نیز درگیر هستند."

^{۳۵۹} CISAC Professional Rules (music)

اصول رفتار ایفرو

خلاصه نکات:

- ۱- سازمان مدیریت جمعی، سازمانی است که مسئولیت اصلی آن در قبال صاحبان حقوقی است که نماینده آنها می‌باشد و همواره باید مطابق قانون حاکم و اساسنامه خود، به نفع این صاحبان حق عمل کند.
- ۲- در برخی موارد و در رابطه با برخی انواع حقوق، مدیریت جمعی ممکن است مقرون به صرفه‌ترین مکانیزم برای اطمینان از اعمال مؤثر کپی‌رایت و حقوق مرتبط باشد.
- ۳- سازمان مدیریت جمعی خدمات صدور مجوز و/یا جمع‌آوری درآمد از محتوای دارای کپی‌رایت را ارائه می‌دهد.
- ۴- سازمان مدیریت جمعی با ارائه خدمات اجتماعی، فرهنگی و آموزشی به نفع صاحبان حق، نقش مهمی در ترویج فرهنگ بازی می‌کند.
- ۵- صاحبان حق، مدیریت حقوق خود را به سازمان مدیریت جمعی می‌سپارند. سازمان مدیریت جمعی باید خدمات خود را به صورت کارآمد و به روشی بدون تبعیض انجام دهد.
- ۶- سازمان مدیریت جمعی باید در حدود اختیارات ارائه شده توسط یک دارنده حق یا به موجب قانون:
 - الف) به صدور مجوز و/یا جمع‌آوری پاداش برای حقوق آثاری که نماینده آن است، بپردازد؛
 - ب) بر استفاده از چنین حقوقی نظارت کند؛
 - ج) از استفاده غیرمجاز از این آثار جلوگیری کند؛

د) برای توزیع به موقع و دقیق درآمد، به جمع‌آوری و پردازش داده‌ها در مورد استفاده از چنین حقوقی بپردازد.

۷- یک سازمان مدیریت جمعی ممکن است در محدوده اختیارات خود و به نفع صاحبان حق که نماینده آنها است، در فعالیت‌هایی با هدف افزایش آگاهی عمومی در مورد کپی‌رایت، مدیریت جمعی حقوق و سازمان مدیریت جمعی، و همچنین تأثیر مثبت آنها بر اقتصاد ملی و تنوع فرهنگی، مانند فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی مشارکت کند.

۲-۱) اطلاع‌رسانی به عموم

به منظور ایجاد رابطه‌ای مبتنی بر اعتماد متقابل، مهم است که همه ذینفعان به راحتی به اطلاعات دقیق در مورد سازمان‌های مدیریت جمعی و همچنین نحوه سازماندهی آنها دسترسی داشته باشند. ارائه برخی از اطلاعات اساسی در مورد عملکرد سازمان مدیریت جمعی معمولاً یک گام اساسی در جهت ایجاد درک مثبت از سازمان مدیریت جمعی در میان عموم مردم است.

نمونه‌هایی در قوانین و مقررات

۱) جامعه آند:

"سازمان‌های مدیریت جمعی" باید متعهد شوند که حداقل سالانه، در رسانه‌ای با تیراژ ملی گسترده، ترازنامه و حساب‌های خود و همچنین تعرفه‌های عمومی برای استفاده از حقوقی را که نمایندگی می‌کنند و اطلاعات دوره‌ای دقیق در مورد کلیه فعالیت‌های آنها در جامعه که ممکن است در استفاده از حقوق اعضای مذکور تأثیر داشته باشد، منتشر کنند."

ماده ۴۵، تصمیم جامعه آند شماره ۳۵۱ ایجاد رژیم مشترک در مورد کپی رایت و حقوق مرتبط ("تصمیم شماره ۳۵۱"، ۳۶۰۱۹۹۳

(۲) کلمبیا:

"انجمن‌های مدیریت جمعی کپی رایت و حقوق مرتبط باید تعرفه‌های عمومی و اصلاحیه‌های این تعرفه‌ها را در وبسایت‌های خود منتشر کنند و در دفتر مرکزی خود در دسترس داشته باشند."

ماده ۵، فرمان شماره ۳۹۴۲ سال ۲۰۱۰، تنظیم قوانین شماره ۲۳ سال ۱۹۸۲ (قانون کپی رایت) و شماره ۴۴ سال ۳۶۱۹۹۳

(۳) کانادا:

"یک جامعه جمع‌آوری که در بخش ۷۰،۱ ذکر شده است، باید در یک زمان معقول به تمام درخواست‌های معقول مردم در مورد اطلاعات مربوط به مجموعه آثار، اجراهای اجراکنندگان، فونوگرام یا کانال‌های ارتباطی خود از مردم پاسخ دهد."

ماده (۷۰(۱۱)، قانون کپی رایت، که ۲۲ ژوئن ۲۰۱۶ اصلاح شده است.

(۴) جمهوری کره:

"ارائه‌دهنده خدمات تراست کپی رایت باید فهرستی از آثار و غیره را که به صورت چهارماهه مدیریت می‌کند به صورت کتبی یا الکترونیکی مطابق با دستورالعمل ریاست جمهوری تهیه کند تا همه افراد بتوانند حداقل در ساعات کاری از فهرست استفاده کنند.

موارد زیر در فهرست آثار و غیره تحت مدیریت طبق ماده (۱۰۶(۱) قانون ذکر می‌شود:

- عنوان آثار و غیره.

^{۳۶۰} Article 45(h) and (i). Andean Community Decision no. 351 establishing the Common Regime on Copyright and Neighboring Rights ("Decision no. 351"), 1993

^{۳۶۱} Article 5, Decree no. 3942 of 2010, regulating the Laws no. 23 of 1982 (Copyright Act) and 44 of 1993

- نام و مشخصات نویسنده، مجری، سازنده گرامافون یا سازمان پخش و تولیدکننده پایگاه داده.
- سال ایجاد یا پخش و عرضه عمومی، سال عملکرد و سال تولید."

ماده ۱۰۶ (۱)، قانون کپی‌رایت و ماده ۵۰ آیین‌نامه اجرای قانون کپی‌رایت

(۵) نیجریه:

" ۶- حقوق اعضا:

(۱) هر یک از اعضای سازمان مدیریت جمعی دارای یک رأی با حقوق و امتیازات مشابه خواهد بود.

(۲) هر یک از اعضا حق دریافت موارد زیر را از سازمان دارد:

الف. صورت حساب‌های سالانه

ب. فهرست افرادی که هیأت‌مدیره سازمان را تشکیل می‌دهند.

ج. گزارش سالانه هیأت‌مدیره.

د. گزارش حساب‌رسان.

ه. اطلاعات مربوط به میزان کل پاداش پرداختی به هر مدیر یا کارمند سازمان که توسط

حساب‌رسان تأیید شده باشد.

(۳) هیأت‌مدیره یک سازمان مدیریت جمعی باید تا آنجا که ممکن است نماینده طبقات مختلف صاحبان حق در جامعه باشد.

(۴) هیچ چیز در این آیین‌نامه نمی‌تواند در منافی که اعضای یک سازمان مدیریت جمعی از آن برخوردار هستند و یا هرگونه تخفیف یا جبران خسارت برای آنها که تحت توافق‌نامه عضویت یا قوانین قابل اجرا دارند، تأثیر گذارد...."

۸- تعهد سازمان در ارائه اطلاعات:

۱) سازمان‌های مدیریت جمعی باید ظرف ۳۰ روز از وقوع موارد زیر، اطلاعات مربوط را به کمیسیون اعلام و ارائه دهند:

- الف. تغییر در تفاهم‌نامه یا اساسنامه یا هرگونه قوانین داخلی؛
 - ب. تصویب تعرفه‌ها و هرگونه تغییر در آن؛
 - ج. توافق‌نامه نمایندگی متقابل با انجمن‌های جمع‌آوری خارجی؛
 - د. هرگونه تغییر در قرارداد استاندارد عضویت؛
 - ه. هر تصمیم قضایی یا دادرسی رسمی که جامعه بخشی از آن است، در صورتی که کمیسیون چنین اقتضا کند؛
 - و. هرگونه اسناد، گزارش یا اطلاعاتی که کمیسیون ممکن است لازم داشته باشد.
- ۲) سازمان مدیریت جمعی، حداکثر در روز اول ژوئیه هر سال، اسناد زیر را در رابطه با عملکرد خود برای سال قبل تهیه و به کمیسیون ارائه می‌کند:

- الف. گزارش کلی فعالیت‌های سازمان مدیریت جمعی، و...
 - ب. گزارش مالی سالانه حسابرسی شده که باید در میان دیگران ارائه شود:
- ۱. درآمد کل در طول دوره گزارش؛
 - ۲. مجموع و ماهیت کلی هزینه‌ها؛
 - ۳. پرداخت حق امتیاز به اعضا مطابق با سیاست توزیع سازمان.
- ۳) سازمان‌های مدیریت جمعی با درخواست کتبی، اطلاعات مناسب خدمات خود را در اختیار کاربران دارای کپی‌رایت یا هر عضو عمومی قرار می‌دهند. این اطلاعات باید شامل موارد زیر باشد:

الف. شرح حقوق یا طبقه(های) حقوقی که اداره می‌کند؛

ب. ترتیبات مجوزهای فعلی آن شامل تعرفه، شرایط و ضوابط مجوز برای همه دسته‌های کاربران؛

ج. سایر اطلاعات مربوطه که ممکن است لازم باشد.

۴) هرگاه سازمان مدیریت جمعی به دنبال تغییر در نرخ تعرفه برای هر دسته از کاربران باشد، باید کاربران ذینفع را از طریق رسانه‌ای که امکان دسترسی عمومی به آنها وجود دارد، اطلاع دهد."

نیجریه، مقررات سازمان مدیریت جمعی، ۲۰۰۷

۶) ونزوئلا:

"ماده ۳۰: سازمان‌های مدیریت جمعی به منظور انجام تعهدات خود و تأمین نیازهای حسابرسی خود باید (...);

- با توجه به اصول مندرج در بخشهای ۵۵ و ۵۶ قانون کپی‌رایت، نرخ دستمزد حقوق بهره‌برداری یا مجوزهای صادر شده برای کاربران در مورد آثار، نمایش‌ها یا تولیداتی را که آنها اداره می‌کنند، تعیین کنند؛

- نرخ‌های مندرج در بند قبلی را حداقل در دو روزنامه با تیراژ گسترده ملی، حداقل ۳۰ روز از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این نرخ‌ها، منتشر کنند (...);

- برای اعضا یک نشریه دوره‌ای داشته باشند که اطلاعاتی در مورد فعالیت‌های سازمان مدیریت جمعی ارائه دهد که ممکن است مربوط به استفاده از حقوق اعضا یا مشتریان آنها باشد (...);

- ظرف مدت سی روز پس از برگزاری مجمع عمومی، ترازنامه سالانه خود را حداقل در دو روزنامه روزانه با تیراژ گسترده ملی منتشر کنند."

ونزوئلا، مقررات اجرایی ۱۹۹۷

(۷) اتحادیه اروپا:

"کشورهای عضو باید اطمینان حاصل کنند که سازمان مدیریت جمعی حداقل اطلاعات زیر را اطلاع‌رسانی عمومی می‌کند:

(۱) اساسنامه؛

(۲) شرایط عضویت آن و شرایط خاتمه مجوز برای مدیریت حقوق، اگر در اساسنامه وجود نداشته باشد؛

(۳) قراردادهای صدور مجوز استاندارد و تعرفه‌های استاندارد قابل اجرا، از جمله تخفیف‌ها؛

(۴) فهرست افراد [که مدیریت سازمان مدیریت جمعی را عهده دار هستند]؛

(۵) سیاست کلی سازمان مدیریت جمعی در زمینه توزیع مبالغی که به صاحبان حق تعلق می‌گیرد؛

(۶) سیاست کلی آن در مورد هزینه‌های مدیریت؛

(۷) سیاست کلی آن در مورد کسر از درآمد حقوق برای مقاصد غیر از هزینه‌های مدیریت، از جمله کسر برای اهداف خدمات اجتماعی، فرهنگی و آموزشی؛

(۸) فهرستی از موافقت‌نامه‌های نمایندگی که منعقد کرده است و نام سازمان‌های مدیریت جمعی که این توافق‌نامه‌های نمایندگی با آنها منعقد شده است؛

(۹) سیاست کلی در مورد استفاده از مقادیر غیر قابل توزیع؛

(۱۰) رسیدگی به شکایات و مراحل حل اختلاف مطابق با مواد ۳۴، ۳۵ و ۳۶ در دسترس است."

ماده ۲۱، دستورالعمل اتحادیه اروپا ۳۶۲۶/۲۰۱۴ EU

"گزارش شفافیت سالانه باید حاوی اطلاعاتی در مورد کل مبلغ پاداش پرداخت شده در سال قبل به اشخاصی [که در مدیریت سازمان مدیریت جمعی نقش موثری داشته اند] و سایر مزایای اعطایی به آنها باشد."

بر اساس مواد ۹ و ۱۰، دستورالعمل اتحادیه اروپا ۲۶/۲۰۱۴ EU

(۸) بلژیک:

سازمان‌های مدیریت جمعی مقرراتی را برای تعیین، جمع‌آوری و توزیع تعرفه در مورد انواع حقوق تحت مسئولیت خود، به استثنای تعرفه‌های تعیین شده توسط قانون، اجرا می‌کنند. نسخه‌های بروز مقررات تنظیم، جمع‌آوری و توزیع تعرفه در دسترس خواهد بود و حداکثر یک ماه پس از آخرین تنظیم، در وبسایت سازمان مدیریت جمعی منتشر می‌شود.

بر اساس قانون حقوق اقتصادی بلژیک، کتاب ۱۱، عنوان ۳۶۳^۵

(۹) برزیل:

"سازمان‌های مدیریت جمعی، در توسعه کارکردهای خود، باید:

(I) فرمول محاسبه و معیارهای جمع‌آوری را از طریق ابزار الکترونیکی خود، به صورت شفاف برای عموم اطلاع رسانی کنند از جمله اطلاعات انواع کاربران، زمان و مکان و معیارهای توزیع مبالغ جمع‌آوری شده، فهرست‌های پخش و سایر موارد استفاده از آثار و فونوگرام‌ها توسط کاربران، به استثنای مقادیر توزیع شده برای مالکان شخصی.

(II) از طریق ابزارهای الکترونیکی خود، آیین‌نامه‌ها، مقررات جمع‌آوری و توزیع آنها، صورتجلسه‌های مشورتی و فهرست آثار و صاحبان حق که نماینده آنها هستند و مقدار درآمد جمع‌آوری و توزیع شده و اعتبارات جمع‌آوری شده و توزیع نشده، منبع آنها و دلیل نگهداری و ابقاء آنها را شفاف و عمومی سازند.

^{۳۶۳} Belgian Code of Economic Law, Book XI, Title 5

- (III) با کاهش هزینه‌های اداری و مهلت‌های توزیع مبالغ به صاحبان حق، به دنبال بهره‌وری عملیاتی هستند.
- (IV) به صاحبان حق، روش‌های فنی را ارائه دهند تا بتوانند به توازن اعتبارات خود در کارآمدترین روش در سطح پیشرفته دسترسی پیدا کنند.
- (V) سیستم‌های خود را برای بررسی دقیق‌تر اجراهای عمومی انجام شده توسعه و بهبود دهند و سالانه روش‌های نمونه‌گیری و تأیید آنها را منتشر کنند.
- (VI) دسترسی اعضا به اطلاعات مربوط به آثاری که حق آنهاست و اجراهایی که برای هر یک از آنها ارزیابی شده است، را تضمین کرده و از امضای قرارداد یا توافق‌نامه با یک شرط محرمانگی خودداری کنند.
- (VII) دسترسی کاربر به اطلاعات مربوط به استفاده‌های وی را تضمین کنند.
- اطلاعات مندرج در موارد I و II باید به صورت دوره‌ای و در یک بازه زمانی که بیش از شش ماه نباشد، به روز شود.

ماده ۹۸، قانون کپی‌رایت و حقوق مرتبط

(۱۰) اکوادور:

"ماده ۲۴۹. تعهدات سازمان‌های مدیریت جمعی - سازمان‌های مدیریت جمعی بدون اینکه به سایر تعهدات مقرر در اساسنامه آنها خللی وارد شود، باید اقدامات زیر را انجام دهند:

- (۱) حداقل سالانه ترازنامه و بیانیه درآمد را در روزنامه‌های ملی با تیراژ گسترده منتشر کنند؛
- (۲) اطلاعات کامل و مفصلی راجع به کلیه فعالیت‌های مربوط به اعمال حقوق آنها حداقل هر شش ماه یکبار به اعضای خود ارائه دهند.

"ماده ۲۵۰. ایجاد پایگاه داده - سازمان‌های مدیریت جمعی باید یک پایگاه داده به روز شده و در دسترس عموم، دارای اطلاعات واضح و دقیق در مورد آثار، اجراها، پخش‌ها یا فونوگرام‌هایی باشد که کپی‌رایت یا حقوق مرتبط آنها را مدیریت می‌کنند و همچنین اطلاعات مربوط به اشخاصی که همکاران و نمایندگان ملی و خارجی آنها داشته باشند. پایگاه داده باید موارد زیر را نشان دهد:

۱. شخصی‌سازی هر یک از آثار، اجراها، پخش‌ها یا فونوگرام‌هایی که در رابطه با هر مالک یا شخصی نشان داده می‌شود؛

۲. نرخ برای هر نوع استفاده و دسته کاربر؛

۳. موارد استفاده از هر اثر؛

۴. روش‌های اعمال شده برای توزیع؛

۵. جامعه جمع‌آوری باید بودجه سالانه، مقررات داخلی، گزارش‌های مدیریتی و گزارش‌های توزیع را که برای اعضا در نظر گرفته شده، به صورت کپی یا الکترونیکی در دسترس اعضا قرار دهد.

این اطلاعات باید، هم در سایت‌های آنلاین سازمان‌های مدیریت جمعی و هم در دفاتر ثبت شده آنها در دسترس عموم باشد."

قانون ارگانیک در اقتصاد اجتماعی دانش، خلاقیت و نوآوری، ۲۰۱۶

(۱۱) سازمان مالکیت فکری آفریقا^{۳۶۴}:

"مدیریت جمعی:

۱- حفاظت، بهره‌برداری و اداره حقوق مؤلفان آثار و صاحبان حقوق مرتبط طبق آنچه در این پیوست تعریف شده است همراه با دفاع از منافع اخلاقی آنها به یک نهاد ملی مدیریت جمعی حقوق سپرده می‌شود که ساختار، وظایف و عملکرد آن توسط مقامات ملی صالح هر کشور عضو سازمان تعیین می‌شود.

مفاد بند فوق به هیچ وجه به حقوقی که طبق این ضمیمه به مؤلفان آثار، جانشینان آنها و صاحبان حقوق مرتبط اختصاص داده شده، خدشه‌ای وارد نمی‌کند.

نهاد اداره کننده حقوق جمعی ملی باید در قلمرو ملی خود منافع سایر ارگان‌های ملی و خارجی را در چارچوب کنوانسیون‌ها یا توافق‌نامه‌هایی که ممکن است با آنها منعقد کند، تامین و مدیریت کند."

ماده ۶۰، توافق بانگی^{۳۶۵}، (و بازنگری‌های بعدی ۱۹۷۷)^{۳۶۶}

۱۲) اسکاپر

"سازمان‌های مدیریت جمعی باید نسبت به اعضای خود پاسخگو و شفاف باشند و کلیه اطلاعات مربوط به فعالیت‌های سازمان، به ویژه مدیریت آن، شرایط جمع‌آوری و توزیع حق‌الزحمه، از جمله روابط با سازمان‌های خواهر در کشورهای دیگر را در اختیار اجراکنندگان قرار دهند."

ماده ۴،۲، آیین‌نامه رفتار اسکاپر

"سازمان‌های مدیریت جمعی باید با توجه به کاربران و عموم مردم به طور منسجم و شفاف عمل کنند."

ماده ۱۱، آیین‌نامه رفتار اسکاپر

خلاصه نکات:

^{۳۶۵} توافق نامه بانگی، توافق نامه صلح در جمهوری آفریقای مرکزی در سال ۱۹۹۷ است که برای خاتمه بخشیدن به درگیری دهه ۱۹۹۰ بین دولت و نیروهای شورشی در بانگی تنظیم شد. این توافق نامه چندین مرحله را برای مرتب کردن نظرات جناحهای مختلف سیاسی، سازماندهی مجدد تشکیلات دفاعی و ایجاد اصلاحاتی در کشور پیش بینی کرده بود که می‌تواند اقتصاد کشور را بهبود بخشد.

^{۳۶۶} Bangu Agreement

سازمان مدیریت جمعی باید به صورت منظم موارد زیر را منتشر کرده و اطلاعات مربوطه را به روز نگه دارد:

الف) اساسنامه، شرایط عضویت و قوانین مربوط به خاتمه عضویت؛

ب) ساختار تعرفه‌ای آن؛

ج) سیاست توزیع عمومی آن؛

د) سیاست آن در زمینه کسر (مانند هر کسر بابت مدیریت، امور اجتماعی، فرهنگی یا آموزشی)؛

ه) سیاست آن در مورد استفاده از درآمد غیرقابل توزیع حقوق؛

و) حساب‌های مالی سالانه از جمله ترازنامه و حساب سود و زیان؛

ز) شکایت و روش‌های حل اختلاف؛

ح) فهرستی از افرادی که تجارت آن را اداره می‌کنند و در هیأت‌مدیره آن هستند؛

ط) مبلغ کل پاداش پرداخت شده و سایر مزایای ارائه شده به اشخاصی که مدیریت سازمان

مدیریت جمعی را عهده دار هستند.

۲) عضویت (اطلاعات، الحاق و انصراف)

۲-۱) قبل از عضویت در سازمان مدیریت جمعی

مدیر سازمان مدیریت جمعی باید به منظور اطمینان از شفافیت مسائل سازمان در برابر صاحبان حق و کاربران، اطلاعات لازم در مورد شرایط عضویت، ماهیت توافق‌نامه نمایندگی، هزینه‌های مدیریت، سایر کسرهای احتمالی، شرایط انصراف از عضویت، ساختار حاکمیت و همه فرصت‌ها برای شرکت در فرآیندهای تصمیم‌گیری را در اختیار دارنده حق قرار دهد.

نمونه‌هایی در قوانین و مقررات

(۱) انگلستان:

"سازمان مدیریت جمعی باید اطلاعات اساسی در مورد عضویت را در اختیار اعضای آینده قرار داده و نکات زیر را توضیح دهد:

۱. چه کسی می‌تواند عضو شود، و روش‌های انجام این کار، شرایط عضویت و مکان‌هایی که می‌توان آنها را یافت؛

۲. ماهیت اعطا یا انتقال حقوق: مجوز انحصاری، واگذاری و غیره و پیامدهای این امر برای عضو؛

۳. دامنه اختیارات اعطا شده در این توافق‌نامه؛

۴. امکان و نحوه محدود کردن اختیارات عضو برای اقدام و یا دریافت مشاوره مورد نیاز مشخص شود؛

۵. ترتیبات برای خاتمه عضویت و توصیف پیامدهای فسخ؛

۶. جانشینان: توضیح اینکه چه اتفاقی می‌افتد اگر عضو فوت کند یا (اگر شرکت) منحل شود در حالی که هنوز عضو سازمان مدیریت جمعی است."

اصول عملکرد صحیح شورای کپی‌رایت انگلستان (بی‌سی‌سی) برای سازمان‌های مدیریت جمعی^{۳۶۷}، فهرست ۱ "سازمان مدیریت جمعی باید اعضا را از جنبه‌های نمایندگی در بخش‌های مدیریتی، شرکت در جلسات، حق رأی و سایر موارد حاکمیت مطلع کرده، از جمله توضیح دهد:

۱. نحوه نمایندگی اعضا در هیأت حاکمه / هیأت مدیره؛

۲. نحوه تشکیل هیأت مدیره، نحوه انتصاب آن، شرایط اداره و چرخه تغییرات در هیأت مدیره؛

۳. هر کمیته فنی / منطقه‌ای یا ساختارهای شورایی و نحوه انتصاب آنها؛

^{۳۶۷} The British Copyright Council's (BCC) Principles of Good Practice for Collective Management Organizations

۴. چگونه اعضا می‌توانند درخواست کنند که در هیأت حاکمه یا کمیته‌ها / شوراهای منطقه‌ای و غیره

باشند؛

۵. دفعات جلسات عمومی و نحوه اعلان اعضا؛

۶. در چه مواردی حق رأی دارند؛

۷. نحوه درخواست اعضا جهت برگزاری جلسه ویژه و چگونگی برگزاری آن؛

۸. چگونه اعضا هنوز می‌توانند از حق رأی استفاده کنند حتی اگر نتوانند در آن شرکت کنند (پروکسی‌ها و

غیره)"

اصول عملکرد صحیح شورای کپی‌رایت انگلستان (بی سی سی) برای سازمان‌های مدیریت جمعی، فهرست ۲

(۲) سنگال:

"ماهیت اختیاری مدیریت جمعی: مالکین کپی‌رایت و حقوق مرتبط ملزم به عضویت در یک انجمن

مدیریت جمعی نخواهند بود. البته باید توجه داشته باشند که آنها می‌توانند پس از عضویت در یک انجمن از آن

کناره‌گیری کنند."

ماده ۱۱۴، قانون کپی‌رایت و حقوق مرتبط، ۲۰۰۸

(۳) مکزیک:

"اشخاصی که حق عضویت در یک انجمن مدیریت جمعی را دارند می‌توانند آزادانه عضویت یا عدم عضویت در

آن را انتخاب کنند. به همین ترتیب، آنها ممکن است تصمیم بگیرند که از حقوق اقتصادی خود به صورت

جداگانه، از طریق نیابت یا از طریق جامعه استفاده کنند. هنگامی که اعضا تصمیم می‌گیرند به طور جداگانه از

حقوق خود استفاده کنند یا طبق سازوکارهای مستقیم در مورد آن توافق کنند، انجمن‌های مدیریت جمعی

نمی‌توانند مداخله کنند. از طرف دیگر، در صورتی که اعضا به انجمن جمع‌آوری اختیار داده باشند، به تنهایی

قادر به دریافت حق امتیاز نخواهند بود، مگر اینکه آن را لغو کنند. انجمن‌های مدیریت جمعی ممکن است مدیریت همه شیوه‌های بهره‌برداری و همچنین کل کار یا تولیدات آینده را اجباری نکنند."

ماده ۱۹۵، قانون فدرال کپی‌رایت

(۴) نیجریه:

"انصراف از عضویت

یک عضو، حق دارد عضویت خود در یک سازمان مدیریت جمعی یا حقوقی که برای هر یک از آثار خود به سازمان اختصاص داده، را با اعلام قبلی در مدت زمان معقول، فسخ کند."

ماده ۷، مقررات کپی‌رایت (سازمان‌های مدیریت جمعی)، ۲۰۰۷

(۵) اکوادور:

"اعضای انجمن‌های مدیریت جمعی: انجمن‌های مدیریت جمعی موظفند هر دارنده حق را به عنوان عضو بپذیرند. اساسنامه انجمن باید شرایط پذیرش را برای صاحبان حق که درخواست عضویت می‌کنند، تعیین کند و کیفیت چنین مواردی را تأیید کند."

"وابستگی صاحبان کپی‌رایت یا حقوق مرتبط به یک جامعه مدیریت جمعی داوطلبانه خواهد بود. نمایندگی اعطا شده به انجمن‌های جمع‌آوری طبق این فصل، حق صاحبان را برای استفاده مستقیم از حقوق به رسمیت شناخته شده در این عنوان خدشه دار نمی‌کند."

ماده ۲۴۰، قانون ارگانیک در اقتصاد اجتماعی دانش، خلاقیت و نوآوری، ۲۰۱۶

(۶) اتحادیه اروپا:

"مدیر سازمان مدیریت جمعی موظف است قبل از جلب رضایت دارنده حق در زمینه مدیریت حقوق خود،

اطلاعاتی راجع به هزینه‌های مدیریت و سایر کسر از درآمد حقوق و هرگونه درآمد حاصل از سرمایه‌گذاری درآمد حقوق را به وی ارائه دهد."

ماده ۱۸، دستورالعمل اتحادیه اروپا ۲۶/۲۰۱۴ / EU

خلاصه نکات:

سازمان مدیریت جمعی باید (در صورت امکان به صورت الکترونیکی) خلاصه‌ای واضح از حقوق، تعهدات و سایر اطلاعات ضروری را ارائه دهد. به طور خاص، سازمان مدیریت جمعی باید توضیح دهد:

الف) چه کسی می‌تواند عضو شود، و روش‌های انجام این کار، شرایط عضویت و جایی که همه این اطلاعات را می‌توان یافت؛

ب) ماهیت اعطا یا انتقال حقوق (اعم از اینکه حق به صورت انحصاری اعطا شده باشد یا غیرانحصاری) و پیامدهای چنین اطلاعاتی برای عضو؛

ج) دامنه اختیاراتی که طبق توافق‌نامه اعطا شده است؛

د) چگونه یک عضو می‌تواند اختیار سازمان مدیریت جمعی را در نمایندگی از خود محدود کند؛

ه) نحوه مشورت سازمان مدیریت جمعی با اعضای خود؛

و) ترتیبات برای خاتمه عضویت و شرح مفاهیم فسخ (و بازگشت حقوق، در صورت لزوم)؛

ز) در صورت فوت یک عضو یا انحلال سازمان مدیریت جمعی چه اتفاقی برای اعضا و حقوق آنها می‌افتد؛

ح) نحوه نمایندگی اعضا در بخش‌های مدیریتی سازمان مدیریت جمعی؛

ط) نحوه تشکیل هیأت‌های مدیره، نحوه انتصاب آنها و شرایط اداره آنها؛

ی) هرگونه زیر کمیته یا ساختار شورا، و نحوه تصویب آنها؛

ک) چگونه یک عضو می‌تواند نامزدی خود را برای انتخابات به هیأت حاکمه ارائه دهد یا درخواست عضویت در هر کمیته فرعی یا ساختار شورا را بدهد؛

ل) دفعات جلسات عمومی و نحوه اطلاع عضو از این جلسات؛

م) اعضا در مجمع عمومی فوق‌العاده چه حقوقی دارند و چگونه حقوق خود را اجرا می‌کنند؛

ن) اعضا دارای چه حق رأی‌هایی هستند؛

و) اگر عضو نتواند در جلسات حضور یابد، چگونه می‌تواند به صورت نیابتی یا دیجیتالی از حق رأی استفاده کند؛

ز) اطلاعاتی در مورد اجباری بودن مدیریت جمعی حقوق توسط چنین سازمان مدیریت جمعی (در قوانین برخی کشورها، مدیریت یکسری از حقوق اجباراً توسط سازمان‌های مدیریت جمعی صورت می‌گیرد لذا اشخاص حق ندارند در این موارد به صورت شخصی عمل کنند)؛

ح) سیاست‌های کسر از درآمد و توانایی دارنده حق در بهره‌مندی از فعالیت‌ها و خدماتی که از طریق آن کسرها تأمین می‌شود؛

ط) فهرستی از توافق‌نامه‌های نمایندگی یا موافقت‌نامه‌های مشابه با سایر سازمان‌های مدیریت جمعی.

۲-۲) پذیرش اعضا

با توجه به اینکه سازمان مدیریت جمعی خدمات حقوقی را به صاحبان حق ارائه می‌دهد، برای ایجاد رابطه اعتماد متقابل، باید اطمینان حاصل کند که:

● معیارهای عضویت و یا شرایط خدمات آن منصفانه، شفاف و بدون تبعیض است؛

● به طور واضح در اسناد منتشر شده مانند اساسنامه، شرایط عضویت یا توافق‌نامه‌های کاربر تعریف شده است.

نمونه‌هایی در قوانین و مقررات:

(۱) استرالیا:

"عضویت در یک انجمن جمع‌آوری برای کلیه سازندگان آثار دارای کپی‌رایت واجد شرایط و برای هر کسی که دارای آثار دارای کپی‌رایت [...] است، مطابق با قانون اساسی انجمن جمع‌آوری آزاد خواهد بود."

آیین‌نامه رفتار انجمن‌های جمع‌آوری کپی‌رایت استرالیا

(۲) بلژیک:

"سازمان‌های مدیریت جمعی در صورت داشتن شرایط عضویت که بر اساس معیارهای عینی، شفاف و بدون تبعیض است، صاحبان حق را به عنوان عضو می‌پذیرند. آنها فقط می‌توانند درخواست عضویت را بر اساس معیارهای عینی (معیارهای محسوس و حقیقی) رد کنند."

قانون حقوق اقتصادی بلژیک، کتاب ۱۱، عنوان ۵

(۳) کلمبیا:

"سازمان مدیریت جمعی، صاحبان حقوقی را که تقاضای عضویت می‌کنند و به طور مناسب وضعیت خود را در زمینه فعالیت مربوطه تأیید می‌کنند، به عنوان عضو می‌پذیرد."

ماده ۱۴۱، قانون شماره ۴۴ سال ۱۹۹۳

(۴) اکوادور:

"سازمان‌های مدیریت جمعی موظفند هر دارنده حق را به عنوان عضو بپذیرند. آیین‌نامه سازمان مدیریت جمعی باید شرایط پذیرش صاحبان حق را که تقاضای عضویت کرده و وضعیت خود را به عنوان دارنده حق ثابت می‌کنند، تعیین کند."

"الحاق صاحبان کپی‌رایت یا صاحبان حقوق مرتبط به سازمان مدیریت جمعی داوطلبانه خواهد بود. نمایندگی اعطا شده به سازمان مدیریت جمعی مطابق با این فصل بر قدرت صاحبان حق برای استفاده مستقیم از حقوق اعطا شده به آنها تحت این عنوان تأثیری نخواهد داشت."

مواد ۲۴۰ و ۲۴۱، قانون ارگانیک در اقتصاد اجتماعی دانش، خلاقیت و نوآوری

(۵) فدراسیون بین‌المللی صنعت آوا^{۳۶۸}:

"اعضای فدراسیون (سازمان‌های مدیریت جمعی عضو فدراسیون) باید بدون تبعیض و بر اساس اصول رفتار برابر به هر شرکت صدور مجوز موسیقی^{۳۶۹} که قرار است به عنوان عضو فدراسیون پذیرفته شود و یا به همه صاحبان حق ضبط صدا، خدمات ارائه دهند، مگر اینکه دلایل حقیقی موجهی برای امتناع از خدمات خود داشته باشند (به عنوان مثال، در مواردی که متقاضی/عضو درگیر سرقت ادبی یا سایر اقدامات غیرقانونی باشد یا فعالیت متقاضی/عضو مدیریت حقوق در ضبط صدا از نوعی باشد که در حوزه فعالیت شرکت‌های صدور مجوز موسیقی قرار نمی‌گیرد (مانند مثلاً موسیقی کتابخانه‌ای یا آهنگ تبلیغاتی))"

آیین‌نامه رفتار ایفپی

(۷) اسکاپ

"اجراکنندگان باید تشویق شوند تا به انتخاب خود مدیریت حقوق خود را به سازمان مدیریت جمعی بسپارند."

ماده ۱، آیین‌نامه رفتار اسکاپ

^{۳۶۸} International Federation of the Phonographic Industry (IFPI)

^{۳۶۹} music licensing companies (MLCs)

خلاصه نکات:

- (۱) شرایط عضویت باید در اساسنامه سازمان مدیریت جمعی گنجانده شود.
- (۲) سازمان مدیریت جمعی موظف است در صورت داشتن شرایط عضویت، یک دارنده حق را به عنوان عضو بپذیرد.
- (۳) صاحبان حق باید در اعطای حقوق خود به یک یا چند سازمان مدیریت جمعی آزاد باشند به شرطی که حقوق یکسان را به بیش از یک سازمان مدیریت جمعی اعطا نکنند. در عین حال صاحبان حق برای اعطای اختیارات یا مجوزهای غیرانحصاری به سازمان مدیریت جمعی و اجرای شخصی حقوق خود آزاد هستند.
- (۴) معیارهای عضویت باید عینی (محسوس و مشخص)، شفاف و بدون تبعیض باشد.
- (۵) سازمان مدیریت جمعی با توجه به مفاد اساسنامه یا شرایط عضویت می‌تواند درخواست عضویت را فقط بر اساس معیارهای قابل توجیه عینی رد کند. زمینه‌های عدم پذیرش باید در مدت زمان معقولی به صورت کتبی در اختیار متقاضی قرار گیرد.

۲-۳) عدم تبعیض بین صاحبان حق

رعایت اصل برخورد عادلانه و غیرتبعیض‌آمیز که در کنوانسیون برن و سایر معاهدات کپی‌رایت بین‌المللی گنجانده شده است، در سازمان مدیریت جمعی ضروری است. این اصل سزاوار توجه ویژه کسانی است که مقررات سازمان مدیریت جمعی را تنظیم کرده و یا آن را تأسیس می‌کنند. رعایت عدالت در سازمان‌های مدیریت جمعی به معنای رفتار عادلانه با اعضا از یک طرف و با کاربران و مشتریان از طرف دیگر است.

نمونه‌هایی در قوانین و مقررات

(۱) اتحادیه اروپا:

[...] "یک سازمان مدیریت جمعی نباید هنگام ارائه خدمات مدیریتی خود، مستقیم یا غیرمستقیم بین صاحبان حق از نظر ملیت، محل زندگی یا محل استقرار آنها تبعیض قائل شود."

دستورالعمل ۱۸، دستورالعمل اتحادیه اروپا ۲۶/۲۰۱۴ EU

(۲) بلژیک:

[...] "مدیریت جمعی باید به روشی منطقی و بدون تبعیض انجام شود."

قانون حقوق اقتصادی بلژیک، کتاب ۱۱، عنوان ۵

(۳) جمهوری کره:

"هیچ نهاد تجاری نباید اقدامات زیر را انجام دهد:

۱. رد ناعادلانه معامله یا تبعیض در مورد شریک معاملاتی خاص...."

ماده (۱) ۲۳، قانون انحصار و قانون تجارت عادلانه

(۴) کلمبیا:

"با اعضای خارجی که حقوق آنها توسط یک انجمن مدیریت جمعی کپی رایت و حقوق مرتبط اداره می‌شود، مستقیم یا بر اساس توافق‌نامه‌هایی با انجمن‌های همتای خارجی برای اداره جمعی کپی رایت و حقوق مرتبط به نمایندگی مستقیم آن اعضا، باید مشابه با رفتاری که با اعضای که تبعه کشور هستند یا اقامت معمول خود را در آنجا دارند و اعضای انجمن مدیریت جمعی هستند یا توسط آن نمایندگی می‌شوند، رفتار شود."

ماده (۶) ۱۴، قانون شماره ۴۴ سال ۱۹۹۳

(۵) برزیل:

"مدیران سازمان مدیریت جمعی باید با اعضای خود رفتار یکسان [برابر] داشته باشند، و برخورد متفاوت ممنوع است."

بند ۵ ماده ۹۸، قانون کپی رایت و حقوق مرتبط

(۶) جمهوری دومنیکن:

"انجمن‌های جمع‌آوری در آیین‌نامه و عملکرد خود موارد زیر را تضمین می‌کنند: [..]"

(ج) سیستمی برای جمع‌آوری، توزیع و نظارت بر حق امتیاز که مؤثر و شفاف است و با همه صاحبان حق چه شهروندان دومنیکن و چه خارجی به یک اندازه رفتار می‌کند."

ماده (۴) ۱۶۲ قانون شماره ۶۵ در کپی رایت

(۷) اتحادیه اروپا:

"هیچ یک از آنها نباید بر اساس توافق‌نامه نمایندگی متقابل بین اعضای خود و اعضای که نمایندگی دارند تبعیض قائل شوند."

بر اساس بخشنامه ۲۶/۲۰۱۴ EU اتحادیه اروپا

(۸) اسکاپر:

"توزیع و پرداخت به اجراکنندگان خارجی باید بر اساس اصل رفتار برابر با همه اجراکنندگان عضو باشد."

ماده ۶،۲، آیین‌نامه رفتار اسکاپر

"سازمان‌های مدیریت جمعی موظفند کلیه صاحبان حق اعم از شهروندان و اشخاص خارجی را شناسایی کنند."

ماده ۸،۲، آیین‌نامه رفتار اسکاپر

(۹) ایفرو:

"(سازمان‌های مدیریت جمعی) روابط منصفانه، عادلانه، بی‌طرفانه، صادقانه و بدون تبعیض را با صاحبان حق، کاربران و طرف‌های دیگر حفظ می‌کنند."

آیین‌نامه رفتار ایفرو

(۱۰) سیزاک:

"(سازمان‌های مدیریت جمعی) به روی خالقان و ناشران از هر ملیت باز خواهد بود. آنها از تبعیض بین خالقان و ناشران یا انجمن‌های خواهر به هر روشی که از نظر قانونی توجیه‌پذیر نباشد یا توجیه عینی نداشته باشد، خودداری می‌کنند."

قوانین حرفه‌ای سیزاک^{۳۷۰}

(۱۱) ایفپی:

"به هر شرکت صدور مجوز موسیقی که قرار است به عنوان عضو قبول شود و یا به همه صاحبان حق ضبط صدا به صورت غیرتبعیض‌آمیز و بر اساس اصول رفتار برابر خدمات ارائه دهد، [مگر اینکه شرکت‌های صدور مجوز موسیقی دلایل عینی موجهی برای امتناع از خدمات خود داشته باشد یا تمایز کاملاً ضروری و مبتنی بر معیارهای موجه و عینی (به عنوان مثال، جایی که یک متقاضی/عضو درگیر سرقت ادبی یا سایر اقدامات غیرقانونی است یا متقاضی/عضو در نوعی از حقوق موسیقی فعالیت می‌کند که از حیطه فعالیت شرکت‌های صدور مجوز موسیقی خارج است (مانند: موسیقی کتابخانه‌ای یا آهنگ تبلیغاتی)]"

آیین‌نامه رفتار ایفپی

^{۳۷۰} CISAC Professional Rules

خلاصه نکات:

(۱) سازمان مدیریت جمعی نباید - چه مستقیم و چه غیرمستقیم - بین صاحبان حق که نماینده آنهاست در این موارد تبعیض قائل شود:

الف) ملیت یا محل اقامت یا تأسیس؛

ب) جنسیت، منطقه، دین، معلولیت و ناتوانی، سن یا گرایش جنسی.

(۲) سازمان مدیریت جمعی باید با صاحبان حقوق که نماینده آنهاست به موجب اختیارات مستقیم، موافقت‌نامه‌های نمایندگی یا قانون، به طور عادلانه و برابر رفتار کند.

(۲-۴) محدوده مدیریت حقوق (اختیارات / عضویت)

صلاحیت سازمان مدیریت جمعی برای اقدام ممکن است بر اساس اختیار و اجازه دریافت شده از یک دارنده حق یا سایر مقررات قانونی باشد. نقش خاص توافق‌نامه‌های قراردادی بین یک دارنده حق و سازمان مدیریت جمعی با توجه به سیستم‌های مختلف مدیریت جمعی متفاوت است. چنین ترتیباتی تعیین کننده ماهیت و دامنه اختیارات سازمان مدیریت جمعی در صدور مجوز برای حقوق و نمایندگی منافع دارنده حق است (به عنوان مثال اقدامات قانونی برای اجرای حقوق به نام خود آنها).

دستورالعمل‌های سازمان مدیریت جمعی باید تعادل عادلانه‌ای بین حقوق دارنده حق و کاربران ایجاد کند به صورتی که از یک طرف آزادی دارنده حق برای تعیین نحوه مدیریت حقوق وی تأمین شود و از سوی دیگر نیاز کاربران به داشتن مجموعه‌ای معنادار از حقوق دارای مجوز فراهم شود.

نمونه‌هایی در قوانین و مقررات

(۱) برزیل:

"هنگام عضویت، انجمن‌های ذکر شده در ماده ۹۷ نمایندگان اعضای آن می‌شوند تا تمام اقدامات لازم در دفاع

از کپی‌رایت را در داخل یا خارج از دادگاه انجام دهند و فعالیت جمع‌آوری چنین حقی را انجام دهند."

"با اقدام به عضویت، اعضا به انجمن‌ها مأموریت می‌دهند که تمام اقداماتی را که برای دفاع قضایی یا فراقضایی از

کپی‌رایت آنها و برای جمع‌آوری حق‌الزحمه ضروری است انجام دهند."

"صاحبان کپی‌رایت می‌توانند شخصاً اقداماتی را که در صدر ماده و در بخش (۳) این ماده ذکر شده است، ظرف

چهل و هشت (۴۸) ساعت از اعلام به اتحادیه‌ای که به آن تعلق دارند، انجام دهند."

مواد ۹۷، ۹۸ و (۱۵) ۹۸، قانون کپی‌رایت و حقوق مرتبط

(۲) کلمبیا:

"صاحبان کپی‌رایت یا صاحبان حقوق مرتبط ممکن است به طور جداگانه یا به طور جمعی حقوق اقتصادی خود

را مدیریت کنند."

ماده ۱، مقررات کپی‌رایت

(۳) اکوادور:

"الحاق صاحبان کپی‌رایت یا صاحبان حقوق مرتبط به سازمان مدیریت جمعی داوطلبانه خواهد بود. نمایندگی

اعطا شده به سازمان مدیریت جمعی مطابق با این فصل بر قدرت صاحبان حق برای استفاده مستقیم از حقوق

اعطا شده به آنها تحت این عنوان تأثیری نخواهد داشت."

ماده ۲۴۱، قانون ارگانیک اقتصاد اجتماعی دانش، خلاقیت و نوآوری

(۴) نیجریه:

۱۲. حساب ذخیره^{۳۷۱}

(۱) هر سازمان مدیریت جمعی یک حساب ذخیره ایجاد می‌کند که از جمله برای نگهداری هر سهم از مبلغ قابل تقسیم که به دلایلی از جمله موارد زیر قابل تخصیص یا توزیع نیست، قابل استفاده است:

- ارتباط انجمن با عضو مربوطه قطع شده است.
- فرد واجد شرایط، در حال حاضر عضو نیست.
- در صورتیکه عضو یا نماینده وی در دسترس نباشد یا به راحتی قابل تشخیص نباشد، مالک کپی‌رایت یا نماینده مربوط به مبلغ مورد نظر مشخص نیست.
- در مورد استحقاق اختلاف وجود دارد.
- بخشی از وجوه جمع‌آوری شده نمی‌تواند بلافاصله تخصیص یابد زیرا در حال حاضر داده‌های ناکافی برای تقسیم وجود دارد.

(۲) در مواردی که وجوه موجود در حساب ذخیره توزیع می‌شود، سازمان باید قبل از انقضا آن دوره نگهداری، درآمد صندوق را بر اساس اطلاعات موجود توزیع کند."

مقررات سازمان مدیریت جمعی، ۲۰۰۷

(۵) اکوادور:

"اگر دو یا چند سازمان مدیریت جمعی بر اساس نوع کار وجود داشته باشد، باید یک سازمان مدیریت جمعی واحد تشکیل شود. هدف آن منحصرراً جمع‌آوری حقوق اقتصادی از طرف سازمان‌های تشکیل دهنده خواهد بود. اگر سازمان‌های جمع‌آوری‌کننده در ایجاد، سازماندهی و نمایندگی یک سازمان مدیریت جمعی به توافق نرسند، مرجع ملی صالح برای امور مالکیت فکری مسئولیت تعیین و ایجاد آن را بر عهده دارد.

^{۳۷۱} Holding Account

در هر صورت، واحد جمع‌آوری اشاره شده در بند قبلی با مجوز مقام ملی صالح در امور مالکیت فکری تشکیل می‌شود. هزینه‌های واحد جمع‌آوری توسط سازمان‌های مدیریتی که نماینده آنها است، پرداخت می‌شود."

ماده ۲۵۳، قانون آلی اقتصاد اجتماعی دانش، خلاقیت و نوآوری

(۶) اتحادیه اروپا:

"صاحبان حق، حق دارند به سازمان مدیریت جمعی مورد نظر خود برای مدیریت حقوق، طبقات حقوق یا انواع آثار و سایر موضوعات مورد نظر برای مناطق مورد نظر، صرف نظر از ملیت کشور عضو، محل اقامت یا تأسیس سازمان مدیریت جمعی یا دارنده حق، مجوز دهند. سازمان مدیریت جمعی به جز مواردی که دلایلی معقول برای رد مدیریت داشته باشد، موظف است چنین حقوق، دسته‌ای از حقوق یا انواع آثار و سایر موضوعات را مدیریت کند، مشروط بر اینکه مدیریت آنها در حیطه فعالیت آن باشد."

ماده ۵، دستورالعمل اتحادیه اروپا ۲۶/۲۰۱۴ EU

"در صورتی که یک دارنده حق به سازمان مدیریت جمعی اجازه مدیریت حقوق خود را بدهد، باید به طور خاص برای هر حق یا دسته‌ای از حقوق یا آثار و سایر موضوعاتی که آن دارنده حق به سازمان مدیریت جمعی اجازه مدیریت می‌دهد، رضایت دهد. هر گونه رضایت‌نامه به صورت مستند، گواهی می‌شود."

ماده (۷) ۵، دستورالعمل اتحادیه اروپا ۲۶/۲۰۱۴ EU

(۷) ایفپی:

"هر شرکت صدور مجوز موسیقی این اجازه را به صاحبان حق می‌دهد تا دامنه (حقوق، استفاده‌ها، مجموعه و منطقه) و شخصیت (انحصاری یا غیرانحصاری) اختیارات قانونی را که بدون محدودیت به شرکت‌های صدور مجوز موسیقی می‌دهند تعیین کنند، مگر اینکه این محدودیت‌ها توسط قانون، دادگاه‌های ذیصلاح یا سایر

مراجع اعمال شده یا به دلایل مدیریت مؤثر و صدور مجوز حقوق قابل توجیه باشند و آنها همیشه متناسب با اهدافی هستند که به دنبال دستیابی به آنها هستند."

آیین‌نامه رفتار ایفبی

خلاصه نکات:

سازمان مدیریت جمعی همیشه باید بر اساس مجوز از یک دارنده حق یا در موارد مشخص با دستور قانونی یا حکومتی عمل کند. سازمان مدیریت جمعی در اساسنامه خود می‌تواند حق یک دارنده حق را برای تعیین آزادانه دامنه کار مدیریت حقوق خود محدود کند، مشروط بر اینکه چنین محدودیتی معقول باشد. محدودیت اعمال شده توسط سازمان مدیریت جمعی باید متناسب با هدفی باشد که در صدد دستیابی به آن است.

۵-۲) پایان دادن به ماموریت / عضویت

وقتی مدیریت حقوق به صورت شخصی، غیر عملی یا غیرممکن باشد، سازمان مدیریت جمعی حقوق را به صورت جمعی اداره می‌کند. در این زمینه، اطمینان از اینکه صاحبان حق توانایی خاتمه عضویت خود در سازمان مدیریت جمعی، واگذاری حقوق خود به یک سازمان دیگر یا مدیریت شخصی حقوق خود را دارند، مهم است.

نمونه‌هایی در قوانین و مقررات

(۱) اتحادیه اروپا:

"صاحبان حق شش ماه بعد از ابلاغ رسمی حق دارند که مجوز مدیریت حقوق [...] را خاتمه دهند. سازمان مدیریت جمعی ممکن است تصمیم بگیرد که این کار فقط در پایان سال مالی اعمال شود."

ماده (۴) ۵، دستورالعمل اتحادیه اروپا ۲۶/۲۰۱۴ EU

(۲) کلمبیا:

"اساسنامه (سازمان مدیریت جمعی) نحوه و شرایط مربوط به پذیرش و خروج از سازمان را تعیین می‌کند. (...)." ^{۳۷۲}

ماده ۱۴، ۲، قانون شماره ۴۴

(۳) برزیل:

"دارنده حق می‌تواند هر زمان به انجمن دیگری (سازمان مدیریت جمعی) منتقل شود و فقط باید آن را کتباً به

انجمن اصلی (سازمان مدیریت جمعی) اعلام کند."

ماده ۹۷، قانون کپی‌رایت و حقوق مرتبط

(۴) چین:

"هر صاحب حق می‌تواند طبق رویه‌های مقرر در اساسنامه، از یک سازمان مدیریت جمعی کپی‌رایت انصراف

دهد، و قرارداد مدیریت جمعی کپی‌رایت را فسخ کند. با این حال، هر قرارداد صدور مجوز که در آن زمان بین آن

سازمان و شخص دیگر منعقد شده باشد تا زمان انقضا معتبر باقی خواهد ماند و صاحب حق در طول مدت اعتبار

قرارداد حق اخذ هزینه‌های مجوز مربوطه و مراجعه به آثار تجاری مربوطه را دارد."

ماده ۲۱، مقررات مدیریت جمعی کپی‌رایت^{۳۷۲}

(۵) سیزاک:

"سازمان مدیریت جمعی به خالق و ناشر اجازه می‌دهد قرارداد عضویت خود را با سازمان مدیریت جمعی فسخ

کنند، مشروط بر اینکه سازمان مدیریت جمعی بتواند شرایط منطقی را در رابطه با خاتمه این قرارداد تحصیل

کند."

قوانین حرفه‌ای سیزاک

^{۳۷۲} Regulations on Copyright Collective Administration

(۶) اسکاپر:

"عضویت یک حق شخصی اجراکننده است."

ماده ۲، آیین‌نامه رفتار اسکاپر

خلاصه نکات:

- (۱) سازمان مدیریت جمعی باید به هر عضو اجازه دهد تا بعد از ارسال اعلامیه با یک مدت مهلت منطقی، عضویت خود در سازمان را خاتمه دهد یا دامنه آثار یا حدود اختیارات اعطایی به سازمان را تغییر دهد.
- (۲) صرف‌نظر از خاتمه کار، یک دارنده حق باید سهم کامل خود را از درآمد حقوق جمع‌آوری شده داشته باشد.

۳) حقوق اعضا برای برخورد عادلانه؛ موقعیت آنها در سازمان مدیریت جمعی

۳-۱) حقوق اعضا برای برخورد عادلانه

اعتماد و اطمینان صاحبان حق به سازمان مدیریت جمعی، موجب تقویت موقعیت سازمان در بازار و مدیریت مؤثر حقوق می‌شود. بهترین راه تقویت اعتماد اعضا به سازمان مدیریت جمعی، شفافیت مسائل سازمان و همچنین حقوق و تعهدات متناسب است.

نمونه‌هایی در قوانین و مقررات

(۱) برزیل:

"انجمن‌ها با اعضای خود رفتار عادلانه‌ای خواهند داشت و رفتار نابرابر ممنوع است."

ماده ۹۸، قانون کپی‌رایت و حقوق مرتبط

(۲) اتحادیه اروپا:

"سازمان‌های مدیریت جمعی نباید تعهداتی را که برای مدیریت مؤثر حقوق ضروری نیستند، به اعضای خود تحمیل کنند."

بر اساس ماده ۴، دستورالعمل اتحادیه اروپا ۲۶/۲۰۱۴ EU

(۳) استرالیا:

"هر انجمن جمع‌آوری با اعضای خود منصفانه، صادقانه، بی‌طرفانه، مودبانه و مطابق با قانون اساسی خود و هرگونه قرارداد عضویت رفتار خواهد کرد."

آیین‌نامه رفتار انجمن‌های جمع‌آوری کپی‌رایت استرالیا

(۴) ایفررو:

"(سازمان‌های مدیریت جمعی) روابط خود را با صاحبان حق به طور مؤثر، عادلانه و بی‌طرفانه مدیریت می‌کنند. با کلیه صاحبان حق مطابق با اساسنامه‌های قابل اجرا و قوانین ملی رفتار کنید."

آیین‌نامه رفتار ایفررو

(۵) سیزاک:

"صدور مجوز و جمع‌آوری

۱۵. هر عضو(هر سازمان مدیریت جمعی عضو سیزاک) از تلاش معقول خود استفاده خواهد کرد تا:

الف. مجوز استفاده از کل مجموعه آثار خود را مطابق با و با توجه به دامنه وظیفه خود صادر کند.

ب. بلافاصله کلیه درآمد را تحت مجوزهایی که صادر کرده، جمع‌آوری کند و تمام اقداماتی را که ممکن است برای جمع‌آوری درآمد مجوز پرداخت نشده مناسب تشخیص می‌دهد، انجام دهد.

ج. بر استفاده و جلوگیری از استفاده غیرمجاز از مجموعه نظارت و محافظت کند؛

د. بلافاصله اطلاعات مربوطه را در مورد آثاری که توسط مجوز گیرندگان مورد سوءاستفاده قرار گرفته‌اند، جمع‌آوری کند.

۱۶. هر عضو (هر سازمان مدیریت جمعی عضو سیزاک) باید:

الف. مجوزها را بر اساس معیارهای عینی و بی‌طرفانه اعطا کند، مشروط بر اینکه یک عضو ملزم به اعطای مجوز به کاربرانی نباشد که قبلاً از رعایت این شرایط و ضوابط مجوز انجمن موسیقی برخوردار نبوده‌اند؛
ب. بین کاربران تبعیض غیرموجهی ایجاد نکند."

قوانین حرفه‌ای سیزاک برای انجمن‌های موسیقی

خلاصه نکات:

(۱) سازمان مدیریت جمعی باید با هر عضو یا دارنده حق، منصفانه و مطابق با اساسنامه و شرایط عضویت رفتار کند.

(۲) سازمان نباید تعهدی را به صاحبان حق تحمیل کند که برای مدیریت مؤثر حقوق صاحبان حق ضروری نیست.

۲-۳) حقوق اعضا در نهادهای نمایندگی

برای اطمینان از مشارکت عادلانه و متعادل صاحبان حق در فرآیندهای تصمیم‌گیری سازمان مدیریت جمعی، سازمان باید نقشی واقعی و متعادل را با توجه ویژه به حق رأی منصفانه، برای صاحبان حق در ساختارهای حاکمیتی خود ایجاد کند.

نمونه‌هایی در قوانین و مقررات

(۱) جامعه آند:

"اعضای انجمن (سازمان مدیریت جمعی) باید از حقوق مناسب برای مشارکت در تصمیمات آن برخوردار شوند."

ماده ۴۵ (د)، تصمیم شماره ۳۵۱

(۲) برزیل:

"فقط صاحبان اصلی کپی‌رایت یا حقوق مرتبط که مستقیماً به انجمن‌های ملی وابسته‌اند، می‌توانند در انجمن‌های تنظیم شده توسط این ماده رأی دهند یا در رأی‌گیری انتخاب شوند."

"فقط صاحبان اصلی کپی‌رایت یا حقوق مرتبط مستقیماً، اتباع یا خارجی‌های مقیم برزیل وابسته به انجمن‌های ملی می‌توانند در انجمن‌های تنظیم شده توسط این ماده رأی دهند یا در رأی‌گیری انتخاب شوند."

"انجمن‌ها با اعضای خود رفتار عادلانه‌ای خواهند داشت و رفتار نابرابر ممنوع است."

"مدیران انجمن‌ها مستقیماً در مدیریت خود از طریق رأی شخصی عمل می‌کنند و نمایندگی اشخاص ثالث ممنوع است."

مواد (۶) و (۵)، ۹۷، (۵)، ۹۸، (۱۴)، ۹۸، قانون کپی‌رایت و حقوق مرتبط

(۳) اکوادور:

"قوانین، مقررات و آئین‌نامه‌های سازمان مدیریت جمعی مقرر می‌دارد: (...)"

- رأی‌گیری باید دموکراتیک و مخفیانه باشد. همه اعضا حق دارند مطابق با شرایط ارائه شده در قوانین انتخابات (سازمان مدیریت جمعی) در انتخابات مقامات سازمان مدیریت جمعی شرکت کنند.

- مستقل از رده‌های اعضای سازمان مدیریت جمعی، همه اعضا حق شرکت در تصمیمات مصوب مجمع عمومی را دارند، که ممکن است به منظور این مشارکت، از روش‌های الکترونیکی استفاده کنند."

ماده (۱) ۲۴۵، کد آلی در اقتصاد اجتماعی دانش، خلاقیت و نوآوری

(۴) مکزیک:

"به طور قطع، برای اخراج (حذف یا محرومیت) اعضا، سیستم رأی‌گیری به ازای هر عضو یک رأی است و باید ۷۵٪ رأی دهندگان حاضر در مجمع با اخراج موافقت کنند."

ماده ۲۰۵ قانون فدرال کپی‌رایت

(۵) اتحادیه اروپا:

"اساسنامه سازمان مدیریت جمعی باید سازوکارهای مناسب و مؤثری را برای مشارکت اعضای آن در فرآیند تصمیم‌گیری سازمان مدیریت جمعی فراهم کند. نمایندگی گروه‌های مختلف اعضا در روند تصمیم‌گیری باید منصفانه و متعادل باشد."

ماده (۳) ۶، دستورالعمل اتحادیه اروپا ۲۶/۲۰۱۴ EU

"همه اعضای سازمان مدیریت جمعی حق شرکت و رأی دادن در مجمع عمومی اعضا را دارند. با وجود این، ممکن است کشورهای عضو، بر اساس یک یا هر دو ملاک زیر، محدودیت‌هایی را برای حق اعضای سازمان مدیریت جمعی برای مشارکت و استفاده از حق رأی در مجمع عمومی اعضا فراهم کنند:

الف) مدت عضویت؛

ب) مبالغ دریافتی یا بدهی یک عضو در رابطه با دوره مالی مشخص شده؛

مشروط بر این که این معیارها به روشی منصفانه و متناسب تعیین و اعمال شوند."

ماده ۸ (۹)، دستورالعمل اتحادیه اروپا ۲۶/۲۰۱۴ EU /

"هر عضوی از یک سازمان مدیریت جمعی حق انتخاب هر شخص یا نهاد دیگری را به عنوان نماینده برای شرکت در رأی‌گیری در مجمع عمومی اعضا به نام خود دارد، مشروط بر اینکه این انتصاب منجر به تعارض منافع نشود....."

ماده (۱۰)، دستورالعمل اتحادیه اروپا ۲۶/۲۰۱۴ / EU

(۶) ایفررو:

"در (سازمان مدیریت جمعی) مطابق با قوانین ملی و فراملی قابل اجرا، از جمله قانون رقابت، برای کلیه صاحبان حق واجد شرایط، امکان نمایندگی وجود دارد."

آیین‌نامه رفتار ایفررو

(۷) ایفپی:

"هر شرکت صدور مجوز موسیقی این امکان را برای صاحبان حق فراهم می‌کند تا نمایندگی عادلانه و متعادل در نهادهای حاکم داشته باشند، مگر اینکه توسط قوانین قابل اعمال منع شده باشد."

آیین‌نامه رفتار ایفپی

(۸) سیزاک:

"(در صورتی که هیأت‌مدیره از خالقان و ناشران تشکیل شده باشد) [سازمان مدیریت جمعی] باید توازن بین خالقان از یک سو و ناشران از سوی دیگر را در هیأت‌مدیره خود حفظ کند. سازمان باید تعادل عادلانه‌ای را در هیأت‌مدیره خود بین گروه‌های مختلف خالقان آثار حفظ کند."

قوانین حرفه‌ای سیزاک (موسیقی و تصویری)

(۹) اسکاپر:

"سازمان‌های مدیریت جمعی اجراکنندگان^{۳۷۳} باید تحت کنترل دموکراتیک اعضا عمل کنند. آنها باید به روشی منصفانه و متعادل در روند تصمیم‌گیری انتخاب شوند."

ماده ۴،۱، آیین‌نامه رفتار اسکاپر

خلاصه نکات:

- (۱) قوانینی که اساس نمایندگی و اختیارات صاحبان حق را در روند تصمیم‌گیری سازمان مدیریت جمعی تعیین می‌کند باید صریح، منصفانه و متعادل باشد. به طور خاص، سازمان مدیریت جمعی باید عدالت را بین انواع گروه‌های صاحبان حق، رعایت کند.
- (۲) یک عضو سازمان مدیریت جمعی باید در هر یک از نهادهای تصمیم‌گیری، نظارتی یا مشورتی واجد شرایط مناصب مربوطه باشد، مشروط بر اینکه از شرایط مندرج در اساسنامه یا قانون برخوردار باشد.
- (۳) همه اعضا باید حق شرکت در جلسه عمومی سازمان مدیریت جمعی را داشته باشند.
- (۴) هرگونه محدودیت در حق عضو برای استفاده از حق رأی خود در جلسه عمومی سازمان مدیریت جمعی باید در اساسنامه لحاظ شود یا توسط قانون پیش‌بینی شده باشد و باید منصفانه و متناسب باشد.
- (۵) هر یک از اعضای سازمان مدیریت جمعی باید این حق را داشته باشد که عضوی دیگر را به عنوان نماینده برای حضور و رأی دادن در یک جلسه عمومی تعیین کند. اساسنامه سازمان مدیریت جمعی ممکن است به طور منطقی تعداد نمایندگی‌های هر عضو را محدود کند.

^{۳۷۳} Performers' collective management organisations (PMOs)

۴) موضوعات خاص مربوط به روابط سازمان مدیریت جمعی و عضو

۴-۱) ارائه اطلاعات مالی و اداری به اعضا

با توجه به نقش سازمان مدیریت جمعی در توزیع به موقع و کارآمد درآمدها، انتظار می‌رود سازمان مدیریت جمعی اطلاعات مربوط به نتایج مالی خود را به طور دقیق و به موقع به اعضای خود ارائه دهد. این اطلاعات باید بدون محدودیت در خصوص موارد زیر ارائه شود:

- درآمد ناخالص حقوق تقسیم شده بین بخش‌های اصلی؛
- هزینه‌های عملیاتی تقسیم شده بین بخش‌های اصلی؛
- کسورات اجتماعی و فرهنگی انجام شده؛
- مقدار توزیع‌های انجام شده.

هر دارنده حق ارائه باید اجازه داشته باشد، منابع مبالغ پرداختی مربوط به هر یک از آثار خود را بداند.

نمونه‌هایی در قوانین و مقررات

(۱) جامعه آند:

"سازمان‌های مدیریت جمعی باید متعهد شوند که حداقل سالانه، در رسانه‌ای با تیراژ ملی گسترده، ترازنامه و حساب‌های خود و همچنین تعرفه‌های عمومی برای استفاده از حقوقی را که نمایندگی می‌کنند، منتشر کنند و باید به طور کامل اطلاعات دوره‌ای دقیق در مورد کلیه فعالیت‌های آنها در انجمن که ممکن است در استفاده از حقوق اعضای مذکور تأثیر داشته باشد، به اعضای خود بدهند."

ماده (ح) و (ط) ۴۵، تصمیم شماره ۳۵۱

(۲) اکوادور:

"سازمان‌های مدیریت جمعی باید بدون اینکه به سایر تعهدات پیش‌بینی شده در اساسنامه آنها تخطی شود، موارد زیر را انجام دهند:

۱. حداقل سالانه ترازنامه و بیانیه درآمد را در روزنامه‌های ملی با تیراژ گسترده منتشر کنند؛
۲. اطلاعاتی کامل و دقیق در مورد تمام فعالیت‌های مربوط به اجرای حقوق اعضا را حداقل هر شش ماه به اعضای خود ارائه دهد."

"سازمان مدیریت جمعی باید به طور دائم، از نظر فیزیکی یا الکترونیکی بودجه سالانه، مقررات داخلی، گزارش‌های سالانه و گزارش‌های توزیع را در دسترس اعضا قرار دهد."

مواد ۲۴۹ و ۲۵۰، ۵، کد آلی در اقتصاد اجتماعی دانش، خلاقیت و نوآوری

(۳) جمهوری کره:

"یک متولی یا ذینفع می‌تواند بازرسی یا تکثیر کتب و سایر اسناد مربوط به عملکرد یا حسابداری امور تراست را از معتمد یا مدیر اموال تراست درخواست کند."

ماده ۴۰ (۱)، قانون تراست^{۳۷۴}

(۴) برزیل:

"انجمن‌های مدیریت جمعی کپی‌رایت باید در قبال مبالغی که به طور منظم و مستقیم به اعضا تعلق می‌گیرد، پاسخگو باشند."

ماده ۹۸، قانون کپی‌رایت و حقوق مرتبط

^{۳۷۴} Trust Act

"سازمان مدیریت جمعی باید اطلاعات ارائه شده در بندهای II و III این ماده را به روز کرده و در دسترس اعضای خود قرار دهد (پایگاه‌های داده صاحبان حق و آثار، آیین‌نامه‌ها و اصلاحات بعدی، صورتجلسات عمومی عادی و فوق‌العاده، توافق‌نامه نمایندگی متقابل با جوامع خواهر خارج از کشور، گزارش سالانه فعالیت‌ها، حساب‌های سالانه، گزارش در مورد هزینه اداری، گزارش حسابرس خارجی، مدل مدیریتی تفصیلی سازمان مدیریت جمعی، اطلاعات در مورد مدیران و حقوق آنها و غیره)."

بند ۶ ماده ۹۸، قانون کپی‌رایت و حقوق مرتبط

(۵) سنگال:

"کسورات قانونی - انجمن مدیریت جمعی می‌تواند مطابق با اساسنامه خود (مبالغی از درآمد) کسر کند تا بتواند فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی را تأمین کند، مشروط بر اینکه میزان این کسورات در حد مجاز اعمال حکمرانی خوب باقی بماند."

ماده ۱۲۰، قانون کپی‌رایت و حقوق مرتبط

(۶) پاراگوئه:

"نهادهای مدیریت موظفند از ارائه اطلاعات دوره‌ای به نفع اعضای خود در مورد فعالیت‌ها و معاملات ارگانی که ممکن است در استفاده از حقوق آنها تأثیر داشته باشد اطمینان حاصل کنند که این اطلاعات باید شامل ترازنامه عمومی هیأت‌مدیره و گزارش حسابرس و همچنین متن هر مصوبه‌ای که توسط نهادهای حاکمیت آنها تصویب شده، باشد. اطلاعات مشابه باید برای هم‌تایان خارجی که با آنها قرارداد نمایندگی در قلمرو ملی دارند، ارسال شود."

بند ۹ ماده ۱۴۲، قانون کپی‌رایت و حقوق مرتبط

(۷) مکزیک:

"سازمان‌های مدیریت جمعی باید اهداف زیر را داشته باشند: ۱- حقوق اقتصادی اعضای خود را اجرا و اعمال

کنند. ۲- مجموعه‌های آثار مدیریت شده را در دفاتر خود در دسترس کاربران قرار دهند."

ماده ۲۰۲ قانون فدرال کپی‌رایت

(۸) ونزوئلا:

"ماده ۳۰: سازمان‌های مدیریت جمعی به منظور انجام تعهدات خود و تأمین نیازهای حسابرسی خود باید (...):

۹. به توزیع حق تالیف جمع‌آوری شده مطابق با قوانین توزیع آنها، همراه با کسر درصد مورد نیاز برای تأمین هزینه‌های اداری، حداکثر تا حد قانونی و یک مقدار اضافی تا آستانه مجاز، که فقط برای فعالیت‌های رفاهی استفاده می‌شود یا خدماتی که به نفع اعضای آنها است، بپردازند.

مطابق با اصل توزیع عادلانه بین صاحبان حق و بر اساس استفاده مؤثر از آثار، اجراها یا فونوگرام‌ها، حسب مورد از سیستم‌های توزیعی استفاده کنند که مانع خودرایی شود^{۳۷۵}.

۱۰. با انتشار یک نشریه منظم در مورد فعالیت‌های سازمان مدیریت جمعی که ممکن است مربوط به استفاده از حقوق اعضا یا مشتریان آن باشد، اطلاعات لازم را برای اعضای خود فراهم کنند."

ونزوئلا، مقررات اجرایی ۱۹۹۷

(۹) اتحادیه اروپا:

"یک سازمان مدیریت جمعی باید حداقل هر سال یک بار اطلاعات زیر را در دسترس هر دارنده حق که به او حقوقی اختصاص داده یا در دوره‌ای که به او پرداخت می‌کند، قرار دهد:

• هرگونه اطلاعات تماس که دارنده حق به سازمان مدیریت جمعی اجازه داده است تا از آن به منظور

شناسایی و تعیین محل زندگی مالک حق استفاده کند؛

^{۳۷۵} سیستم توزیع درآمد در سازمان مدیریت جمعی باید تا حد ممکن دقیق و براساس استفاده واقعی از آثار هر عضو صورت گیرد و به گونه ای نباشد که دست سازمان برای تقسیم به میل و سلیقه شخصی باز باشد.

- درآمد حقوق منسوب به دارنده حق؛
- مبالغی که سازمان مدیریت جمعی به دارنده حق برای هر دسته از حقوق مدیریت شده و هر نوع استفاده پرداخت می‌کند؛
- دوره‌ای که استفاده در آن صورت گرفته و مبلغی به دارنده حق نسبت داده و پرداخت شده است، مگر اینکه دلایل عینی مربوط به گزارش کاربران باشد که از ارائه این اطلاعات توسط سازمان مدیریت جمعی جلوگیری شود؛
- کسر هزینه‌های مدیریت؛
- کسوراتی که برای هر منظور دیگری غیر از هزینه‌های مدیریت انجام می‌شود از جمله مواردی که ممکن است طبق قانون ملی برای ارائه خدمات اجتماعی، فرهنگی یا آموزشی لازم باشد؛
- هرگونه درآمد حقوق منسوب به دارنده حق در هر دوره که توزیع آن معوق مانده است."

ماده ۱۸، دستورالعمل اتحادیه اروپا ۲۶/۲۰۱۴ / EU

(۱۰) بلژیک:

"بدون تعرض به هر گونه اطلاعاتی که باید مطابق با قوانین و اساسنامه‌ها ابلاغ شود، هر [عضو] یا نماینده او می‌تواند در مدت یک ماه از تاریخ درخواست خود، کپی اسناد سه سال آخر را در مورد موضوعات زیر درخواست کند:

- حساب‌های سالانه مورد تأیید مجمع عمومی و ساختار مالی انجمن؛
- یک فهرست به روز از مدیران؛
- گزارش‌هایی که توسط شورای اداری و حسابرس به جلسه داده می‌شود؛

- متن و بیانیه دلایل قطعنامه‌های پیشنهادی به جلسه عمومی و هرگونه اطلاعات در مورد نامزدهای شورای اداری؛
- مبلغ کلی پاداش، هزینه‌های یکجا و مزایای هر نوع وجهی که به مدیران پرداخت شده و توسط حسابرس تأیید شده است؛
- تعرفه‌های به روز انجمن (سازمان جمعی)؛
- تخصیص حق تالیف‌هایی که در وهله اول نمی‌تواند بین صاحبان حق توزیع شود (درآمد حق فروش مجدد غیرقابل توزیع و به طور کلی درآمد غیرقابل توزیع)."

قانون حقوق اقتصادی بلژیک، کتاب XI، عنوان ۵

(۱۱) سیزاک

"در هر سال تقویمی، هر - سازمان مدیریت جمعی - باید موارد زیر را در دسترس هر یک از [اعضای] خود قرار دهد:

- گزارش سالانه مربوط به سال مالی که بلافاصله مقدم بر چنین سال تقویمی است؛
- خلاصه‌ای از درآمد داخلی و بین‌المللی آن در رابطه با سال مالی که بلافاصله مقدم بر چنین سال تقویمی است؛
- توضیح واضح درباره هدف و مقدار تمام هزینه‌هایی که از حق امتیاز ناشی از این [عضو] انجام می‌دهد؛
- توضیح واضحی از قوانین توزیع آن."

قوانین حرفه‌ای سیزاک

(۱۲) اسکاپر

"سازمان‌های مدیریت جمعی اجراکنندگان^{۳۷۶} باید نسبت به اعضای خود پاسخگو و شفاف باشند و کلیه اطلاعات مربوط به فعالیت‌های سازمان، به ویژه مدیریت آن، شرایط جمع‌آوری و توزیع حق‌الزحمه، از جمله روابط خود با سازمان‌های خواهر در کشورهای دیگر را در اختیار اجراکنندگان قرار دهند."

آیین‌نامه رفتار اسکاپر

خلاصه نکات:

- ۱) سازمان مدیریت جمعی باید به اعضای خود (در صورت امکان به صورت الکترونیکی) اطلاع دهد که گزارش سالانه آن، از جمله صورت سود و زیان و اطلاعات دقیق در مورد مجموعه‌های خود، هزینه‌های عملیاتی و کسورات، در وبسایت سازمان یا از طریق سایر روش‌های معقول دیگر در دسترس است.
- ۲) سازمان مدیریت جمعی باید فهرستی از اعضای هیأت‌مدیره و مقوله‌ای را که هر کدام نمایندگی می‌کنند، به یک دارنده حق ارائه دهد. سازمان مدیریت جمعی همچنین باید اطلاعات مربوط به میزان کل پاداش و سایر مزایای پرداختی به اعضای هیأت‌مدیره و تیم مدیریتی آن را در دسترس قرار دهد.
- ۳) سازمان مدیریت جمعی باید اطلاعات موجود را (در صورت امکان به صورت الکترونیکی) برای هر عضوی که حقوق درآمد را به آنها نسبت داده یا در دوره‌ای که اطلاعات مربوط به آنهاست و حق توزیع را دارد، پرداخت کند. این اطلاعات باید شامل موارد زیر باشد:

الف) صورت هزینه‌های منسوب به این عضو، شامل اطلاعات مربوط به هزینه‌های عملیاتی و

کسورات و مبالغی که متعاقباً به دارنده حق پرداخت می‌شود؛

ب) تجزیه درآمد حقوق برای هر دسته اصلی از حقوق مدیریت شده و هر نوع استفاده؛

^{۳۷۶} performers' collective management organisations (PMOs)

ج) تمایز بین درآمد حقوق به دست آمده در سطح ملی و حقوق درآمد دریافت شده بر اساس توافق‌نامه‌های نمایندگی؛

د) اطلاعات مبالغی که به دارنده حق نسبت داده می‌شود و برای دوره مربوطه معوق است.

سازمان مدیریت جمعی باید قوانین توزیع را در صورت امکان از طریق الکترونیکی در اختیار اعضای خود قرار دهد.

۲-۴) اطلاع‌رسانی درباره تغییرات در اساسنامه سازمان مدیریت جمعی و سایر قوانین مربوطه

سازمان مدیریت جمعی باید برای اعضای خود در مورد تغییرات اساسنامه و سایر تغییرات مربوطه که ممکن است بر حقوق و / یا تعهدات اعضا تأثیر بگذارد، اطلاع‌رسانی کند. سایر صاحبان حق که ممکن است اعضای سازمان مدیریت جمعی نباشند، باید از هر تغییری که ممکن است بر حقوق و / یا تعهدات آنها تأثیر بگذارد، مطلع شوند.

نمونه‌هایی در قوانین و مقررات

برزیل:

"سازمان‌های مدیریت جمعی اطلاعات ارائه شده در بندهای ۲ و ۳ این ماده را [که صریحاً شامل آیین‌نامه و اصلاحات بعدی می‌شود] به روز و در دسترس اعضای خود قرار می‌دهند."

ماده ۹۸-الف، قانون کپی‌رایت و حقوق مرتبط

خلاصه نکات:

سازمان مدیریت جمعی باید در صورت امکان به صورت الکترونیکی، به هر یک از اعضا در مورد تغییرات مهم در مقررات مربوط به نمایندگی در بخش‌های اصلی مدیریتی سازمان، شرکت در جلسات، حق رأی و سایر موارد حاکمیتی سازمان اطلاع دهد.

۳-۴) اطلاعات تماس سازمان مدیریت جمعی

برای ارتباط مؤثر بین سازمان مدیریت جمعی و اعضای آن ضروری است که اطلاعات تماس به صورت کامل و جامع در دسترس و به روز باشد.

نمونه‌هایی در قوانین و مقررات

(۱) انگلستان:

"سازمان مدیریت جمعی باید علائم راهنمای مشخصی برای نحوه تماس با سازمان مدیریت جمعی، آدرس(های) پستی، آدرس‌های ایمیل، شماره تلفن، نامبر و سایر روش‌های ارتباطی ارائه دهد."

اصول عملکرد خوب بی سی سی برای سازمان‌های مدیریت جمعی^{۳۷۷}

(۲) اوگاندا:

"(۱) هر انجمن ثبت شده باید یک آدرس ثبت شده داشته باشد که اعلان‌ها و ارتباطات بتواند به آن ارسال شود، و هر تغییر در آدرس ثبت شده خود را ظرف یک ماه پس از تغییر به مدیر ثبت اطلاع دهد. (۲) هر انجمن ثبت شده باید نام و آدرس خود را بر روی تابلویی در موقعیتی آشکار در خارج از محل کار خود قرار دهد."

ماده ۵۸، قانون کپی‌رایت و حقوق مرتبط، ۲۰۰۶

خلاصه نکات:

^{۳۷۷} BCC Principles of Good Practice for Collective Management Organizations

سازمان مدیریت جمعی باید:

(الف) اطلاعات تماس مربوط به خود را در دسترس اعضا قرار دهد از جمله: آدرس پستی، آدرس ایمیل، تلفن و در صورت وجود شماره نمابر و ...

(ب) ساعات اداری و روزهای هفته را که در طی آن می‌توان با سازمان مدیریت جمعی تماس گرفت، تعیین کند.

۵) رابطه بین سازمان‌های مدیریت جمعی

سازمان‌های مدیریت جمعی خارج از مرز کشور، بر اساس توافق‌نامه‌های نمایندگی همکاری می‌کنند. ضرورت اساسی چنین همکاری‌هایی این است که سازمان مدیریت جمعی با اعضای سازمان مدیریت جمعی خارج از کشور عادلانه رفتار کند و تبعیض قائل نشود. سازمان‌های مدیریت جمعی باید تمام اطلاعاتی را که ممکن است به انجام امور اجرایی کمک کند، به یکدیگر ارائه دهند.

نمونه‌هایی در قوانین و مقررات

(۱) جامعه آند:

"سازمان‌های مدیریت جمعی باید متعهد شوند که اعضای سایر انجمن‌های مدیریت جمعی از همان نوع اعم از ملی و خارجی را که قبلاً صریحاً از عضویت در این مورد صرف نظر نکرده‌اند، بپذیرند."

ماده ۴۵ (k)، تصمیم شماره ۳۵۱

(۲) کلمبیا:

"سازمان‌های مدیریت جمعی مسئولیت انعقاد قرارداد با انجمن‌های مدیریت جمعی خارجی را دارند که در همان حیطه فعالیت یا مدیریت می‌کنند." "اعضای خارجی که حقوق آنها توسط یک انجمن مدیریت جمعی کپی رایت و حقوق مرتبط اداره می‌شود، مستقیم یا بر اساس توافق‌نامه‌هایی با انجمن‌های همتای خارجی برای

مدیریت جمعی کپی رایت و حقوق مربوطه که نماینده مستقیم آن اعضا هستند؛ همانند اعضای که تبعه کشور هستند یا اقامت معمول خود را در آنجا دارند و اعضای انجمن مدیریت جمعی هستند یا توسط آن نمایندگی می‌شوند، همان رفتار را خواهند داشت."

مواد (۱۳۶) و (۱۴۶)، قانون شماره ۴۴

(۳) چین:

"یک فرد خارجی یا بدون تابعیت می‌تواند از طریق یک سازمان مشابه خارج از کشور که یک قرارداد نمایندگی متقابل با یک سازمان مدیریت جمعی کپی رایت منعقد کرده است، به سازمان چین اجازه دهد کپی رایت یا حقوق مرتبط را که طبق قانون در قلمرو چین برخوردار است، اداره کند.

اصطلاح "قرارداد نمایندگی متقابل" در پاراگراف قبلی به معنای توافق‌نامه‌ای است که در آن یک سازمان مدیریت جمعی کپی رایت چینی و یک سازمان مشابه خارج از کشور متقابلاً طرف دیگر را مجاز به انجام فعالیت‌های اداره جمعی کپی رایت در کشور یا منطقه‌ای که طرف دیگر است، می‌کند.

یک نسخه از توافق‌نامه‌های نمایندگی متقابل که بین یک سازمان مدیریت جمعی کپی رایت چینی و یک سازمان مشابه خارج از کشور منعقد شده است، برای ثبت به اداره مدیریت کپی رایت شورای دولتی ارسال می‌شود و توسط این بخش منتشر می‌شود."

ماده ۲۲، آیین‌نامه اداره کل کپی رایت

(۴) آلمان:

"بخش ۴۴ - توافق‌نامه نمایندگی؛ منع تبعیض

در صورتی که یک انجمن جمع‌آوری، به یک انجمن جمع‌آوری دیگر برای مدیریت حقوق اختیار بدهد (قرارداد نمایندگی)، انجمن جمع‌آوری موظف ممکن است حقوقی را که بر اساس قرارداد نمایندگی مدیریت می‌کند، مورد تبعیض قرار ندهد.

بخش ۴۵ - کسر

انجمن جمع‌آوری مجاز می‌تواند از درآمد حاصل از حقوقی که تحت قرارداد نمایندگی مدیریت می‌کند غیر از هزینه‌های مدیریت فقط در مواردی که انجمن جمع‌آوری صریحاً با آن موافقت کرده باشد، کسر کند."

بخش‌های ۴۴ و ۴۵ قانون انجمن‌های جمع‌آوری ۱

(۵) نیجریه:

"۱۸. اقدامات غیراخلاقی

(۱) رفتار یا عملکردهای زیر توسط سازمان مدیریت جمعی غیراخلاقی تلقی می‌شود (...):

ه) وادار کردن کاربری که در مرحله مذاکره برای مجوز با انجمن دیگر یا صاحب حق است تا از انجام مراحل صدور مجوز خودداری کند.

و) عدم در دسترس قرار دادن اطلاعات مورد نیاز هر سازمان مدیریت جمعی دیگر که منطقاً برای استفاده موثر از حقوق آثار موجود در مجموعه سازمان لازم است. چنین اطلاعاتی می‌تواند شامل موارد زیر باشد:

اول. اطلاعات مربوط به نویسنده‌ای که آثاری را به هر دو سازمان مدیریت جمعی اختصاص داده است.

دوم. اطلاعاتی که توسط یک سازمان مدیریت جمعی نگهداری می‌شود و ممکن است به مدیریت جمعی درخواست‌کننده در محاسبه و توزیع عادلانه حق امتیاز کمک کند؛

سوم. اطلاعات مربوط به قرارداد نمایندگی متقابل موجود در صورت وجود در هر یک از سازمان‌های مدیریت جمعی."

مقررات سازمان مدیریت جمعی (f) & (e) (1) 18، 2007

(۶) ایفررو

"سازمان مدیریت جمعی [اطلاعاتی را به] سازمان مدیریت جمعی دیگر ارائه می‌دهد که کامل، منطبق با واقع، روشن و قابل فهم باشد."

آیین‌نامه رفتار ایفررو

(۷) سیزاک

"در هر سال تقویمی، هر یک از اعضا باید گزارش سالانه مربوط به سال مالی را که بلافاصله مقدم بر چنین سال تقویمی است، در اختیار هر انجمن خواهر قرار دهد."

قوانین حرفه‌ای سیزاک

(۸) ایفررو

"هر سازمان حق تکثیر، طبق توافق‌نامه دو جانبه در صورت درخواست سازمان حق تکثیر دیگر و با رعایت شروط محرمانگی، اسناد، اطلاعات و سوابقی که ممکن است به آن سازمان در انجام تعهدات خود کمک کند، را در دسترس آن قرار می‌دهد."

"هر توزیع توسط یک سازمان مدیریت جمعی به سازمان مدیریت جمعی دیگر باید حداقل یک بار در سال انجام شود."

"هر سازمان مدیریت جمعی با توجه به اساسنامه و یا قوانین برنامه‌های توزیع آن و / یا بر اساس قراردادهای یا سایر توافق‌نامه‌ها با صاحبان حق یا سازمان‌های نمایندگی آنها، در صورت مجاز بودن یا درخواست توسط قانون ملی یا سایر مقامات حاکم، می‌تواند از درآمد جمع‌آوری شده موارد زیر را کسر کند:

- تخصیص برای عملیات سازمان مدیریت جمعی؛
- تخصیص برای اهداف اجتماعی و / یا فرهنگی؛ و / یا
- کسر مالیات، به عنوان مثال نگه داشتن مالیات.

آیین‌نامه رفتار ایفررو

(۹) سیزاک

"هر سازمان مدیریت جمعی باید [...] مستندات مربوط به حوزه‌های زیر را دقیق و به روز کند:

- کارنامه آن؛
- حقوقی که موظف است نسبت به چنین مجموعه‌ای اجرا کند؛ و
- سرزمینی که در آن موظف است چنین مجموعه‌هایی را اداره کند."

"هر یک از اعضا (در اینجا: سازمان حقوق موسیقی) باید هرگونه حق امتیاز ناشی از انجمن‌های خواهر یا اعضای وابسته خود [...] را در اسرع وقت پس از جمع‌آوری و در هر صورت حداقل یک بار در سال توزیع کند."

"سازمان مدیریت جمعی پاداش دریافتی را به این صورت توزیع می‌کند:

- به صورت کارآمد، دقیق و سریع در حالی که استفاده واقعی را تا آنجا که ممکن است تقریب می‌زند.
- به صورت شفاف نحوه و دفعات پرداخت را با جزئیات کافی توضیح می‌دهد."

قوانین حرفه‌ای سیزاک

(۱۱) اسکاپر:

"سازمان‌های مدیریت جمعی اجراکنندگان باید تماس و همکاری مداوم با سایر سازمان‌های اجراکنندگان را حفظ کنند."

"الزام به انعقاد موافقت‌نامه‌های متقابل با جوامع خواهر در خارج از کشور و تبادل اطلاعات و پاداش مطابق با قانون رفتار."

مواد ۱۴-۱۲، آیین‌نامه رفتار اسکاپر

"در یک توافق متقابل، طرفین متعهد هزینه‌های خود را که در اجرای توافق انجام شده است، تأمین می‌کنند و در صورت کسر هزینه بیشتر توسط طرف پذیرنده، هر دو طرف در مورد شرایط خاص و روشی که چنین مواردی کسر خواهد شد، توافق می‌کنند."

ماده ۷، قانون رفتار اسکاپر

خلاصه نکات:

(۱) روابط بین یک سازمان مدیریت جمعی با سازمان مدیریت جمعی دیگر باید توسط توافق‌نامه نمایندگی آنها اداره شود.

(۲) سازمان مدیریت جمعی باید اطلاعاتی را به سازمان مدیریت جمعی دیگر ارائه دهد که کامل، منطبق با واقعیت، روشن و قابل فهم باشد.

(۳) سازمان مدیریت جمعی باید جدیدترین گزارش سالانه و سایر اطلاعات مربوط را به سازمان مدیریت جمعی دیگر ارائه دهد.

(۴) سازمان مدیریت جمعی باید پاداش دریافتی را به صورت جدی، سریع و مؤثر به سازمان مدیریت جمعی دیگر تسری دهد.

۵) سازمان مدیریت جمعی باید سازمان مدیریت جمعی دیگر را در مورد سیاست‌های کسر خود و هرگونه تغییر در آن آگاه سازد.

۶) سازمان مدیریت جمعی باید در صورت درخواست، مستندات دقیق و به روز مربوط به مجموعه خود، حقوقی که مدیریت می‌کند و قلمرو مدیریت مربوط به آنها را در اختیار سازمان مدیریت جمعی دیگر قرار دهد.

۶) رابطه بین سازمان مدیریت جمعی و کاربر

۶-۱) اطلاعات سازمان مدیریت جمعی به کاربران

با توجه به اینکه همه کاربران بالقوه قادر به تصمیم‌گیری آگاهانه در مورد مزایای یک مجوز مناسب هستند، سازمان مدیریت جمعی باید اطلاعاتی را در اختیار کاربران قرار دهد که جنبه‌های اصلی سیاست‌های صدور مجوز را توضیح دهد.

نمونه‌هایی در قوانین و مقررات

(۱) اکوادور:

"سازمان‌های مدیریت جمعی باید دارای یک پایگاه داده به روز شده و در دسترس عموم باشند که دارای اطلاعات دقیق و شفاف در مورد آثار، اجراها، پخش‌ها یا فونوگرام‌هایی است که کپی‌رایت یا حقوق مرتبط آنها را مدیریت می‌کنند، و همچنین نام اعضای آنها و نمایندگان ملی و خارجی را نشان می‌دهد:

(۱) هر اثر، اجرا، پخش یا فونوگرام که در رابطه با هر دارنده حق ارائه می‌دهند؛

(۲) تعرفه‌ها برای هر نوع استفاده و دسته‌بندی کاربر؛

(۳) موارد گزارش شده برای هر اثر؛

(۴) روش اعمال شده در توزیع."

ماده ۲۵۰، قانون آلی اقتصاد اجتماعی دانش، خلاقیت و نوآوری

(۲) برزیل:

"سازمان مدیریت جمعی باید یک پایگاه داده متمرکز از کلیه قراردادها، اظهارات یا اسناد با هر نوع ماهیتی داشته باشد که مؤلف، مالک آثار و فونوگرام‌ها را ثابت می‌کند، و همچنین مشارکت شخصی در هر اثر و در هر فونوگرام را نشان می‌دهد، از جعل داده‌ها یا هر نوع کلاهبرداری‌های دیگر جلوگیری می‌کند، و از عناوین آثار مشابه ابهام زدایی می‌کند."

"اطلاعات ارائه شده در بند ۶ جزو منافع عمومی است و دسترسی به آن از طریق الکترونیکی به هر شخص علاقه مند بصورت رایگان اعطا می‌شود و به وزارت فرهنگ اجازه دسترسی دائم و کامل به این اطلاعات را می‌دهد."

ماده ۹۸(۶) و ۹۸(۷)، قانون کپی‌رایت و حقوق مرتبط

(۳) اروگوئه

تعهدات انجمن‌های جمع‌آوری: "(۵) تعرفه‌های عادلانه و منصفانه‌ای تعیین می‌کند که پاداش لازم را برای استفاده از کارنامه آنها، چه برای صاحبان حق ملی یا خارجی، اعم از مقیم بودن یا نبودن در جمهوری، و نگه داشتن چنین تعرفه‌هایی برای عموم افراد، تعیین می‌کنند."

ماده ۲۱، قانون کپی‌رایت ۱۷,۶۱۶

(۴) چین

"یک کاربر باید هنگام پرداخت هزینه‌های صدور مجوز به یک سازمان مدیریت جمعی دارای کپی‌رایت، اطلاعات مربوط به استفاده خاص مانند عنوان آثار استفاده شده، فونوگرام یا فیلم و غیره، نام یا عنوان حق، صاحبان، و همچنین نحوه، مقدار و زمان استفاده را در اختیار آن سازمان قرار دهد مگر اینکه در قرارداد صدور مجوز پیش‌بینی شده باشد.

هرگاه اطلاعات ارائه شده توسط کاربر شامل اسرار تجاری وی باشد، سازمان مدیریت جمعی کپی‌رایت موظف به حفظ اسرار است."

ماده ۲۷، مقررات مدیریت جمعی کپی‌رایت

(۵) نیجریه:

"ماده (۴) ۸

هرگاه سازمان مدیریت جمعی به دنبال تغییر در نرخ تعرفه برای هر دسته از کاربران باشد، باید این موضوع را به کاربران مذکور از طریق رسانه‌ای که امکان دسترسی عمومی آنها وجود دارد، اطلاع دهد."

نیجریه، مقررات سازمان مدیریت جمعی، ۲۰۰۷

(۶) جمهوری کره:

"در صورتی که کاربر کتباً درخواست کند، ارائه دهنده خدمات تراست کپی‌رایت باید اطلاعات تحت مدیریت خود را برای انعقاد قرارداد بهره‌برداری از آثار و غیره، در مدت زمان معقول به طور مکتوب تأمین کند، مگر اینکه دلایل موجهی برخلاف آن وجود داشته باشد.

۱. فهرست آثار و غیره؛

۲. دوره توافق تراست با دارنده حقوق مادی مؤلف اثر مربوطه و غیره؛

۳. شرایط بهره‌برداری مانند حق امتیاز و قرارداد استاندارد."

ماده ۱۰۶، قانون کپی‌رایت و ماده ۵۱، آیین‌نامه اجرای قانون کپی‌رایت

(۷) انگلستان:

"هر سازمان مدیریت جمعی باید بسته جامعی از اطلاعات مجوز را در اختیار کاربر خود قرار دهد و در صورت مرتبط بودن، نحوه دسترسی به جزئیات بیشتر را به کاربر اطلاع دهد. این ارتباطات باید شامل موارد زیر باشد:

- توضیح در مورد حقوق اداره شده توسط سازمان مدیریت جمعی؛
 - صاحبان حق که سازمان مدیریت جمعی از طرف آنها عمل می‌کند؛
 - توضیح مبانی اختیار عمل (به عنوان مثال توافق‌نامه‌های عضویت و غیره)؛
 - خلاصه‌ای از طرح‌های صدور مجوز، شرایط و ضوابط و تعرفه‌ها؛
 - توضیحی که در آن می‌توان جزئیات بیشتری را یافت تا تصویری کامل از کل توافق‌نامه‌ای که ممکن است دارنده پروانه در آن وارد شود، شامل اطلاعات مربوط به هرگونه طرح(های) مجوز مرتبط یا مجوزهایی که توسط سایر سازمان‌های مدیریت جمعی یا صاحبان حق اداره می‌شود؛
 - در صورت لزوم، نحوه مذاکره شفاف‌سازی شود؛ (به عنوان مثال با یک انجمن تجاری مربوط)
 - توضیح چگونگی و زمان بررسی شرایط و ضوابط؛
 - اطلاع دادن این موضوع که آیا مجوزها به سازمان مدیریت جمعی اختیاراتی برای بازدید از محل مجوز برای اهداف مورد نظر می‌دهند یا خیر، و در این صورت نحوه اعمال این اختیارات و چگونگی مشاوره دادن به مجوز گیرندگان در مورد تغییرات یا تحولات جدید که مؤثر بر الزامات صدور مجوز آنها باشد.
- (از جمله تغییر در تعرفه‌ها یا هزینه‌ها)

اصول عملکرد خوب بی‌سی‌سی برای سازمان‌های مدیریت جمعی

(۸) استرالیا:

"سازمان مدیریت جمعی باید موارد زیر را در دسترس [کاربران] و مجوزگیرندگان بالقوه قرار دهند:

- اطلاعات مربوط به مجوزها یا زمینه‌های صدور مجوز توسط انجمن جمع‌آوری، از جمله شرایط و ضوابط اعمال شده در مورد آنها، و همچنین در مورد نحوه جمع‌آوری حق‌الزحمه و / یا مجوز توسط انجمن جمع‌آوری برای استفاده از آثار دارای کپی‌رایت؛ و

- تا آنجا که به طور منطقی می‌تواند با توجه به پیچیدگی مسائل حقوقی که لزوماً درگیر آن هستند، اطمینان حاصل کند که کلیه پروانه‌های ارائه شده توسط انجمن جمع‌آوری به گونه‌ای تهیه می‌شود که برای [کاربران] کاملاً قابل فهم و همراه با مطالب توضیحی عملی و مناسب باشد."

آیین‌نامه رفتار انجمن‌های جمع‌آوری کپی‌رایت استرالیا

(۹) اسکاپر

"سازمان‌های مدیریت جمعی باید با توجه به کاربران و عموم مردم به طور منسجم و شفاف عمل کنند."

ماده ۱۱، قانون رفتار اسکاپر

خلاصه نکات:

سازمان مدیریت جمعی در صورت لزوم اطلاعات زمینه‌ای مربوط به مجوزها و برنامه‌های صدور مجوز را (در صورت امکان به صورت الکترونیکی) در اختیار کاربر قرار می‌دهد. این اطلاعات باید شامل موارد زیر باشد:

الف) مرجع قانونی تأسیس سازمان مدیریت جمعی، توضیحی درباره حقوق تحت مدیریت سازمان مدیریت جمعی و دسته‌های صاحبان حق که سازمان مدیریت جمعی از طرف آنها عمل می‌کند؛

ب) در صورت امکان فهرستی از آثار و حقوق فرعی در مجموعه آن که در اختیار صاحبان پروانه قرار دارد؛

(ج) خلاصه‌ای از تعرفه‌های مربوطه؛

(د) شرح شرایط مجوز و روش‌های رسیدگی به حساب‌ها؛

(ه) جزئیات مربوط به چگونگی لغو یک مجوز توسط مجوز دیگر، هرگونه مقررات اخطار که ممکن است اعمال شود، و تا زمانی که ممکن است حق لغو ادامه یابد.

۲-۶) اصول حاکم بر صدور مجوز برای کاربران

تجربه نشان می‌دهد که یک رویکرد باز و حرفه‌ای، درک سیاست‌های صدور مجوز سازمان مدیریت جمعی را برای کاربران آسان‌تر می‌کند و به سازمان مدیریت جمعی اجازه می‌دهد خود را به روشی مؤثر و سازنده به بازار عرضه کند. بنابراین مدیران سازمان مدیریت جمعی باید با همه کاربران بالقوه به روشی منصفانه، حرفه‌ای و بدون تبعیض رفتار کنند.

قوانین رقابت یا سایر سازوکارهای قانونی با توجه به موقعیت مشترک آنها به عنوان بازیگران غالب بازار، معمولاً تعهدات ویژه‌ای از رفتار منصفانه و معقول را به سازمان مدیریت جمعی تحمیل می‌کنند. چنین تعهداتی ممکن است شامل قیمت‌گذاری بدون تبعیض و منصفانه و ممنوعیت شرایط قراردادی نامعقول باشد.

نمونه‌هایی در قوانین و مقررات

(۱) استرالیا:

"هر سازمان مدیریت جمعی (با کاربران) منصفانه، صادقانه، بی‌طرفانه، مؤدبانه و مطابق با قانون اساسی خود و هرگونه توافق‌نامه لیسانس، رفتار خواهد کرد."

آیین‌نامه رفتار انجمن‌های جمع‌آوری کپی‌رایت استرالیا

(۲) اکوادور:

"ماده ۲۵۱. تعرفه‌ها - سازمان‌های مدیریت جمعی باید نرخ‌های معقول، عادلانه و متناسبی را برای استفاده از آثار، نمایش‌ها، پخش‌ها یا فونوگرام‌های گنجانده شده در مجموعه‌های مربوطه تعیین کنند.

[...]

توجه به این نکته مهم است که سازمان مدیریت جمعی مجاز به مذاکره با انجمن‌های صنفی یا اتحادیه‌ها برای تعیین تعرفه‌ها برای استفاده‌های خاص است.

ماده ۲۵۲. انعقاد قراردادها - "سازمان‌های مدیریت جمعی می‌توانند با انجمن‌های کاربران یا اتحادیه‌هایی که تعرفه‌هایی را برای استفاده‌های خاص تعیین می‌کنند، قرارداد منعقد کنند. هر شخص علاقه‌مند می‌تواند با درخواست کتبی از نهاد مدیریت مربوطه، از این تعرفه‌ها استفاده کند."

کد آلی در اقتصاد اجتماعی دانش، خلاقیت و نوآوری

(۳) بلژیک:

"هر شخصی که منافع مشروع داشته باشد مستحق مشورت در خصوص همه مجموعه‌های اداره شده توسط سازمان مدیریت جمعی، در محل سازمان مدیریت جمعی یا به صورت کتبی است. شخصی که کتباً سوال می‌کند که آیا کار خاصی بخشی از برنامه سازمان مدیریت جمعی است، حداکثر سه هفته پس از ارسال درخواست، یک پاسخ کتبی و جامع دریافت می‌کند."

قانون حقوق اقتصادی بلژیک، کتاب ۱۱، عنوان ۵

(۴) اتحادیه اروپا:

"شرایط صدور مجوز باید بر اساس معیارهای معقول و عینی [به ویژه در رابطه با تعرفه‌ها] باشد."

ماده ۱۲، دستورالعمل اتحادیه اروپا ۲۰۱۴/۲۶ EU

(۵) سیزاک:

"سازمان مدیریت جمعی نباید به طور غیرقابل توجیهی بین کاربران تبعیض قائل شود."

"هر سازمان مدیریت جمعی باید مجوزها را بر اساس معیارهای عینی اعطا کند، مشروط بر اینکه ملزم به اعطای مجوز به کاربرانی نباشد که قبلاً از رعایت چنین شرایط و ضوابط مجوز انجمن موسیقی برخوردار نبوده‌اند."

قوانین حرفه‌ای سیزاک

خلاصه نکات:

(۱) سازمان مدیریت جمعی باید مطابق با اساسنامه خود و مطابق با شرایط توافق‌نامه مجوز مربوطه، با کاربران منصفانه رفتار کند.

(۲) سازمان مدیریت جمعی باید به کاربران بر اساس معیارهای معقول، منصفانه و بدون تبعیض، با در نظر گرفتن قانون ملی کپی‌رایت، از جمله محدودیت‌ها و استثنای قابل اجرا، مجوز دهد.

(۳) اگر برای صدور مجوز به تأیید قبلی دارنده حق نیاز باشد، سازمان مدیریت جمعی باید تلاش معقول خود را برای تسریع در روند تأیید انجام دهد.

(۴) روش عمل بی‌طرفانه، منصفانه و بر اساس معیارهای عینی به سازمان مدیریت جمعی اجازه می‌دهد از اعطای مجوز به کاربر به دلایل معقول خودداری کند، مانند این که آن کاربر بارها و بارها به تعهدات قراردادی خود با آن سازمان مدیریت جمعی عمل نکرده باشد، یا بارها و بارها هرگونه تعهدات قانونی را در مورد حقوق مدیریت شده توسط آن سازمان مدیریت جمعی نقض کرده است.

(۵) اگر سازمان مدیریت جمعی از اعطای مجوز امتناع ورزد، باید یک بیانیه کتبی در مورد دلیل آن و روش تجدیدنظر از تصمیم مذکور در یک بازه زمانی معقول را ارائه دهد.

۶) از کاربران انتظار می‌رود با مسئولیت‌پذیری عمل کنند، اطلاعات دقیق و به موقع را ارائه دهند و با حسن‌نیت مذاکره کنند. در مواردی که امضاکننده مجوز، شخصی غیر از دپارتمان مسئول مدیریت روزانه مجوز باشد، آن بخش باید از نزدیک در مذاکرات مجوز شرکت کند.

۳-۶) قوانین تعیین تعرفه‌ها

وقتی سازمان مدیریت جمعی تعرفه‌ها را تعیین می‌کند، یک اصل کلیدی این است که معیارهای آنها باید روشن و منطقی بوده و قیمت مجوز صادر شده منصفانه و عادلانه باشد. به عنوان مثال یک سازمان مدیریت جمعی می‌تواند پیشنهادهای تعرفه‌ای خود را بر اساس تحقیقات اقتصادی مستقل در مورد ارزش اقتصادی حقوق مورد بحث در بازارهای مربوطه تعیین کند. هنگام ارزیابی ارزش منصفانه مجوز سازمان مدیریت جمعی، تمام جنبه‌های معامله باید در نظر گرفته شود از جمله ارزش حقوق و سودی که مجوزهای جمعی با کاهش تعداد معاملات صدور مجوز برای کاربران ایجاد می‌کند.

نمونه‌هایی در قوانین و مقررات

(۱) ژاپن:

" (۱) یک متصدی کسب و کار مدیریت باید قوانین حق امتیاز را که حاوی موارد زیر است مشخص کند و گزارش قبلی خود را به کمیساریای آژانس امور فرهنگی ارائه دهد. در مواردی که اپراتور قصد تغییر قوانین را دارد، همین قواعد اعمال می‌شود:

اول) نرخ حق امتیاز برای هر بخش بهره‌برداری مطابق با استاندارد تعیین شده توسط دستورالعمل وزارت آموزش و علوم تعیین شده است. ("بخش بهره‌برداری" به معنای تقسیم‌بندی بر اساس طبقه‌بندی آثار و با تمایز ابزارهای بهره‌برداری است؛ به طور مشابه در مورد ماده ۲۳ اعمال می‌شود).

دوم) تاریخ اجرای قوانین؛

سوم) سایر موارد تعیین شده توسط دستورالعمل وزارت آموزش و پرورش و علوم.

(۲) یک متصدی کسب و کار مدیریت باید در هنگام تعیین یا تغییر قوانین حق امتیاز، سعی در شنیدن نظرات قبلی کاربران یا گروه‌های آنها داشته باشد.

(۳) یک متصدی کسب و کار مدیریت، هنگامی که گزارشی را مطابق با مفاد بند (۱) تهیه کرده است، خلاصه قوانین حق امتیاز گزارش شده را به اطلاع عموم می‌رساند.

(۴) یک متصدی کسب و کار مدیریت، نباید نرخ‌هایی فراتر از آنچه که توسط قوانین حق امتیاز مطابق با مفاد بند (۱) تعیین شده، درخواست کند."

ماده ۱۳، قانون مدیریت مشاغل کپی‌رایت و حقوق مرتبط

(۲) برزیل:

"سازمان مدیریت جمعی اصول همسان‌سازی، کارایی و شفافیت مجموعه را برای استفاده از هر اثر یا فونوگرام در نظر می‌گیرد. سازمان‌های مدیریت جمعی، با توجه به منطق، حسن‌نیت و استفاده از آثار، می‌توانند به نفع اعضای خود، قیمت‌های استفاده از مجموعه خود را تعیین کنند."، "مجموعه همیشه متناسب با سطح استفاده از آثار و فونوگرام‌ها توسط کاربران، اهمیت عملکرد عمومی در فعالیت‌های آنها و ویژگی‌های خاص هر بخش را در نظر می‌گیرد، همانطور که در مقررات این قانون پیش‌بینی شده است."

ماده (۲) - ۹۸(۴)، قانون کپی‌رایت و حقوق مرتبط

"قیمت‌های استفاده از آثار و فونوگرام‌ها توسط سازمان مدیریت جمعی در جلسات عمومی تعیین می‌شود که مطابق با اساسنامه و به طور گسترده در میان اعضا، با در نظر گرفتن دلیل، حسن‌نیت و موارد استفاده از محل استفاده اعلام می‌شود.

(۱) در مورد سازمان‌های مدیریت جمعی مورد اشاره در ماده ۹۹ قانون شماره ۹۶۱۰، از سال ۱۹۹۸، با توجه به استانداردها و دستورالعمل‌هایی که سالانه توسط جلسات عمومی سازمان‌های عضو آن تصویب می‌شود، قیمت‌ها در مجمع عمومی دفتر مرکزی تصویب و یکسان می‌شوند."

" قیمت استفاده از آثار و فونوگرام‌ها توسط مجمع عمومی سازمان مدیریت جمعی تعیین می‌شود، که طبق آیین‌نامه فراخوانده می‌شود و به طور گسترده‌ای در میان اعضا، با در نظر گرفتن دلیل، حسن‌نیت و استفاده از آثار اعلام می‌شود." "در این مجموعه باید اصول کارایی و یکسان بودن رعایت شده و هیچ تفاوتی بین کاربران با همان مشخصات ایجاد نکند." "این مجموعه با توجه به رعایت ضوابط زیر متناسب با سطح استفاده از آثار و فونوگرام‌ها توسط کاربران خواهد بود:

۱. مدت زمان استفاده (...); ۲. تعداد استفاده (...); ۳. نسبت کارهای استفاده شده و فونوگرام‌هایی که در مالکیت عمومی هستند یا از طریق مدیریت فردی یا تحت هر طرح مجوز دیگری غیر از مدیریت جمعی مجوز دارند."

ماده ۶، ۶(۱)، ۷ و ۸، فرمان شماره ۸،۴۶۸، ۲۲ ژوئن ۲۰۱۵

(۳) جمهوری کره:

"نرخ و میزان هزینه استفاده که یک ارائه‌دهنده خدمات تراست کپی‌رایت از کاربران دریافت می‌کند، توسط ارائه‌دهنده خدمات تراست کپی‌رایت پس از اخذ تأیید وی از وزیر فرهنگ، ورزش و گردشگری تعیین می‌شود. در چنین مواردی وزیر فرهنگ، ورزش و جهانگردی نظرات افراد ذینفع را طبق دستور رئیس جمهور تعیین می‌کند."

ماده ۱۰۵، قانون کپی‌رایت

(۴) اتحادیه اروپا:

"صاحبان حق برای استفاده از حقوق باید پاداش مناسب دریافت کنند."

ماده (۱۶۲)، دستورالعمل اتحادیه اروپا ۲۶/۲۰۱۴ / EU

"شرایط صدور مجوز باید بر اساس معیارهای عینی باشد، به ویژه در رابطه با تعرفه‌ها."

ماده (۱۲۲)، دستورالعمل اتحادیه اروپا ۲۶/۲۰۱۴ / EU

"سازمان‌های مدیریت جمعی و کاربران با حسن‌نیت مذاکرات را برای صدور مجوز حقوق انجام می‌دهند. آنها باید تمام اطلاعات لازم را در اختیار یکدیگر قرار دهند."

ماده (۱۶۱)، دستورالعمل اتحادیه اروپا ۲۶/۲۰۱۴ EU

"تعرفه‌های حقوق انحصاری و حقوق پاداش باید با توجه به مواردی همچون ارزش اقتصادی استفاده از حقوق در تجارت، ماهیت و دامنه استفاده از اثر و سایر موضوعات، به صورت منطقی تعیین شود. در مورد ارزش اقتصادی خدمات ارائه شده توسط سازمان مدیریت جمعی، سازمان‌های مدیریت جمعی باید معیارهای استفاده شده برای تعیین این تعرفه‌ها را به کاربر مربوطه اطلاع دهند."

ماده (۱۶۲)، دستورالعمل اتحادیه اروپا ۲۶/۲۰۱۴ / EU

(۵) بلژیک:

"سازمان مدیریت جمعی قوانینی برای تعیین تعرفه [...] در مورد انواع حقوق مدیریت شده تحت مسئولیت آنها، به استثنای تعرفه‌های تعیین شده توسط قانون، وضع خواهد کرد."

"نسخه به روز قوانین تنظیم تعرفه، [...] در دسترس خواهد بود و حداکثر یک ماه پس از آخرین تنظیم آنها در وبسایت سازمان مدیریت جمعی منتشر می‌شود."

بر اساس قانون حقوق اقتصادی بلژیک، کتاب ۱۱، عنوان ۵

(۶) اکوادور:

"ماده ۲۵۱. تعرفه‌ها

[...]

تعرفه‌های تعیین شده منوط به مجوز مرجع صالح ملی در امور حقوق مالکیت فکری است که باید پیش‌زمینه فنی و واقعی که چنین تعرفه‌هایی را توجیه می‌کند و همچنین مطابق با الزامات رسمی مندرج در این قانون و مقررات مربوطه و اساسنامه شرکت است، بدست آورده یا درخواست کنند. به محض تصویب، تعرفه‌ها در روزنامه رسمی و در روزنامه ملی با تیراژ گسترده توسط مرجع صالح ملی در امور مالکیت فکری منتشر می‌شود.

مرجع ذی‌صلاح ملی حقوق مالکیت فکری باید بررسی کند که تعرفه‌ها با توجه به معیارهایی مانند پوشش‌دهی و تراکم جمعیت، رژیم ویژه و متفاوتی را برای انتقال رسانه‌های اجتماعی ایجاد می‌کنند.

کد آلی در اقتصاد اجتماعی دانش، خلاقیت و نوآوری

(۷) ونزوئلا:

"(....) نرخ‌ها و هرگونه اصلاحیه در آنها، به استثنای آنچه در ماده ۱۴۴ این قانون پیش‌بینی شده است، طبق مقررات منتشر می‌شود. اگر یک سازمان کاربر یا سازمان پخش معتقد باشد سازمان مدیریت جمعی در تعیین نرخ برای ارتباط عمومی آثار، نمایش‌ها یا تولیدات موسیقی، سوءاستفاده کرده است، می‌تواند ظرف ۱۰ (ده) روز کاری از زمان انتشار نرخ و ضمن تعهد به خودداری از استفاده از فهرست (مجموعه آثار سازمان) مربوطه، برای داوری به اداره ملی کپی‌رایت مراجعه کند."

ونزوئلا، قانون کپی‌رایت ۱۹۹۳، ماده (۲) ۶

(۸) آلمان:

"قراردادهای فراگیر:

انجمن جمع‌آوری موظف است در شرایط معقول با توجه به حقوقی که مدیریت می‌کند، با انجمن‌های کاربران قرارداد منعقد کند، مگر در مواردی که به طور معقول از انجمن جمع‌آوری انتظار نباشد که چنین قرارداد گسترده‌ای منعقد کند، به ویژه در مواردی که اعضای انجمن کاربران بسیار کم است."

بخش ۳۵، قانون انجمن‌های جمع‌آوری آلمان، ۲۰۱۷

"الزام به تعیین تعرفه‌ها:

انجمن جمع‌آوری باید تعرفه‌هایی را در قبال حق الزحمه‌ای که برای حقوق خود اداره می‌کند تعیین کند. اگر قراردادهای فراگیر منعقد شده باشد، نرخ حق تالیف توافق شده در آنها تعرفه‌های اعمال شده را تشکیل می‌دهد."

بخش ۳۸، قانون انجمن‌های جمع‌آوری آلمان

"افشای اطلاعات برای عموم:

انجمن جمع‌آوری باید حداقل اطلاعات زیر را در وبسایت خود منتشر کند: (...)

قراردادهای فراگیری که منعقد کرده است (.....)

بخش ۵۶، قانون انجمن‌های جمع‌آوری آلمان

(۹) بوسنی و هرزگوین:

(۱) میزان و روش محاسبه حق امتیاز پرداختی توسط هر کاربر به یک سازمان جمعی برای استفاده از یک اثر از فهرست آثار آن، طبق تعرفه تعیین می‌شود. میزان تعرفه متناسب با دسته‌بندی کار و نحوه استفاده از آن خواهد بود.

(۲) تعرفه با یک قرارداد جمعی منعقد شده بین یک سازمان جمعی و یک انجمن نماینده کاربران یا در صورت غیرممکن بودن آن، با توافق با یک کاربر شخصی یا با تصمیم شورای کپی‌رایت تعیین می‌شود. تعرفه‌های تعیین شده در توافق‌نامه‌های ذکر شده تا زمانی که شورای کپی‌رایت تصمیم نهایی دیگری را صادر نکند، مناسب تلقی می‌شود.

(۳) هنگام تعیین تعرفه مناسب، موارد زیر به ویژه مورد توجه قرار می‌گیرد:

الف) درآمد ناخالص کلی حاصل از استفاده از یک اثر یا کل هزینه ناخالص مربوط به چنین استفاده‌ای؛

ب) اهمیت استفاده از آثار برای فعالیت کاربر؛

ج) نسبت بین آثار تحت حمایت کپی‌رایت و سایر آثار مورد استفاده؛

د) نسبت بین حقوق مدیریت شده بصورت جمعی و انفرادی؛

ه) پیچیدگی خاص مدیریت جمعی حقوق به دلیل استفاده خاص از آثار؛

و) مقایسه تعرفه پیشنهادی با تعرفه‌های سازمان‌های جمعی مشابه در سایر کشورهای مرتبط که می‌توانند با توجه به معیارهای مربوطه و به ویژه با توجه به تولید سرانه ناخالص داخلی و قدرت خرید با بوسنی و هرزگوین مقایسه شوند."

ماده ۲۳ (۱)، (۲) و (۳)، قانون مدیریت جمعی، بوسنی و هرزگوین، ۲۰۱۰

(۱۰) استرالیا:

"هر انجمن جمع‌آوری در صورت لزوم با حسن نیت با انجمن‌های مربوط صنعت در رابطه با شرایط و ضوابط مربوط به مجوزها یا زمینه‌های صدور مجوز توسط انجمن جمع‌آوری مشورت خواهد کرد."

"در تعیین یا مذاکره در مورد هزینه‌های مجوز، سازمان مدیریت جمعی می‌تواند موارد زیر را در نظر داشته باشد:

- ارزش مواد دارای کپی‌رایت؛
- هدف و زمینه استفاده از مطالب کپی‌رایت؛
- نحوه یا نوع استفاده از مطالب کپی‌رایت؛
- هرگونه تصمیم مربوط به دادگاه کپی‌رایت؛

- هر موضوع مرتبط دیگر.

آیین‌نامه رفتار انجمن‌های جمع‌آوری کپی‌رایت استرالیا

(۱۱) ایفپی:

"هر شرکت صدور مجوز موسیقی موظف به تعیین تعرفه‌هایی شفاف و مبتنی بر معیارهای عینی است که به صورت منصفانه هم ارزش حقوق صاحبان حق را در تجارت و هم منافع کاربران خدمات شرکت‌های صدور مجوز موسیقی را منعکس کند."

آیین‌نامه رفتار ایفپی

خلاصه نکات:

- (۱) تعیین تعرفه در سازمان مدیریت جمعی می‌تواند بر اساس مقایسه تعرفه‌های بین بخشی، تحقیقات اقتصادی، ارزش تجاری حقوق مورد استفاده، ویژگی مجوز یا سایر معیارهای مربوطه باشد.
- (۲) در ارزیابی و تعیین تعرفه برای حقوق مورد استفاده می‌توان: (الف) هدف استفاده از حقوق؛ (ب) زمینه استفاده از چنین حقوقی؛ و (ج) نحوه یا نوع استفاده از چنین حقوقی را مدنظر قرار داد.
- (۳) تعیین تعرفه می‌تواند توسط سازمان مدیریت جمعی و یا طبق آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های دولتی صورت بگیرد.

(۷) حکمرانی

(۷-۱) مجمع عمومی

همانند سایر شرکت‌ها و/یا انجمن‌ها، جلسه عمومی سازمان مدیریت جمعی باید به طور منظم برگزار و به درستی تنظیم شود. بیشتر توصیه‌هایی که در این بخش گنجانده شده است، موارد استنادی است که در قوانین مربوط به حاکمیت شرکت‌ها یا انجمن‌های مدنی در سراسر جهان وجود دارد.

قوانین مربوط به نحوه عملکرد و اداره مجمع عمومی به طور طبیعی باید با قوانین قابل اجرا در کشور تأسیس آن سازمان مدیریت جمعی مطابقت داشته باشد.

نمونه‌هایی در قوانین و مقررات

(۱) برزیل:

"قیمت‌های استفاده از آثار و فونوگرام‌ها توسط سازمان مدیریت جمعی در جلسات عمومی تعیین می‌شود که مطابق آیین‌نامه است و با در نظر گرفتن منطقی بودن، حسن‌نیت و کاربردهای محل استفاده به طور گسترده در میان اعضا اعلام می‌شود.

(۱) در مورد سازمان‌های مدیریت جمعی اشاره شده در ماده ۹۹ قانون شماره ۹۶۱۰ سال ۱۹۹۸، با توجه به استانداردها و دستورالعمل‌هایی که سالانه توسط جلسات عمومی سازمان‌های عضو آن تصویب می‌شود، قیمت‌ها در مجمع عمومی دفتر مرکزی تعیین و یکسان می‌شوند.

"هر شکل و هر مقدار پاداش یا کمک هزینه به افسران سازمان مدیریت جمعی و اداره مرکزی، مدیران یا اعضای هیأت مدیره، باید در یک جلسه عمومی تصویب شود، که طبق آیین‌نامه فراخوانده شده و به طور گسترده در میان اعضا اعلام می‌شود."

مواد (۱) ۶، (۲) ۱۹، فرمان شماره ۸،۴۶۸، ۲۲ ژوئن ۲۰۱۵

(۲) کلمبیا:

"مجمع عمومی عالی‌ترین نهاد سازمان مدیریت جمعی خواهد بود که اعضای هیأت‌مدیره و کمیته نظارت و کنترل را انتخاب می‌کند. مسئولیت‌ها و عملیات و نحوه دعوت آن در آیین‌نامه سازمان مدیریت جمعی مربوطه تعیین خواهد شد."

ماده ۱۵، قانون شماره ۴۴ سال ۱۹۹۳

(۳) اکوادور:

"مجمع عمومی، عالی‌ترین نهاد حاکمیت است و صلاحیت‌های آن عبارتند از:

- ۱- بررسی بودجه سالانه و تأمین آن؛
- ۲- بررسی گزارش‌های اقتصادی و سالانه؛
- ۳- بررسی مقررات داخلی تعرفه‌ها؛
- ۴- بررسی فرایندهای توزیع؛
- ۵- بررسی دلایل بیان شده توسط هیأت‌مدیره و تأیید شده توسط دستگاه نظارت به منظور تعیین درصد جمع‌آوری شده به هزینه‌های مدیریت و مزایای اجتماعی در محدوده قانونی؛
- ۶- انتخاب اعضای هیأت‌مدیره و هیأت نظارت؛
- ۷- حل و فصل اختلافات، اخراج و تعلیق عضو؛
- ۸- هر تجارت دیگری که اعضای آن تصمیم بگیرند."

ماده ۲۴۵، ۲ (C)، کد آلی در اقتصاد اجتماعی دانش، خلاقیت و نوآوری، ۲۰۱۶

(۴) گواتمالا:

"انجمن جمع‌آوری باید حداقل شامل ارگان‌های زیر باشد: مجمع عمومی، یک هیأت‌مدیره و یک کمیته نظارت. شرکت مدیریت جمعی باید ممیزی خارجی داشته باشد. همچنین شما یک مدیرکل دارید که توسط هیأت‌مدیره منصوب می‌شود. کسانی که هیأت‌مدیره و مدیرکل را ریاست می‌کنند، نمایندگی قانونی شرکت را دارند بدون اینکه از مسئولیت‌های دیگری که طبق قانون اساسنامه برعهده دارند، تخلف کنند. هر انجمن جمع‌آوری باید در نهاد مربوط به ثبت مالکیت فکری، ثبت شود. مجمع عمومی عالی‌ترین نهاد است و اعضای سایر ارگان‌ها را منصوب می‌کند. علاوه بر این مجمع عمومی موظف است به: الف) تصویب یا رد صورت‌های مالی و گزارش سالانه واحد تجاری؛ ب) تصویب یا رد گزارش کمیته نظارت؛ ج) تعیین ممیزی خارجی؛ د) تصویب اصلاحیه قانون اساسی؛ ه) هر نوع قدرت لازم برای ایجاد اساسنامه آن، در حالی که مغایر با مقررات این قانون نیست."

ماده ۱۲۰، قانون کپی‌رایت

(۵) مکزیک:

"قوانین تشکیل و حد نصاب مجامع باید با مفاد این قانون، مقررات آن و قانون عمومی در مورد شرکت‌های تجاری مطابقت داشته باشد."

ماده ۲۰۶، قانون فدرال کپی‌رایت

(۶) اتحادیه اروپا:

"مجمع عمومی اعضا حداقل سالی یک بار تشکیل می‌شود."

ماده (۲) ۸، دستورالعمل اتحادیه اروپا ۲۶/۲۰۱۴ EU

"مجمع عمومی هرگونه اصلاح در اساسنامه و شرایط عضویت سازمان مدیریت جمعی را تصویب می‌کند، در صورتی که این شرایط با اساسنامه تنظیم نشده باشد."

ماده (۳) ۸، دستورالعمل اتحادیه اروپا ۲۶/۲۰۱۴ EU

"مجمع عمومی اعضا حداقل با تصمیم‌گیری در مورد انتصاب و برکناری حسابرس و تصویب گزارش سالانه [شفافیت] [...] فعالیت‌های سازمان مدیریت جمعی را کنترل خواهند کرد."

ماده (۴)، دستورالعمل اتحادیه اروپا ۲۶/۲۰۱۴ EU

"مجمع عمومی اعضا در مورد انتصاب یا برکناری مدیران تصمیم‌گیری می‌کنند، و عملکرد عمومی و حق الزحمه آنها و سایر مزایا مانند امتیازات پولی و غیرپولی، جوایز و امتیازات بازنشستگی، سایر جوایز و حقوق استحقاقی آنها را بررسی می‌کنند."

"مجمع عمومی باید در مورد سیاست کلی توزیع مبالغ بین صاحبان حق، استفاده از مبالغ غیرقابل توزیع و قواعد کسر از درآمد حقوق تصمیم‌گیری کند."

بر اساس ماده ۸، دستورالعمل اتحادیه اروپا ۲۶/۲۰۱۴ EU /

خلاصه نکات:

(۱) سازمان مدیریت جمعی باید حداقل سالی یکبار جلسه عمومی اعضای خود یا نمایندگان منتخب آنها را تشکیل دهد.

(۲) مجمع عمومی باید هرگونه اصلاحیه در اساسنامه و شرایط عضویت را تصویب کند.

(۳) مجمع عمومی:

(الف) سیاست‌های کلی توزیع پول جمع‌آوری شده، کسر برای اهداف اجتماعی، فرهنگی یا آموزشی؛ و

استفاده از پول و سرمایه‌های غیرقابل توزیع را تصویب می‌کند؛

(ب) گزارش سالانه را تأیید می‌کند و گزارش حساب‌رسان همراه با آن گزارش سالانه ارائه می‌شود؛

(ج) اعضای هیأت‌مدیره را منصوب و برکنار می‌کند، و پاداش و سایر مزایا، جوایز بازنشستگی، جوایز

معوقه و سایر جوایز آنها را تصویب می‌کند؛

(د) در مورد سیاست‌های کلی سرمایه‌گذاری خود تصمیم می‌گیرد. اطلاعات مربوط به نوع سرمایه‌گذاری،

سیاست سرمایه‌گذاری و نتایج سیاست باید در گزارش سالانه ذکر شود؛ و

(ه) یک یا دو حسابرس مستقل خارجی را منصوب می‌کند.

(۴) اساسنامه سازمان مدیریت جمعی می‌تواند با رعایت مقررات قابل اجرا در قوانین ملی، برخی از اختیارات

فوق‌الذکر مجمع عمومی را به هیأت‌مدیره تفویض کند.

۷-۲) نظارت داخلی

یکی از عناصر اساسی مدیریت جمعی حقوق به صورت مؤثر و شفاف، نظارت داخلی مناسب بر مدیریت و عملکرد

سازمان مدیریت جمعی توسط هیأت‌مدیره یا کمیته نظارت است. اعضای هیأت‌مدیره توسط سازمان

مدیریت جمعی در جلسه عمومی منصوب می‌شوند و به طور معمول نماینده حقوقی هستند که تحت مدیریت

آنها است. اعضای کمیته نظارت معمولاً توسط مجمع عمومی یا اساسنامه تعیین می‌شوند. توصیه می‌شود علاوه

بر نمایندگان صاحبان حق، افرادی در هیأت‌مدیره یا کمیته نظارت عضو شوند که به طور مستقیم نماینده

صاحبان حق نیستند، اما دارای تجربه تجاری یا حقوقی هستند چرا که می‌تواند برای عملکرد صحیح آنها

ارزشمند باشد.

نمونه‌هایی در قوانین و مقررات

(۱) اتحادیه اروپا:

"سازمان مدیریت جمعی یک کارکرد نظارتی ایجاد می‌کند که وظیفه نظارت مستمر بر فعالیت‌ها و انجام وظایف

افرادی را دارد که تجارت سازمان را مدیریت می‌کنند."

ماده (۹۱)، دستورالعمل اتحادیه اروپا ۲۶/۲۰۱۴ EU

"نماینده‌گی منصفانه و متعادل از گروه‌های مختلف اعضای سازمان مدیریت جمعی در بدنه‌ای که وظیفه نظارت را بر عهده دارد، وجود خواهد داشت."

ماده (۹۲)، دستورالعمل اتحادیه اروپا ۲۶/۲۰۱۴ EU

"نیاز به نمایندگی منصفانه و متعادل از اعضا مانع از این نیست که سازمان مدیریت جمعی اشخاص ثالث، از جمله افراد با تخصص حرفه‌ای مربوط [...] را برای انجام وظیفه نظارت "تعیین کند.

دستورالعمل ۲۴، دستورالعمل اتحادیه اروپا ۲۶/۲۰۱۴ EU

(۲) کلمبیا:

"انجمن‌های مدیریت جمعی کپی‌رایت و حقوق مرتبط باید دارای ارگان‌های زیر باشند: مجمع عمومی، هیأت مدیره، یک کمیته نظارت و یک کنترل‌کننده." "کمیته نظارت از سه عضو اصلی و سه نفر علی‌البدل تشکیل شده است که باید اعضای انجمن باشند. مسئولیت‌ها و وظایف آنها در اساسنامه مشخص شده است."

ماده (۱۴(۷) و (۱۴(۱۹)، قانون شماره ۴۴ سال ۱۹۹۳

(۳) برزیل:

"مدیران سازمان مدیریت جمعی برای بازه زمانی سه (۳) ساله انتخاب می‌شوند، که فقط یک بار دیگر قابلیت انتخاب مجدد دارد."

ماده (۹۷(۱۳)، قانون کپی‌رایت و حقوق مرتبط

(۴) اکوادور:

"اعضای هیأت‌مدیره نمی‌توانند به طور همزمان اعضای کمیته نظارت باشند. آنها می‌توانند حداکثر چهار سال عضو هیأت‌مدیره باشند و ممکن است برای یک دوره اضافی دوباره انتخاب شوند."

ماده ۲۴۵، ۲ (ب)، کد آلی در اقتصاد اجتماعی دانش، خلاقیت و نوآوری

(۵) اسپانیا:

"۲. ترکیب نهاد نظارت داخلی و نحوه انتخاب اعضای آن توسط مجمع عمومی با اساسنامه سازمان مدیریت تعیین می‌شود و در هر صورت معیارهای زیر را دارد:

الف) هیأت‌مدیره باید از سه نفر یا تعداد بیشتر اعضای سازمان مدیریت تشکیل شود، و نمایندگی منصفانه و برابر از گروه‌های مختلف عضو را تضمین کند. هیچ یک از اعضای آن نمی‌توانند رابطه عملی یا حقوقی، مستقیم یا غیرمستقیم، با اشخاص حقیقی یا حقوقی که بخشی از تشکیلات حکمرانی و نمایندگی سازمان مدیریت هستند، داشته باشند.

ب) اشخاص ثالث مستقلی که عضوی از سازمان مدیریت جمعی نیستند، در صورتی که دارای تخصص فنی متناسب با وظایف محوله باشند، می‌توانند به عنوان اعضای نهاد نظارت منصوب شوند. هیچ یک از اشخاص ثالث خارج از سازمان مدیریت نمی‌توانند رابطه عملی یا حقوقی، چه مستقیم و چه غیرمستقیم، با سازمان مدیریت یا هر یک از اعضای آن داشته باشند. سازمان‌های مدیریتی که سالانه ۱۰۰ میلیون یورو یا بیشتر در دوره مالی قبلی جمع‌آوری کرده‌اند، موظف به تعیین یک یا چند شخص ثالث مستقل به عنوان اعضای نهاد نظارت داخلی هستند.

برای اهداف بندهای الف و ب فوق، رابطه عملی یا حقوقی مستقیم یا غیرمستقیم در همه موارد به معنای رابطه شخصی خویشاوندی از طریق خویشاوندی سببی یا نسبی تا درجه دوم یا رابطه شغلی یا تجاری است که تا پنج سال قبل از انتصاب امرار معاش کرده یا زندگی کرده است.

۳- اعضای نهاد نظارت داخلی توسط مجمع عمومی برای مدت چهار سال منصوب می‌شوند، که یک بار برای همان دوره قابل تمدید است.

۴- قبل از شروع وظایف و پس از آن سالانه، اعضای نهاد نظارت داخلی باید بیانیه‌ای را در مورد تعارض منافع در مجمع عمومی برای ملاحظه و بررسی ارائه دهند [...]

سازمان مدیریت جمعی باید نسخه‌ای از این اظهارات را به مرجع اداری که مسئول پاسخگویی است، ارائه دهد [...]

۵- هیأت کنترل داخلی حداقل باید وظایف زیر را انجام دهد:

الف) به طور کلی فعالیت‌ها و عملکرد بدنه حاکمیتی و نمایندگی سازمان را کنترل کند.

ب) بر اجرای تصمیمات و سیاست‌های کلی مصوب مجمع عمومی نظارت کند [...]

ج) هرگونه وظیفه‌ای را که مجمع عمومی به آن تفویض کرده باشد، انجام دهد؛ [...]

د) شرایط مرجعی را که مجمع عمومی به آن اختصاص داده است، اجرا کند.

۶- نهاد نظارت داخلی می‌تواند اعضای نهادهای حاکمیتی و نمایندگی سازمان مدیریت و کارکنان مدیریتی و فنی را به عنوان شرکت‌کنندگان بدون رای‌گیری در جلسات آن دعوت کند.

۷- نهادهای حاکمیتی و نمایندگی سازمان مدیریت باید حداقل هر سه ماه یکبار، کلیه اطلاعات مربوط به مدیریت سازمان را که برای انجام وظایف نظارتی آن لازم است، به نهاد نظارت داخلی ارائه دهند. آنها همچنین باید سایر اطلاعات مربوط به حقایقی را که می‌تواند تأثیر قابل توجهی بر وضعیت سازمان مدیریت داشته باشند، ارائه دهند. هر یک از اعضای نهاد نظارت باید به کلیه اطلاعات منتقل شده به آن ارگان دسترسی داشته باشد.

۸- بدون زیان به تعهد مندرج در بند قبل، نهاد نظارت داخلی می‌تواند از بخش‌های حاکمیتی و نمایندگی و کارکنان مدیریتی و فنی سازمان مدیریت بخواهد هر اطلاعاتی را که ممکن است برای انجام وظایف خود لازم دارد، به آن منتقل کنند. علاوه بر این، ممکن است برای انجام وظایف خود گواهی و تصدیق رسمی اطلاعات مذکور را درخواست کند.

۹- نهاد نظارت داخلی هر ساله به ارائه گزارش شفاهی در مجمع عمومی می‌پردازد و شرح وظایف خود را ارائه می‌دهد.

سازمان مدیریت نسخه‌ای از آن گزارش را به مرجع اداری که در آن پاسخگو است ارسال می‌کند [...].

۱۰- هیأت نظارت داخلی می‌تواند هر زمان که به نفع سازمان مدیریت تشخیص دهد، مجامع عمومی فوق العاده‌ای را طبق مقررات اساسنامه خود تشکیل دهد.

۱۱- در سازمان‌های مدیریتی که سالانه ۱۰۰ میلیون یورو یا بیشتر در دوره مالی قبلی جمع‌آوری کرده‌اند، نهاد نظارت داخلی باید علاوه بر وظایف مندرج در بند ۵، بر فعالیت‌های ذیل دستگاه‌های حاکمیتی و نمایندگی سازمان نظارت کند:

الف) استفاده از قوانین و مقررات مربوط به توزیع حق امتیاز جمع‌آوری شده؛

ب) انجام و حل و فصل دادرسی انضباطی علیه اعضای سازمان؛

ج) رسیدگی و حل و فصل اختلافات و شکایات؛

د) اجرای بودجه سالانه برای جمع‌آوری و توزیع حق امتیاز مدیریت شده و درآمد و هزینه‌های سازمان.

۱۲- در سازمان‌های مدیریتی که سالانه ۱۰۰ میلیون یورو یا بیشتر در دوره مالی قبلی جمع‌آوری کرده‌اند، نهاد نظارت داخلی باید:

الف) حداقل هر نیم سال جلسه داشته باشند؛

(ب) برای هر جلسه، صورتجلسه که شامل نکات زیر باشد تهیه کنند:

۱. شرکت کنندگان

۲. دستور جلسه

۳. زمان و مکان جلسه

۴. نکات اصلی مطرح شده در بحث‌ها، محتوای توافق‌نامه‌های تصویب شده و نظرات مخالف.

صورتجلسه در همان جلسه یا در جلسه بعدی تصویب می‌شود و نسخه‌ای از آن ظرف مدت یک ماه از

تصویب به صورت الکترونیکی برای همه اعضای سازمان مدیریت ارسال می‌شود.

(ج) نهاد نظارت داخلی در نظارت بر وظایف خود، بدون خللی به مفاد بندهای ۷ و ۸، از یک حسابرس

کمک می‌گیرد. این حسابرس، که حسابرس حساب‌های سالانه سازمان نخواهد بود، توسط مجمع عمومی

منصوب می‌شود."

ماده ۱۶۲ متن اصلاح شده قانون مالکیت فکری، مصوب ۱۹۹۶/۱ با مصوبه سلطنتی در ۱۲ آوریل ۱۹۹۶ (ترکیب ماده ۹

دستورالعمل ۲۶/۲۰۱۴ / EU).

خلاصه نکات:

(۱) نظارت داخلی در سازمان مدیریت جمعی می‌تواند توسط هیات مدیره یا به طور مجزا توسط کمیته

نظارت صورت گیرد.

(۲) اعضای کمیته نظارت می‌تواند توسط هیات مدیره، مجمع عمومی یا اساسنامه تعیین شوند.

(۳) علاوه بر نمایندگی منصفانه و متعادل از گروه‌های مختلف اعضای سازمان در هیأت مدیره یا کمیته

نظارت می‌توان برخی اعضا را برای تجارب تجاری، حقوقی و سایر تجارب مرتبط با رعایت هرگونه

محدودیت مقرر در قانون انتخاب کرد.

- ۴) در انتخاب اعضای هیات مدیره یا کمیته نظارت، محدودیت‌های قانونی باید رعایت شود و در صورت امکان این محدودیتها به صراحت در اساسنامه ذکر شود مانند اینکه افراد نمی‌توانند همزمان عضو هیات مدیره و کمیته نظارت باشند و اعضای کمیته نظارت نباید رابطه عملی یا حقوقی مستقیم یا غیرمستقیم با اشخاصی که در تشکیلات مدیریتی سازمان هستند، داشته باشند.
- ۵) اعضای کمیته نظارت معمولاً متشکل از سه عضو اصلی و سه عضو علی‌البدل هستند که برای مدت زمان محدود سه یا چهارسال انتخاب می‌شوند و انتخاب آنها برای یک دوره دیگر مجاز است.
- ۶) وظایف کمیته نظارت باید در اساسنامه سازمان ذکر شود که از جمله شامل این موارد است: نظارت بر فعالیت‌های مدیریتی سازمان مانند توزیع درآمد؛ نظارت بر اجرای مصوبات مجمع عمومی و نظارت بر حل و فصل اختلافات.
- ۷) کمیته نظارت باید در فواصل منظم مانند هر سه ماه یا هر شش ماه جلساتی داشته باشند و در صورت لزوم از اعضای هیات مدیره یا سایر بخش‌های مدیریتی سازمان دعوت کنند.
- ۸) کمیته نظارت باید هر سال علاوه بر گزارش فعالیتها و اقدامات خود به مجمع عمومی، یک گزارش نیز به مرجع ملی مربوطه ارسال کند.

۳-۷) پرهیز از تعارض منافع

با توجه به اینکه در سازمان مدیریت جمعی، گروه‌های مختلفی از صاحبان حق و مصرف‌کنندگان به واسطه سازمان با هم در ارتباط هستند، به طور طبیعی امکان تعارض منافع به خصوص در زمینه مسائل مالی مانند توزیع درآمد وجود دارد که لازم است سازمان مدیریت جمعی با روش‌های مناسب گام‌هایی را برای جلوگیری از

تضاد منافع یا مدیریت تعارض منافع بردارد و از تاثیر منفی آن بر عملکرد سازمان خودداری کند. این اقدامات و روش‌ها ترجیحاً باید در دستورالعمل‌های داخلی گنجانده شود و به طور منظم بررسی و اصلاح شود.

نمونه‌هایی در قوانین و مقررات

(۱) کلمبیا:

"افرادی که عضو هیأت‌مدیره و کمیته نظارت، مدیر و کنترل‌کننده یک سازمان مدیریت جمعی هستند نباید در ارگان‌های مشابه در سازمان‌های مدیریت جمعی دیگر شرکت کنند. مدیر نمی‌تواند به عنوان عضوی از هیأت‌مدیره یا کمیته نظارت به ارائه خدمت در ارگان‌های دیگر سازمان مدیریت جمعی بپردازد."

ماده ۲۰، قانون شماره ۴۴ سال ۱۹۹۳

"از اعضای هیأت‌مدیره علاوه بر موارد مندرج در اساسنامه، تحت عوامل زیر سلب صلاحیت خواهد شد:

الف) ارتباط نسبی با یکدیگر تا درجه چهارم، ارتباط سببی تا درجه دوم یا اولین رابطه مدنی با یکدیگر؛

ب) همسر یا همراه دائمی یکدیگر بودن؛

ج) مدیران هنری، مالکان، اعضا یا نمایندگان یا وکلانی که برای ارگان‌هایی که بدهکار انجمن هستند یا با آن اختلاف دارند، فعالیت می‌کنند.

د) ارتباط نسبی با یکدیگر تا درجه چهارم، ارتباط سببی تا درجه دوم یا اولین رابطه مدنی، یا همسران یا همراهان دائمی، اعضای کمیته نظارت یا مدیر، دبیر، خزانه‌دار یا کنترل‌کننده انجمن؛

ه) ارتباط نسبی با یکدیگر تا درجه چهارم، ارتباط سببی تا درجه دوم یا اولین رابطه مدنی، یا همسران یا همراهان دائمی مقامات اداره ملی کپی‌رایت."

ماده ۴۵، قانون شماره ۴۴ سال ۱۹۹۳

"اعضای کمیته نظارت علاوه بر موارد مشخص شده در اساسنامه، در موارد زیر رد صلاحیت می‌شوند:

الف) با رابطه نسبی تا درجه چهارم، رابطه سببی از طریق ازدواج تا درجه دوم یا رابطه مدنی، با یکدیگر در ارتباط باشند؛

ب) همسر یا همراه دائمی یکدیگر بودن؛

ج) مدیر هنری، پیش‌کسوت، صاحبان، اعضا، نمایندگان، وکلا یا مقامات ارگان‌هایی که به انجمن بدهکار هستند یا با آن اختلاف دارند.

د) ارتباط نسبی با یکدیگر تا درجه چهارم، ارتباط سببی تا درجه دوم یا اولین رابطه مدنی، یا همسران یا همراهان دائمی اعضای هیأت‌مدیره یا مدیر، دبیر، خزانه‌دار یا کنترل‌کننده انجمن؛

ه) ارتباط نسبی با یکدیگر تا درجه چهارم، ارتباط سببی تا درجه دوم یا اولین رابطه مدنی، یا همسران یا همراهان دائمی مقامات اداره ملی کپی‌رایت."

ماده ۴۶، قانون شماره ۴۴ سال ۱۹۹۳

"مدیر، دبیر و خزانه دار یک انجمن علاوه بر موارد مندرج در اساسنامه، مشمول عوامل رد صلاحیت زیر است:

الف) مدیر، دبیر یا خزانه‌دار یا عضو هیأت‌مدیره، انجمنی غیر از آنچه در این قانون پیش‌بینی شده است؛

ب) ارتباط نسبی با یکدیگر تا درجه چهارم، ارتباط سببی تا درجه دوم یا اولین رابطه مدنی، یا همسر یا همراه دائم، اعضای هیأت‌مدیره یا کمیته نظارت یا مدیر، دبیر، خزانه‌دار یا کنترل‌کننده انجمن؛

ج) مدیر هنری، مدیر، مالک، عضو، نماینده یا وکیل یا افسر ارگان‌هایی که به انجمن بدهکار هستند یا با آن اختلاف دارند؛

د) ارتباط نسبی با یکدیگر تا درجه چهارم، ارتباط سببی تا درجه دوم یا اولین رابطه مدنی، یا همسر یا همراه دائمی افسران اداره ملی کپی رایت؛

ه) اشتغال پست مدیریتی در هر انجمن یا گروه مشارکتی با ماهیت مشترک."

ماده ۴۷، قانون شماره ۴۴ سال ۱۹۹۳

"مدیر نمی‌تواند با همسر یا همراه همیشگی خود یا ارتباط نسبی با یکدیگر تا درجه چهارم، ارتباط سببی تا درجه دوم یا اولین رابطه مدنی، معاملات قراردادی داشته باشد."

ماده ۴۸، قانون شماره ۴۴ سال ۱۹۹۳

"کنترل‌کننده علاوه بر موارد مندرج در اساسنامه، تحت عوامل سلب صلاحیت زیر نیز خواهد بود:

الف) عضو بودن

ب) همسر، همراه دائمی یا ارتباط نسبی با یکدیگر تا درجه چهارم، ارتباط سببی تا درجه دوم یا اولین رابطه مدنی، اعضای هیأت مدیره یا کمیته نظارت یا هر یک از کارکنان انجمن؛

ج) مدیر هنری، مدیر، مالک، عضو، نماینده یا وکیل یا افسر ارگان‌هایی که به انجمن بدهکار هستند یا با آن اختلاف دارند؛

د) ارتباط نسبی با یکدیگر تا درجه چهارم، ارتباط سببی تا درجه دوم یا اولین رابطه مدنی یا همسر یا همراه دائمی یک افسر اداره ملی کپی رایت."

ماده ۴۹، قانون شماره ۴۴ سال ۱۹۹۳

"هیچ کارمند انجمن نمی‌تواند نماینده یک عضو انجمن در جلسات عادی یا فوق‌العاده مجمع عمومی باشد."

ماده ۵۰، قانون شماره ۴۴ سال ۱۹۹۳

(۲) اکوادور:

"برای سازمان مدیریت جمعی انعقاد قرارداد با اعضای نهادهای مدیریت، و همچنین با همسر، شریک زندگی و یا بستگان تا درجه چهار نسبی و درجه دوم سببی (...) ممنوع است."

ماده ۲۴۵،۳ (د)، قانون آلی در اقتصاد اجتماعی دانش، خلاقیت و نوآوری

"اساسنامه سازمان‌های مدیریت جمعی بدون زیان به مفاد سایر مقررات قانونی موارد زیر را به طور خاص تعیین می‌کند:

[...]

"اعضای هیأت مدیره، کمیته نظارت و مدیر عامل باید با تصدی وظایف خود و هر دو سال، اعلامیه قسم خورده‌ای را تأیید کنند که تحت شمول هیچ یک از موارد رد صلاحیت تعیین شده در این فصل، همراه با مباحثه نامه دارایی و درآمد قرار نمی‌گیرند."

ماده ۲۴۸، قانون آلی اقتصاد اجتماعی دانش، خلاقیت و نوآوری

(۳) اتحادیه اروپا:

".... سازمان مدیریت جمعی برای جلوگیری از تضاد منافع، روش‌هایی را اعمال و اجرا می‌کند و در مواردی که نمی‌توان از آنها جلوگیری کرد، تعارض منافع واقعی یا بالقوه را شناسایی، مدیریت، نظارت و افشا می‌کند تا از تأثیر منفی آنها بر منافع جمعی کشور جلوگیری کند."

"این روش‌ها باید شامل بیانیه فردی سالانه توسط هر شخصی که وظیفه نظارت را بر عهده دارد و هر یک از افرادی که به طور مؤثر در مدیریت مجمع عمومی نقش دارند، بوده و حاوی اطلاعات زیر باشد:

- هرگونه منافع در سازمان مدیریت جمعی؛
- هرگونه پاداش دریافتی از سازمان مدیریت جمعی، از جمله طرح‌های بازنشستگی، مزایای غیرنقدی و سایر مزایا در سال مالی قبل؛
- هرگونه مبالغی که به عنوان دارنده حق از سازمان مدیریت جمعی در سال مالی قبل دریافت شده است؛
- و...
- اعلامیه‌ای در مورد هرگونه تعارض واقعی یا بالقوه بین منافع شخصی و منافع سازمان مدیریت جمعی یا تعهدات در قبال سازمان مدیریت جمعی و هرگونه وظیفه در قبال هر شخص حقیقی یا حقوقی دیگر."

بر اساس ماده ۱۰، دستورالعمل اتحادیه اروپا ۲۶/۲۰۱۴ / EU

خلاصه نکات:

- ۱) سازمان مدیریت جمعی باید دستورالعمل‌های داخلی برای جلوگیری از تضاد منافع داشته باشد، و در صورتی که چنین تعارضی قابل اجتناب نباشد، و تضاد منافی که ممکن است اعضای هیأت‌مدیره را از انجام مسئولیت‌های خود باز دارد، شناسایی، مدیریت و نظارت کنند.
- ۲) این دستورالعمل‌ها باید حداقل حاوی بیانیه فردی سالانه در مورد عدم وجود تعارض منافع واقعی یا بالقوه توسط هر شخص مدیر سازمان مدیریت جمعی و هر یک از اعضای هیأت‌مدیره باشد.

۸) اداره مالی، توزیع درآمد و کسورات

۸-۱) تقسیم حساب‌ها

برای اطمینان از حداکثر شفافیت و پاسخگویی، سازمان مدیریت جمعی باید درآمد حقوق خود را از درآمد حاصل از دارایی‌های خود یا سایر فعالیت‌ها جدا کند.

نمونه‌هایی در قوانین و مقررات

(۱) اتحادیه اروپا:

"سازمان مدیریت جمعی باید درآمد حقوق و هر درآمد حاصل از سرمایه‌گذاری خود را از دارایی‌های خود، درآمد حاصل از خدمات مدیریتی آن یا درآمد حاصل از سایر فعالیت‌ها را مدیریت کرده و در حساب مستقلی نگه دارد."

ماده (۳) ۱۱، دستورالعمل اتحادیه اروپا ۲۶/۲۰۱۴ EU

(۲) بلژیک:

"[...] سازمان مدیریت جمعی [...] کسورات [را برای اهداف اجتماعی، فرهنگی و آموزشی] در حساب‌های جدا از حساب اصلی سازمان مدیریت جمعی نگهداری می‌کند و هیأت‌مدیره سالانه در مورد مبالغ کسر شده و هزینه آنها گزارش می‌دهد."

قانون حقوق اقتصادی بلژیک، کتاب ۱، عنوان ۵

(۳) اسکاپر:

"سازمان‌های مدیریت جمعی هنگام سرمایه‌گذاری وجوه ذخیره شده باید احتیاط و مراقبت لازم را داشته باشند."

ماده ۹،۲، آیین‌نامه رفتار اسکاپر

خلاصه نکات:

(۱) سازمان مدیریت جمعی باید درآمد حقوق و هرگونه درآمد حاصل از سرمایه‌گذاری دارایی‌های خود، درآمد حاصل از خدمات مدیریتی یا درآمد حاصل از سایر فعالیت‌ها را در حساب‌های مستقل نگه دارد.

۲) سازمان مدیریت جمعی مجاز نیست، از درآمد حاصل از حقوق و هرگونه درآمد حاصل از سرمایه‌گذاری حقوق درآمد برای اهداف دیگری غیر از توزیع به صاحبان حق استفاده کند، مگر اینکه به طور خاص توسط مجمع عمومی یا اساسنامه مجاز باشد، یا در قانون پیش‌بینی شده باشد.

۲-۸) گزارش سالانه

گزارش سالانه سازمان مدیریت جمعی سند مهمی است که اطلاعاتی را در مورد عملکرد آن به اعضا، سایر صاحبان حق، سایر سازمان‌های مدیریت جمعی و عموم مردم ارائه می‌دهد. از آنجا که معمولاً سازمان‌های مدیریت جمعی، مانند سایر شرکت‌ها و انجمن‌ها، وظیفه قانونی تولید و انتشار گزارش سالانه را دارند، توصیه می‌شود سازمان مدیریت جمعی در گزارش‌های سالانه خود، تصویری کامل و شفاف از عملکرد مالی خود ارائه دهد. همچنین باید گزارش‌ها را در قالبی که دسترسی به آن سهولت داشته باشد، منتشر کند و به عنوان مثال از طریق وبسایت‌های خود در دسترس عموم قرار دهد.

نمونه‌هایی در قوانین و مقررات

(۱) برزیل:

"انجام فعالیت جمع‌آوری ذکر شده در ماده ۹۸ نیاز به احراز صلاحیت قبلی در یک اداره مدیریت عمومی فدرال، که در قانون پیش‌بینی شده است، دارد که روند اداری آن باید رعایت شود: (...).

- اثبات اینکه نهاد درخواست‌کننده شرایط لازم را برای مدیریت مؤثر و شفاف حقوق سپرده شده به وی و نمایندگی آثار ثبت شده و صاحبان آنها را از طریق اسناد و مدارک زیر کسب کرده است:

(....)

و) گزارش سالانه فعالیت‌های خود، در صورت لزوم

(...)

ط) حسابرسی خارجی سالانه حساب‌های آنها، مشروط بر اینکه واحد تجاری بیش از یک سال فعالیت داشته باشد و حسابرسی توسط اکثریت اعضای آن یا اتحادیه صنفی یا انجمن حرفه‌ای، مطابق ماده ۱۰۰ انجام شود. "اتحادیه صنفی یا اتحادیه حرفه‌ای که به نمایندگی از اعضای انجمن مدیریت جمعی کپی‌رایت فعالیت می‌کند، می‌تواند هر سال یک بار با هزینه خود، با اخطار هشت روزه، از طریق یک حسابرس مستقل، صحت حساب‌های ارائه شده توسط انجمن مؤلف به اعضای خود را کنترل کند".

ماده ۹۸ الف، ۲، "f" و "i" و ماده ۱۰۰، قانون کپی‌رایت و حقوق مرتبط

(۲) اکوادور:

"سازمان‌های مدیریت جمعی بدون زیان به سایر تعهدات مندرج در آیین‌نامه مربوطه، باید: (۱) حداقل سالی یکبار در روزنامه‌ای با تیراژ گسترده ملی، ترازنامه و حساب‌ها را منتشر کنند. و (۲) اطلاعات مربوط به کلیه فعالیت‌های مربوط به مدیریت حقوق آنها را حداقل در هر دوره برای اعضای خود ارسال کنند."

ماده ۲۴۹، قانون آلی اقتصاد اجتماعی دانش، خلاقیت و نوآوری

(۳) مالاوی:

(۱) "انجمن باید:

الف) حساب‌ها و سایر سوابق مربوط به وجوه خود را حفظ کرده و از هر لحاظ با مفاد قانون مالی و حسابرسی مطابقت داشته باشد.

ب) سالانه، یا به دفعات، حساب‌های مربوط به امور مالی و دارایی از جمله برآورد درآمد و هزینه سال مالی بعدی را به وزیر ارائه دهد.

(۲) حساب‌های انجمن هر ساله توسط حساب‌برسان تعیین شده توسط انجمن مورد بررسی و بازرسی قرار گیرد و توسط وزیر تأیید شود.

(۳) سال مالی انجمن یک دوره دوازده ماهه است که از اول آوریل هر سال شروع می‌شود و در ۳ مارس سال بعد پایان می‌یابد....."

ماده ۴۵، قانون کپی رایت

(۴) چین:

"یک سازمان مدیریت جمعی کپی رایت باید یک سیستم مالی و حسابداری و همچنین یک سیستم مدیریت دارایی مطابق قانون ایجاد کند و دفاتر حسابداری را مطابق با مقررات مربوط تنظیم کند."

ماده ۳۰، آیین‌نامه مدیریت جمعی کپی رایت

(۵) اتحادیه اروپا:

"گزارش شفافیت سالانه سازمان مدیریت جمعی شامل اطلاعات مالی در مورد مبالغی است که متعلق به صاحبان حق با شرح جامع حداقل موارد زیر است:
[...]"

- کل مبلغ جمع‌آوری شده که هنوز به صاحبان حق نسبت داده نشده است، با تفکیک هر دسته از حقوق مدیریت شده و نوع استفاده و مشخص کردن سال مالی جمع‌آوری این مبالغ؛

- کل مبلغی که به صاحبان حق نسبت داده شده و هنوز توزیع نشده است، با تفکیک هر دسته از حقوق مدیریت شده و نوع استفاده و سال مالی جمع‌آوری این مبالغ؛ و

- دلایل تاخیر در صورتی که سازمان مدیریت جمعی توزیع و پرداخت را در مهلت ۹ ماهه انجام نداده باشد."

ضمیمه دستورالعمل اتحادیه اروپا ۲۶/۲۰۱۴ EU

"گزارش شفافیت سالانه باید حاوی اطلاعاتی در مورد کل مبلغ پاداش پرداخت شده به اشخاصی [که به طور مؤثر تجارت یک مدیر عامل و مدیران آن را مدیریت می‌کنند] در سال گذشته و سایر مزایای اعطایی به آنها باشد."

ماده ۲۲، دستورالعمل اتحادیه اروپا ۲۶/۲۰۱۴ / EU

خلاصه نکات:

(۱) سازمان مدیریت جمعی باید در هر سال مالی، گزارش سالانه را قبل از جلسه عمومی خود بین اعضای خود توزیع کند یا در دسترس آنها قرار دهد.

(۲) گزارش سالانه باید شامل موارد زیر باشد:

الف) صورت‌های مالی، که باید شامل ترازنامه یا صورت دارایی‌ها و بدهی‌ها و همچنین حساب درآمد و هزینه سال مالی باشد.

ب) گزارشی از فعالیت‌های سازمان مدیریت جمعی در آن سال مالی؛

ج) بیانیه درآمد حقوق تقسیم شده بر اساس هر دسته از حقوق مدیریت شده و هر نوع استفاده شامل کل درآمد حقوق که جمع‌آوری شده ولی هنوز به صاحبان حق نسبت داده نشده است و کل درآمد حقوق که منسوب شده اما هنوز بین صاحبان حق توزیع نشده است؛

د) تجزیه هزینه‌های عملیاتی؛

ه) تجزیه کسورات برای اهداف خدمات اجتماعی، فرهنگی و آموزشی در سال مالی و توضیح استفاده از این مبالغ، با تفکیک هزینه‌های اجتماعی، فرهنگی و آموزشی؛

و) اطلاعات مربوط به کل مبلغ پاداش پرداخت شده و سایر مزایای اعطا شده به اشخاصی که در سال مالی تجارت سازمان مدیریت جمعی و اعضای هیأت‌مدیره را اداره می‌کنند.

ز) یک بیانیه کلی که در مورد معاملات بین سازمان مدیریت جمعی و هر سازمان مدیریت جمعی شریک که با آنها توافق‌نامه نمایندگی بسته شده است، و در آن موارد زیر ذکر شده است:

(i) نام سازمان‌های مدیریت جمعی شریک و تاریخ قرارداد مربوط؛

(ii) کل مبلغ پرداخت شده در سال مالی به سازمان‌های مدیریت جمعی شریک؛

(iii) کل هزینه‌های مدیریت و سایر کسره‌های مشخص شده؛ و

(iv) کل مبلغ دریافتی از سازمان مدیریت جمعی شریک.

۴) سوابق مالی سازمان مدیریت جمعی باید سالانه حداقل توسط یک حسابرس خارجی تعیین شده توسط مجمع عمومی بررسی شود.

۳-۸) سیاست‌های توزیع

با اشاره به اینکه سیاست‌های توزیع سازمان مدیریت جمعی بر اساس استفاده از آثار دارای مجوز استوار است، سازمان مدیریت جمعی باید در مجوزهای خود الزامی را برای ارائه اطلاعات دقیق و به موقع توسط کاربران یا مشتریان در مورد استفاده آنها از آثار دارای مجوز سازمان مدیریت جمعی لحاظ کند.

به عنوان یک اصل، سازمان مدیریت جمعی باید درآمدهای خود را که از طرف صاحبان حق جمع‌آوری کرده است - به طور منصفانه، سریع و با حداکثر دقت ممکن - بین صاحبان حق توزیع کند. بنابراین مهم است که قوانین و سیاست‌های توزیع سازمان مدیریت جمعی عادلانه، معقول و شفاف باشد. توزیع باید تاحد ممکن، استفاده واقعی

از محتوا و ارزش واقعی استفاده را منعکس کند یا تا آنجا که از نظر اقتصادی امکان‌پذیر است، بر اساس یک فرمول توافق شده باشد.

نمونه‌هایی در قوانین و مقررات

(۱) کلمبیا:

"میزان پاداش دریافتی توسط سازمان‌های مدیریت جمعی متناسب با استفاده واقعی از حقوق آنها بین صاحبان حقوق توزیع می‌شود."

ماده ۱۴،۵، قانون شماره ۴۴ سال ۱۹۹۳

(۲) برزیل:

"انجمن‌ها باید یک سیستم اطلاعاتی را برای اخطارهای منظم به کاربر در مورد کلیه آثار و فونوگرام‌های استفاده شده و همچنین برای نظارت توسط صاحبان حقوق، مبالغ جمع‌آوری شده و توزیع شده در دسترس قرار دهند."

"بخشی که برای توزیع بین مؤلفان و سایر صاحبان حق تعیین می‌شود... کمتر از ۸۵٪ از کل مجموعه‌ها نخواهد بود."

مواد (۹) ۹۸ و (۴) ۹۹، قانون کپی‌رایت و حقوق مرتبط

(۳) مکزیک:

"تعهدات جوامع مدیریت جمعی... ۹- حق امتیاز دریافتی و همچنین سود حاصل از آنها را از تاریخ دریافت این حق امتیاز توسط شرکت ظرف مدتی که بیش از سه ماه نباشد، تسویه کنید."

ماده ۲۰۳، قانون فدرال کپی‌رایت

(۴) گواتمالا:

"حقوقی که توسط یک انجمن جمع‌آوری، جمع می‌شود، پس از کسر هزینه‌های اداری، نمی‌تواند به موضوع دیگری غیر از توزیع به اعضای آن اختصاص یابد، مگر اینکه صریحاً توسط مجمع‌عمومی مربوطه مجاز باشد. مدیران شرکت درخصوص نقض این ماده به طور مشترک و جداگانه مسئولیت خواهند داشت."

ماده ۱۲۴، قانون کپی‌رایت

(۵) چین:

"درآمد حاصل از صدور مجوز که توسط یک سازمان مدیریت جمعی کپی‌رایت جمع‌آوری می‌شود، پس از کسر هزینه‌های اداری، به طور کامل به صاحبان حق منتقل می‌شود و به هیچ منظور دیگری هدایت نمی‌شود. برای انتقال درآمدهای صدور مجوز، سازمان مدیریت جمعی کپی‌رایت باید یک سابقه انتقال داشته باشد که شامل مواردی از قبیل کل هزینه‌های صدور مجوز، مقدار هزینه‌های اداری، نام صاحبان حق، عناوین و استفاده خاص از آثار، اثر صوتی یا تصویری و غیره، و همچنین مقدار دقیق مربوط به هزینه‌های صدور مجوز پرداخت شده به هر یک از صاحبان حق است و برای بیش از ۱۰ سال حفظ می‌شود."

ماده ۲۹، آیین‌نامه مدیریت جمعی کپی‌رایت

(۶) اکوادور:

"ماده ۲۵۴. توزیع مبالغ جمع‌آوری شده - در زمان توزیع مبالغ جمع‌آوری شده، سازمان‌های جمع‌آوری باید اطلاعات کافی را فراهم کنند تا اعضا بتوانند نحوه انجام محاسبه را درک کنند. به هر یک از اعضا باید بصورت جداگانه اطلاعات لازم به صورتی که برای این منظور از طرف مرجع ملی صالح در امور حقوق مالکیت فکری در مورد هر انجمن جمع‌آوری کننده مجاز است، ارائه شود."

ماده ۲۵۴، قانون آلی اقتصاد اجتماعی دانش، خلاقیت و نوآوری

"درآمدها باید حداکثر ظرف شش ماه پس از جمع‌آوری توسط سازمان‌های جمع‌آوری کننده، به طور مؤثر پرداخت و توزیع شود. در مواردی که مرجع ذی‌صلاح ملی مالکیت فکری پس از تصویب در مجمع عمومی محدودیت زمانی دیگری را مجاز می‌داند، موارد استثنایی ایجاد می‌شود.

تاریخ دقیق پرداخت به شرکا باید سالانه به مرجع ذی‌صلاح ملی مالکیت فکری و به اعضا حداکثر در سه ماهه اول هر سال گزارش شود."

ماده ۲۵۵، قانون آلی اقتصاد اجتماعی دانش، خلاقیت و نوآوری

(۷) اتیوپی:

"(۱) بودجه انجمن مدیریت جمعی از منابع زیر تهیه می‌شود:

الف) کسوراتی که از حق امتیاز جمع‌آوری شده مطابق با این اعلامیه انجام می‌شود؛

ب) مشارکت در عضویت؛

ج) هزینه‌های دریافتی از سایر خدمات مرتبط؛

(۲) کسر سالانه که طبق ماده (۱) الف) این ماده انجام می‌شود نباید بیش از سی درصد کل مبلغ جمع‌آوری شده حق امتیاز باشد؛

(۳) میزان کسری که طبق ماده (۲) این ماده انجام می‌شود قبل از اجرای آن سالانه برای تصویب به دفتر ارائه می‌شود."

ماده ۳۵، اعلامیه کپی‌رایت و حمایت از حقوق مرتبط (اصلاحیه) شماره ۲۰۱۴/۹۷۲

(۸) سوئیس:

"در مواردی که به طور منطقی انتظار می‌رود، استفاده‌کنندگان از آثار باید کلیه اطلاعات لازم را برای تعیین و اعمال تعرفه‌ها و توزیع عواید به سازمان‌های مدیریت جمعی حقوق ارائه دهند."

ماده (۱) ۵۱، قانون کپی‌رایت

(۹) بوسنی و هرزگوین:

"یک سازمان مدیریت جمعی فقط بودجه مربوط به تأمین هزینه‌های فعالیت خود را از کل درآمد خود کسر می‌کند و کلیه وجوه دیگر را بین اعضای خود توزیع می‌کند. به طور استثنایی، اساسنامه یک سازمان جمعی می‌تواند صراحتاً پیش‌بینی کند که بخش خاصی از این بودجه‌ها برای اهداف فرهنگی و بهبود وضعیت بازنشستگی، بهداشت و وضعیت اجتماعی اعضای آن تخصیص یابد. میزان بودجه اختصاص یافته برای چنین اهدافی نباید بیش از ۱۰٪ درآمد خالص سازمان جمعی باشد."

ماده (۲) ۶، قانون مدیریت جمعی کپی‌رایت و حقوق مرتبط، ۲۰۱۰

(۱۰) اتحادیه اروپا:

"[...] یک سازمان مدیریت جمعی [باید] بطور منظم، مجدانه، دقیق و مطابق با سیاست کلی توزیع اشاره شده در ماده (۵) ۷ (الف) مبالغی را بین صاحبان حق توزیع و پرداخت کند."

ماده (۱) ۱۳، دستورالعمل اتحادیه اروپا ۲۶/۲۰۱۴ EU

"[...] یک سازمان مدیریت جمعی یا اعضای آن که نهادهایی به نمایندگی از صاحبان حق هستند [باید] این مبالغ را در اسرع وقت و حداکثر تا نه ماه از پایان سال مالی که درآمد حقوق جمع‌آوری شده است، توزیع کرده و به صاحبان حق پرداخت کنند، مگر اینکه دلایل عینی به ویژه مربوط به گزارش‌دهی توسط کاربران، شناسایی حقوق، صاحبان حق یا تطبیق اطلاعات مربوط به آثار و سایر موضوعات مربوط به صاحبان حق باشد که مانع از رعایت این مهلت توسط سازمان مدیریت جمعی یا استحقاق اعضای آن برای مهلت مذکور شود."

ماده (۱۳)، دستورالعمل اتحادیه اروپا ۲۶/۲۰۱۴ EU

(۱۱) ایفررو:

"سازمان مدیریت جمعی پاداش دریافتی را بین صاحبان حق به صورت کارآمد و سریع؛ تا حد ممکن مبنی بر میزان دقیق استفاده واقعی از اثر؛ به طور شفاف، با تبلیغ برنامه‌های توزیع که نحوه و دفعات پرداخت را با جزئیات کافی توضیح می‌دهد و مطابق با قوانین ملی و بین‌المللی قابل اجرا، توزیع می‌کند."

آیین‌نامه رفتار ایفررو

(۱۲) سیزاک:

"سازمان مدیریت جمعی باید دقت و انصاف یکسانی را در مورد همه توزیع‌ها، از جمله تعداد دفعات توزیع، بدون در نظر گرفتن اینکه این توزیع‌ها برای [اعضای آن] یا انجمن‌های خواهرانش انجام می‌شود، اعمال کند."

"سازمان مدیریت جمعی توزیع‌های خود را بر اساس استفاده واقعی از آثار یا در صورت غیرعملی بودن، بر اساس یک نمونه معتبر از کاربرد واقعی آثار، تنظیم می‌کند."

قوانین حرفه‌ای سیزاک

(۱۳) استرالیا:

"هر انجمن جمع‌آوری یک سیاست توزیع را که هر از چند گاهی تنظیم می‌کند حفظ و در صورت درخواست در دسترس اعضا قرار می‌دهد:

- مبنای محاسبه، دریافت از حقوق و دستمزد و/یا مجوزهای جمع‌آوری شده توسط انجمن جمع‌آوری (درآمد)؛
- نحوه و دفعات پرداخت به اعضا؛ و

- ماهیت کلی مبالغی که قبل از توزیع از درآمد کسر می‌شود."

آیین‌نامه رفتار انجمن‌های جمع‌آوری کپی‌رایت استرالیا

(۱۴) اسکاپر:

"اجراکنندگان فقط باید هزینه‌های لازم را برای مدیریت مؤثر حقوق خود بپردازند."

ماده ۵، قانون رفتار اسکاپر

"حق‌الزحمه جمع‌آوری شده و سود حاصل از چنین درآمدی باید متناسب با استفاده از عملکرد آنها، بر اساس

گزارشات کاربران یا سایر اطلاعات مربوطه موجود، بین اجراکنندگان مربوطه توزیع شود."

ماده ۶، ۱، قانون رفتار اسکاپر

"پاداش شخصی مربوط به اجراکنندگان که به دلیل کمبود اطلاعات لازم پرداخت نشده است، در طول دوره

محدودیت ملی مربوط محفوظ می‌ماند."

ماده ۹، ۱، قانون رفتار اسکاپر

خلاصه نکات:

(۱) سازمان مدیریت جمعی باید یک سیاست توزیع را که در مجمع عمومی تصویب شده است، رعایت کند. این

سیاست باید شامل موارد زیر باشد:

الف) سازمان مدیریت جمعی باید تا آنجا که ممکن است، استفاده واقعی از آثار یا سایر موضوعات را در نظر

بگیرد. اگر این کار عملی نباشد، می‌توان از یک نمونه معتبر آماری تقریبی استفاده واقعی از آثار یا دسته‌بندی

آثار استفاده کرد.

ب) نحوه و دفعات توزیع به اعضا؛ و

ج) مبالغی که قبل از توزیع بر اساس درآمد عملیاتی و سیاست‌های کسر از مجمع عمومی، اساسنامه یا قانون از درآمد حقوق کسر می‌شود.

۲) سازمان مدیریت جمعی باید به طور منظم و با دقت به توزیع و پرداخت مبالغ به صاحبان حقوقی که نماینده آنها از طریق عضویت، اختیار - داوطلبانه یا قانونی - یا از طریق توافق‌نامه‌های نمایندگی با سایر سازمان‌های مدیریت جمعی است، مطابق با سیاست کلی خود در مورد توزیع‌ها و توافق‌نامه‌هایی که با سایر سازمان‌های مدیریت جمعی امضا کرده است، بپردازد.

۳) سازمان مدیریت جمعی باید چنین توزیع‌ها و پرداخت‌هایی را حداکثر ۱۲ ماه پس از پایان سال مالی که درآمد حقوق جمع‌آوری شده است، انجام دهد مگر اینکه دلایل معقول، به عنوان مثال گزارش توسط کاربران، مانع از توزیع طبق مهلت مقرر شود.

۴) سازمان مدیریت جمعی باید سیاست خود را در رابطه با درآمدهای توزیع نشده به وضوح بیان کند.

۴-۸) کسر درآمد (امور اجتماعی، فرهنگی، آموزشی و...)

با توجه به اینکه مأموریت اصلی سازمان، مدیریت کارآمد حقوق به صورت جمعی است، باید تلاش کند خدمات مدیریت حقوق با کیفیت بالا و با کمترین هزینه ممکن باشد. در این صورت توزیع درآمد به صاحبان حق به حداکثر می‌رسد. بنابراین مهم است که اعضای سازمان بتوانند در مورد کلیه کسورات از درآمد از طرف آنها تصمیم بگیرند، به ویژه در مورد هرگونه کسر برای اهداف اجتماعی، فرهنگی و آموزشی.

نمونه‌هایی در قوانین و قانون

(۱) جامعه آند:

"سازمان مدیریت جمعی باید متعهد شود، جز در مواردی که صریحاً توسط مجمع عمومی مجاز است، پاداش جمع‌آوری شده به اهداف دیگری غیر از پوشش هزینه‌های واقعی اداره حقوق مربوطه و توزیع پاداش معوقه پس از کسر چنین هزینه‌هایی اختصاص داده نمی‌شود."

ماده ۴۵ (ج)، تصمیم شماره ۳۵۱ سال ۱۹۹۳

(۲) برزیل:

"انجمن‌ها، طبق تصمیم بالاترین مقام خود و همانطور که در اساسنامه آنها پیش‌بینی شده است، می‌توانند حداکثر بیست درصد (۲۰٪) از کل یا بخشی از بودجه حاصل از فعالیت‌ها را برای رویدادهای فرهنگی و اجتماعی اختصاص دهند که اعضای آنها به طور جمعی از آن فعالیت‌ها سود ببرند."

"انجمن‌ها، طبق تصمیم بالاترین مقام خود و طبق اساسنامه، می‌توانند حداکثر بیست درصد از کل یا بخشی از بودجه حاصل از فعالیت‌ها را برای رویدادهایی با ماهیت فرهنگی و اجتماعی اختصاص دهند که به طور جمعی و بر اساس معیارهای غیر تبعیض‌آمیز سود می‌رساند، مانند:

۱- کمک‌های اجتماعی؛

۲- ترویج آفرینش و انتشار آثار؛ و

۳- ارتقاء توانایی یا صلاحیت اعضا."

ماده (۱۶) ۹۸ قانون کپی‌رایت و حقوق مرتبط و ماده ۲۰، فرمان شماره ۸,۴۶۸، ۲۲ ژوئن ۲۰۱۵

(۳) کلمبیا:

"درآمدی که توسط سازمان مدیریت جمعی جمع‌آوری شده باشد، نمی‌تواند بدون مجوز صریح مجمع عمومی، برای هدفی غیر از پوشش هزینه واقعی مدیریت حقوق مربوطه و همچنین پاداش، توزیع شود."؛ "سازمان‌های مدیریت جمعی فقط می‌توانند حداکثر ۱۰ درصد از مبالغ جمع‌آوری شده را برای پیگیری اهداف اجتماعی و فرهنگی که قبلاً توسط مجمع عمومی تعریف شده است، کنار بگذارند."

مواد (۴) و (۲)، قانون شماره ۴۴ سال ۱۹۹۳

(۴) سنگال:

"هزینه‌های مدیریت - هزینه‌های مدیریتی که توسط انجمن مدیریت جمعی کسر می‌شود، باید با شیوه‌های حکمرانی خوب شناخته شده سازگار باشد و تا حد امکان متناسب با هزینه واقعی مدیریت حقوق در اثر، اجرا، فونوگرام یا فیلم باشد."

ماده ۱۱۹، قانون کپی‌رایت سنگال ۲۰۰۸

(۵) چین:

"یک سازمان مدیریت جمعی کپی‌رایت می‌تواند نسبتی از کل هزینه ای صدور مجوز را به عنوان هزینه‌های اداری برای حفظ فعالیت‌های منظم تجاری خود کسر کند. این نسبت با افزایش مبلغ هزینه‌های صدور مجوز، به تدریج کاهش می‌یابد."

ماده ۲۸، مقررات مدیریت جمعی کپی‌رایت

"درآمدهای صدور مجوز که توسط یک سازمان مدیریت جمعی کپی‌رایت جمع‌آوری می‌شود، پس از کسر هزینه‌های اداری، به طور کامل به صاحبان حق منتقل می‌شود و به هیچ منظور دیگری هدایت نمی‌شود...."

ماده ۲۹، مقررات مدیریت جمعی کپی‌رایت

(۶) مکزیک:

"اساسنامه سازمان‌های مدیریت جمعی حداقل باید حاوی اطلاعات زیر باشد: (.....)

۱۱. درصد مقدار منابع به دست آمده توسط سازمان مدیریت جمعی که برای این موارد در نظر گرفته می‌شود:
(الف) مدیریت سازمان مدیریت جمعی؛ (ب) برنامه‌های تأمین اجتماعی سازمان مدیریت جمعی؛ و (ج) تبلیغ آثار اعضا؛ و

۱۲. قوانین حاکم بر سیستم‌های تقسیم درآمد. چنین قوانینی بر این اصل استوار است که به صاحبان کپی‌رایت یا حقوق مرتبط که تحت نمایندگی سازمان هستند، سهمی از حق امتیازات جمع‌آوری شده متناسب با استفاده واقعی، مؤثر و اثبات شده از آثار، اجراها، فونوگرام‌ها و برنامه‌های پخش شده آنها تعلق می‌گیرد."

ماده ۲۰۵ قانون فدرال کپی‌رایت

(۷) اکوادور:

"مجمع عمومی موظف است سالانه درصدی از هزینه‌های اداری و مدیریتی را تعیین کند به نحوی که از ۳۰ درصد کل درآمد سازمان مدیریت جمعی تجاوز نکند.

حداکثر ۱۰ درصد از کل درآمد باید در آموزش و یا پروژه‌هایی برای ارتقا فعالیت خلاقانه اعضا سرمایه‌گذاری شود. چنین پروژه‌هایی منوط به تصویب مجمع عمومی سازمان مدیریت جمعی خواهد بود.

درصدی که به مزایای رفاهی و تأمین اجتماعی اختصاص داده می‌شود، بین ۵ تا ۱۰ درصد از مبلغ جمع‌آوری شده، که توسط مجمع عمومی تعیین شده است، کسر می‌شود. در مورد اعضای که اشخاص حقوقی هستند، این مزایا به درصد ارتقا فعالیت خلاقانه اضافه می‌شود."

ماده ۲۴۶، قانون آلی اقتصاد اجتماعی دانش، خلاقیت و نوآوری

(۸) بلژیک:

"جلسه عمومی سازمان مدیریت جمعی بلژیک با اکثریت دو سوم در مورد کسر برای اهداف اجتماعی، فرهنگی و آموزشی تصمیم خواهد گرفت. کسر نباید بیشتر از ۱۰٪ باشد. سازمان‌های مدیریت جمعی در سایر کشورها ممکن است حداکثر ۱۰٪ از درآمد حاصله از بلژیک را کسر کنند. سازمان مدیریت جمعی بلژیک و سازمان مدیریت جمعی غیر بلژیکی برای درآمد بلژیک، کسورات را در حساب‌های جدا از حساب اصلی سازمان مدیریت جمعی اداره می‌کنند و هیأت‌مدیره هر ساله گزارشاتی راجع به مبالغ کسر شده و هزینه‌های آنها ارائه می‌دهند."

قانون حقوق اقتصادی بلژیک، کتاب ۱۱، عنوان ۵

(۶) اتحادیه اروپا:

"اطلاعات زیر [سالانه] [در گزارش شفافیت سالانه] ارائه می‌شود: مبالغی که برای اهداف خدمات اجتماعی، فرهنگی و آموزشی در سال مالی جمع می‌شود، با تفکیک هر دسته از حقوق مدیریت شده و هر نوع استفاده؛ توضیح در مورد استفاده از این مقادیر، با تفکیک بر اساس هر نوع هدف."

ضمیمه دستورالعمل اتحادیه اروپا ۲۶/۲۰۱۴ EU

(۷) اسکاپر:

"کسر از مبالغ جمع‌آوری شده توسط سازمان مدیریت جمعی می‌تواند با اجازه یا توسط اعضای سازمان یا بر اساس مقررات قانونی، با هدف ارتقا منافع عمومی اجراکنندگان انجام شود."

ماده ۵، قانون رفتار اسکاپر

(۸) ایفررو:

"سازمان مدیریت جمعی، در صورتی که طبق قانون ملی و / یا اساسنامه آنها و / یا قوانین برنامه توزیع مجاز باشد، از درآمدها برای اهداف اجتماعی و / یا فرهنگی کسر می‌کند. و هر زمان که این کار را انجام دهد، مجوز آن و همچنین مقدار و ماهیت تخصیص داده شده را به طور واضح برای صاحبان حق ذی‌ربط توضیح می‌دهد."

آیین‌نامه رفتار ایفرو

خلاصه نکات:

- (۱) مجمع عمومی باید در مورد نحوه کسر از درآمد سازمان مدیریت جمعی تصمیم‌گیری کند.
- (۲) مبالغی که از درآمد حقوق برای اهداف اجتماعی، فرهنگی و آموزشی در سال مالی کسر می‌شود و توضیح استفاده از این مبالغ باید در گزارش سالانه ذکر شود.
- (۳) سازمان مدیریت جمعی باید تلاش کند تا بودجه‌های مربوط به اهداف اجتماعی، فرهنگی و آموزشی تنها با توافق صاحبان حق به نمایندگی از درآمد حقوق کسر شود.
- (۴) سازمان مدیریت جمعی باید اطمینان حاصل کند که هزینه‌های عملیاتی آن شفاف و به درستی مستند شده است.
- (۵) سازمان مدیریت جمعی باید اطمینان حاصل کند که هر دارنده حق که نماینده آن است - خواه مستقیماً از طریق قرارداد عضویت یا از طریق توافق‌نامه نمایندگی - حق تقاضای خدمات اجتماعی، فرهنگی یا آموزشی خود را خواهد داشت که منبع آن کسر از درآمد حقوق بوده است.

(۹) پردازش داده‌های اعضا و کاربران

اعضا و کاربران، اطلاعات شخصی و بعضاً محرمانه و یا اطلاعات حساس تجاری را در اختیار سازمان‌های مدیریت جمعی قرار می‌دهند. سازمان مدیریت جمعی باید همیشه با چنین داده‌های شخصی یا حساس، با دقت و

با رعایت قوانین قابل اجرا در مورد حفظ حریم خصوصی، داده‌های شخصی و اسرار تجاری رفتار کند. قوانین قابل استفاده در مورد حفاظت از داده‌ها از کشوری به کشور دیگر متفاوت است، اما روش خوب این است که اطمینان حاصل شود داده‌های شخصی فقط برای هدفی که در ابتدا جمع‌آوری شده است، نگهداری و مورد استفاده قرار می‌گیرند و برای هرگونه پردازش بیشتر داده‌ها رضایت‌نامه درخواست می‌شود. اگر انتقال اطلاعات شخصی در مورد یک عضو در خارج از کشور ضروری باشد، سازمان مدیریت جمعی باید هنگام اخذ رضایت‌نامه به عضو یادآوری کند که برخی از کشورهای خارجی ممکن است قوانین محافظت از داده ضعیف‌تری داشته باشند یا اصلاً قانون حفاظت از داده‌ها نداشته باشند.

نمونه‌هایی در قوانین و مقررات

(۱) بلژیک:

"کارمندان انجمن جمع‌آوری و سایر اشخاصی که در جمع‌آوری حقوق و دستمزد ناشی از بخش‌های ۵ یا ۹ شرکت دارند، نسبت به کلیه اطلاعاتی که به مناسبت انجام وظیفه کسب می‌کنند، متعهد به حفظ اسرار حرفه‌ای هستند."

قانون حقوق اقتصادی بلژیک، کتاب ۱۱، عنوان ۵

(۲) جمهوری کره:

"تنها در زمانی که برای اجرا و انجام قرارداد ضروری باشد، یک کنترل‌کننده اطلاعات شخصی می‌تواند اطلاعات شخصی را جمع‌آوری کرده و از آنها در جهت هدف جمع‌آوری استفاده کند.

وقتی نگهداری و مالکیت اطلاعات شخصی به دلیل انقضا مدت نگهداری، دستیابی به هدف پردازش اطلاعات شخصی و غیره، غیرضروری شود، کنترل‌کننده اطلاعات شخصی باید بدون تأخیر اطلاعات شخصی را از بین

ببرد."

ماده (۱۵)، (۲۱)، قانون حفاظت از اطلاعات شخصی

(۳) اتحادیه اروپا:

"سازمان مدیریت جمعی باید حداقل سالی یک بار، از طریق الکترونیکی، اطلاعات زیر را در اختیار هر دارنده حق قرار دهد: [...] هر گونه اطلاعات شخصی که دارنده حق به سازمان مدیریت جمعی اجازه داده است از آن استفاده کند از جمله برای شناسایی و تعیین دارنده حق."

ماده (۴)، دستورالعمل اتحادیه اروپا ۲۶/۲۰۱۴ EU

(۴) ایفررو:

"سازمان مدیریت جمعی با رعایت حقوق محرمانه صاحبان حق و کاربران، با اطلاعات محرمانه به طور مناسب و با احترام به توافق‌نامه‌ها و قوانین قابل اجرا رفتار می‌کند."

آیین‌نامه رفتار ایفررو

خلاصه نکات:

- (۱) سازمان مدیریت جمعی باید تلاش معقولانه خود را انجام دهد تا اطمینان حاصل کند که هیچ یک از مدیران و کارمندان اطلاعاتی را که در حین استخدام یا انجام وظایف خود بدست می‌آورند، بدون دلیل قابل توجیه یا دستور مرجع صالح، برای اشخاص ثالث افشا نمی‌کنند.
- (۲) سازمان مدیریت جمعی باید سوابق مربوط به هر دارنده حق را که نماینده آن است، نگه دارد و به طور مرتب به روز کند تا چنین دارنده‌ای بتواند به طور دقیق شناسایی و مکان‌یابی شود.
- (۳) سازمان مدیریت جمعی باید به اصول اساسی حریم خصوصی و حفاظت از اطلاعات شخصی احترام بگذارد. همچنین باید از تعهدات خود تحت قوانین مربوط به حفاظت از حریم خصوصی و داده‌های شخصی پیروی کند.

۴) سازمان مدیریت جمعی باید (در صورت امکان به صورت الکترونیکی) دارنده حق یا دارنده مجوز را در مورد اطلاعات شخصی آنها که توسط سازمان نگهداری می‌شود، مطلع سازد.

۱۰) توسعه مهارت و آگاهی کارکنان

به منظور اطمینان از ارائه خدمات با کیفیت بالا، مدیر سازمان مدیریت جمعی باید توسعه مداوم مهارت‌ها و دانش کارکنان خود را از طرق مختلف مانند برنامه‌های آموزشی در نظر بگیرد. سازمان مدیریت جمعی باید اطمینان حاصل کند که کارمندان و نمایندگان همیشه با قوانین و مقررات هماهنگ عمل می‌کنند.

نمونه‌هایی در قوانین و مقررات

(۱) استرالیا:

"هر انجمن جمع‌آوری اقدامات منطقی را انجام خواهد داد تا اطمینان حاصل کند کارمندان و نمایندگان خود از این قانون آگاه هستند و همیشه آن را رعایت می‌کنند. به طور خاص، یک انجمن جمع‌آوری اقدامات منطقی انجام خواهد داد تا اطمینان حاصل کند که کارمندان و نمایندگان آن از مراحل رسیدگی به شکایات و حل اختلافات مندرج در بند ۳ مطلع هستند و قادر به توضیح این روش‌ها برای اعضا، مجوز گیرندگان و عموم مردم هستند."

آیین‌نامه رفتار انجمن‌های جمع‌آوری کپی‌رایت استرالیا

(۲) سیزاک:

"هر [مدیر سازمان مدیریت جمعی] باید با ایجاد برنامه آموزش و توسعه به نفع همه کارکنان، توسعه مهارت‌ها و دانش مناسب را در بین کارکنان خود تشویق کند."

قوانین حرفه‌ای سیزاک

(۳) ایفرو:

"مدیر سازمان مدیریت جمعی کارکنان خود را برای مطابقت با استانداردهای این قانون آموزش می‌دهد."

آیین‌نامه رفتار ایفرو

خلاصه نکات:

(۱) سازمان مدیریت جمعی باید توسعه مهارت‌ها و دانش مناسب در بین کارکنان خود را تشویق کند و به صورت مستند، نشان دهد روش‌هایی را ایجاد کرده که اطمینان حاصل می‌کند کارکنان در قوانین مربوط به عملکرد خود به روز می‌شوند.

(۲) سازمان مدیریت جمعی باید اطمینان حاصل کند که کارمندان و نمایندگان آن از مراحل رسیدگی به شکایات و حل اختلاف آگاهی دارند و می‌توانند این روش‌ها را برای اعضا، کاربران و عموم مردم توضیح دهند.

(۱۱) رسیدگی به شکایات و حل اختلاف

در یک سازمان مدیریت جمعی، به نفع صاحبان حق، اعضا و کاربران خواهد بود که روش‌های رسیدگی به شکایات به راحتی، ترجیحاً به روش الکترونیکی، برای حل اختلافات بین اعضا / صاحبان حق و بین سازمان مدیریت جمعی و کاربران در دسترس باشد. لازم است به منظور شفافیت امور، مقررات قانونی استنادی را برای نهادهای حل اختلاف هنگام تصمیم‌گیری در مورد اختلاف نرخ بین سازمان مدیریت جمعی و کاربر ارائه دهند.

نمونه‌هایی در قوانین و مقررات

(۱) برزیل:

"سازمان‌های مدیریت جمعی باید قوانینی تنظیم کنند تا راه‌حل‌های سریع و کارآمد را برای موارد اختلاف، بر اساس اطلاعات راهنما پیدا کنند که منجر به حفظ توزیع مقادیر بین صاحبان آثار، متون یا فونوگرام‌ها می‌شود."

ماده (۳) ۱۵، فرمان شماره ۸،۴۶۸، ۲۲ ژوئن ۲۰۱۵

(۲) ژاپن:

"(۱) در موردی که دستوری مطابق مفاد ماده قبل، بند (۴) صورت گرفته و توافق حاصل نشده است، طرفین ذی‌نفع می‌توانند از طریق کمیساریای آژانس امور فرهنگی با توجه به قوانین رویالتی مربوطه درخواست داوری کنند. (۲) کمیسیونر با دریافت درخواست داوری مندرج در بند قبلی (از این پس "داوری" نامیده می‌شود)، آن را به سایر طرف‌های ذیربط اطلاع داده و به آنها فرصت می‌دهد تا نظرات خود را در مدت زمان تعیین شده، ابراز کنند... (۴) کمیسیونر هنگام تصمیم به داوری با شورای فرهنگ مشورت می‌کند. (۵) کمیسیونر باید هنگام داوری، مراتب را به طرف‌های ذیربط اطلاع دهد. (۶) در مواردی که داوری به این نتیجه رسید که ضروری است قوانین رویالتی را تغییر دهند، قوانین باید مطابق با تصمیم آن مرجع داوری تغییر یابد."

ماده ۲۴، قانون مدیریت مشاغل کپی‌رایت و حقوق مرتبط

(۳) اتحادیه اروپا:

"روشهای رسیدگی به شکایات

۱. کشورهای عضو باید اطمینان حاصل کنند که سازمان‌های مدیریت جمعی روش‌های مؤثر و به موقع برای رسیدگی به شکایات، به ویژه در مورد مجوز برای مدیریت حقوق و فسخ یا لغو حقوق، شرایط عضویت، جمع‌آوری مبالغ مربوط به صاحبان حق، کسورات و توزیع در اختیار اعضای خود و سازمان‌های مدیریت جمعی که به آنها توافق‌نامه نمایندگی دارند، قرار داده‌اند.

۲. سازمان‌های مدیریت جمعی باید به شکایات اعضا یا سازمان‌های مدیریت جمعی که از طرف آنها حقوق تحت قرارداد نمایندگی را اداره می‌کنند، کتباً پاسخ دهند. هرگاه سازمان مدیریت جمعی شکایتی را رد کند، باید دلیل آن را بیاورد."

ماده ۳۳، دستورالعمل اتحادیه اروپا ۲۶/۲۰۱۴ EU

روش‌های جایگزین حل اختلاف

۱. کشورهای عضو می‌توانند پیش‌بینی کنند اختلافات بین سازمان‌های مدیریت جمعی، اعضای سازمان‌های مدیریت جمعی، صاحبان حق یا کاربران در مورد مقررات قانون ملی که طبق الزامات این بخشنامه تصویب شده است، با یک رویه حل اختلاف سریع، مستقل و بی‌طرف بررسی و حل شود."

ماده ۳۴، دستورالعمل اتحادیه اروپا ۲۶/۲۰۱۴ EU

"حل اختلاف

۱. کشورهای عضو اطمینان حاصل می‌کنند که اختلافات بین سازمان‌های مدیریت جمعی و کاربران در خصوص شرایط موجود و پیشنهادی مجوز یا نقض قرارداد می‌تواند به دادگاه، یا در صورت لزوم، به یک ارگان حل اختلاف مستقل و بی‌طرف دیگر در آنجا که در قانون مالکیت فکری تخصص دارد، ارسال شود.

۲. مواد ۳۳ و ۳۴ و بند ۱ این ماده هیچگونه تعارضی به حق طرفین در ادعا و دفاع از حقوق خود با طرح دعوی در دادگاه ندارند."

ماده ۳۵، دستورالعمل اتحادیه اروپا ۲۶/۲۰۱۴ EU

(۴) ونزوئلا:

"ماده ۱۳۰: برای اطمینان از انجام وظایف اداری و سایر وظایف مربوط به ثبت، نظارت و بازرسی پیش‌بینی شده در این قانون، اداره ملی کپی‌رایت زیر نظر وزارتخانه‌ای که صلاحیت رسیدگی به این موارد را دارد و بر اساس مجوز قانون سازماندهی دولت مرکزی، ایجاد شده است.

این اداره باید...:

(۶) در صورت تقاضای طرف‌های ذی‌نفع، در درگیری‌های بوجود آمده بین صاحبان حق، بین سازمان‌های مدیریت جمعی و بین سازمان مدیریت جمعی یا صاحبان حق و استفاده کنندگان از آثار، محصولات یا تولیدات تحت حمایت این قانون به عنوان داور عمل کند...."

ونزوئلا، قانون کپی‌رایت ۱۹۹۳، ماده (۶) ۱۳۰

(۵) مرکز داوری و میانجیگری سازمان جهانی مالکیت فکری (وایپو)

مرکز داوری و میانجیگری وایپو^{۳۷۸} روش‌های حل و فصل اختلاف و خدمات مدیریت پرونده را برای کمک به طرفین در حل اختلافات در زمینه مدیریت جمعی خارج از دادگاه‌ها ارائه می‌دهد.

در این راستا، مرکز وایپو با مقامات کپی‌رایت در ارتقاء استفاده از روش‌های حل و فصل اختلافات مربوط به کپی‌رایت همکاری می‌کند.

خلاصه نکات:

(۱) سازمان مدیریت جمعی باید اطلاعات مربوط به شکایات و روش‌های حل اختلاف را در دسترس اعضای خود، صاحبان حق و سایر سازمان‌های مدیریت جمعی که با آنها توافق‌نامه نمایندگی دارند، قرار دهد. این اطلاعات باید

^{۳۷۸} <http://www.wipo.int/amc/en>

<http://www.wipo.int/amc/en/center/specific-sectors/ipoffices/>

به وضوح بیان کند که شکایت باید برای چه کسی ارسال شده، آدرس یا ایمیل، بازه‌های زمانی و مراحل تجدید نظر را ذکر کند.

۲) در صورت بروز اختلافات بین سازمان مدیریت جمعی و کاربر، طرفین حق دارند اختلاف را به دادگاه یا یک نهاد مستقل حل اختلاف با تخصص در زمینه کپی‌رایت در آنجا ارائه دهند. مرکز داوری و میانجیگری وایپو گزینه‌های حل و فصل اختلافات را برای حل اختلافات مربوط به مدیریت جمعی کپی‌رایت در خارج از دادگاه‌ها، از جمله بندهای پیشنهادی قرارداد ارائه می‌دهد. روش‌های حل اختلاف داوطلبانه بین سازمان‌های مدیریت جمعی و کاربران باید تشویق شود.

۱۲) نظارت بر سازمان‌های مدیریت جمعی

نظارت بر سازمان‌های مدیریت جمعی می‌تواند بر اساس مقررات قانونی یا به صورت یک طرح نظارت داخل سازمانی انجام شود. در نوع دوم یعنی نظارت داخلی، مرسوم است که برای اطمینان از درک تعهدات و حقوق همه طرف‌های مربوطه، یک آیین‌نامه رفتار منتشر شود.

نمونه‌هایی در قوانین و مقررات

۱) اتحادیه اروپا:

" انطباق

۱. کشورهای عضو باید اطمینان حاصل کنند که انطباق سازمان‌های مدیریت جمعی مستقر در قلمرو آنها با مقررات قانون ملی مصوب طبق الزامات مندرج در این بخشنامه توسط مقامات ذیصلاح تعیین شده برای این منظور نظارت می‌شود.

۲. کشورهای عضو باید اطمینان حاصل کنند رویه‌هایی وجود دارد که اعضای یک سازمان مدیریت جمعی، صاحبان حق، کاربران، سازمان‌های مدیریت جمعی و سایر اشخاص ذی‌نفع را قادر می‌سازد مقامات صالح تعیین شده برای این منظور را از فعالیت‌ها یا شرایطی که از نظر آنها نقض مقررات قانون ملی مربوط به الزامات این دستورالعمل است، مطلع سازند.

۳. کشورهای عضو اطمینان حاصل می‌کنند مقامات ذیصلاح تعیین شده برای این منظور از قدرت تحمیل مجازات‌های مناسب یا اتخاذ تدابیر مناسب در صورت عدم رعایت مفاد قانون ملی مصوب در اجرای این بخشنامه برخوردار هستند. این مجازات‌ها و اقدامات باید مؤثر، متناسب و بازدارنده باشد."

ماده ۳۶، دستورالعمل اتحادیه اروپا ۲۶/۲۰۱۴ EU

(۲) جمهوری کره:

"وزیر فرهنگ، ورزش و جهانگردی ممکن است از یک ارائه دهنده خدمات تراست کپی‌رایت بخواهد گزارش لازم درباره وظایف سرویس تراست کپی‌رایت را ارائه دهد. به منظور ارتقا حمایت از حقوق و منافع مؤلفان و استفاده راحت از آثار، وزیر فرهنگ، ورزش و جهانگردی ممکن است دستورات لازم در مورد خدمات تراست کپی‌رایت را صادر کند."

ماده (۱) (۲) ۱۰۸، قانون کپی‌رایت

"یک ارائه دهنده خدمات تراست کپی‌رایت باید هر سال نتیجه کسب و کار سال قبل و برنامه تجاری سال مربوط را که در مصوبه وزارت فرهنگ، ورزش و گردشگری تعیین شده است، گزارش کند."

ماده (۱) ۵۲، دستورالعمل اجرایی قانون کپی‌رایت

"یک ارائه دهنده خدمات تراست کپی‌رایت باید موارد زیر را در پایان هر ماه آماده کرده و تا دهم ماه بعد گزارشی را به وزیر فرهنگ، ورزش و جهانگردی ارائه دهد: فهرست آثار و موارد تحت مدیریت ارائه دهنده

خدمات تراست کپی‌رایت، اطلاعات مربوط به حقوق آثار، اطلاعات تماس با یک ارائه دهنده خدمات تراست کپی‌رایت.^{۳۷۹}

ماده (۳) ۵۲، دستورالعمل اجرایی قانون کپی‌رایت

(۳) برزیل:

"انجام فعالیت جمع‌آوری ذکر شده در ماده ۹۸ همانطور که در قانون پیش‌بینی شده است، نیاز به احراز صلاحیت قبلی در یک هیأت اداره عمومی فدرال، دارد که باید روند اداری آن را رعایت کند: (...)"

ماده ۹۸-الف، قانون کپی‌رایت و حقوق مرتبط

(۴) آلمان^{۳۷۹}:

" (۱) مرجع نظارت می‌تواند تمام اقدامات لازم را انجام دهد تا اطمینان حاصل کند که انجمن جمع‌آوری به درستی تعهدات خود را بر اساس این قانون انجام می‌دهد.

(۲) مقام نظارت ممکن است انجمن جمع‌آوری را از ادامه فعالیت‌های تجاری خود در زمینه جمع‌آوری منع کند در صورتی که:

۱. بدون اجازه عمل می‌کند؛ یا

۲. علی‌رغم اخطار مقام نظارت، به طور مکرر یکی از تعهداتی که بر اساس این قانون بر عهده دارد، نقض می‌کند.

(۳) مرجع نظارت می‌تواند هر زمان از انجمن جمع‌آوری بخواهد اطلاعات مربوط به کلیه امور مربوط به مدیریت، دفاتر و سایر اسناد تجاری را تهیه کند.

^{۳۷۹} در آلمان مرجع ثبت و صدور مجوز برای انجمن‌های مدیریت جمعی، اداره ثبت اختراعات و علائم تجاری آلمان است که امر نظارت و رسیدگی به شکایت را نیز انجام می‌دهد. علاوه بر این وزارت دادگستری نیز به طور مستقل بر کار این انجمن‌ها نظارت می‌کند.

(۴) مرجع نظارت مجاز است از طریق افراد تعیین شده، در مجمع عمومی و همچنین در جلسات هیأت نظارت، هیأت مدیره، نهاد نظارت، جلسه نمایندگان (بخش ۲۰) و کلیه کمیته‌های این ارگان‌ها شرکت کند. انجمن جمع‌آوری باید تاریخ جلسات ذکر شده در جمله اول را به موقع به نهاد نظارت اطلاع دهد.

(۵) در صورتی که دلیلی وجود داشته باشد شخصی که طبق قانون یا مقررات مجاز به نمایندگی انجمن جمع‌آوری است از قابلیت اطمینان لازم در انجام فعالیت خود برخوردار نیست، مرجع نظارت باید برای انجمن جمع‌آوری مهلت اخراج تعیین کند. مرجع نظارت می‌تواند وی را از ادامه فعالیت تا پایان این مهلت منع کند، اگر این امر برای جلوگیری از عوارض جانبی جدی ضروری باشد.

(۶) هرگاه نشانه‌هایی وجود داشته باشد مبنی بر اینکه سازمانی مطابق با بند ۷۷ به مجوز نیاز دارد، مرجع نظارتی ممکن است به اطلاعات و اسناد مربوطه برای بررسی تعهد به دست آوردن مجوز نیاز داشته باشد."

بخش ۸۵ قانون - CS اختیارات مرجع نظارت

(۵) اکوادور:

"مرجع صالح ملی در امور مالکیت فکری می‌تواند به صورت اختصاصی یا به درخواست یک ذی‌نفع، بازدیدهای بازرسی و نظارت را انجام دهد تا عملکرد صحیح سازمان‌های مدیریت جمعی را تأیید کند و اقدامات یا تحقیقات مختصر را در موارد نقض مقررات حاکم بر آنها انجام دهد.

در هر صورت، مرجع صالح ملی در امور مالکیت فکری می‌تواند، به صورت اختصاصی یا به درخواست یکی از طرف‌های ذینفع، تحقیق و بررسی انجام دهد و در صورت عدم رعایت مقررات قابل اجرا در مورد یک سازمان مدیریت جمعی مداخله کند. چنین مداخله‌ای تمام حوزه‌های سازمان مدیریت جمعی را شامل می‌شود. پس از انجام مداخله، اقدامات و قراردادهای باید از طرف مرجع صالح ملی برای امور مالکیت فکری تأیید شوند تا معتبر باشند.

مداخله ممکن است به عنوان یک اقدام پیشگیرانه قبل یا هنگام انجام تحقیق در مورد یک سازمان مدیریت جمعی، توسط مرجع صالح ملی در امور حقوق مالکیت فکری صورت گیرد. برای این منظور، مرجع ذی صلاح ملی مالکیت فکری باید یکی از مقامات خود یا شخص دیگری را که دارای صلاحیت فنی برای انجام این کار است، به عنوان کنترل کننده منصوب کند. مداخله تا زمان خاتمه رسیدگی یا تحقیقات مختصر ادامه دارد. در مواردی که توسط مرجع ذی صلاح ملی مالکیت فکری شناسایی شده است، ممکن است دستور مداخله به عنوان اقدامی برای اطمینان از انطباق با مجازات‌های اعمال شده بر سازمان مدیریت جمعی برای نقض مقررات مربوط به حقوق مالکیت فکری و تا زمان اصلاح آنها، صادر شود."

ماده ۲۵۸، قانون آلی اقتصاد اجتماعی دانش، خلاقیت و نوآوری

"اگر سازمان مدیریت جمعی مطابق رویه مندرج در ماده قبلی نتواند مفاد این قانون، آیین نامه مربوطه یا اساسنامه آن را رعایت کند و عدم انطباق را در مدت تعیین شده توسط مرجع صالح ملی رفع نمی کند، این مرجع می تواند هر یک از مجازات های تعیین شده در این ماده را با توجه به جدی بودن تخلف یا تکرار جرم اعمال کند.

تحریم ها باید با در نظر گرفتن معیارهای زیر اعمال شود: عدم رعایت جدی و عدم پیروی از قوانین مندرج در این قانون، همراه با سایر قوانین قابل اجرا، و اینکه آیا تخلف منفرد است یا مکرر.

در صورت وقوع سوءرفتار، مجازات جدی ترین رفتار ناشایست اعمال خواهد شد. اگر همه آنها از شدت یکسانی برخوردار باشند، حداکثر مجازات اعمال می شود.

این مجازات ها به شرح زیر است:

۱. توبیخ کتبی

۲. جریمه

۳. تعلیق مجوز بهره‌برداری برای مدت زمان حداکثر شش ماه و

۴. لغو مجوز بهره‌برداری.

هنگامی که یک سازمان مدیریت جمعی مورد تحریم قرار می‌گیرد، باید اعضای خود را از حدود مجازات آگاه کند و مرجع صالح ملی در امور مالکیت فکری مجازات را طبق مقررات مربوطه منتشر می‌کند. در صورت عدم رعایت این ماده، مرجع صالح ملی حقوق مالکیت فکری می‌تواند آن را با جریمه‌ای که در مقررات برای این منظور مقرر شده مجازات کند.

در مواردی که تخلفات ناشی از سوءرفتار عمدی یا سهل‌انگاری فاحش مدیر کل، مدیران، اعضای هیأت‌مدیره یا کمیته نظارت باشد، سازمان مدیریت جمعی باید طبق این ماده جهت جبران خسارت، اقدامات بیشتری علیه مقامات از طریق جریمه انجام دهد."

ماده ۲۵۹، قانون آلی اقتصاد اجتماعی دانش، خلاقیت و نوآوری

مرجع صالح ملی در امور مالکیت فکری می‌تواند، به صورت اختصاصی یا به درخواست یک شخص ذی‌نفع، بازرسی‌ها یا مراحل را برای تعیین عدم انطباق با قوانین این قانون و سایر قوانین قابل اجرا در مورد عملکرد سازمان‌های مدیریت جمعی توسط مدیران، هیأت‌مدیره و کمیته نظارت انجام دهد. در مواردی که مسئولیت‌های مربوط به موضوعات حقوق مالکیت فکری توسط مرجع صالح ملی تعیین شود، باید مقرر شود که مجازات‌های زیر بر سازمان مدیریت جمعی تحمیل شود:

۱. توبیخ کتبی

۲. جریمه

۳. اخراج."

ماده ۲۶۰، قانون آلی اقتصاد اجتماعی دانش، خلاقیت و نوآوری

"در صورت تعیین تعلیق مجوز بهره‌برداری، سازمان مدیریت جمعی شخصیت حقوقی خود را فقط به منظور جبران نقض حفظ می‌کند. اگر شرکت ظرف مدت شش ماه پس از صدور حکم تعلیق، تخلف را برطرف نکرد، مرجع ذی صلاح ملی حقوق مالکیت فکری به طور قطعی مجوز فعالیت شرکت را لغو می‌کند. سپس سازمان مدیریت جمعی منحل و مبالغ مربوطه باید بلافاصله در قسمت‌های مساوی بین همه اعضا توزیع شود."

ماده ۲۶۱، قانون آلی اقتصاد اجتماعی دانش، خلاقیت و نوآوری

(۶) سیزاک:

"مجوز فعالیت

۲۰. اگر عضوی از نظر قانونی برای فعالیت مجبور به دریافت مجوز از یک نهاد قانونی است، باید اطمینان حاصل کند که قبل از فعالیت چنین صلاحیتی را کسب کرده است.

۲۱. اگر عضوی در اعتراض به امتناع چنین نهاد قانونی از اجازه فعالیت آن تقاضای تجدیدنظر کرده باشد، این عضو حداقل تا زمانی که تصمیم تجدیدنظر قطعی صادر شود، فعالیت خود را به عنوان عضو ادامه خواهد داد."

قوانین حرفه‌ای سیزاک برای انجمن‌های موسیقی

خلاصه نکات:

(۱) در مورد خودتنظیمی و نظارت، باید یک گروه کاری تشکیل شود که متشکل از همه ذی‌نفعان باشد، از جمله صاحبان حق، سازمان‌های مدیریت جمعی، کاربران و دولت، اما نه محدود به آنها. کارگروه باید در زمینه تهیه یک آئین نامه رفتاری که باید قبل از انتشار توافق شود، مشورت و همکاری کند.

(۲) مقررات مربوط به خودتنظیمی و نظارت باید شامل بخش‌هایی در مورد حداقل موارد زیر باشد: (الف) نقش و عملکرد سازمان‌های مدیریت جمعی؛ (ب) شفافیت؛ (ج) پاسخگویی و مشاوره؛ (د) ساختارهای

الگوها و نحوه فعالیت سازمان‌های مدیریت جمعی کپی رایت و حقوق مرتبط

حاکمیتی؛ (ه) سیاست‌های صدور مجوز؛ (و) سیاست‌های توزیع؛ (ز) هزینه‌های عملیاتی و سیاست‌های کسر؛ (ح) حفاظت از داده‌ها؛ (ط) حل اختلاف.

فصل دوم

با توجه به آنچه در بخشهای قبل بررسی شد، اهمیت وجود قوانین و مقررات متناسب با شرایط هر کشور در زمینه تشکیل و کارکرد موثر سازمان‌های مدیریت جمعی مشخص می‌شود. در بخش گذشته تلاش شده بهترین نمونه‌های قوانین کشورها و مقررات داخلی سازمان‌های مدیریت جمعی معروف و موفق دنیا انتخاب و ذکر شود و امکان ذکر قوانین تمام کشورها نیست اما لازم به ذکر است در حال حاضر هیچ کشوری نمی‌توان یافت که سازمان‌های مدیریت جمعی آن تحت هیچگونه قوانین، مقررات و دستورالعمل خاصی در این زمینه نباشند.

در مطالعاتی که در اسناد و کتب مختلف به خصوص منابع مربوط به سازمان جهانی مالکیت فکری صورت گرفت بر لزوم قانونگذاری و اصلاح و تکمیل قوانین موجود در زمینه حمایت از کپی رایت و حقوق مرتبط و سازمان‌های مدیریت جمعی تاکید زیادی به عنوان زیربنای کار شده است. مدیریت جمعی مؤثر و کارآمد تا حد زیادی به قوانین ملی در خصوص کپی رایت و حقوق مرتبط و بازتاب شرایط محیطی کنونی که صاحبان حقوق با آن روبرو هستند، بستگی دارد. بازنگری در قوانین فعلی یا تصویب قانون جدید در این زمینه، مشروعیت و قوت بیشتری به کار بخشیده و تکلیف بخش‌های دولتی و قضائی را در رابطه با مسائل مختلف مربوط به این سازمان‌ها مشخص می‌کند.

اگرچه به نظر می‌رسد، ایجاد سازمان‌ها یا شرکت‌های مدیریت جمعی با استفاده از قوانین فعلی کشور نظیر قانون تجارت و سایر قوانین مربوط به ثبت شرکت، موسسه و انجمن و یا با تغییر ساختار و سازوکار برخی نهادهای فعلی کشور مانند انجمن‌های مختلف ادبی و هنری، غیرممکن نیست اما در صورتی که حمایت مناسب قانونی زیربنای اصلی کار باشد، بخش‌های مختلف کشور، ذی‌نفعان و مصرف‌کنندگان، اعتماد و اطمینان بیشتری به این نهاد تازه تأسیس خواهند داشت و در عمل قانون به عنوان یک نقشه راه برای سازمان‌های در حال تأسیس خواهد بود.

لذا در این بخش با درنظر گرفتن وضعیت قوانین و سازو کارهای فعلی کشور، پیش نویس قانون مدیریت جمعی حق مؤلف و حقوق مرتبط تهیه شده است. در این پیش نویس سعی شده تا حدممکن انعطاف لازم در بیان شرایط درنظر گرفته شده و کلیات ضروری ذکر شود.

پیش‌نویس قانون مدیریت جمعی حق مؤلف و حقوق مرتبط

فهرست:

- (۱) هدف
- (۲) تعاریف
- (۳) تاسیس سازمان مدیریت جمعی
- (۴) وظایف و عملکرد سازمان مدیریت جمعی
- (۵) ارائه اطلاعات در مورد سازمان مدیریت جمعی
- (۶) عضویت در سازمان مدیریت جمعی
- (۷) اطلاع رسانی درباره مسائل مالی
- (۸) رابطه سازمان‌های مدیریت جمعی با یکدیگر
- (۹) رابطه سازمان مدیریت جمعی با کاربران
- (۱۰) ارکان سازمان مدیریت جمعی

(۱۱) اداره مالی، توزیع درآمد و کسر

(۱۲) پردازش اطلاعات مربوط به اعضا و کاربران

(۱۳) توسعه مهارت و آگاهی کارکنان

(۱۴) رسیدگی به شکایات و حل و فصل اختلافات

(۱) هدف

هدف از این قانون بیان سازوکار مدیریت جمعی حق مولف و حقوق مرتبط، نحوه شکل‌گیری سازمان‌های مدیریت جمعی و تعهدات و روابط موجود در سازمان‌های مذکور به منظور بهبود و تسهیل استفاده و بهره‌برداری از آثار ادبی و هنری و حقوق مرتبط و تعادل بین حقوق صاحبان آثار و مصرف‌کنندگان است.

(۲) تعاریف

ماده ۱:

سازمان/ نهاد مدیریت جمعی شخصیت حقوقی است که طبق قانون یا توافق‌نامه قراردادی مجاز به اداره حق مؤلف یا حقوق مرتبط از طرف بیش از یک دارنده حق به عنوان تنها هدف یا هدف اصلی خود برای منافع جمعی صاحبان حق است.

ماده ۲:

دارنده حق هر شخصی است که به موجب قانون یا قرارداد، مالک حق مؤلف یا حقوق مرتبط است.

ماده ۳:

عضو سازمان مدیریت جمعی به معنای هر شخص حقیقی یا حقوقی است که دارنده حق یا نماینده دارنده حق است و عضویت آن توسط سازمان مدیریت جمعی پذیرفته شده است.

ماده ۴:

کاربر یا مصرف‌کننده در این قانون به معنای هر شخص حقیقی یا حقوقی است که بر اساس مجوز از دارنده حق یا پرداخت پاداش به دارنده حق، یا از طریق استثنای و محدودیت‌های قانونی از یک اثر تحت حمایت حق مؤلف یا حقوق مرتبط استفاده می‌کند.

ماده ۵:

محدوده این قانون حق مؤلف (کپی‌رایت) و حقوق مرتبط (حقوق سازمان پخش رادیو تلویزیونی، تولیدکنندگان آثار صوتی و اجراکنندگان (هنرمندان مجری) است.

ماده ۶:

گزارش سالانه گزارشی جامع از فعالیت‌های سازمان مدیریت جمعی در طول یک سال فعالیت است که به طور معمول شامل حساب‌های سالانه، با مجموعه‌ها و توزیع‌ها، مقایسه با سال قبل، هزینه‌های اجرایی، جزئیات بدنه حاکم و افرادی که تجارت سازمان مدیریت جمعی را مدیریت می‌کنند، است.

ماده ۷:

توزیع به معنای پرداخت مالی به اعضای سازمان مدیریت جمعی، سازمان‌های مدیریت جمعی که توافق‌نامه نمایندگی با آنها منعقد شده است یا سایر صاحبان حق مجاز، پس از کسر هزینه‌های عملیاتی و سایر کسورات

مجاز است و تا آنجا که از نظر اقتصادی امکان‌پذیر است، بر اساس داده‌های استفاده واقعی انجام شده و یا بر اساس یک فرمول توافق شده طبق اساسنامه یا تصمیم مجمع عمومی انجام می‌شود.

ماده ۸:

عضو سازمان مدیریت جمعی طبق اساسنامه سازمان به این عنوان شناخته شده است و ممکن است شخص حقیقی یا حقوقی باشد. به طور معمول، اعضای سازمان مدیریت جمعی بسته به حقوق مدیریت شده توسط سازمان مدیریت جمعی شامل مؤلفان (مانند نویسندگان، آهنگسازان، نقاشان و عکاسان)، اجراکنندگان (مانند نوازندگان و بازیگران)، ناشران، تولیدکنندگان آوا، تولیدکنندگان فیلم و سایر صاحبان حق که شرایط عضویت سازمان مدیریت جمعی را داشته باشند و نمایندگان صاحبان حق مانند انجمن‌ها و هیأت‌ها، می‌شود.

ماده ۹:

درآمد یا درآمد حقوق، درآمدی است که از صاحبان مجوز یا اشخاص دیگری که مسئول پرداخت حق‌الزحمه استفاده از آثار دارای کپی‌رایت یا حقوق مرتبط هستند، جمع‌آوری شده است.

۲) تاسیس سازمان مدیریت جمعی

ماده ۱۰:

متقاضی تاسیس سازمان مدیریت جمعی، تقاضای خود را به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تقدیم می‌کند. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با انجام بررسی‌های لازم و کافی ظرف مدت یک ماه درباره پذیرش یا رد تقاضا با دلایل موجه اعلام نظر خواهد نمود. در صورت اعلام موافقت اصولی با تقاضا، موسس یا موسسان موظفند ظرف مدت یک ماه از تاریخ اعلام، نسبت به ارائه اساسنامه و تحقق شرایط مندرج در آن اقدام نماید.

در صورت تصویب اساسنامه توسط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان مدیریت جمعی می‌تواند در قالب شرکت، مؤسسه، انجمن یا سازمان و به صورت انتفاعی یا غیرانتفاعی طبق مقررات سازمان ثبت اسناد و املاک کشور به ثبت برسد که همه عناوین مذکور تحت عنوان سازمان مدیریت جمعی شناخته می‌شود.

۳) وظایف و عملکرد سازمان مدیریت جمعی

ماده ۱۱: وظایف سازمان مدیریت جمعی

سازمان مدیریت جمعی باید در حدود اختیارات داده شده توسط یک دارنده حق یا به موجب اساسنامه یا قانون:

الف) به صدور مجوز و/یا جمع‌آوری پاداش برای حقوقی که نماینده آن است، بپردازد؛

ب) بر استفاده از چنین حقوقی نظارت کند؛

ج) از استفاده غیرمجاز از این حقوق جلوگیری کند؛

د) برای توزیع به موقع و دقیق درآمد، به جمع‌آوری و پردازش اطلاعات در مورد استفاده از چنین حقوقی بپردازد.

ماده ۱۲: نقش اجتماعی، فرهنگی و رفاهی

سازمان مدیریت جمعی می‌تواند طبق اساسنامه یا مصوبه مجمع عمومی، در محدوده اختیارات خود و به نفع صاحبان حق که نماینده آنها است، در فعالیتهایی با هدف افزایش آگاهی عمومی در مورد کپی‌رایت، مدیریت جمعی حقوق و سازمان مدیریت جمعی، و همچنین فعالیتهای فرهنگی، اجتماعی و رفاهی مشارکت کند.

ماده ۱۳: اخذ رضایت از دارنده حق

در صورتی که سازمان مدیریت جمعی، کپی‌رایت یا حقوق مرتبط را طبق توافق قراردادی با دارنده حق مدیریت می‌کند، باید از دارنده رضایتنامه مکتوب در خصوص حدود اختیارات خود راجع به حقوق آثار مورد نظر بگیرد. تبصره: در صورتی که دارنده حق مایل است شخصا حقوق آثار خود را مدیریت کند، باید موضوع را کتبا به سازمان مدیریت جمعی اعلام کند و در خصوص نحوه ادامه مدیریت حقوق توسط سازمان تعیین تکلیف کند.

۴) ارائه اطلاعات در مورد سازمان مدیریت جمعی

ماده ۱۴: ارائه اطلاعات مربوط به ساختار و عملکرد

سازمان مدیریت جمعی باید اطلاعات مربوط نقش و عملکردهای خود از جمله اطلاعات مربوط به موارد زیر را به صورت منظم و به روز منتشر کرده و در وبسایت خود در دسترس عموم قرار دهد:

الف) اساسنامه، شرایط عضویت و قوانین مربوط به خاتمه عضویت؛

ب) ساختار تعرفه‌ای؛

ج) سیاست توزیع عمومی آن؛

د) سیاست آن در زمینه کسر (مانند هر کسر بابت مدیریت، امورات اجتماعی، فرهنگی یا آموزشی)؛

ه) سیاست آن در مورد استفاده از درآمد غیرقابل توزیع حقوق؛

و) حساب‌های سالانه آن؛

ز) شکایت و روش‌های حل اختلاف؛

ح) فهرستی از افرادی که تجارت آن را اداره می‌کنند و در هیأت‌مدیره آن هستند؛ و

ط) مبلغ کل پاداش پرداخت شده و سایر مزایای ارائه شده به اشخاصی که سازمان مدیریت جمعی را مدیریت می‌کنند.

ماده ۱۵: اطلاعات تماس

سازمان مدیریت جمعی باید:

الف) اطلاعات تماس مربوط به خود را در دسترس اعضا قرار دهد از جمله: آدرس پستی، آدرس ایمیل، تلفن و شماره نماير؛ و ...

ب) ساعات اداری و روزهای هفته را که در طی آن می‌توان با سازمان مدیریت جمعی تماس گرفت، تعیین کند.

ماده ۱۶: ارائه اطلاعات مربوط به حقوق و تعهدات

سازمان مدیریت جمعی باید (در صورت امکان به صورت الکترونیکی) خلاصه‌ای واضح از حقوق، تعهدات و سایر اطلاعات ضروری از جمله موارد زیر را در دسترس عموم قرار دهد:

الف) شرایط و روش‌های عضویت؛

ب) ماهیت اعطا یا انتقال حقوق (اعم از اینکه حق به صورت انحصاری اعطا شده باشد یا غیرانحصاری) و پیامدهای هر نوع انتقال حقوق؛

ج) دامنه اختیاراتی که طبق توافق‌نامه اعطا شده است؛

د) چگونه یک عضو می‌تواند اختیار سازمان مدیریت جمعی را در نمایندگی از خود محدود کند؛

ه) نحوه مشورت سازمان مدیریت جمعی با اعضای خود؛

و) ترتیبات خاتمه عضویت و بازگشت حقوق؛

ز) در صورت فوت یک عضو یا انحلال سازمان مدیریت جمعی چه اتفاقی برای اعضا و حقوق آنها می‌افتد؛

ح) نحوه نمایندگی اعضا در بخش‌های حاکمیت سازمان نظیر هیأت مدیره؛

ط) نحوه تشکیل هیأت‌های حاکمه، نحوه انتصاب آنها و شرایط اداره آنها؛

ی) هرگونه زیر کمیته یا ساختار شورا، و نحوه تصویب آنها؛

ک) چگونه یک عضو می‌تواند نامزدی خود را برای انتخابات به هیأت حاکمه ارائه دهد یا درخواست عضویت در هر کمیته فرعی یا ساختار شورا را بدهد؛

ل) دفعات جلسات عمومی و نحوه اطلاع عضو از این جلسات؛

م) اعضا در مجمع عمومی فوق العاده چه حقوقی دارند و چگونه آن را انجام می‌دهند؛

ن) اعضا دارای چه حق رأی‌هایی هستند؛

و) اگر عضو نتواند در جلسات حضور یابد، چگونه می‌تواند به صورت نیابتی یا دیجیتالی از حق رای استفاده کند؛

ز) موارد اجباری بودن مدیریت جمعی توسط سازمان مدیریت جمعی؛

ح) نحوه بهره‌مندی دارنده حق از فعالیت‌ها و خدماتی که از طریق سیاست‌های کسر تأمین می‌شود؛

ط) فهرستی از توافق‌نامه‌های نمایندگی یا موافقت‌نامه‌های مشابه با سایر سازمان‌های مدیریت جمعی.

ماده ۱۷: ارائه اطلاعات به درخواست‌کنندگان

سازمان مدیریت جمعی باید در صورت درخواست صاحبان حق، کاربران یا سایر سازمان‌هایی که با آنها توافق‌نامه نمایندگی دارد، اطلاعات زیر را ارائه دهد:

۱) آثاری که در حال حاضر حقوق آنها را مدیریت می‌کند؛

۲) حقوقی که در حال حاضر به طور کامل یا جزئی کنترل می‌کند؛ و

۳) کشورهایی که هم اکنون تحت پوشش مدیریت قرار دارند؛

۴) سازمان‌های مدیریت جمعی که با آنها توافق‌نامه نمایندگی دارد.

تبصره: اقدام مذکور مانع از تعهد سازمان مدیریت جمعی به انجام اقدامات منطقی جهت محافظت از اطلاعات محرمانه تجاری نمی‌شود.

ماده ۱۸: تصحیح اطلاعات

اشخاص ذی‌نفع مانند صاحبان حق می‌توانند از سازمان مدیریت جمعی تقاضای اصلاح اطلاعات مربوط به خود را بنمایند. در صورت موجه بودن این درخواست، سازمان باید بدون تأخیر نسبت به اصلاح اطلاعات و داده‌های مربوطه اقدام کند.

۵) عضویت در سازمان مدیریت جمعی

بخش اول: شرایط عضویت

ماده ۱۹: ضوابط عضویت باید در اساسنامه سازمان مدیریت جمعی آن گنجانده شود.

ماده ۲۰: معیارهای عضویت باید عینی، شفاف و بدون تبعیض باشد.

ماده ۲۱: سازمان مدیریت جمعی موظف است در صورت داشتن شرایط عضویت، یک دارنده حق را به عنوان عضو بپذیرد.

ماده ۲۲: سازمان مدیریت جمعی با توجه به شرایط عضویت می‌تواند درخواست عضویت را فقط با دلایل معقول و منطقی رد کند. زمینه‌های عدم پذیرش باید در مدت زمان معقولی به صورت کتبی با توضیحات روشنی درباره دلایل آن، در اختیار متقاضی قرار گیرد.

ماده ۲۳: صاحبان حق باید در اعطای حقوق خود به یک یا چند سازمان مدیریت جمعی آزاد باشند به شرطی که حقوق یکسان را به بیش از یک سازمان مدیریت جمعی اعطا نکنند. این بدون از دست دادن آزادی صاحبان حق برای اعطای اختیارات یا مجوزهای غیرانحصاری به سازمان مدیریت جمعی دیگر و حفظ استفاده از مجوزها به صورت جداگانه است.

بخش دوم: عدم تبعیض

ماده ۲۴: سازمان مدیریت جمعی نباید - چه مستقیم و چه غیرمستقیم - بین صاحبان حق که نماینده آنهاست در این موارد تبعیض قائل شود:

الف) ملیت یا محل اقامت یا تأسیس

ب) جنسیت، منطقه، دین، معلولیت و ناتوانی، سن یا گرایش سیاسی.

ماده ۲۵: سازمان مدیریت جمعی باید با هر عضو یا دارنده حق، منصفانه و مطابق با اساسنامه و شرایط عضویت رفتار کند.

ماده ۲۶: سازمان نباید تعهدی را به صاحبان حق تحمیل کند که برای مدیریت مؤثر حقوق صاحبان حق ضروری نیست.

ماده ۲۷: قوانینی که اساس نمایندگی و اختیارات صاحبان حق را در روند تصمیم‌گیری سازمان مدیریت جمعی تعیین می‌کند باید منصفانه و متعادل باشد و تعادل عادلانه‌ای را بین انواع گروه‌های صاحبان حق، حفظ کند.

ماده ۲۸: یک عضو سازمان مدیریت جمعی حق دارد در هر یک از نهادهای تصمیم‌گیری، نظارتی یا مشورتی واجد شرایط مناصب مربوطه باشد، مشروط بر اینکه از شرایط مندرج در اساسنامه یا قانون برخوردار باشد.

ماده ۲۹: همه اعضا باید حق شرکت در جلسه عمومی سازمان مدیریت جمعی را داشته باشند.

ماده ۳۰: هرگونه محدودیت حقوق اعضا برای استفاده از حق رأی خود در جلسه عمومی سازمان مدیریت جمعی باید منصفانه و متناسب بوده و در اساسنامه لحاظ شده یا توسط قانون پیش‌بینی شده باشد.

ماده ۳۱: هر یک از اعضای سازمان مدیریت جمعی حق دارد عضوی دیگر را به عنوان نماینده برای حضور و رأی دادن در یک جلسه عمومی تعیین کند. اساسنامه سازمان مدیریت جمعی می‌تواند تعداد نمایندگی‌های هر عضو را محدود کند.

بخش سوم: خاتمه عضویت

ماده ۳۲: سازمان مدیریت جمعی باید به هر عضو اجازه دهد تا بعد از ارسال اعلامیه با یک مدت مهلت منطقی تعیین شده در قوانین سازمان، عضویت خود در سازمان را خاتمه دهد یا دامنه آثار یا حدود اختیارات اعطایی به سازمان را تغییر دهد.

ماده ۳۳: صرف‌نظر از خاتمه کار، یک دارنده حق باید سهم کامل خود را از درآمد حقوق جمع‌آوری دریافت کند.

۶) اطلاع‌رسانی درباره مسائل مالی

ماده ۳۴: سازمان مدیریت جمعی باید (در صورت امکان به صورت الکترونیکی) گزارش سالانه خود از جمله صورت سود و زیان و اطلاعات دقیق در مورد مجموعه‌های خود، هزینه‌های عملیاتی و کسورات را در وبسایت سازمان در دسترس همگان قرار دهد.

ماده ۳۵: سازمان مدیریت جمعی باید فهرستی از اعضای هیأت‌مدیره و مقوله‌ای را که هر کدام نمایندگی می‌کنند، میزان کل پاداش و سایر مزایای پرداختی به اعضای هیأت‌مدیره و تیم مدیریتی آن را در دسترس صاحبان حق قرار دهد.

ماده ۳۶: سازمان مدیریت جمعی باید اطلاعات موجود را (در صورت امکان به صورت الکترونیکی) برای هر عضوی که حقوق درآمد را به آنها نسبت داده یا در دوره‌ای که اطلاعات مربوط به آنهاست و حق توزیع را دارد، ارائه کند. این اطلاعات باید شامل موارد زیر باشد:

الف) صورت هزینه‌های منسوب به این عضو، شامل اطلاعات مربوط به هزینه‌های عملیاتی و کسورات و مبالغی که متعاقباً به دارنده حق پرداخت می‌شود؛

ب) تجزیه درآمد حقوق برای هر دسته اصلی از حقوق مدیریت شده و هر نوع استفاده؛

ج) تمایز بین درآمد حقوق به دست آمده در سطح ملی و حقوق درآمد دریافت شده بر اساس توافق‌نامه‌های نمایندگی؛ و...

د) اطلاعات مبالغی که به دارنده حق نسبت داده می‌شود و برای دوره مربوطه معوق است.

ماده ۳۷: سازمان مدیریت جمعی باید در صورت امکان به صورت الکترونیکی، به هر یک از اعضا در مورد تغییرات مهم در مقررات مربوط به نمایندگی در بخش‌های اصلی مدیریتی سازمان، شرکت در جلسات، حق رأی و سایر موارد حاکمیت اطلاع دهد.

ماده ۳۸: سازمان مدیریت جمعی حداکثر دوازده ماه پس از پایان هر سال مالی، اطلاعات مربوط به توزیع را در اختیار کلیه اشخاصی قرار می‌دهد که در آن سال مالی درآمد آنها را توزیع کرده است که از جمله شامل و نه محدود به اطلاعات زیر می‌شود:

(۱) هرگونه اطلاعات تماس که انجمن جمع‌آوری‌کننده می‌تواند با رضایت شخص دارای حق به منظور

شناسایی و تعیین مکان شخص دارای حق استفاده کند؛

(۲) درآمد حقوق منسوب به شخص واجد شرایط در آن سال مالی؛

(۳) درآمد حقوق پرداخت شده به شخص واجد شرایط در آن سال مالی، بر اساس هر دسته از حقوق

مدیریت شده و نوع استفاده؛

(۴) دوره‌ای که در آن استفاده‌هایی که درآمد حقوق به شخص حقیقی توزیع شده، مگر اینکه دلایل موجهی

مربوط به گزارش توسط کاربران، انجمن جمع‌آوری‌کننده را از در دسترس قرار دادن این اطلاعات منع

کند؛

(۵) هرگونه درآمد حقوقی که به شخص ذیصلاح نسبت داده شده اما هنوز پرداخت نشده است.

(۷) رابطه سازمان‌های مدیریت جمعی با یکدیگر

ماده ۳۹: روابط بین یک سازمان مدیریت جمعی با سازمان مدیریت جمعی دیگر توسط توافق‌نامه نمایندگی اداره می‌شود.

ماده ۴۰: سازمان مدیریت جمعی باید اطلاعاتی را به سازمان مدیریت جمعی دیگر ارائه دهد که کامل، منطبق با واقعیت، روشن و قابل فهم باشد.

ماده ۴۱: سازمان مدیریت جمعی باید جدیدترین گزارش سالانه و سایر اطلاعات مربوط را به سازمان مدیریت جمعی دیگر ارائه دهد.

ماده ۴۲: سازمان مدیریت جمعی باید پاداش دریافتی را به صورت جدی، سریع و مؤثر به سازمان مدیریت جمعی دیگر تسری دهد.

ماده ۴۳: سازمان مدیریت جمعی باید سازمان مدیریت جمعی دیگر را در مورد سیاست‌های کسر خود و هرگونه تغییر در آن آگاه سازد.

ماده ۴۴: سازمان مدیریت جمعی باید در صورت درخواست، مستندات دقیق و به روز مربوط به مجموعه خود، حقوقی که مدیریت می‌کند و قلمرو مدیریت مربوط به آنها را در اختیار سازمان مدیریت جمعی دیگر قرار دهد.

ماده ۴۵: سازمان مدیریت جمعی می‌تواند به منظور ارتقاء حمایت از آثار ملی در خارج از کشور، طبق مجوز و با هماهنگی (دولت/ وزارت امور خارجه/ وزارت فرهنگ) اقدام به انعقاد توافق‌نامه همکاری با سازمان‌های مدیریت جمعی خارجی کند.

۸) رابطه سازمان مدیریت جمعی با کاربران

بخش اول: ارائه اطلاعات به کاربران

ماده ۴۶: سازمان مدیریت جمعی در صورت لزوم اطلاعات زمینه‌ای مربوط به مجوزها و برنامه‌های صدور مجوز را (در صورت امکان به صورت الکترونیکی) در اختیار کاربر قرار می‌دهد. این اطلاعات باید شامل موارد زیر باشد:

الف) مرجع قانونی تأسیس سازمان مدیریت جمعی، حقوق تحت مدیریت سازمان مدیریت جمعی و دسته‌های صاحبان حق که سازمان مدیریت جمعی از طرف آنها عمل می‌کند؛

ب) فهرستی از آثار و حقوق فرعی در مجموعه آن که در اختیار صاحبان مجوز قرار دارد؛

ج) خلاصه‌ای از تعرفه‌های مربوطه؛

د) شرح شرایط مجوز و روش‌های رسیدگی به حساب‌ها؛

ه) جزئیات مربوط به چگونگی لغو یک مجوز توسط مجوز دیگر، هرگونه مقررات اخطار که ممکن است اعمال شود.

بخش دوم: اصول حاکم بر صدور مجوز

ماده ۴۷: سازمان مدیریت جمعی باید به کاربران بر اساس معیارهای معقول، منصفانه و بدون تبعیض، با در نظر گرفتن قانون ملی کپی‌رایت، از جمله محدودیت‌ها و استثنای قابل اجرا، مجوز دهد.

ماده ۴۸: اگر برای صدور مجوز به تأیید قبلی دارنده حق نیاز باشد، سازمان مدیریت جمعی باید تلاش معقول خود را برای تسریع در روند تأیید انجام دهد.

ماده ۴۹: سازمان مدیریت جمعی می‌تواند به دلایل معقول از اعطای مجوز به کاربر خودداری کند، مانند این که آن کاربر بارها به تعهدات قراردادی خود با آن سازمان مدیریت جمعی عمل نکرده، یا بارها هرگونه تعهدات قانونی را در مورد حقوق مدیریت شده توسط آن سازمان مدیریت جمعی نقض کرده است.

تبصره: اگر سازمان مدیریت جمعی از اعطای مجوز به یک کاربر امتناع ورزد، باید یک بیانیه کتبی در مورد دلیل آن و روش تجدیدنظر از تصمیم مذکور در یک بازه زمانی معقول را ارائه دهد.

ماده ۵۰: سازمان مدیریت جمعی می‌تواند به منظور تعیین درآمد حقوق و توزیع کارآمد و دقیق آن، کاربران را ملزم به ارائه اطلاعات در مورد نحوه و میزان استفاده از آثار و سایر موضوعاتی کند که مجوز استفاده از آن را به کاربر داده است.

تبصره ۱: در مورد قالب ارائه چنین اطلاعاتی، سازمان و کاربر باید استانداردهای صنعت را در نظر بگیرند و یا شیوه نامه‌های مناسب توسط سازمان تنظیم شده و در اختیار کاربران قرار گیرد.

تبصره ۲: در صورتی که ارائه اطلاعات به تلاش بی حد و اندازه کاربر احتیاج داشته باشد، یا به نوع دیگری با کاربر توافق شده باشد، اعمال نخواهد شد.

ماده ۵۱: برگزارکنندگان رویدادهای اجتماعی و فرهنگی برای عموم، باید قبل از رویداد، رضایت سازمان مدیریت جمعی برای استفاده از آثار تحت مدیریت سازمان را کسب کنند.

بخش سوم: تعیین تعرفه

ماده ۵۲:

گزینه (۱) تعیین تعرفه در سازمان مدیریت جمعی می‌تواند بر اساس مقایسه تعرفه‌های بین بخشی، تحقیقات اقتصادی، ارزش تجاری حقوق مورد استفاده، ویژگی مجوز، هدف استفاده از آثار/حقوق، زمینه استفاده از چنین حقوقی، نحوه یا نوع استفاده از چنین حقوقی یا سایر معیارهای مربوطه باشد.

گزینه (۲) تعرفه از طریق توافق با یک کاربر شخصی، تصمیم وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (مرجع ملی کپی‌رایت)، تصمیم مجمع عمومی یا با یک قرارداد منعقد شده بین یک سازمان جمعی و یک انجمن نماینده کاربران تعیین می‌شود و سالانه بررسی و عنداللزوم به روز می‌گردد.

ماده ۵۳: سازمان مدیریت جمعی باید تعرفه مدیریت خود را تعیین کند.

ماده ۵۴: اگر قراردادهای فراگیر منعقد شده باشد، نرخ اجرت توافق شده در آنها تعرفه‌های اعمال شده را تشکیل می‌دهد.

ماده ۵۵: سازمان مدیریت جمعی باید معیارهای مورد استفاده برای تعیین تعرفه‌ها را به کاربران مربوطه اطلاع دهد.

۹) ارکان سازمان مدیریت جمعی

بخش اول: مجمع عمومی

ماده ۵۶: وظایف و اختیارات مجمع عمومی در اساسنامه سازمان مدیریت جمعی تعیین می‌شود. مجمع عمومی حداقل در مورد موضوعات زیر تصمیم‌گیری خواهد کرد:

- ۱) اساسنامه؛
- ۲) گزارش شفافیت سالانه؛
- ۳) انتصاب و عزل حسابرس داخلی و خارجی؛
- ۴) ادغام و اتحاد با اشخاص حقوقی، ایجاد شرکت‌های تابعه، خرید اشخاص دیگر یا سهام یا حقوق در نهادهای دیگر؛
- ۵) طرح توزیع؛
- ۶) استفاده از درآمد حقوق غیرقابل توزیع؛
- ۷) سیاست کلی سرمایه‌گذاری با توجه به درآمد؛
- ۸) سیاست کلی در مورد کسر از درآمد حقوق، از جمله سیاست کلی در مورد کسر در مورد هزینه‌های مدیریت و کسر برای ارتقا آثار مهم فرهنگی و کمک به طرح‌های رفاهی و مددکاری؛

- ۹) تملک و فروش اموال غیرمنقول برای سازمان مدیریت جمعی؛
- ۱۰) گرفتن و اعطای وام و تأمین امنیت وام‌ها؛
- ۱۱) خاتمه ترتیبات نمایندگی؛
- ۱۲) شرایط مدیریت؛
- ۱۳) تعیین تعرفه‌ها؛
- ۱۴) دامنه فعالیت سازمان و افزایش آن؛
- ۱۵) شرایطی که دارنده حق می‌تواند شخصاً حقوق خود را مدیریت کند و به دیگران مجوز بدهد؛
- ۱۶) شرایطی که دارنده حق می‌تواند شخصاً حق استفاده غیرتجاری از آثار و حقوق خود را بدهد؛
- ۱۷) نصب و عزل اعضای هیأت‌مدیره و تصویب پاداش و سایر مزایا، جوایز بازنشستگی، جوایز معوقه و سایر جوایز.
- ماده ۵۷: اساسنامه سازمان مدیریت جمعی می‌تواند با رعایت مقررات قابل اجرا در قوانین ملی، برخی از اختیارات فوق‌الذکر مجمع عمومی را به هیأت‌مدیره تفویض کند.
- ماده ۵۸: مجمع عمومی اعضا حداقل سالی یک بار تشکیل می‌شود.
- ماده ۵۹: کلیه اعضای سازمان مدیریت جمعی حق دارند در مجمع عمومی اعضا شرکت کنند و رأی دهند.
- ماده ۶۰: مجمع عمومی می‌تواند اعضای هیأت‌مدیره را بر اساس تجارب تجاری، حقوقی و سایر تجارب مرتبط با رعایت هرگونه محدودیت مقرر در قانون انتخاب کند.
- ماده ۶۱: هر عضو باید طبق قانون یا اساسنامه حق داشته باشد حقوق خود را توسط نماینده نیز در مجمع عمومی اعمال کند، مشروط بر اینکه این نمایندگی منجر به تضاد منافع نشود.

تبصره ۱: تعارض منافع به ویژه در مواردی بوجود می‌آید که همان نماینده، نماینده اعضای دسته‌های مختلف باشد که در اساسنامه مقرر شده است.

تبصره ۲: سازمان مدیریت جمعی می‌تواند در اساسنامه خود تعداد اعضای را که ممکن است توسط یک شخص نمایندگی شوند، محدود کند.

تبصره ۳: اجازه فعالیت به عنوان نماینده در مجمع عمومی فقط در صورتی مجاز خواهد بود که به نمایندگی از عضو در این مجمع عمومی اعضا محدود شود.

تبصره ۴: نماینده موظف است طبق دستورالعمل‌های عضوی که وی را به عنوان نیابت منصوب می‌کند، رأی دهد.

بخش دوم: نظارت بر سازمان مدیریت جمعی

قسمت اول: نظارت داخلی (درونی)

ماده ۶۲: کمیته نظارت توسط مجمع عمومی از سه عضو اصلی و سه عضو علی البدل با رعایت نمایندگی منصفانه و برابر از گروه‌های مختلف عضو تشکیل می‌شود که باید اعضای انجمن باشند. هیچ یک از اعضای آن نمی‌توانند رابطه عملی یا حقوقی، مستقیم یا غیرمستقیم، با اشخاص حقیقی یا حقوقی که بخشی از تشکیلات حکمرانی و مدیریت سازمان مدیریت هستند، داشته باشند.

ماده ۶۳: اشخاص ثالث مستقلاً که عضوی از سازمان مدیریت نیستند، در صورتی که تخصص حقوقی یا فنی آنها مربوط به انجام وظایف سازمان باشد، می‌توانند به عنوان اعضای نهاد نظارت منصوب شوند مشروط بر اینکه رابطه عملی یا حقوقی، چه مستقیم و چه غیرمستقیم، با سازمان مدیریت یا هر یک از اعضای آن نداشته باشند.

تبصره: منظور از رابطه عملی یا حقوقی مستقیم یا غیرمستقیم در همه موارد به معنای رابطه شخصی خویشاوندی از طریق خویشاوندی سببی یا نسبی تا درجه دوم یا رابطه شغلی یا تجاری است که تا پنج سال قبل از انتصاب امرار معاش کرده یا زندگی کرده است.

ماده ۶۴: اعضای کمیته نظارت داخلی برای مدت چهار سال منصوب می‌شوند، که یک بار برای همان دوره قابل تمدید است.

ماده ۶۵: مسئولیت‌ها و وظایف کمیته نظارت در اساسنامه مشخص می‌شود که حداقل شامل موارد زیر خواهد بود:

الف) به طور کلی فعالیت‌ها و عملکرد ارگان‌های حاکمیتی سازمان را کنترل کند؛

ب) بر اجرای تصمیمات و سیاست‌های کلی مصوب مجمع عمومی نظارت کند؛

ج) هرگونه وظیفه‌ای را که مجمع عمومی به آن تفویض کرده باشد، انجام دهد.

ماده ۶۶: بخش‌های مدیریت و حاکمیت سازمان مدیریت جمعی باید حداقل هر سه ماه یکبار، کلیه اطلاعات مربوط به مدیریت سازمان را که برای انجام وظایف نظارتی آن لازم است و سایر اطلاعات مربوط به حقایق را که می‌تواند تأثیر قابل توجهی بر وضعیت سازمان مدیریت داشته باشند، به کمیته نظارت داخلی ارائه دهند.

ماده ۶۷: در کنار تعهد مندرج در ماده قبل، کمیته نظارت داخلی می‌تواند از بخش‌های حاکمیتی و کارکنان مدیریتی و فنی سازمان مدیریت بخواهد هر اطلاعاتی را که ممکن است برای انجام وظایف آن لازم باشد به آن منتقل کنند.

ماده ۶۸: کمیته نظارت داخلی هر سال به ارائه گزارش شفاهی در مجمع عمومی می‌پردازد و شرح وظایف خود را ارائه می‌دهد. سازمان مدیریت جمعی نسخه‌ای از آن گزارش را به مرجع اداری که در آن پاسخگو است (وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی/ مرجع ملی مالکیت فکری) ارسال می‌کند.

ماده ۶۹: کمیته نظارت داخلی می‌تواند هر زمان که به نفع سازمان مدیریت جمعی تشخیص دهد، مجامع عمومی فوق‌العاده‌ای را طبق مقررات اساسنامه تشکیل دهد.

ماده ۷۰: کمیته نظارت داخلی در انجام وظایف خود، از یک حسابرس کمک می‌گیرد. این حسابرس، که حسابرس حساب‌های سالانه سازمان نخواهد بود، توسط مجمع عمومی منصوب می‌شود.

قسمت دوم: نظارت خارجی (بیرونی)

ماده ۷۱: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (مرجع صالح ملی در امور مالکیت فکری/ مرجع صالح ملی در امور کپی‌رایت و حقوق مرتبط^{۳۸۰}) می‌تواند به صورت اختصاصی یا به درخواست یک ذی‌نفع، بازدیدهای بازرسی و نظارت از سازمان مدیریت جمعی انجام دهد تا عملکرد صحیح سازمان‌های مدیریت جمعی را تأیید کند و اقدامات یا تحقیقات مختصر را در موارد نقض مقررات حاکم بر آنها انجام دهد.

ماده ۷۲: اگر بر اساس نظر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (مرجع ملی امور مالکیت فکری)، مشخص شود سازمان مدیریت جمعی مطابق مفاد این قانون، یا اساسنامه عمل نکرده و عدم انطباق را در مدت تعیین شده توسط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (مرجع صالح ملی) رفع نکرده است، این مرجع می‌تواند با ذکر دلایل و مستندات عدم انطباق، هر یک از مجازات‌های تعیین شده در این قسمت را با توجه به جدی بودن تخلف یا تکرار جرم اعمال کند.

^{۳۸۰} مرجع صالح ملی در این زمینه، می‌تواند وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی یا وزارت دادگستری باشد اما با توجه به قوانین در دست تصویب نظیر لایحه حمایت از مالکیت صنعتی که در آن شورای ملی مالکیت فکری پیش‌بینی شده و احتمال دارد تصویب شود، بهتر بود این ماده به صورت کلی به مرجع ملی اشاره کند.

ماده ۷۳: این مجازات‌ها به شرح زیر است:

۱. توبیخ کتبی
۲. جریمه نقدی از ریال تا ریال
۳. تعلیق مجوز بهره‌برداری برای مدت زمان حداکثر شش ماه و
۴. لغو مجوز

ماده ۷۴: در صورت تعلیق مجوز، سازمان مدیریت جمعی شخصیت حقوقی خود را فقط به منظور جبران نقض حفظ می‌کند. اگر شرکت ظرف مدت شش ماه پس از صدور حکم تعلیق، تخلف را برطرف نکرد، مرجع ذی‌صلاح ملی حقوق مالکیت فکری به طور قطعی مجوز فعالیت شرکت را لغو می‌کند، سپس سازمان مدیریت جمعی منحل و درآمدهای موجود در حسابهای سازمان باید بلافاصله در قسمت‌های مساوی بین همه اعضا توزیع شود.

بخش سوم: اجتناب از تعارض منافع

ماده ۷۵: سازمان مدیریت جمعی باید دستورالعمل‌های داخلی برای جلوگیری از تعارض منافع داشته باشد و مواردی را که تعارض منافع غیرقابل اجتناب بوده و ممکن است اعضای هیأت‌مدیره را از انجام مسئولیت‌های خود بازدارد، شناسایی، مدیریت و نظارت کند.

ماده ۷۶: افرادی که عضو هیأت‌مدیره، کمیته نظارت و مدیر یک سازمان مدیریت جمعی هستند نباید در ارگان‌های مشابه در سازمان‌های مدیریت جمعی دیگر شرکت کنند. مدیر نمی‌تواند به عنوان عضوی از هیأت‌مدیره یا کمیته نظارت به ارائه خدمت در ارگان‌های دیگر سازمان مدیریت جمعی بپردازد.

ماده ۷۷: از مدیر، اعضای هیأت‌مدیره، اعضای کمیته نظارت، خزانه‌دار علاوه بر موارد مندرج در اساسنامه، تحت عوامل زیر سلب صلاحیت خواهد شد:

الف) رابطه نسبی با یکدیگر تا درجه چهارم؛

ب) رابطه سببی تا درجه دوم.

ماده ۷۸: مدیر، هیأت‌مدیره و اعضای کمیته نظارت سازمان مدیریت جمعی موظفند سالانه بیانیه فردی در مورد عدم وجود تعارض منافع واقعی یا بالقوه را امضا کنند.

ماده ۷۹: اعضای هیأت‌مدیره نمی‌توانند به طور همزمان اعضای کمیته نظارت باشند. آنها می‌توانند حداکثر چهار سال عضو هیأت‌مدیره بوده و تنها برای یک دوره دیگر انتخاب شوند.

ماده ۸۰: برای سازمان مدیریت جمعی انعقاد قرارداد با اعضای نهادهای مدیریت، و همچنین با همسر و یا بستگان تا درجه چهار نسبی و درجه دوم سببی ممنوع است.

۱۰) اداره مالی، توزیع درآمد و کسورات

بخش اول: تقسیم حساب‌ها

ماده ۸۱: سازمان مدیریت جمعی باید درآمد حقوق و هرگونه درآمد حاصل از سرمایه‌گذاری دارایی‌های خود، درآمد حاصل از خدمات مدیریتی یا درآمد حاصل از سایر فعالیت‌ها را جداگانه نگه دارد.

ماده ۸۲: سازمان مدیریت جمعی باید کسورات برای اهداف اجتماعی، فرهنگی و آموزشی را در حساب‌های جدا از حساب اصلی سازمان مدیریت جمعی نگه دارد و هیأت‌مدیره سالانه در مورد مبالغ کسر شده و هزینه آنها گزارش می‌دهد.

ماده ۸۳: سازمان مدیریت جمعی مجاز نیست درآمد حاصل از حقوق و هرگونه درآمد حاصل از سرمایه‌گذاری درآمد را برای اهداف دیگری غیر از توزیع بین صاحبان حق استفاده کند، مگر اینکه به طور خاص توسط مجمع عمومی یا اساسنامه مجاز باشد، یا در قانون پیش‌بینی شده باشد.

بخش دوم: گزارش سالانه

ماده ۸۴: سازمان مدیریت جمعی باید در هر سال مالی، گزارش سالانه را قبل از جلسه مجمع عمومی بین اعضای خود توزیع کند و در سایت سازمان در دسترس عموم قرار دهد.

ماده ۸۵: گزارش سالانه باید شامل موارد زیر باشد:

الف) صورت‌های مالی، که باید شامل ترازنامه یا صورت دارایی‌ها و بدهی‌ها و همچنین حساب درآمد و هزینه سال مالی باشد؛

ب) گزارشی از فعالیت‌های سازمان مدیریت جمعی در آن سال مالی؛

ج) بیانیه درآمد حقوق تقسیم شده بر اساس هر دسته از حقوق مدیریت شده و هر نوع استفاده شامل کل درآمد حقوق که جمع‌آوری شده ولی هنوز به صاحبان حق نسبت داده نشده است و کل درآمد حقوق که منسوب شده اما هنوز بین صاحبان حق توزیع نشده است؛

د) تجزیه هزینه‌های عملیاتی؛

ه) تجزیه کسورات برای اهداف خدمات اجتماعی، فرهنگی و آموزشی در سال مالی و توضیح استفاده از این مبالغ، با تفکیک هزینه‌های اجتماعی، فرهنگی و آموزشی؛

و) اطلاعات مربوط به کل مبلغ پاداش پرداخت شده و سایر مزایای اعطا شده به اشخاصی که در سال مالی تجارت سازمان مدیریت جمعی و اعضای هیأت‌مدیره را اداره می‌کنند؛

ز) بیانیه کلی در مورد معاملات بین سازمان مدیریت جمعی و هر سازمان مدیریت جمعی شریک که با آنها توافق‌نامه نمایندگی بسته شده است، و در آن موارد زیر ذکر شده است:

۱. نام سازمان‌های مدیریت جمعی شریک و تاریخ قرارداد مربوط؛

۲. کل مبلغ پرداخت شده در سال مالی به سازمان‌های مدیریت جمعی شریک؛

۳. کل هزینه‌های مدیریت و سایر کسرهای مشخص شده؛ و

۴. کل مبلغ دریافتی از سازمان مدیریت جمعی شریک.

ماده ۸۶: سوابق مالی سازمان مدیریت جمعی باید سالانه حداقل توسط یک حسابرس خارجی تعیین شده توسط مجمع عمومی بررسی شود.

بخش سوم: توزیع درآمد

ماده ۸۷: سازمان مدیریت جمعی باید یک سیاست توزیع در مجمع عمومی تصویب کند که طبق نظر مجمع عمومی قابل بازنگری خواهد بود. این سیاست باید حداقل شامل موارد زیر باشد:

الف) در توزیع درآمد، تا حد ممکن استفاده واقعی از آثار یا سایر موضوعات در نظر گرفته شود و اگر این کار عملی نباشد، یک نمونه معتبر آماری تقریبی استفاده واقعی از آثار یا دسته‌بندی آثار استفاده کند؛

ب) نحوه و دفعات توزیع به اعضا؛ و

ج) مبالغی که قبل از توزیع، بر اساس هزینه‌های اداری فعالیت سازمان و سیاست‌های کسر تعیین شده توسط مجمع عمومی، اساسنامه یا قانون از درآمد حقوق کسر می‌شود.

تبصره: اساسنامه سازمان مدیریت جمعی می‌تواند صراحتاً پیش‌بینی کند که بخش خاصی از درآمد برای اهداف فرهنگی و بهبود وضعیت بازنشستگی، بهداشت و وضعیت اجتماعی اعضای آن تخصیص یابد. میزان بودجه اختصاص یافته برای چنین اهدافی نباید بیش از ۱۰٪ درآمد خالص سازمان جمعی باشد.

ماده ۸۸: سازمان مدیریت جمعی باید مطابق با سیاست کلی خود در مورد توزیع و توافق‌نامه‌هایی که با سایر سازمان‌های مدیریت جمعی امضا کرده است، به توزیع و پرداخت مبالغ به صاحبان حقوق بپردازد.

ماده ۸۹: سازمان مدیریت جمعی، درآمد حاصل از صدور مجوز را پس از جمع‌آوری مطابق با مفاد برنامه توزیع، بدون تأخیر و حداکثر ۱۲ ماه پس از پایان سال مالی که درآمد حقوق جمع‌آوری شده است، انجام می‌دهد مگر اینکه به دلایل معقول، مانند گزارش توسط کاربران، امکان‌پذیر نباشد.

ماده ۹۰: سازمان مدیریت جمعی باید سیاست خود را در رابطه با درآمد توزیع نشده به وضوح بیان کند.

ماده ۹۱: سازمان مدیریت جمعی همراه با هر پرداخت، اطلاعات زیر را به شخص واجد شرایط ارائه می‌دهد، مگر اینکه خلاف آن با دارنده حق توافق شده باشد:

۱. دوره استفاده و مناطقی که آثار در آن استفاده شده است؛

۲. مبالغ جمع‌آوری شده، کسورات صورت گرفته و مبالغ توزیع شده توسط سازمان برای هر حق در مورد هر اثر.

ماده ۹۲: در مواردی که بدلیل عدم شناسایی دارنده حق یا عدم شناسایی مکان وی، امکان توزیع درآمد حاصل از حقوق آثار وی فراهم نیست، سازمان مدیریت جمعی موظف است تا حد ممکن اقدامات معقول و منطقی جهت شناسایی یا مکان‌یابی شخص دارای حق انجام دهد.

ماده ۹۳: سازمان مدیریت جمعی می‌تواند در صورت عدم شناسایی دارنده حق یا مکان وی ظرف یک سال، اطلاعات ذیل را منتشر کرده و در دسترس اعضا و کاربران قرار دهد:

۱. عنوان اثر؛

۲. نام شخص دارای حق که نمی‌تواند شناسایی یا مکان‌یابی شود؛

۳. نام ناشر یا تهیه‌کننده مربوطه؛ و...

۴. هرگونه اطلاعات ضروری دیگر که می‌تواند در شناسایی فرد واجد شرایط کمک کند.

ماده ۹۴: اگر پس از سه سال از پایان سال مالی که جمع‌آوری درآمد حقوق در آن اتفاق افتاده، امکان شناسایی یا تعیین مکان شخص مجاز وجود ندارد، درآمد غیرقابل توزیع، طبق اساسنامه سازمان قابل توزیع خواهد بود.

بخش چهارم: کسورات

ماده ۹۵: سازمان‌های مدیریت جمعی می‌توانند حداکثر ۱۰ درصد از مبالغ جمع‌آوری شده را برای پیگیری اهداف اجتماعی، فرهنگی و رفاهی که قبلاً توسط مجمع عمومی تعریف شده است، کنار بگذارند.

ماده ۹۶: مجمع عمومی باید در مورد قوانین کسر از حقوق درآمد تصمیم‌گیری کند.

ماده ۹۷: مبالغی که از درآمد حقوق برای اهداف اجتماعی، فرهنگی و آموزشی در سال مالی کسر می‌شود و توضیح استفاده از این مبالغ باید در گزارش سالانه ذکر شود.

ماده ۹۸: سازمان مدیریت جمعی باید اطمینان حاصل کند که هر دارنده حق که نماینده آن است - خواه مستقیماً از طریق قرارداد عضویت یا از طریق توافق‌نامه نمایندگی - حق تقاضای خدمات اجتماعی، فرهنگی یا آموزشی خود را خواهد داشت که منبع آن کسر از درآمد حقوق بوده است.

۱۱) پردازش اطلاعات مربوط به اعضا و کاربران

ماده ۹۹: سازمان مدیریت جمعی باید:

۱. از ظرفیت مناسب جهت پردازش الکترونیکی اطلاعات مربوط به آثار، صاحبان حق و کاربران به روشی

کارآمد و شفاف برخوردار باشد؛

۲. توانایی شناسایی دقیق هر اثری که حقوق آن را مدیریت می‌کند، داشته باشد؛

۳. تا آنجا که ممکن است با در نظر گرفتن استانداردهای داوطلبانه صنعت و شیوه‌های تدوین شده در

سطح بین‌المللی، از شناسه‌های منحصر به فرد برای شناسایی صاحبان حق استفاده کند.

ماده ۱۰۰: سازمان مدیریت جمعی باید اطمینان حاصل کند که هیچ یک از مدیران و کارمندان اطلاعاتی را که در حین استخدام یا انجام وظایف خود بدست می‌آورند، بدون دلیل قابل توجیه یا دستور مرجع صالح، برای اشخاص ثالث افشا نمی‌کنند.

ماده ۱۰۱: سازمان مدیریت جمعی باید سوابق مربوط به هر دارنده حق را که نماینده آن است، نگه دارد و به طور مرتب به روز کند تا چنین دارنده‌ای بتواند به طور دقیق شناسایی و مکان‌یابی شود.

ماده ۱۰۲: سازمان مدیریت جمعی باید به اصول اساسی حریم خصوصی و حفاظت از اطلاعات شخصی احترام بگذارد. همچنین باید از تعهدات خود تحت قوانین مربوط به حفاظت از حریم خصوصی و داده‌های شخصی پیروی کند.

ماده ۱۰۳: سازمان مدیریت جمعی باید (در صورت امکان به صورت الکترونیکی) دارنده حق یا دارنده مجوز را در مورد اطلاعات شخصی آنها که توسط سازمان نگهداری می‌شود، مطلع سازد.

۱۲) توسعه مهارت و آگاهی کارکنان

ماده ۱۰۴: سازمان مدیریت جمعی باید برنامه‌هایی جهت توسعه مهارت‌ها و دانش کارکنان خود و به‌روزرسانی عملکردهای سازمان و کارکنان طبق تجربیات سایر سازمان‌های مدیریت جمعی دنیا و معیارهایی جهت ارزیابی مهارت‌ها داشته باشد.

ماده ۱۰۵: سازمان مدیریت جمعی باید اطمینان حاصل کند که کارمندان و نمایندگان آن از مراحل رسیدگی به شکایات و حل اختلاف آگاهی دارند و می‌توانند این روش‌ها را برای اعضا، کاربران و عموم مردم توضیح دهند.

۱۳) رسیدگی به شکایات و حل و فصل اختلافات

ماده ۱۰۶: سازمان مدیریت جمعی باید در اساسنامه خود روش‌هایی جهت رسیدگی به شکایات و حل و فصل اختلافات بین اعضا یا کاربران با سازمان پیش‌بینی کند و در الگوی سازمانی خود، بخش‌های اداری و کارکنان با تخصص‌های لازم را در این خصوص در نظر بگیرد.

ماده ۱۰۷: سازمان مدیریت جمعی باید اطلاعات مربوط به شکایات و روش‌های حل و فصل اختلاف را از طریق وبسایت خود در دسترس همگان قرار دهد. این اطلاعات باید به وضوح بیان کند که شکایت باید برای چه کسی ارسال شده، آدرس یا ایمیل، بازه‌های زمانی و مراحل تجدید نظر را ذکر کند.

ماده ۱۰۸: سازمان مدیریت جمعی موظف است در مهلت معقول به شکایات پاسخ دهد و برای رد شکایت، دلایل معقولی ارائه دهد.

ماده ۱۰۹: در صورت عدم حل و فصل اختلاف، طرفین حق دارند اختلاف را به دادگاه یا یک نهاد داوری مستقل حل اختلاف با تخصص در زمینه کپی‌رایت مانند مرکز داوری و میانجیگری سازمان جهانی مالکیت فکری ارائه دهند.

پایان

فصل سوم) بررسی امکان تأسیس سازمان مدیریت جمعی در ایران با استفاده از

سازوکارهای فعلی موجود در کشور

آیا می‌توان با توجه به قوانین و مقررات موجود و با استفاده از ساز و کارهای فعلی کشور، اقدام به مدیریت جمعی کپی رایت و حقوق مرتبط نمود؟ در پاسخ به این سوال، ابتدا باید وضعیت قوانین و مقررات کشور و نحوه برخورد محاکم با موارد نقض کپی رایت را مورد توجه قرارداد. سپس به بررسی ساختارهای تجاری و غیرتجاری موجود در کشور پرداخت.

حوزه قضایی

از سال ۱۳۸۹ رسیدگی به جرائم مربوط به نقض کپی رایت و حقوق مرتبط در دادسرای فرهنگ و رسانه صورت می‌گیرد و سپس به شعب تخصصی دادگاه کیفری ارجاع می‌گردد. دادسرای فرهنگ و رسانه که یکی از دادسراهای تخصصی در نظام قضایی جمهوری اسلامی ایران است که به تحقیق و تعقیب در «حوزه فرهنگ و جرایم مربوط به آن» می‌پردازد. حوزه فعالیت‌های دادسرای فرهنگ و رسانه در ده محور «میراث فرهنگی، چاپ و ادبیات هنری، هنرهای اجرایی، هنرهای تجسمی، سینما، رادیو، تلویزیون، طبیعت و مسائل مربوط به محیط زیست» است.

مبنای رسیدگی در دادسرا و دادگاه‌های مربوط قوانین موجود است که مهم‌ترین آنها، قانون حمایت از مؤلفان و مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸ و قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی ۱۳۵۲ می‌باشد و تاکنون آراء متعددی در خصوص نقض حقوق مؤلفان و هنرمندان صادر شده است. لذا می‌توان گفت با وجود قوانین موجود می‌توان در محاکم به موارد نقض کپی رایت رسیدگی کرد گرچه در مواردی مانند حقوق مرتبط (حقوق

هنرمندان مجری، تولیدکنندگان فونوگرام و سازمان‌های پخش) به دلیل عدم تصریح در قوانین موجود، دشواری‌هایی وجود دارد. به هر حال تصویب "لایحه جامع حمایت از مالکیت ادبی و هنری و حقوق مرتبط" بسیاری از مشکلات موجود در این زمینه را رفع خواهد نمود و حداقل بهتر است با همکاری دولت (به خصوص وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی) و قوه قضائیه، آیین‌نامه‌ها یا دستورالعمل‌های لازم در این زمینه تهیه و ابلاغ شود.

ساختار سازمان مدیریت جمعی

با توجه به اینکه در قوانین فعلی اشاره‌ای درخصوص سازمان مدیریت جمعی و ساختار آنها نشده است، با بررسی‌های صورت گرفته به نظر می‌رسد می‌توان برای تأسیس سازمان‌های مدیریت جمعی مانند برخی کشورهای دیگر دنیا، از ساختار شرکت‌های تجاری یا انجمن و مؤسسه استفاده کرد. در انگلیس ساختار قانونی خاصی برای سازمان‌های مدیریت جمعی پیش‌بینی نشده و اغلب آنها در قالب شرکت‌های تجاری مانند شرکت با مسئولیت محدود تأسیس شده‌اند به طوری که هر سود حاصل از شرکت برای استفاده مجدد در تجارت مورد استفاده قرار می‌گیرد و اساساً برای منافع اعضای خود تشکیل می‌شود.

در کشور ما نیز می‌توان از قالب شرکت‌های تجاری استفاده کرد گرچه به نظر می‌رسد استفاده از ساختار تأسیس انجمن یا مؤسسه غیرانتفاعی بهترین گزینه باشد، چرا که به ساختار کلی سازمان‌های مدیریت جمعی بسیار نزدیک است.

به موجب ماده ۱ قانون ضوابط و مقررات تأسیس مراکز، مؤسسات، کانون‌ها و انجمن‌های فرهنگی و نظارت بر فعالیت آن‌ها^{۳۸۱}؛ مرکز، مؤسسه، کانون و انجمن فرهنگی، تشکیلاتی است که با اهداف و مقاصد فرهنگی اعم از انتفاعی و یا غیرانتفاعی و بر اساس شرایط مقرر به مسئولیت اشخاص حقیقی یا حقوقی اعم از دولتی، عمومی و

^{۳۸۱} ضوابط و مقررات تأسیس مراکز، مؤسسات، کانون‌ها و انجمن‌های فرهنگی و نظارت بر فعالیت آنها مصوب ۱۳۷۵

خصوصی، افراد واجد شرایط برای فعالیت در یک یا چند قلمرو فرهنگی، هنری و سینمایی و مطبوعاتی با سرمایه ایرانی تشکیل می‌شود و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مجوز تأسیس، نظارت بر فعالیت‌ها و انحلال آنها را صادر می‌کند.

وفق ماده ۵ قانون مذکور، اهداف فرهنگی این قبیل مراکز باید در اساسنامه تنظیمی به دقت ذکر شده و ملزم به رعایت کامل قوانین و مقررات نظام جمهوری اسلامی ایران و ضوابط فرهنگی شوند و فعالیت آنها منافاتی با مبانی فرهنگ عمومی نداشته باشد.

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با مصاحبه‌ها و بررسی‌های لازم و کافی ظرف یک ماه درباره تأیید صلاحیت یا عدم پذیرش تقاضا اعلام نظر خواهد نمود و در صورت اعلام موافقت اصولی با تقاضا، مؤسس یا مؤسسان موظفند در مدت یک ماه از تاریخ اعلام نسبت به ارائه اساسنامه و تحقق شرایط مندرج در آن اقدام نمایند. (ماده ۸)

در انجمن‌های فرهنگی (ادبی، هنری) که نوع فعالیت آن‌ها غیرانتفاعی است تعداد مؤسسان نباید از ۳ نفر کمتر باشد ولی در مؤسسات فرهنگی که در قلمرو یک فعالیت فرهنگی تأسیس می‌شود، رعایت این شرایط الزامی نیست و در مؤسسات و مراکز فرهنگی، تعداد مؤسسان نباید از تعداد فعالیت‌های فرهنگی پیش‌بینی شده در اساسنامه آن‌ها کمتر باشد.

مراکز فرهنگی پس از تأیید صلاحیت مؤسسات و مدیر مسئول و تصویب اساسنامه و صدور مجوز باید نسبت به ثبت آن بر طبق اساسنامه‌ای که به تایید هیأت رسیده اقدام و نسخه‌ای از اساسنامه ممهور به مهر اداره کل ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری را به ذکر شماره ثبت و به دبیرخانه هیأت تسلیم کنند و سازمان ثبت نیز موظف است نسبت به ثبت مراکز فرهنگی موضوع این ضوابط بر طبق اساسنامه مورد تأیید وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی اقدام نماید. (ماده ۲۲)

سازمان ثبت اسناد باید از ثبت مراکز، مؤسسات، کانون‌ها و انجمن‌های فرهنگی فاقد مجوز از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی خودداری نماید.

به نظر می‌رسد بتوان از آیین‌نامه مربوط به این قانون، جهت تأسیس شعب یا نمایندگی سازمان‌های مدیریت جمعی معروف دنیا نظیر سیزاک کمک گرفت. آیین‌نامه اجرایی تأسیس مراکز، مؤسسات، کانون‌ها و انجمن‌های فرهنگی و هنری خارجیان مقیم ایران مصوب ۱۳۸۱، در ماده ۲ مقرر داشته مراکز و مؤسسات یاد شده صرفاً به منظور آشنا ساختن ایرانیان با زبان و فرهنگ و هنر کشور خارجی و معرفی مظاهر و علائق مشترک فرهنگی اتباع دو کشور در حوزه تمرکز تحقیقات پیرامون مطالعات مربوط به فرهنگ و تاریخ ایران با تصویب وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بر اساس ضوابط و مقررات جمهوری اسلامی ایران فعالیت می‌نمایند.

از آنجا که فعالیت سازمان‌های مدیریت جمعی متمرکز بر امور فرهنگی و هنری است، شاید بتوان با همکاری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و بر اساس آیین‌نامه مذکور، حداقل برقراری ارتباط و ایجاد موافقت‌نامه همکاری بین سازمان‌های خارجی را با کشور تسهیل نمود.

استفاده از انجمن‌ها و نهادهای موجود فرهنگی

آیا می‌توان از نهادهای فرهنگی و هنری موجود در کشور برای ایجاد سازمان مدیریت جمعی استفاده کرد؟ در حال حاضر نهادهای صنفی متعدد فرهنگی و هنری نظیر خانه سینما، خانه هنرمندان، انجمن سینمای جوانان ایران، خانه تئاتر، خانه موسیقی ایران، انجمن ادبی ایران، انجمن خوشنویسان ایران، بنیاد سینمایی فارابی و ... در کشور وجود دارد.

به عنوان نمونه "خانه سینما" را در نظر می‌گیریم.

طبق ماده یک اساسنامه خانه سینما؛ "خانه سینما مؤسسه‌ای است مستقل، غیرسیاسی، غیردولتی و غیرانتفاعی، متشکل از تشکلهای قانونی اصناف هنر، صنعت سینمای ایران که در چهارچوب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و تحت نظارت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی از تاریخ تأسیس به مدت نامحدود بر مبنای این اساسنامه تشکیل شده است."

هدف از تشکیل خانه سینما بر اساس اساسنامه، کمک به پیشرفت فرهنگ و هنر کشور از طریق تلاش در جهت حفظ وصیانت حقوق مادی و معنوی دست‌اندرکاران حرفه‌ای در امر تولید، توزیع و نمایش هنر صنعت سینما از طریق ایجاد امنیت شغلی، تأمین اجتماعی و همچنین کمک به فعالیت‌های فرهنگی، پژوهشی و آموزشی به منظور ارتقای دانش معنوی و حرفه‌ای اعضاء است.^{۳۸۲}

اهداف مذکور شبیه اهداف کلی تأسیس سازمان‌های مدیریت جمعی به خصوص در زمینه حمایت از حقوق مادی و معنوی اعضا است. خانه سینما دارای مجمع عمومی، هیأت مدیره و بازرس می‌باشد که از این جهت نیز کلیات ساختار یک سازمان مدیریت جمعی را دارا می‌باشد.

اگر خانه سینما بخواهد در شرایط فعلی، فعالیت خود را به عنوان یک نهاد مدیریت جمعی ادامه دهد، اقدامات زیر را باید انجام دهد:

الف) آگاهی بخشی و اطلاع‌رسانی به کلیه اعضا در خصوص حقوق مالکیت ادبی و هنری به طور کلی و مدیریت جمعی حقوق و امتیازات مدیریت حقوق به این روش؛

ب) تشکیل یک کارگروه متشکل از متخصصان با اولویت حضور هیأت مدیره خانه سینما و اعضای مهم و تأثیرگذار آن، نماینده وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و همچنین افراد توانمند در زمینه مسائل اقتصادی هنر، حقوق مالکیت فکری و مدیریت جمعی حقوق، حقوق تجارت، حقوق قراردادهای مرتبط با امور

ادبی و هنری، مدیریت اقتصادی و بازرگانی و مسائل آتی جهت بررسی:

(۱) ابعاد مختلف موضوع و آنالیز نقاط قوت و ضعف مدیریتی و ساختاری خانه سینما؛

(۲) شناسایی فرصت‌ها و تهدیدها و نحوه ورود به بازار و تعیین استراتژی بازاریابی؛

(۳) شناسایی مشتریان اصلی مانند سازمان‌های پخش رادیو تلویزیونی و نمایشگاه‌ها و تعیین نحوه ارتباط و توافق همکاری با مشتریان بزرگ. یکی از اقدامات مهم سازمان‌های مدیریت جمعی موفق دنیا، تعامل مناسب با مشتریان است به گونه‌ای که کارمندان ویژه‌ای جهت برقراری تماس و تعامل با مشتریان بالقوه در نظر می‌گیرند و در واقع منتظر مشتری نمی‌مانند. از امتیازات تعامل با مشتریان این است که به نوعی می‌تواند موجب کنترل استفاده از آثار و جلوگیری یا شناسایی موارد نقض حق شود؛

(۴) تعیین قلمرو ارائه خدمات مؤسسه: انواع آثار تحت مدیریت، انواع حقوق تحت مدیریت، مدیریت حقوق در فضای مجازی، انواع مجوزها، نحوه قیمت‌گذاری، نحوه کسب اختیار از صاحبان حق، سیاست توزیع درآمد میان صاحبان حق؛

(۵) تأمین نیروی انسانی کارآمد: سازمان مدیریت جمعی یک سازمان خدماتی است که برای انجام وظیفه خود تا حدود زیادی به کارکنان خود وابسته است. مهارت کارکنان هم از نظر اجرای کارآمد فعالیت‌ها و فرآیندهای مختلفی که سازمان مدیریت جمعی با آنها درگیر است و هم تعامل صحیح با کاربران، اعضا و سایر ذی‌نفعان، مهمترین وظیفه سازمان مدیریت جمعی است؛

(۶) به‌روزرسانی و تأمین سیستم‌عامل‌ها و سازوکارها و رویه‌های ارائه خدمات است که از طریق آنها خدمات به مشتریان ارائه می‌شود. (فرآیندها، سیستم‌ها، مستندات و اتوماسیون مناسب و به طور کلی ارتقاء عملکرد آتی مؤسسه به ویژه در پردازش معاملات). سازمان‌های مدیریت جمعی باید اطلاعاتی درباره صاحبان حق و آثار مانند شناسه‌ها، نام‌ها و نام‌های مستعار، عناوین، سهام، توافق‌نامه‌های انتشار و مجوز را جمع‌آوری کنند. این اطلاعات

به سازمان‌ها اجازه می‌دهد درآمد (حق امتیاز) را جمع‌آوری و بین صاحبان حق توزیع کنند. لذا لازم است سیستم‌های نرم‌افزاری خود را به روز و کارآمد کنند. در این رابطه سازمان جهانی مالکیت فکری یکسری برنامه‌ها ی تحت وب طراحی کرده است که در اختیار کشورهای متقاضی قرار می‌دهد. این برنامه‌ها تحت عنوان WIPOCOS و WIPOCONNECT در تسهیل عملیات روزمره سازمان مدیریت جمعی راه‌حل‌های کارآمد، مناسب و قابل برنامه‌ریزی ارائه می‌دهد. (توضیح کامل در این خصوص در ضمیمه ارائه می‌شود).

۷) تشکیل اداره حقوقی قدرتمند در خانه سینما جهت:

۱- ورود به مسائل حقوقی مرتبط نظیر انطباق با قوانین، مدیریت دعاوی داخلی و خارجی، مدیریت قراردادهای داخلی و خارجی، خدمات مشاوره حقوقی، همکاری با بخش داوری و حل و فصل اختلافات؛

۲- کارگروه ویژه حقوقی جهت لابی‌گری، شرکت در جلسات کمیسیون‌های مختلف دولت و مجلس و پیشنهاد الحاق به معاهدات بین‌المللی یا پیشنهاد موافقت‌نامه‌های دو جانبه با سایر سازمان‌های مدیریت جمعی خارجی، اصلاح قوانین فعلی و تدوین قوانین جدید؛

۳- ارتباط و لابی با بخش‌های مختلف دولت، قوه قضائیه و نهادهایی مانند پلیس فتا جهت پیگیری حقوق اعضا به خصوص در فضای مجازی (با توجه به پیشرفت‌های روزافزون فضای مجازی و اقبال مشتریان به آثار در فضای مجازی) و ایجاد سازوکارهای لازم مانند تصویب قوانین و دستورالعمل‌های جدید یا در نظر گرفتن راهکارهایی مانند سیستم پاسخ سه مرحله‌ای^{۳۸۳}، که در آن به صدور اخطاریه برای متخلفین و سپس کاهش پهنای باند یا تعلیق حساب کاربری می‌پردازند (در برخی کشورها نظیر انگلستان، فرانسه و کره جنوبی از این روش استفاده می‌شود).

^{۳۸۳} graduated response (or ‘three strikes’)

۴- با توجه به وجود "هیأت داورى" و "شورای عالی داورى" در خانه سینما، بررسی خدمات رسیدگی به شکایات و حل و فصل اختلافات در این دو واحد و تاحدممکن ارتقاء و تطبیق آن با نمونه‌های موفق خارجی و تعیین مکانیزم حل اختلافات داخلی و خارجی (اضافه شدن این دو بخش به عنوان زیرمجموعه اداره حقوقی و هماهنگ شدن فعالیت‌های این سه مجموعه با یکدیگر نیز بسیار در کاهش دعاوی و حل و فصل مؤثر اختلافات مؤثر خواهد بود).

۷) تهیه پیش‌نویس تغییرات اساسنامه، تغییرات چارت سازمانی و افراد پیشنهادی جهت تصدی پست‌های مربوطه؛

ج- تشکیل جلسه مجمع عمومی فوق‌العاده با دستور جلسه تغییر اساسنامه مؤسسه خانه سینما طبق ماده ۲۴ اساسنامه؛

د- در صورت تصویب تغییرات اساسنامه، تشکیل کارگروه‌های لازم جهت عملیاتی شدن موضوعات مذکور. انجام این کار، پروسه‌ای دشوار و زمان‌بر است اما در صورت موفقیت می‌تواند الگوی مناسبی برای سایر بخش‌های ادبی و هنری کشور نیز باشد.

علت عدم تحقق این موضوع

سوال قابل تأمل این است در صورتی که امکان تأسیس نهاد مدیریت جمعی بر اساس ساختار شرکت‌ها تجاری و مؤسسات و انجمن‌ها در ایران فراهم است، علت عدم تحقق این موضوع تا به امروز چه بوده است؟

گرچه پاسخ به این سوال نیازمند تحقیق و بررسی ویژه است اما به نظر می‌رسد مهمترین دلایل آن عبارتند از:

۱- عدم آگاهی اکثر ذی‌نفعان نظیر پدیدآورندگان و هنرمندان از وجود و سازوکار سازمان‌های مدیریت جمعی کپی‌رایت و حقوق مرتبط در خارج از کشور؛

در واقع بسیاری از پدیدآورندگان از حقوق اولیه کپی‌رایت مربوط به آثار خود نظیر حق واگذاری اثر به صورت انحصاری و غیرانحصاری نیز مطلع نبوده و حتی معتقدند در ایران قانون کپی‌رایت نداریم. احکام ضعیف و نامرتب بعضی از محاکم قضایی در خصوص پرونده‌های مالکیت فکری و عدم آگاهی و تسلط برخی مقامات قضایی و کارشناسان رسمی دادگستری بر موضوعات کپی‌رایت و قوانین موجود، نیز به این موضوع دامن زده است که در ایران قانونی برای حمایت از کپی‌رایت وجود ندارد و یا قوانین موجود به هیچ‌وجه موجب حمایت مؤثر از صاحبان حق نمی‌شوند.

در حالیکه نخستین قانون کشور در این زمینه، قانون حمایت از مؤلفان و مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸، در زمان خود نسبتاً قانون جامع و پیشرفته‌ای محسوب می‌شده و هنوز هم مورد استفاده در محاکم است؛ اما بسیاری از ذی‌نفعان از وجود یا کارکرد این قانون و سایر قوانینی که بعد از آن تصویب شدند، مطلع نیستند.

علاوه بر این در سال‌های گذشته موافقت‌نامه‌های همکاری متعددی میان ایران و سایر کشورها منعقد شده است که حمایت از حقوق مالکیت ادبی و هنری اتباع ایرانی در کشور مذکور به صراحت در آنها مورد توجه قرار گرفته است اما تاکنون از ظرفیت این موافقت‌نامه‌ها استفاده نشده است.

یکی از اقدامات مهم در این زمینه، آگاهی‌بخشی و اطلاع‌رسانی در خصوص حقوق مالکیت ادبی و هنری به طور کلی و ظرفیت‌های قانونی فعلی به ذی‌نفعان اعم از صاحبان حق و بخش‌های مختلف فرهنگی کشور و همچنین تقاضا از دولت و همکاری وزارت امور خارجه و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، برای اجرایی کردن استفاده از ظرفیت موافقت‌نامه‌های دوجانبه فعلی کشور برای حمایت از صاحبان حق در سطح بین‌المللی است.

۲- عدم اعتماد به ساختارهای موجود بدون پشتوانه محکم قانونی و دولتی؛

بسیاری از ذی‌نفعان به شرایط و قوانین موجود اعتماد ندارند و احتمال دارد تأسیس شرکت‌های مدیریت جمعی با استفاده از ظرفیت‌های فعلی قانونی کشور مورد اقبال قرار نگیرد کما اینکه تاکنون کسی به این موضوع ترغیب نشده است.

ناکارآمدی اغلب انجمن‌ها و مؤسسات هنری طی سال‌های فعالیت خود، در داوری و احقاق حقوق اعضا و حل و فصل اختلافات درون گروهی (مانند انجمن خوشنویسان یا انجمن موسیقی) در بی‌اعتمادی ذی‌نفعان به ساختارهای فعلی، بی‌تأثیر نبوده است.

علاوه بر این تضعیف نهادهای صنفی هنری توسط عوامل دولتی و قضایی و بعضاً برخوردهای سیاسی و سلیقه‌ای با نهادهای موجود نظیر تعطیلی خانه سینما و مجدداً بازگشایی آن نیز مزید بر علت بوده است.

۳- بی‌توجهی عمومی در رعایت حقوق ذی‌نفعان آثار ادبی و هنری از سوی نهادهای حکومتی (مانند سازمان صدا و سیما در عرضه و پخش بدون مجوز آثار) و نهادهای خصوصی (مانند دانلودهای غیرقانونی و تکثیر انبوه، خرید و فروش بدون مجوز و آشکار در فروشگاه‌ها و سایت‌های اینترنتی) موجب ناامیدی از امکان احقاق حق و مدیریت حقوق توسط نهادهای فعلی است.

بنابراین اگرچه می‌توان از ساختارهای موجود فعلی کمک گرفت، اما باز هم به نظر می‌رسد تصویب و تکمیل قوانین یا حداقل تصویب ماده واحده، دستورالعمل یا آیین‌نامه‌ای در این زمینه موجب مشارکت و اعتماد بیشتر به تأسیس نهادهای مدیریت جمعی گردد.

با توجه به موارد ذکر شده تأسیس نهادهای مدیریت جمعی به اتکاء امکانات و شرایط موجود، بدون پشتوانه قانونی خاص، نیازمند اراده‌ای جدی از سوی ذی‌نفعان و از سوی دیگر پشتیبانی مؤثر و کارآمد دولت و سایر نهادهای حاکمیتی می‌باشد.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

الف) در این بخش؛ ابتدا با تقسیم‌بندی موضوعات اصلی سازمان‌های مدیریت جمعی، به بررسی قوانین و مقررات کشورهای مختلف و همچنین آیین‌نامه‌های داخلی سازمان‌های مدیریت جمعی موفق دنیا پرداخته شد. کشورها در زمینه قانون‌گذاری برای سازمان‌های مدیریت جمعی، رویکردهای مختلفی دارند.

در برخی کشورها نظیر آلمان، ژاپن و بوسنی و هرزگوین به طور خاص قانون مدیریت جمعی کپی‌رایت و حقوق مرتبط تدوین شده است. در یکسری از کشورها مانند ایالات متحده آمریکا، برزیل، کانادا، مکزیک و ترکیه ضمن قانون کپی‌رایت به موضوع مدیریت جمعی نیز پرداخته شده است. کشورهایی مانند انگلستان طبق دستورالعمل‌های کلی صادر شده در اتحادیه اروپا، آیین‌نامه‌ها و مقرراتی در این زمینه تصویب کرده‌اند. کشورهایی نظیر بلژیک، ضمن قوانین دیگر مانند قانون حقوق اقتصادی به این موضوع پرداخته‌اند. در این بررسی سعی شده بهترین نمونه‌های موجود در قوانین ذکر شود تا عنداللزوم به عنوان الگو استفاده شود.

ب) در فصل دوم با استفاده از بررسی‌های صورت گرفته در مراحل قبل، سعی شد یک مدل مناسب قانونی برای کشور پیشنهاد شود. در برخی مواد، از چند گزینه پیشنهادی استفاده شده است و در مجموع تلاش شده در عین جامع بودن و در بر گرفتن همه موضوعات اصلی، محدودکننده و سختگیرانه نباشد.

ج) در قسمت سوم با توجه به پیشنهاد اعضای کمیته اقتصاد فرهنگ اتاق، تبدیل نهادهای فرهنگی و هنری موجود در کشور به سازمان مدیریت جمعی، امکان سنجی و بررسی شد و به طور نمونه خانه سینمای ایران مورد توجه قرار گرفت. به نظر می‌رسد با انجام تغییراتی در ساختار نهادهای موجود بتوان سازوکار مدیریت جمعی را در آنها ایجاد کرد و البته این کار نیازمند تشکیل کارگروه‌هایی از افراد متخصص و پیش‌بینی تأمین کلیه بخش‌های اداری و کارکنان، مدیران و متخصصان در زمینه‌های مختلف خواهد بود.

د) اگرچه به نظر می‌رسد، ایجاد سازمان مدیریت جمعی با تغییر ساختار و سازوکارهای نهادهای فعلی کشور، غیرممکن نیست اما این کار با دشواری‌هایی از جهت هماهنگی با بخش‌های مختلف کشور و حتی ذی‌نفعان و صاحبان حقوق روبرو خواهد بود. در صورتی که حمایت مناسب قانونی زیربنای اصلی کار باشد، بخش‌های مختلف کشور، ذی‌نفعان و مصرف‌کنندگان، اعتماد و اطمینان بیشتری به این نهاد تازه تأسیس خواهند داشت. در حال حاضر نمی‌توان کشوری را پیدا کرد که بدون هیچ‌گونه قوانین، مقررات و دستورالعملی در این زمینه مشغول به فعالیت باشد.

لذا باید اول مبانی قانونی و نهادی سیستم مالکیت فکری را تکمیل نموده، یک چارچوب قانونی کافی برای اجرای مؤثر حقوق پیش‌بینی شود و نهادهای متولی تأسیس و اجرای حقوق مطابق با استانداردهای جهانی تأسیس شود. بنابراین واضح است که مدیریت جمعی مؤثر و کارآمد تا حد زیادی به قوانین ملی در خصوص کپی‌رایت و حقوق مرتبط و بازتاب شرایط محیطی کنونی که صاحبان حقوق با آن روبرو هستند، بستگی دارد. در مواردی که قوانین به روز نشوند یا انعکاسی از شرایط پیش روی صاحبان حق نباشد، ترغیب دولت به اصلاح و بازنگری چنین قوانینی مهم است.

ه) علاوه بر این آنچه واقعاً اهمیت دارد اطمینان از آگاهی مؤلفان، هنرمندان رشته‌های مختلف هنری، مشاغل و تولیدکنندگان از حقوق مالکیت فکری و به طور خاص کپی‌رایت و حقوق مرتبط و همچنین مزایای سیستم مدیریت جمعی است. یکی از اقدامات مهم در این زمینه، آگاهی‌بخشی و اطلاع‌رسانی در خصوص حقوق مالکیت ادبی و هنری به طور کلی و ظرفیت‌های قانونی فعلی به ذی‌نفعان اعم از صاحبان حق و بخش‌های مختلف فرهنگی کشور است.

و) پیگیری سرقت ادبی یک مشکل اساسی برای بخش‌های مختلف فرهنگی و هنری کشور نظیر مطبوعات و ادبیات، فیلم‌های سینمایی و ویدئویی و بخش‌های موسیقی است. باید آگاهی عمومی در مورد سرقت ادبی

افزایش یابد که در این زمینه، آموزش نقش مهمی دارد. در هر سطح از تحصیلات، باید بر آسیب‌های سرقت ادبی تأکید شود و به صراحت بیان شود که سرقت ادبی جرمی است که مانند هر جرم دیگری پیگرد قانونی دارد. همچنین باید از هر نوع رسانه‌ای برای افزایش آگاهی عمومی مربوط به سرقت ادبی استفاده شود. تشریفات دادگاه‌ها باید سرعت بیشتری بگیرد و مجازات‌ها (جزای نقدی یا حبس) بازدارنده باشد. باید برنامه‌های آموزشی ویژه‌ای باید برای اعضای دادگستری منصوب به دادرها و دادگاه‌های مربوط به سرقت ادبی تنظیم شود. همچنین، تنظیمات قانونی ویژه‌ای برای مبارزه با سرقت ادبی در محیط دیجیتالی لازم است.

ز) لازم است برخی سیاست‌ها و اقدامات برای بهبود و افزایش سهم صنایع دارای کپی‌رایت در اقتصاد کشور صورت گیرد. برای دستیابی به این هدف، باید بخش‌های با ارزش افزوده بالا مانند صنایع اصلی کپی‌رایت در کشور شناسایی شده و مورد تشویق و حمایت قرار گیرند چرا که به طور مستقیم بر رشد اقتصادی تأثیر می‌گذارد. همچنین اقداماتی برای افزایش تقاضا برای کالاها و خدمات دارای کپی‌رایت نیز انجام شود. سیاست‌های آموزش و پرورش برای تشویق کودکان و جوانان به ویژه به کسب عادت مطالعه (نشریات فرهنگی و ادبی) و شرکت در فعالیتهای فرهنگی و هنری ضروری است. اگر این امر از طریق آموزش در سنین پایین محقق شود، علاقه مردم به آثار صنایع اصلی کپی‌رایت افزایش می‌یابد. این امر منجر به افزایش تقاضا برای چنین آثاری می‌شود.

ح) بخش‌های کپی‌رایت باید به همان روش بخش‌های تولیدی و سایر بخش‌های خدماتی، صنعتی شوند. دولت همچنین باید این بخش‌ها را به عنوان صنایع متمایز به رسمیت بشناسد و مشوق‌های ویژه‌ای برای توسعه آنها در نظر بگیرد. باید انگیزه‌های ویژه‌ای برای تشویق سرمایه‌گذاری در حوزه دیجیتال نیز در کشور وجود داشته باشد.

در این رابطه باید مطالعات آماری در خصوص صنایع اصلی کپی‌رایت در کشور و نقش آنها در تولید ارزش افزوده صورت گیرد و بر اساس آن برای بخش‌های مختلف برنامه‌ریزی اقتصادی و فرهنگی صورت گیرد. به طور مثال در مطالعاتی^{۳۸۴} که ترکیه در سال ۲۰۱۴ انجام داده بود، برخی از نتایج و پیشنهادات قابل توجه به شرح زیر بوده است:

"... در میان صنایع اصلی کپی‌رایت، بخش رادیو و تلویزیون بیشترین ارزش افزوده را دارد. بخش فیلم و سریال سریع‌ترین رشد را دارد لذا باید توجه ویژه‌ای به این بخش‌ها شود. از طرف دیگر، عکاسی کمترین ارزش افزوده را در میان صنایع اصلی کپی‌رایت دارد، دلیل اصلی آن عدم علاقه مردم ترکیه به این بخش است. اقدامات ویژه‌ای به ویژه از طریق آموزش، باید در جهت افزایش علاقه مردم انجام شود.

در میان صنایع کپی‌رایت وابسته، بخش رایانه و تجهیزات بیشترین ارزش افزوده را دارد، زیرا مردم ترکیه علاقه زیادی به این نوع تجهیزات دارند. اما برای بهبود ارزش افزوده باید محتوای محلی در رایانه‌ها و تجهیزات افزایش یابد. صنعت تولید آلات موسیقی کمترین ارزش افزوده را در بین صنایع کپی‌رایت وابسته به خود دارد و این وضعیت از آنجا ناشی می‌شود که انجمن معمولاً علاقه‌ای به نواختن آلات موسیقی ندارد و بیشتر این سازها به کشور وارد می‌شود. اگر جوانان در طول تحصیل انگیزه نواختن ساز موسیقی را داشته باشند، بر همین اساس علاقه مردم افزایش می‌یابد و مشاغل محلی به سرمایه‌گذاری در ساخت آلات موسیقی تشویق می‌شوند.

در مورد صنایع نسبی کپی‌رایت، بیشترین سهم در ارزش افزوده از طریق پوشاک، منسوجات و کفش بوده و صنعت اسباب‌بازی و بازی کمترین ارزش افزوده را در بین صنایع نسبی کپی‌رایت دارد چراکه بیشتر اسباب‌بازی‌ها و بازی‌ها وارد می‌شوند، زیرا انجام این کار ارزان‌تر است. مشوق‌های خاص باید در این بخش برای تشویق خلاقیت و رقابت با محصولات وارداتی داده شود...."

^{۳۸۴} Study on the Economic Contribution of Copyright Industries in Turkey

ما نیز در ایران نیازمند یک مطالعه دقیق و آماری در این زمینه هستیم.

ط) برای مقابله با مشکلات ناشی از اجرای حقوق در محیط دیجیتال از جمله نقض آنلاین حقوق، نیز باید سازوکارهایی در نظر گرفته شده و بین بخش‌های مختلف قضایی نظیر قوه قضائیه پلیس فتا با نهادهای متولی امور مالکیت فکری همکاری جدی وجود داشته باشد. همان طور که اشاره شد برخی از کشورها سیستم پاسخ سه مرحله‌ای را ارائه داده‌اند که به موجب آن یک سری اخطارها برای مصرف‌کنندگان ارسال می‌شود و به آنها نسبت به نقض قانون هشدار داده و فرصتی برای متوقف کردن نقض می‌دهند. در غیر این صورت ممکن است اقداماتی مانند کاهش پهنای باند یا تعلیق حسابشان اجرا شود. این اقدامات حمایت بهتر از اعضا و صاحبان حقوق در محیط مدرن را فراهم و تضمین می‌کند.

ی) سازمان جهانی مالکیت فکری (وایپو) برای توسعه ابزارها، خدمات، استانداردها، پایگاه داده‌ها و سیستم‌های عامل مالکیت فکری با دفاتر مالکیت فکری، کاربران و سایر سهام‌داران همکاری می‌کند و علاوه بر ارائه مشاوره‌های حقوقی و فنی، زیرساخت‌های فنی نظیر نرم‌افزارهای مورد نیاز سازمان‌های مدیریت جمعی را نیز در اختیار کشورها و سازمان‌ها قرار می‌دهد. جهت تأسیس و راه‌اندازی سیستم مدیریت جمعی کپی‌رایت و حقوق مرتبط می‌توان روی کمک‌های فنی، حقوقی و به طور کلی مشورتی وایپو حساب کرد.

ضمیمه ۱) نرم‌افزارهایی برای مدیریت جمعی کپی‌رایت و حقوق مرتبط

سازمان‌های مدیریت جمعی برای پشتیبانی دقیق از جمع‌آوری و توزیع درآمد شبکه‌هایی را ایجاد و نگهداری می‌کنند. نگرانی اصلی سازمان‌ها، مدیریت صحیح مقادیر زیادی از داده‌ها و اطلاعاتی است که آنها در مورد اعضای خود، آثارشان و سایر مشارکت‌های خلاقانه جمع‌آوری می‌کنند و مستندسازی اطلاعات و مدارک برای

عملکرد صحیح و مؤثر سازمان در سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی بسیار مهم است. در ادامه دو نرم‌افزار طراحی شده توسط سازمان جهانی مالکیت فکری، معرفی می‌شود که به عملکرد سازمان‌های مدیریت جمعی کمک شایانی می‌کند.

نرم افزار اول:

WIPOCOS

WIPOCOS یک برنامه چند منظوره، سرویس‌گیرنده مشتری و سرور چندمنظوره است که توسط سازمان جهانی مالکیت فکری (وایپو) برای سازمان‌ها یا جوامع مدیریت جمعی تهیه شده است و نیاز به یک سیستم رایانه‌ای مدرن و قابل اعتماد دارد که به آنها امکان می‌دهد با مسئولیت‌پذیری کامل، عملیات اصلی مربوط به مدیریت جمعی کپی‌رایت و حقوق مرتبط را انجام دهند.

WIPOCOS توسط وایپو توسعه، مالکیت و نگهداری می‌شود. در بسیاری از موارد، این نرم‌افزار با نگهداری و پشتیبانی حرفه‌ای می‌تواند به صورت رایگان ارائه شود. این نرم‌افزار در همکاری نزدیک با سازمان‌های مدیریت جمعی ملی و همچنین انجمن‌های تجاری بین‌المللی، توسعه یافته است.

WIPOCOS برای کمک به ذی‌نفعان کشورهای در حال توسعه برای غلبه بر هزینه و پیچیدگی سیستم‌های فناوری اطلاعات طراحی شده است. این نرم افزار:

۱. یک سیستم رایانه‌ای مدرن و قابل اعتماد که قادر به انجام عملیات اصلی مدیریت جمعی است، ارائه می‌کند؛

۲. موجب توسعه سازمان‌های مدیریت جمعی شده و آنها را قادر می‌سازد بالاترین استانداردهای بین‌المللی را اعمال کنند؛

۳. به سازمان‌های مدیریت جمعی کمک می‌کند یک ابزار دیجیتالی ساده و متناسب با سطح توسعه خود

تهیه کنند؛

۴. به توزیع به موقع، شفاف و مستقل درآمدها کمک می‌کند.

تمرکز اصلی WIPOCOS بر حقوق آثار موسیقایی بوده اما در حال حاضر مازول‌های نرم‌افزاری جدیدی برای سایر انواع حقوق مانند کارهای سمعی و بصری، نمایش‌ها و آثار ادبی طراحی شده و قابلیت‌های پیشرفته‌ای را در زمینه صدور مجوز ارائه می‌دهد.

ساختار نرم‌افزار WIPOCOS از چندین پایگاه داده بهم پیوسته تشکیل شده است که برای تعامل با پایگاه‌های داده بین‌المللی موجود که توسط سازمان‌های مدیریت جمعی در سراسر جهان ایجاد شده‌اند، طراحی شده است. از این برنامه برای سیستم پایگاه داده موارد زیر می‌توان استفاده کرد:

۱. مؤلفان و مجریان

۲. آثار

۳. ناشران و تولیدکنندگان

۴. آثار صوتی

۵. جلسات ضبط صدا

۶. محصولات سمعی و بصری

از آنجا که عناصر سازنده WIPOCOS در مدولار بودن و قابلیت همکاری گنجانده شده‌اند، سیستم برای ارائه پنج مازول که می‌توانند به هم متصل شوند یا به طور مستقل کار کنند، ارائه شده است:

۱. اولیه (پرایم): ویژگی‌های همه مازول‌ها را با هم ترکیب می‌کند؛

۲. اجرا: برای مدیریت مشترک حقوق مجریان و تولیدکنندگان؛

۳. هنرمند: برای سازمان‌های خاص هنرمندان مجری؛

۴. تولیدکننده: برای جوامع که حقوق تولیدکنندگان فونوگرام را مدیریت می‌کنند؛

۵. کپی‌رایت: برای سازمان‌هایی که با کپی‌رایت موسیقی در ارتباط هستند.

نرم‌افزار دوم:

WIPO Connect

با هدف تسهیل عملیات روزمره سازمان‌های مدیریت جمعی و همکاری آنها با سازمان‌های مدیریت جمعی سایر کشورها، یک راه حل کارآمد، مناسب و قابل برنامه‌ریزی ارائه می‌دهد.

WIPO Connect در دو سطح کار می‌کند:

۱. WIPO Connect Local یک برنامه تحت وب است که برای عملیات روزمره استفاده می‌شود، و

روی یک سرور محلی نصب شده یا در فضای ابری میزبانی می‌شود. این برنامه برای موارد زیر مورد

استفاده قرار می‌گیرد:

- ثبت نام صاحبان حق
- مدیریت اسناد: آثار، اجراها و ضبط صدا
- مدیریت توافق‌نامه‌های صدور مجوز
- شناسایی و تطبیق آثاری که استفاده شده‌اند، ارائه گزارش استفاده یا ضبط داده‌ها.
- گزارش‌های توزیع میزان درآمد قابل توزیع بین صاحبان حق را بر اساس میزان و نوع استفاده، مستندات و پارامترهای محلی ارائه می‌دهد.

۲. WIPO Connect Shared یک برنامه کاملاً مبتنی بر ابر است که همزمان‌سازی برنامه‌های

WIPO Connect Local و تبادل داده با منابع داده صنعت را انجام می‌دهد. این برنامه برای

موارد زیر مورد استفاده قرار می‌گیرد:

- همگام‌سازی با WIPO Connect Local؛
- ارسال اسناد به پایگاه‌های داده صنعت و بازیابی اطلاعات برای همگام‌سازی؛
- تسهیل و خودکارسازی تعیین شناسه‌های صنعت؛
- انتشار اطلاعات مجموعه‌های محلی برای سازمان‌های مدیریت جمعی خارجی.

ضمیمه ۲) سازمان‌های مدیریت جمعی در انگلستان

در انگلیس، سازمان مدیریت جمعی نهادی است که توسط اعضای خود موظف است مجوز حقوق مربوط به آنها را صادر کرده و در ازای دریافت هزینه اداری، حق الزحمه را برای اعضا جمع‌آوری و توزیع کند. آنها معمولاً به صورت غیرانتفاعی بوده و تحت مالکیت و کنترل اعضای خود یعنی صاحبان حق و سایر افرادی هستند که برای استفاده از آثار دارای کپی‌رایت مجوز دارند.

قانون اصلی مربوط به کپی‌رایت در انگلستان قانون کپی‌رایت، طرح‌ها و اختراعات^{۳۸۵} ۱۹۸۸ "معروف به قانون کپی‌رایت" است. در این کشور قانون خاص در زمینه سازمان‌های مدیریت جمعی تصویب نشده است و بر اساس دستورالعمل مدیریت جمعی کپی‌رایت (بخشنامه اتحادیه اروپا ۲۰۱۴)^{۳۸۶} عمل می‌شود که در سال ۲۰۱۶ همزمان با خروج انگلیس از اتحادیه اروپا تغییریاتی کرد. اداره مالکیت فکری انگلستان^{۳۸۷} مسئول نظارت و اجرای انطباق با مقررات ۲۰۱۶ مدیریت جمعی کپی‌رایت (اتحادیه اروپا) است. اداره مالکیت فکری انگلستان، بخشی از اداره ثبت اختراعات و یک نهاد رسمی دولتی است که مسئول حقوق مالکیت فکری در انگلیس بوده و یک سازمان اجرایی از وزارت تجارت، انرژی و استراتژی صنعتی^{۳۸۸} است.

اداره مالکیت فکری انگلستان در سندی تحت عنوان "اصول آیین‌نامه رفتار برای سازمان‌های مدیریت جمعی"^{۳۸۹} دستورالعمل‌هایی منتشر کرده است که سازمان‌های مدیریت جمعی انگلیس در تهیه آیین‌نامه رفتار سازمان خود از آن استفاده کرده و اصولاً آیین‌نامه رفتار آنها منطبق با این اصول خواهد بود.

^{۳۸۵} Copyright, Designs and Patents Act 1988

^{۳۸۶} The Collective Management of Copyright (EU Directive)

^{۳۸۷} Intellectual Property Office (IPO). <http://www.ipo.gov.uk>

^{۳۸۸} Department for Business, Energy and Industrial Strategy (BEIS)

^{۳۸۹} Principles of Codes of Conduct for Collective Management Organizations

مقررات مذکور شامل الزامات مربوط به عملکردهای نظارتی سازمان‌های مدیریت جمعی است. اصولاً نظارت بر سازمان مدیریت جمعی توسط کسانی انجام می‌شود که نماینده اعضای آن باشند. گرچه نمایندگی و حضور اشخاص حقوقی در سازمان‌های مدیریت جمعی مرسوم نیست اما منتفی نیز نمی‌باشد.

سازمان‌های مدیریت جمعی در انگلستان، به صورت نهادهای خصوصی هستند که در قالب‌های حقوقی مختلفی نظیر شرکت با مسئولیت محدود تشکیل می‌شوند و مقررات موجود، محدودیت خاصی در این زمینه تعیین نکرده‌اند. به عنوان مثال PRS غیرانتفاعی بوده و یک شرکت با ضمانت محدود است به طوری که هر سود حاصل از شرکت برای استفاده مجدد از تجارت مورد استفاده قرار می‌گیرد و اساساً برای منافع اعضای خود تشکیل می‌شود.

در انگلستان دولت (اعم از قوه مجریه و قوه قضائیه) در بخش مدیریت و حاکمیت سازمان‌های مدیریت جمعی حضور نداشته، از این موضوع استقبال نمی‌کنند و در آنها نماینده رسمی ندارند. نقش دولت در این زمینه صرفاً نقش نظارتی است.

سازمان‌های مدیریت جمعی انگلیس، روش‌هایی برای حل و فصل اختلافات و شکایات در آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های داخلی برای حل مشکلات کاربران و صاحبان حق پیش‌بینی می‌کنند که در وبسایت آنها در دسترس همگان قرار دارد. در اکثر این سازمان‌ها هنگامی که روند رسیدگی داخلی به شکایات به نتیجه نمی‌رسد، به یک دادگستر مستقل^{۳۹۰} مراجعه می‌کنند که سازوکارهای حل اختلاف جایگزین مستقل و بی‌طرفانه ارائه می‌کند. این سرویس توسط یک شرکت خصوصی ارائه می‌شود و از همه ارگان‌های دولتی مستقل است. این شرکت قصد دارد یک وسیله سریع و غیررسمی برای حل و فصل اختلافات را ارائه دهد. طرفین در حل اختلافات جایگزین اختلافات ممکن است از حقوق خود برای جبران خسارت قانونی چشم‌پوشی کنند.

^{۳۹۰} Ombudsman. <https://www.disputeresolutionombudsman.org/ppl-prs>

از آنجا که کپی‌رایت یک حق خصوصی است، دارنده حق که ادعای نقض حقوق اثر خود را دارد باید شکایت فردی را در مراجع قضایی مطرح کند. به طور معمول، سازمان مدیریت جمعی فقط در صورت نقض قرارداد وی با چنین کاربری و بر اساس قرارداد می‌تواند علیه وی طرح دعوا کند. در برخی شرایط، هنگامی که یک کاربر (به عنوان مثال یک اپراتور سیستم‌عامل) حقوق تعداد زیادی از اعضای سازمان مدیریت جمعی را نقض می‌کند، سازمان می‌تواند از طرف اعضای خود طرح دعوا کند. در انگلستان، دادگاه‌های ویژه کپی‌رایت که دارای قواعد صلاحیت خاص خود است، به دعاوی کپی‌رایت و حقوق مرتبط رسیدگی می‌کند.

سازمان‌های مدیریت جمعی انگلیس:

(۱) انجمن جمع‌آوری هنرمندان^{۳۹۱}

این انجمن با جمع‌آوری حق فروش مجدد و کپی‌رایت آثار از طرف هنرمندان در انگلیس و اتحادیه اروپا سروکار دارد.

(۲) انجمن صدور مجوز و جمع‌آوری نویسندگان^{۳۹۲}

انجمن صدور مجوز و جمع‌آوری نویسندگان یک سازمان غیرانتفاعی است که توسط نویسندگان برای نویسندگان اداره می‌شود.

(۳) انجمن جمع‌آوری حقوق صاحبان سهام انگلیس^{۳۹۳}

این انجمن تنها سازمان مدیریت جمعی بریتانیا برای مجریان سمعی و بصری است.

(۴) آژانس مجوز کپی‌رایت با مسئولیت محدود^{۳۹۴}

^{۳۹۱} Artists Collecting Society (ACS)

^{۳۹۲} Authors' Licensing and Collecting Society (ALCS)

^{۳۹۳} British Equity Collecting Society (BECS)

این آژانس یک نهاد صدور مجوز است که متعلق به انجمن صدور مجوز و جمع‌آوری آموزشی و بیولیتین (ALCS) و انجمن صدور مجوز ناشران (PLS) است تا مجوزهای جمعی را از طرف آنها انجام دهد و مجوزهایی برای تکثیر انبوه و کپی دیجیتالی ارائه می‌دهد.

(۵) انجمن کپی‌رایت و طراحی و هنرمندان^{۳۹۵}

این انجمن توسط هنرمندان برای هنرمندان تأسیس شده است و یک سازمان مدیریت حقوق هنرمندان تجسمی است.

(۶) کارگردانان انگلیس^{۳۹۶}

انجمن حرفه‌ای کارگردانانی است که با تصویر متحرک در انگلستان کار می‌کنند.

(۷) آژانس حقوق پخش^{۳۹۷}

آژانس حقوق پخش رادیو تلویزیونی است که به صنعت موسیقی در ولز خدمت می‌کند.

(۸) آژانس ضبط آموزشی محدود^{۳۹۸}

این آژانس مجوز استفاده از حقوق را برای مؤسسات آموزشی را فراهم می‌کند.

(۹) سازمان با مسئولیت محدود دسترسی به رسانه‌ها^{۳۹۹}

برای سازمان‌ها مجوز و دسترسی به مطالب روزنامه‌ها را فراهم می‌کند.

^{۳۹۴} The Copyright Licensing Agency Ltd (CLA)

^{۳۹۵} Design and Artists Copyright Society (DACS)

^{۳۹۶} Directors UK

^{۳۹۷} Eos (The Broadcasting Rights Agency)

^{۳۹۸} The Educational Recording Agency Limited (ERA)

^{۳۹۹} NLA media access limited

۱۰) شرکت با مسئولیت محدود اجرای صوتی^{۴۰۰}

این شرکت مجوز پخش موسیقی ضبط شده برای عموم یا سایر پخش‌ها از جمله آنلاین را می‌دهد.

۱۱) شرکت با مسئولیت محدود پی‌آراس برای موسیقی^{۴۰۱}

مجوزهای موسیقی برای پخش، اجرا یا در دسترس قرار دادن موسیقی دارای کپی‌رایت را صادر می‌کند.

۱۲) انجمن صدور مجوز ناشران^{۴۰۲}

این انجمن به نمایندگی از ناشران، خدمات مدیریت حقوق را در صنعت نشر برای کپی کردن کتاب، ژورنال، مجله و وبسایت ارائه می‌دهد.

^{۴۰۰} Phonographic Performance Limited (PPL)

^{۴۰۱} PRS for Music

^{۴۰۲} Publishers Licensing Society (PLS)

ضمیمه ۳) ماده واحده پیشنهادی

"سازمان‌های مدیریت جمعی به منظور بهره برداری موثر از حقوق آثار ادبی و هنری و حقوق مرتبط تشکیل می‌گردند. متقاضی تاسیس سازمان مدیریت جمعی، تقاضای خود را همراه با اساسنامه پیشنهادی به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تقدیم می‌کند. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با انجام بررسی‌های لازم و کافی ظرف مدت یک ماه درباره پذیرش یا رد تقاضا با دلایل موجه اعلام نظر خواهد نمود. در صورت اعلام موافقت اصولی با تقاضا و تصویب اساسنامه توسط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان مدیریت جمعی می‌تواند در قالب شرکت، مؤسسه یا انجمن و به صورت انتفاعی یا غیرانتفاعی طبق مقررات سازمان ثبت اسناد و املاک کشور به ثبت برسد که همه عناوین مذکور تحت عنوان سازمان مدیریت جمعی شناخته می‌شود."

فهرست منابع اصلی :

- Educational Material on Collective Management of Copyright and Related Rights. Module 2: MANAGEMENT OF COPYRIGHT AND RELATED RIGHTS IN THE FIELD OF MUSIC. Nicholas Lowe. August 30 ,2012. wipo
- Educational Material on Collective Management of Copyright and Related Rights. Module 3: Management of copyright and related rights in the audiovisual field. Tarja Koskinen-Olsson. Nicholas Lowe. August 31 ,2012. wipo
- Educational Material on Collective Management of Copyright and Related Rights. Module 4: Management of rights in print and publishing. Tarja Koskinen-Olsson. Nicholas Lowe. August 31 ,2012. wipo
- Educational Material on Collective Management of Copyright and Related Rights. Module 5: Management of rights for visual arts and photography. Tarja Koskinen-Olsson. Nicholas Lowe. 2012. wipo
- Educational Material on Collective Management of Copyright and Related Rights. Module 6: Management of rights in dramatic works. Tarja Koskinen-Olsson. Nicholas Lowe. August 31 ,2012. wipo

- How to Make a Living from Music.Creative industries - Booklet no. 4 ,2nd edition. David Stopps. 2014.wipo
- WIPO Studies on the Economic Contribution of the Copyright Industries . 2014
- From Artist to Audience .WIPO-CISAC-IFRRO Publication ,2004
- Rights ,Camera ,Action! IP Rights and the Film-Making Process .WIPO . Creative Industries ,Booklet No. 2 ,2008.
- From Script to Screen – The Importance of Copyright in the Distribution of Films ,WIPO ,Creative Industries ,Booklet No. 6 ,2011.
- Andean Community: Decision No. 351 established the Common Regime on Copyright and Neighboring Rights ,1993
- Belgium: Code of Economic Law (consolidated version of 2016) (French(
- Bosnia and Herzegovina: Law on the Collective Management of Copyright and Related Rights ,2010
- Brazil: Law No. 9.610 on Copyright and Neighboring Rights ,1998 (as amended by Law No. 12.853 of August 14 ,2013) (Portuguese(
- Canada: Copyright Act (R.S.C. ,1985 ,c. C-42) (as amended up to June 22 , 2016(

- Chile: Law No. 17.336 on Intellectual Property (as amended up to Law No. 20.750 on the Introduction of Digital Terrestrial Television) (Spanish)
- Colombia: Law No. 44 of 1993 (February 5) ,amending and supplementing Law No. 23 of 1982 (and amending Law No. 29 of 1944)
- Ecuador: Organic Code on the Social Economy of Knowledge ,Creativity and Innovation .2016 (Spanish)
- European Union: Directive 2014/26/EU of the European Parliament and of the Council of 26 February 2014 on collective management of copyright and related rights and multi-territorial licensing of rights in musical works for online use in the internal market
- Germany: Act on the Management of Copyright and Related Rights by Collecting Societies (Collecting Societies Act ,as amended up to Act of June 1 .2017)
- Guatemala: Law on Copyright and Related Rights (Decree No. 33-98 ,as amended up to Decree No. 11-2006 of the Congress of the Republic)
- Japan: Law on Management Business of Copyright and Neighboring Rights (Law No. 131 of November 29 ,2000 ,as last amended by Law No. 28 of May 2 ,2008) (Japanese)
- Malawi: Copyright Act ,2016 (Act No. 26 of 2016)

- Mexico: Federal Law on Copyright (consolidated text published in the Official Journal of the Federation on January 13, 2016) (Spanish)
- Paraguay: Law No. 1328/1998 on Copyright and Related Rights
- Peru: Copyright Law (Legislative Decree No. 822 of April 23, 1996)
- Republic of Korea: Copyright Act (Act No. 432 of January 28, 1957, as amended up to Act No. 14634 of March 21, 2017)
- Senegal: Law No. 2008-09 of January 25, 2008, on Copyright and Related Rights
- Switzerland: Federal Act of October 9, 1992, on Copyright and Related Rights (status as of January 1, 2017)
- Uganda: Copyright and Neighbouring Rights Act, 2006
- United States of America: Copyright Act of 1976, 17 U.S.C. §§ 101 et seq. (consolidated version of December 2011)
- Uruguay: Law No. 17616 of January 10, 2003, amending Law No. 9.739, relating to the Protection of Copyright and Related Rights
- Venezuela: Law on Copyright of August 14, 1993
- Brazil: Decree No. 8469, of June 22, 2015

- China: Regulations of December 22 ,2004 .of Copyright Collective Management (promulgated by Decree No. 429 of December 28 ,2004 of the State Council of the People's Republic of China(
- Nigeria: Copyright (Collective Management Organizations) Regulations , 2007
- Venezuela: Regulation to the Statutory Deposit Law ,1997 (Spanish(
- CISAC: Professional Rules
- IFPI: Code of Conduct
- IFRRO: Code of Conduct
- United Kingdom: The British Copyright Council's Principles of Good Practice for Collective Management Organizations
- SCAPR: Code of Conduct
- WIPO Good Practice Toolkit for CMOs (The Toolkit) .DATE OF PUBLICATION: OCTOBER 31 ,2018.
- Study on the Economic Contribution of Copyright Industries in Turkey , 2014.
- Agreement Revising the Bangui Agreement of March 2 ,1977 .on the Creation of an African Intellectual Property Organization (Bangui Agreement)

- ضوابط و مقررات تأسیس مراکز، مؤسسات، کانونها و انجمنهای فرهنگی و نظارت بر فعالیت آنها مصوب

۱۳۷۵

- آیین‌نامه اجرایی تأسیس مراکز، مؤسسات، کانونها و انجمنهای فرهنگی و هنری خارجیان مقیم ایران

مصوب ۱۳۸۱